غلامرضا عرفانیان
ق ۱۲۰۲۶۹

کتابخانه آستانقدس
۲۷ /۱۲/ ۱۳۸۷

اسم کتاب حلیة المتقین / فارسی

مصنف محمد باقر مجلسی

مؤلف

خطی نسخ مختلف السطر

چاپی

سال چاپ یا تحریر — عدد اوراق ۱۹۲

جزء کتب اخبار شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۱۰۴۱ شماره قبض

واقف حاج آقا محمد ایرانی مجدّد تاریخ وقف بهمن ۵۰/

طول ۳۰ عرض ۲۱/۵ شماره صفحات

۱۱۸

یا صاحب الزمان ادرکنی

یا صاحب الزمان ادرکنی

یا صاحب الزمان ادرکنی

یا صاحب الزمان ادرکنی

کتاب حلیة المتقین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله الذی خلق انبیائه المرسلین باحسن حلیة المتقین و بعث بخاتمهم اصفیائه محمد صلی الله
علیه و آله لتتمیم مکارم اخلاق المومنین و اکمل فی اوصیائه المنتجبین افضل خصال النبیین فصلوات
الله علیه و علیهم اجمعین عدد انفاس المسبحین من الملائکة والناس اجمعین و لعنة الله علی
ملاء السموات و الارضین اما بعد چنین گوید تراب اقدام مومنین و خادم طلبه علوم ائمه
طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشره الله مع موالیه المطهرین صلوات الله علیهم اجمعین که
چون امتیاز بنی نوع انسان از سایر انواع حیوان بتخلق باخلاق حسنه و تزیین باداب مستحسنه است
و بمقتضای حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمامی آداب پسندیده
و جمیع اخلاق حمیده در شرع انور و دین اطهر آنحضرت ظاهر و مبین گردیده و چون مختصری از مکارم
اخلاق آنحضرت در کتاب عین الحیوة بیان شده بود جمعی از مالکان مسالک سعادت و ناهجان
مناهج متابعت اهلبیت رسالت علیهم السلام از این ذره حقیر التماس نمودند که رساله در بیان محا[illegible]
آداب که از طریقه مستقیمه ائمه طاهرین صلوات الله علیهم باسانید معتبره باین قلیل البضاعه
رسیده باشد بر وجه اختصار تحریر نماید که عموم نفع نسبت باهل این دیار بمضامین اخبار
در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه در آورد لهذا با ضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق
اخوت ایمانی را لازم دانسته و از مقتضای حدیث الدال علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت
ملتمس ایشان نموده و بر چهارده باب و خاتمه مرتب گردانید **باب اول** در آداب لباس [illegible]
باب دویم در آداب حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن
باب سیم در آداب خوردن و آشامیدن **باب چهارم** در فضیلت تزویج و آداب مجامعت [illegible]
[illegible] ترتیب فرزندان و معاشرت با ایشان **باب پنجم** در آداب مسواک کردن و [illegible]

و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال اینها **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن
و بوی خوش بوئیدن و روغن مالیدن **باب هفتم** در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن **باب هشتم**
در آداب [illegible] رفتن و بیت الخلا رفتن **باب نهم** در آداب حجامت و شقیقه و ذکر بعضی از ادعیه
و احراز و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض **باب دهم** در آداب معاشرت زنان و حقوق اصناف
ایشان **باب یازدهم** در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال اینها **باب دوازدهم**
در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن **باب سیزدهم** در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن
و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه داشتن **باب چهاردهم** در آداب سفر خاتمه در بیان بعضی
از فواید متفرقه و هر یک از این ابواب بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیة المتقین مسمی گردانید
امید از ناظران در این رساله و عاملان باین عمل آنکه مجرم خطاپیشه را بدعای مغفرت و استدعای
رحمت یاد نمایند و بر خطای لفظی و معنی این معترف بعجز و قصور را مؤاخذه ننمایند والله الموفق والمعین

باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن **فصل اول** در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث
معتبره بسیار زینت کردن و جامهای پاکیزه و فاخر پوشیدن و هرگاه از حلال بهم رسد و مناسب حال او
باشد سنت است و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد و بی حرج میسر نشود باید که
در تحصیل زیادتیهای لباس که مانع عبادت الهی نگردانند و آنکه حق تعالی روزی بر او فراخ گردانیده
در خور او بخورد و بپوشد و صرف نماید و به برادران مومن بدهد و اگر روزی بر او تنگ شود قناعت نماید
و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که هرگاه خدا نعمتی به بنده کرامت کند و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا می نامند و یاد کننده
نعمت پروردگار خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هرگاه حق تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید
دوست میدارد که اثر آن نعمت را بر او ببیند از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست باید که مومن
از برای برادر مومن خود زینت کند چنانچه برای بیگانه زینت کنید که خواهید شما را بنیکوترین هیأتی ببینند
بسند معتبر منقولست از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می نشستند و در
زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای گنده می پوشیدند و چون از خانه بیرون می آمدند برای مردم زینت
میکردند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی زینت و اظهار نعمت را دوست
دارد و بدحالی و اظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت در بنده خود ببیند باید که جامه
خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد و خانه را نیکو دارد و ساحتهای خانه را رفت کند حتی آنکه چراغ را پیش از
فرو رفتن آفتاب روشن کند فقر را زایل میگرداند و روزی را زیاد میکند و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه منقولست که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای شفقت دنیا را بر ایشان تنگ کرده است و محبت دنیا را
از ایشان بر داشته پس بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی آن خوانده راغب کرد [illegible]

اصرار میکنند و مشتاقند بانچه نزد خداست پس چون ایشان آخرت را بر دنیا اختیار کردند حق تعالی از ایشان

خوشنود باشد و میلانند که حرکت راهی بیند که بهرهٔ او دنیا است پس تو نیز برای آخرت خود انداز و چندان

وطلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای کهنه می پوشیدند و بقوت ضروری قناعت مینمایند و دنیا

دینها را در راه خدا میدهند که توشهٔ آخرت ایشان باشد و از برای خدا با نیکان دوستی

میکنند و از برای خدا با بدان دشمنی مینمایند ایشانند چراغهای راه هدایت و ایشانند

متنعم بنعیم آخرت و یوسف ابن ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبد الله علیه السلام رفتم

جامهای خز پوشیده بود پرسیدم که چه میفرمایید در جامهٔ خز فرمود که باکی نیست بدرستی که چون حضرت

امام حسین علیه السلام شهید شد جامهٔ خز پوشیده بود چون حضرت امیر المومنین علیه السلام عبد الله

عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشیده و بهترین

بویهای خوش خود را خوشبو کردانیده و بهترین اسبان سوار شد و بنزد ایشان رفت

گفتند تو از بهترین مردمی چرا لباس جباران را پوشیده و بر اسبان ایشان سوار شده عبد الله

عباس این آیه را خواند قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

یعنی بگو ای محمد صلی الله علیه و آله کی حرام کرده است زینتی را که خدا برای بندگان خود

بیرون آورده است و روزیهای طیب و نیکو را پس حضرت فرمود که جامهای نفیس

بپوشید و زینت کن که خدا نیکو است و نیکو کاران را دوست میدارد اما باید که از حلال

باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است بمسجد

الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای پر قیمت نیکو

پوشیده است گفت والله بروم و او را بر این جامها سرزنش کنم پس نزدیک آمد و گفت

ای پسر رسول خدا والله که پیغمبر چنین جامه نپوشیده و هیچکس از پدرانت چنین

جامها نپوشیده حضرت فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بود

که روزی بر مردم تنگ بود امروز بر مردم روزی فراخ است سزاوارترین مردم

بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس آن آیه را خواند که گذشت و فرمود که ما

سزاوارترین مردمیم بتصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را

(حاشیه:) [illegible]

اهدائی مرحوم حاج آقا ... ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

جامه را که میبینی برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کرد و باو نمود جامهٔ کهنهٔ درشتی زیر

پوشیده بودند فرمود که این جامهٔ کهنه را برای خود پوشیده ام و این جامهای نیکو را برای خلق پس

دست زدند و جامهٔ بالای سفیان را در کردند و در زیر جامهٔ کهنه جامهٔ نازک پوشیده بود

فرمودند که جامهٔ پایین را برای لذت نفس خود پوشیده و جامهٔ بالا را برای فریب دادن

مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبد الله ابن هلال منقولست که گفت عرض کردم بخدمت

حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید مردم را احوال کسی که طعامهای

بد مزه را ناگوار میخورد و جامهای کهنه می پوشد و اظهار شکستگی و خشوع می نماید فرمود

مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبر زاده بود قباهای دیبای طلا باف می پوشید

و بر مجالس آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را بالباس

او کاری نبود از او عدالت و حکم میخواستند امام می باید آنچه گوید راست گوید و هر گاه

وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا حلال بر کسی حرام نکرده است و بندی

بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند این آیه را که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ و بسیا

ری از اخبار مناسب این فصل را در عین الحیوة ایراد نموده فصل دویم در بیان

جامهای که حرامست پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامهٔ حریر محض پوشیدن

و جامهٔ طلا باف پوشیدن حرام و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهای که عورت را بآن نتوان

پوشید هم از حریر نباشد و بان احوط آنست که اجزای جامه مانند سجاف حریر نباشد و بهتر آنست

که چیزی که با ابریشم مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی آنست که بقدر ده یک یا نه یک

باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده نباشد

هر چند که دباغی کرده باشند بنابر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوان چندی که قابل تذکیه نیست

نباشد و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانی که گوشتشان حرام است

نباشد و در سمور و سنجاب و خز که الحال معروفست خلاف است و احوط اجتناب است اگر چه اظهر در

سنجاب و خز آنست که نماز در آنها جایز است و بهتر آنست که جامه که در زیر جامها یا در بالای جامها

پوشیده باشند نماز نکنند مبادا موی چسبیده باشد و بهتر آن است که ولی اطفال غیر بالغ را نیز

منع نماید از پوشیدن حریر و طلا و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه فرمود که یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تو است
در بهشت و جامهٔ حریر مپوش که آن پوشش تو است در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که جامهٔ حریر مپوش که خوشها
بسبب این در قیامت پوست را با آتش میسوزانند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که جایز است مرد را
که اهل خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کنیزان را اما پسران نه و در حدیث دیگر وارد است که آنحضرت فرمود
که پدرم امام محمّد باقر علیه السلام فرزندان و زنان خود را بزیور طلا و نقره زینت میفرمود و باکی نیست و حکمت که مراد
از فرزندان دختران باشند و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد و احوط اجتناب است **فصل سیم** در پوشیدن
پنبه و کتان و پشم بهترین جامهها جامه ایست که از پنبه باشند و بعد از آن کتان است و جامهٔ پشمینه را
همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد
نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که پوشیدن جامهٔ پنبه که آن پوشش
رسول خدا صلّی الله علیه و آله است و پوشش ما اهلبیت است و حضرت رسول صلّی الله علیه و آله جامهٔ مو و پشم
نمی پوشیدند مگر از برای علّتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نباید پوشید
جامهٔ مو و پشم مگر برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن کثیر منقول است که حضرت صادق علیه السلام
دید که پیراهن کنده پوشیده و جامهٔ پشمینه بر بالای آن پوشیده و بر بالای آن پیراهن کنده پوشیده گفت فدای
تو شوم مردم کراهت دارند از پوشیدن جامهٔ پشمینه حضرت فرمود که پدرم می پوشید و حضرت امام زین العابدین ع
میپوشیدند هرگاه بنماز می ایستادند و کنده ترین جامهها را می پوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از حضرت رسول صلّی الله علیه
و آله منقول است که پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم بر روی زمین با غلامان چیز خوردن و بر الاغ جل دار سوار
شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن و جامهٔ پشمینه پوشیدن و وجه جمع میان احادیث
آنست که اگر پوشیدن پشم را زی خود قرار دهند و بآن ممتاز شوند اند و بگران مذموم است اما اگر گاهی برای
قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند قصوری ندارد و مؤیّد این معنی است آنچه حدیث ابوذر وارد
شده است که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرمود که در آخر الزمان گروهی بهم رسند که جامهٔ پشمینه
در تابستان و زمستان بپوشند گمان کنند که ایشان را بر دیگران باین سبب فضلی و زیادتی است آنجماعت را
لعنت کنند ملائکه آسمانها و زمین و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که کتان از پوشش
پیغمبرانست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت علی ابن الحسین علیهما السلام جامهٔ خز بپانصد درهم یا پانصد درهم میخریدند
و در زمستان میپوشیدند و چون زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدّق میفرمودند

میفرمودند **فصل چهارم** در بیان رنگهائی که در جامه سنّت یا مکروه است بهترین رنگها در جامه سفید است
و بعد از آن زرد و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی و مکروه است سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن
جامهٔ سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولست که بپوشید جامهٔ
سفید که آن نیکوتر و پاکیزه ترین رنگها است و مردهای خود را در او کفن کنید
و از حضرت صادق ع مرویست که حضرت امیر المؤمنین ع در اکثر اوقات جامهٔ سفید
می پوشید و حفص مؤذّن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق ع در میان قبر و
منبر نماز میکردند و جامهٔ زردی برنگ به پوشیده بودند و در حدیث دیگر از زراره منقولست
که حضرت امام محمّد باقر ع بیرون آمد و جبّهٔ زرد خز پوشیده و عمامهٔ خز و در ردای خز
زرد پوشیده و در حدیث معتبر از حکم بن عتیبه منقولست که بخدمت حضرت امام محمّد باقر ع رفت دید
که جامهٔ سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که در این
جامه چه میگوئی حکم گفت چه گویم در چیزی که شما پوشیده باشید اما جوانان شوخ
که در میان ما اینجامه را می پوشند ما ایشانرا عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را
که حرام کرده است بعد از آن فرمود باین سبب اینجامه را پوشیده ام که تازه داماد شده
و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که جامهٔ پوشیدن کراهت دارد
مگر برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس منقولست که امام رضا علیه السلام را دید
که طیلسان کبود پوشیده بودند و از حسن زیات منقولست که دیدم حضرت ابی جعفر ع
را دیدم که جامهٔ برنگ گل سرخ پوشیده بودند و محمّد ابن علی روایت کرده است که
حضرت امام موسی ع را دیدم که جامهٔ عدسی پوشیده بودند و از ابی العلی منقولست که
که جبرئیل در روز آخر ماه مبارک رمضان بحضرت رسول ص و آله نازل شد
بعد از نماز عصر چون بآسمان رفت حضرت رسول ص حضرت فاطمه ع را طلب نمود
و فرمود که شوهر خود علی را طلب پس چون حاضر شدند حضرت امیر المؤمنین را
در جانب راست نشانید دستش را گرفت و بر دامن خود گذاشت پس رو بگر میجانب

۳

شما الخبر یا منیه جبرئیل مرا بآن خبر داد گفتند بلی یا رسول الله پس حضرت فرمود که جبرئیل گفت که
در قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خدا دو جامه بمن بپوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ
گل و تو یا علی در جانب راست عرش خواهی بود و دو جامه چنین در تو بپوشانند پس راوی عرض کرد که مردم
رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون خدا حضرت عیسی را باسمان برد جامهٔ چنین بر او پوشانید
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که میپوشید جامهٔ سیاه که آن پوشش فرعون
است و در حدیث دیگر معتبر منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم
فرمود که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
مکروه است سیاه مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا **فصل پنجم** در بعضی آداب جامه پوشیدن و آستین
جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رفت ببازار و سه جامه برای خود
خرید یکی اشرفی پیراهنی را تا نزدیک به بند پا و لنگی را تا نیمهٔ ساق و ردا از پیش تا پستان و از
عقب تا پایین تر از کمر پس دست باسمان برداشت پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بخانه برگشت
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه از آنچه از غوزک پا بگذرد در آتش جهنم است و از حضرت امام
موسی کاظم صلوات الله علیه و آله منقول است که حق تعالی به پیغمبر خود فرمود که و ثیابک فطهر
ترجمهٔ لفظش این است که جامهای خود را پاک کردان حضرت فرمود که جامهای آنحضرت پاک بود
ولیکن مراد الهی آن است که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بر دار که زمین کشیده
نشود و در روایت حسن از حضرت باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را
وصیت فرمود که فرمود زنهار که پیراهن و ازار خود را بلند میادین که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست
نمیدارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله چون پیراهن می
پوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذشت می بریدند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله بابوذر فرمود که هر که از روی تکبر جامه اش بر زمین کشد حق تعالی در قیامت نظر
رحمت باو نفرماید و ازار در نصف ساق است و تا بند پا هم جایز است و زیاده در آتش است
فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد حرام است مردان را پوشیدن لباسی
که مخصوص زنان یا کافران باشد مانند چک و مقنعه و تمیته و هم چنین حرام است زنان را پوشیدن
لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچیک را جایز نیست پوشیدن لباسی
که مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز
نیست زنرا که شبیه شود بمردان زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که
شبیه بزنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبران که بگو بمؤمنان که نپوشند جامهای
دشمنان مرا و نخورند طعام دشمنان مرا و بمسلک دشمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز

که ایشان نیز مانند ایشان دشمنان من خواهند **فصل هفتم** در آداب عمامه بر سر بستن سنت است و با عمامه
تحت الحنک بستن سنت است و یکطرف عمامه را از پیش رو و یکی از عقب انداختن بر دوش سادات
مدینهٔ مشرفه سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه ایستاده بپیچید
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عمامه تاج عربان است هرگاه که عمامه را
بر طرف کنند خدای عزتشان را بر طرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که عمامه بر پیچد بر سر و تحت الحنک نه بندد پس درد برسد که دوا نداشته
باشد پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله عمامه بستند و یکطرف عمامه را پیش انداختند و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل علیه السلام
نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که ملائکه در روز بدر عمامهای سفید
در سر داشتند و علاقهها انداخته بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بدست مبارک خود
پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش در آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب
سر آویختند پس فرمودند برو رفتند فرمودند بیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است والله
تاجهای ملائکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا
بخوان بسم الله ارفع ذکری واعل شأنی واعزنی بعزتک واکرمنی بکرمک و بین یدیک و بین
خلقک اللهم توجنی بتاج الکرامة والعز والقبول و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل
کرده است که این دعا بخوانند اللهم سومنی بسیماء الایمان وتوجنی بتاج الکرامة وقلدنی حبل
الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی و گفته است که باید عمامه را ایستاده بپیچد و حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که در سر میگذاشتند و دو کلاههای
دراز که بر طلسه میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها زی یهودان است و علما
گفته اند که مکروهست و از بعضی احادیث ظاهر میشود که پایین کلاه را شکستن و بر
گردانیدن مکروهست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر کلاهی که ترک داشته
در میان امتان بسیار شود تا کردن در میان ایشان شایع شود کلاه ترک دار

اللهم

مانند تاووق و کلاه بکتاشی و امثال آن باشند **فصل هشتم** در آداب زیرجامه
پوشیدن از حضرت اباعبدالله منقولست که حق تعالی وحی فرمود بحضرت
ابراهیم که زمین بمن شکایت میکند از بدی عورت تو پس میان عورت خود
و زمین حجابی قرار ده پس زیرجامهٔ ناف تا زانو عمل آورد بپوشید و از جامع
روایت وارد شده است که هر که زیرجامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش
برآورده نشود و در تهذیب و ضوء مذکور است که زیرجامه را نشسته بپوش
و ایستاده مپوش که موجب هلاک و دردها و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن
این دعا بخواند بسم الله اللهم استر عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیمة و اعفّ
فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا و یصنع لی
المکائد و یهیجنی لارتکاب محارمک و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که پیغمبران صلوات الله علیهم پیراهن را پیش از زیرجامه میپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده
که ایستاده و رو بقبله و رو بآدم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
زیرجامه را ایستاده پوشیدن موروث اندوه است **فصل نهم** در آداب جامهٔ نو
پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون کسی جامهٔ
نو پوشد این دعا بخواند اللهم اجعله ثوب یمن و تقی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک
و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به
فی الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله این دعا تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن جامهٔ نو بخوانم الحمد لله
الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک
و اعمر فیها مساجدک پس فرمود یا علی هر که این دعا بخواند چون جامه را بپوشد
آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که
است که کسی که جامه نو بپوشد دست بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی و اتجمل به فی الناس و اتزین به بینهم و از حضرت ابی عبد الله جعفر بن
محمد الصادق علیه السلام منقول است که هر کس آبی در ظرف نوی بکند و سی و دو مرتبه سورهٔ

سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر بر آن آب بخواند و بر جامه نو بپاشد و در هنگام پوشیدن پیوسته در
فراخ روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که چون
جامه نو بپوشی بگو لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله تا از آفتها نجات یابی و چیزی که دوست
داری بسیار از یاد مکن که از او در هم میشکند و چون بکسی کاری داشته باشی در غایبانه او را دشنام
مده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون
جامهٔ نوی پوشیدند جامهها را در جانب راست میگذاشتند و چون رخت نوی پوشیدندی
قدح آبی می طلبیدند و سورهٔ قل هو الله احد و آیة الکرسی و سورهٔ قل یا ایها الکافرون
هر یک ده مرتبه بر آن ظرف آب میخواندند و آن آب را بر جامه می پاشیدند و می فرمودند
که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد مادام که تاری از آن جامه باقی باشد.
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون خدا جامهٔ نوی
بکسی عطا فرماید و بپوشد باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سورهٔ
حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند پس حمد کند خدا را که عورت او را پوشانیده
و در میان ادرا مزین ساخته و بسیار بگوید که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین
کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری که در آن جامه هست ملکی خدا را بپاکی
یاد کند و برای او استغفار کند و برو ترحم کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که جامهٔ نوی ببرد آبی در ظرف کند و سی و شش مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند و ده
مرتبه که بآیهٔ تنزل الملائکه برسد اندکی از آن آب بر آن جامه بپاشد پس دو رکعت
نماز کند و دعا کند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی
و اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود
فصل دهم در آداب سایر جامه پوشیدن و کندن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که هرگاه مردم عریان شوند شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت
افکند فرمود که سزاوار نیست مرد را که جامهٔ خود را از ران خود دور کند در وقتی که در میان
جماعتی نشسته باشد و فرمود که چون جامهٔ خود را از بدن دور کنید بسم الله بگویید تا جنیان
نپوشند و اگر نگویند جنیان می پوشند آن جامه را تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه

رخت پوشیدن

السلام منقول است که سزاوار نیست زن مسلمان را که در پاک پیراهنی بپوشد که تن نما باشد
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است عرض مقنعهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها
آنقدر بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان باید چنین کنند و از حضرت صادق ع
بسند معتبر منقول است که ادنی اسراف آن است که جامهای اندرون و بیرون یکی باشد
و در حدیث دیگر منقول است که اسحق بن عمار از آنحضرت پرسید که میتواند بود مؤمن که ده
پیراهن داشته باشد فرمود بلی گفت بیست پیراهن فرمود بلی این اسراف نه آن است که
جامهٔ که باید برای زینت نگاه داشت بعوض جامه که در وقت دیگر بپوشند بپوشی و در
روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کردند که کسی ده پیراهن داشته باشد
اسراف است فرمود نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آن است که جامهٔ
نگاه داشتنی را در جای کثیف بپوشی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که
تا کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمود که جامهٔ پاکیزه پوشیدن
دشمن را ناخوش میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که شستن
جامه اندوه و غم را بر طرف میکند و موجب قبولی نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام منقول است که شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن و سنگ
ریزه انداختن بیکدیگر و قندران خائیدن در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر
و بندهای پیراهن گشودن و بسند معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
آمد و دید که گریبان جامه را بلند کرده اند آن شخص تعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین
نظر میکنی گفت از بلندی جامه تعجب میکنم کتابی در پیش حضرت بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته
بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت خود را باندازه نمیکند
و نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه فرمود
که اینقدر پینه بر جامهٔ خود زدم که شرم کردم از آنکس که بر آن پینه میزد و از حضرت صادق ع
منقول است که هر کس گریبان جامه را پینه زند و کفش را پینه کند و چیزی که برای خانهٔ خود خرد
بردارد و بخانه ببرد از تکبر ایمن گردد **فصل یازدهم** در رنگ نعلین و موزه و کفش و
چگونگی آنها بهترین رنگها در کفش رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها
در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در سفر سرخ خوب است و در حضر کراهت دارد
و در نعل سنت است که پیشش و عقبش بلند باشد و میانش تهی باشد و همه اش بر زمین نچه

بر زمین نچسبیده و غیر این مکروه است و ظاهر که کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش عربی مکروه است
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نیکو پوشیدن بدن را از بلا نگه میدارد
و معین است بر تمامی نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد عمرش دراز باشد چاشت را بامداد
بخورد و کفش نیکو بپوشد و ردا بالاپوش را سبک گرداند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق ع
فرمود که اول کسیکه نعلین پوشید حضرت ابراهیم ع بود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است
که نعل هموار پوشیدن که همه اش بر زمین برسد پوشش یهودان است و بر منع این قسم
احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبر وارد شده است که نعل سیاه مپوش
که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث غم و اندوه است و بر تو باد بنعل زرد که چشم را جلا
میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف میکند و پوشش پیغمبران است و در حدیث دیگر
وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب جلا و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران
محشور شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که نعل زرد بپوشد تا آنرا پوشیده
باشد در شادی و سرور باشد زیرا که حق تعالی در وصف بقرهٔ بنی اسرائیل میفرماید که صفراء فاقع
لونها تسر الناظرین یعنی زرد بسیار زردی که شاد گرداند نظر کننده را و بسند معتبر از سدیر
صیرفی منقول است که بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع رفتم و نعل سفید پوشیده بودم
فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیده پس فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی
بخرد و کهنه نکند تا آنکه کسب کند مالی را از جائی که گمان نداشته باشد راوی گفت که
سال بر من خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد اشرفی از جائی بدستم آمد گمان نداشتم
و در حدیث دیگر وارد شده که هر که نعل زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و
هر که نعل سیاه بپوشد هیچ یک را نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که موزه
پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان
میدهد از مرض سل و از مرگ بد و داود رقی روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق ع را
دیدم در سفر که موزهٔ سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این موزهٔ سرخ چیست فرمود که این
برای سفر گرفته ام که از برای گل و باران خوب است اما در حضر هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست
فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش بسندهای معتبر از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق ع منقول است که چون نعل پوشی ابتدا بپای راست بکن و در
وقت کندن ابتدا بپای چپ کن و فرموده‌اند که هر که با یکتای کفش براه رود دیعنی یک پا در کفش باشد
و دیگری برهنه شیطان بر او دست می‌یابد و دیوانه میشود از عبد الرحمن بن کثیر منقول است که گفت
در خدمت حضرت صادق ع براهی میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند دیگر از آستین خود بدر آوردم
و نعل را باصلاح آوردم و حضرت دست بر دوش من انداخته بودند پس فرمودند که هر که مؤمنی را بکار
برای اصلاح نعل او چون در قیامت بیرون آید حق تعالی او را بر ناقه کرم روی سوار کند تا در بهشت
بگوید و از یعقوب سراج منقول است که براهی در خدمت آنحضرت میرفتم بند نعل آنحضرت پاره
شد حضرت پای پیاده روان شدند عبد الله بن یعفور بند نعل خود را کشود و به نزد آنحضرت
آورد قبول نفرمودند و گفت که صاحب مصیبت اولی است که بر آن صبر نماید و عبد الرحمن ابن ابی عبد الله
روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتم چون داخل شدند نعل از پای بیرون
آوردند فرمودند که نعلها را بیرون کنید که کندن نعل راحت بدن است و منقول است که حضرت رسول
نهی فرموده از راه رفتن با یکتای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و در روایت که کراهت ایستاده
پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بندها‌یش را میباید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که سه چیز است که هر که کند بیم آن است که دیوانه شود غایط کردن در میان قبرها و با یکموزه راه رفتن
در خانه تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مداومت بر پوشیدن
موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا ع مذکور است که چون خواهی موزه یا کفش بپوشی
ابتدا بپای راست کن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ وَطِّئْ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الْإِيمَانِ وَلَا تُزِلَّهُمَا يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ اللّٰهُمَّ وَقِنِي مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالْعَا
هَاتِ وَمِنَ الْأَذَى و چون خواهی بکنی بگو اللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ و در
مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده شده که موزه و نعل را نشسته بپوشد و در وقت پوشیدن بگو
بگو بسم الله اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ
تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ و در وقت کندن ایستاده بکن و بگو بسم الله الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَقِي
بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الْأَذَى اللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ **باب دوم**
در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب
کردن **فصل اول** در فضیلت انگشتر بدست کردن و آداب آن سنت مؤکده است مردان و زنان را انگشتر
در دست راست کردن و در بعضی از احادیث تجویز فرموده‌اند که در دست چپ بکنید اما اگر

اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا باید بیرون کرد و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است که اگر خواهی انگشتر را بدست راست کنی و اگر خواهی بدست
چپ و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست میکردند و از سلمان فارسی رضی الله عنه مروی است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین ع فرمودند که یا علی انگشتر را در دست
راست کن تا از مقربان باشی عرض کرد که یا رسول الله صلی الله علیه و آله کدام مقربان
فرمود که جبرئیل و میکائیل پرسید که چه انگشتر را در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی
که آن اقرار کرده است برای خدا به یگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو یا علی بآنکه وصی منی
و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو ببهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنت
الفردوس و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرد
که بچه علت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام انگشتر در دست راست میکردند فرمودند زیرا
که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامهاشان را بدست راست میدهند و
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در دست راست میکردند انگشتر را و این علامت است برای
شیعیان ما که باین علامت ایشان می‌شناسند و محافظت کردن بر وقت فضیلت نماز بجای آوردن
و بدادن زکوة و بقیمت کردن مال خود با برادران مؤمن خود امر به نیکیها کردن و نهی از
از بدیها کردن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت جبرئیل بحضرت
رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر را در دست راست کند و غرضش متابعت سنت
تو باشد و به بینم در قیامت او را که متحیر مانده است دستش را بگیرم و به تو و بامیر المؤمنین
علیه السلام برسانم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیغمبران است
انگشتر در دست راست کردن و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر که انگشتری
در دست چپ داشته باشد که نام در او باشد در وقت استنجا بدر آورد و بدست دیگر
کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی
فرموده از انگشتر در انگشت شهادت کردن و انگشت میان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که انگشتر را بر بند پائین انگشت بر مانید و در روایت وارد شده است

که انگشتر را بسر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در نقد الرضا مذکور است که در وقت انگشتر
بدست کردن بگوید اللّهُمَّ سَمِّنِي بِسِيمَاءِ الإِيمَانِ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي إِلَى خَيْرٍ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْأَكْرَمُ و ابن طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که این دعا بخواند اللّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ
الْإِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي

فصل دوم در بیان آنچه انگشتر از آن ساختن سنت است که انگشتر از نقره باشد
و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان
و زنان را مکروه است چنانچه منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند
معتبر و حسن که انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چند حدیث
معتبر منقول است که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقول است که انگشتر غیر نقره در دست مکنید که بدرستی
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست دستی که در آن انگشتر آهن
باشد و در حدیث دیگر فرمود که پاک نکند خدا دستی که در آن انگشتر آهن باشد
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز نکنید
مردان در انگشتر آهن و نهی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است انگشتر حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش کرده بود محمد رسول الله

فصل سیم در فضیلت عقیق منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله چهار انگشتر در دست راست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت
و زینتش و فیروزه برای نصرت و یاریش و حدید چینی برای قوت تنش و عقیق برای حرز
و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که عقیق
فقر و درویشی بر طرف میکند و در دست کردن عقیق نفاق را زایل میکند و در حدیث صحیح دیگر از
آنحضرت منقول است که هر که قرعه با انگشتر عقیق بزند بهره او تمام تر از همه بیرون می آید و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیق در دست کنید که
مبارک است و هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست که عاقبتش مقرون

مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیع الابرار منقول است که در دست امام زین العابدین علیه السلام
انگشتر عقیق دید پرسید که این چه نگین است فرمود که عقیق رومی است و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که انگشتر عقیق داشته باشد البته حاجتش روا میشود و از حضرت صادق علیه
السلام منقول است که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و در حدیث دیگر از آن حضرت
منقول است که هر که انگشتری بگیرد که نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته
نیکو باشد و در حدیث دیگر منقول است که حاکمی پی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت
صادق علیه السلام فرمود که انگشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند مکروهی باو نرسید و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که دزدان در
راه بمن رسیدند و اموال مرا بردند حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن از هر بدی
نگاه میدارد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که انگشتر عقیق در دست کنید که مادام که
آدمی آن انگشتر را با خود دارد اندوهی باو نمی رسد و در حدیث دیگر منقول است که فرمود که انگشتر
عقیق با خود دارید که آن اول کوهیست که اقرار کرده است از برای خدا بیگانگی و از برای من به پیغمبری
و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث دیگر منقول است از ابن بشیر دهان که عرض کردم که کدام یک
از نگینها را بانگشتر خود بنشانم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق سفید که اینها سه کوه
اند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه رسول صلی الله علیه و آله و اما
کوه عقیق زرد پس مشرف است بخانه فاطمه صلوات الله علیها و اما کوه عقیق سفید پس مشرف
است بر خانه امیر المؤمنین علیه السلام و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاری است
از برف سردتر و از عسل شیرین تر و از شیر سفیدتر نمیخورند از آن نهرها مگر محمد و آل محمد ص
و شیعیان ایشان و هر سه نهر از کوهها می آیند و بیکجا میریزد و این سه کوه تسبیح و تقدیس الهی
میکنند و از برای محبان آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد ص یکی از
این عقیقها در دست داشته باشد نه بیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها
و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از هر چه آدمی از آن میترسد و حذر می نماید و در حدیث دیگر
منقول است که شخصی را بحضرت امام محمد باقر علیه السلام آوردند که تازیانه بسیار
بر او زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجاست اگر با او می بود تازیانه نمیخورد و در
روایت دیگر از حضرت امام حسین ع منقول است که چون حضرت موسی ع بر کوه طور با حق
تعالی مناجات کرد و بزمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود

که قسم خورده‌ام بذات مقدس خود که عذاب نکند آتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد
اگر ولایت علی بن ابی طالب ع داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل ع نازل
شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله پروردگار سلامت
میرساند و میفرماید انگشتر را بدست راست کن و نگینش را از عقیق کن و بگو بعلی بن ابی طالب
پسر عمت که انگشتر در دست راست کند و نگینش را عقیق کند حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
و سلامه علیه پرسید که یا رسول الله صلی الله علیه و آله عقیق کدام است فرمود که کوهی است در
یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو و اولاد تو بامامت
و برای شیعیان تو به بهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتی که غیر عقیق در
دست داشته باشند بچهار درجه زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بودم در خانهٔ منصور عباسی نشسته بود پس شخصی را بیرون آورده بودند
که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلیمان ببین انگشترش را چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول
الله عقیق نیست فرمود که ای سلیمان اگر عقیق می‌بود تازیانه نمیخورد عرض کردم یا ابن رسول
الله دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان عقیق امان می‌بخشد از دست بریدن و امان می‌بخشد از
خون های سلیمان خدای تعالی دوست میدارد که بلند کنند بدعا دستی که در آن نگین عقیق باشد عرض
کردم دیگر بفرما فرمود که نگاه دارندهٔ آدمی است از هر بلائی ایمن میگرداند از فقر عرض کردم
یا ابن رسول الله روایت کن این حدیث را از جدت حسین بن علی علیه السلام از پدرش امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود بلی و در روایت دیگر منقول است که دو رکعت نماز با انگشتر عقیق بهتر است از
هزار رکعت که بی آن باشد **فصل چهارم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در حدیث
معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و آله منقول است که انگشتر یاقوت در دست
کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است انگشتر
یاقوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی کاظم ع منقول است که انگشتر زمرد در دست
کردن موجب آسانی است که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع
بهمین لفظ وارد شده اما بلفظ زبرجد فرمود که انگشتر زمرد در دست داشتن فقر را بتوانگری
بدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود **فصل پنجم** در فضیلت
فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که انگشتر فیروزه در دست کنید که

که نقش نویسید و حسن بن علی بن مهران منقول است که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه بود و نقشش الله الملک بود من پیوسته
نظر میکردم در انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المؤمنین ع انگشتر فیروزه داشته
که نقشش الله الملک بوده است فرمود که آنرا میشناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و
این سنگیست که جبرئیل ع برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بهدیه آورده بود از بهشت و آن
حضرت بحضرت امیر المؤمنین ع بخشید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که انگشتر
جزع یمانی در دست کنید که رد میکند مکر متمردان شیاطین را و از حضرت امام رضا ع منقول است
که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمدند و انگشتر
جزع یمانی در انگشت کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند
فرمودند که این انگشتر را در دست راست خود کن و با آن نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر
هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میگوید و ثوابش برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد
صیمری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم و بسیار او را دوست میداشتم و فرزند از او بوجود
نمی‌آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و این مطلب را عرض کردم تبسم
فرمود و گفت که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رَبِّ لَا تَذَرْنِی
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ چنان کردم یکسال نگذشت که از آن زن پسری بوجود آمد و
از حضرت رسول ص منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میدارم
از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا
ناامید برگردانم **فصل ششم** در فضیلت در نجف و بلور و حدید چینی و سایر نگینها
بسند معتبر از مفضل بن عمر منقول است که گفت روزی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع
رفتم و انگشتر فیروزه در دست داشتم فرمود که ای مفضل فیروزه سیرگاه دیده‌های
مردان مؤمن و زنان مؤمنه است یا دور کنندهٔ درد است از دیده‌های ایشان و من
دوست میدارم برای هر مؤمن پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت و این فاخرترین
هم است و عقیق آن خالص‌تر است برای ما و برای خدا و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد
و سینه را گشایش میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون پی کاری رود آنرا در دست

شده باشند

کند پس چون بد کرد حاجتش بر آورده شود و حدید چینی و آنرا دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن بد نمیدانم در دست کردن آنرا در وقتی که بدیدن کسی رود که از او بترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و حدید چینی شیاطین را دور میکرداند باین دوست میدارم که داشته باشم نجیم آن دری که در نجف اشرف خدا ظاهر میسازد دید رسته که هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردنی بآن خداوند عالمیان زیادتی با حج و عمره در نامهٔ عمل او نویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر نگینی از آن بقیمت بسیار میرسید ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان توانگر و فقیر ایشان توانند در دست کرد ابو طاهر میگوید که این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم فرمود که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمایید فرمود که بلی برای فضیلت بسیاری که در آن وارد شده است بدرستیکه بدر مرخبر داد مرا که اول کسی که انگشتر عقیق در دست کرد حضرت آدم بود دید که در عرش بنور نوشته است اَنَا اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا وَحْدِی مُحَمَّدٌ صَفْوَتِی مِنْ خَلْقِی اَیَّدْتُهُ بِاَخِیهِ عَلِیٍّ وَنَصَرْتُهُ بِهِ تا آخر نامهای پنجگانه آل عبا پس حضرت از آن درخت میوه خورد و بزمین آمد متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و به برکت این نامها خدا توبه اش را قبول کرد پس حضرت آدم انگشتری از نقره و نگینش را از عقیق سرخ کرد و این نامهای پنجگانه را بر آن نقش کرد و انگشتر را در دست راست کرد پس این سنتی شد که پرهیزکاران از فرزندان هم بسنت او عمل کردند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نیکو نگین است بلور و از حسین عبد الله منقول است که سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه که آیا خوب است انگشتر کردن سنگی دیزه که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود که بلی اما چون خواهند که استنجا کنند از دست بیرون آورند یعنی اگر در دست چپ باشد

فصل هفتم در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش کنند حسین ابن خالد بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که جایز است شخصی استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگین اش لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ باشد حضرت فرمود که خوب نمیدانم این را از برای او گفت مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدران شما با انگشتر استنجا نمیکردند فرمود بلی ولیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکردند پس از خدا بترسید اینرا بایشان مبندید پس فرمود که نقش نگین حضرت آدم علیه السلام لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیًّا وَلِیُّ اللهِ بود

بود یا خود از بهشت آورده بود و حضرت نوح بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن میترسی هزار مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگو پس دعا کن تا من ترا و مومنان از غرق شدن نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد تندی وزید و حضرت نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگوید بزبان سریانی گفت هَلُولِیَا اَلْفًا اَلْفًا یَا مَارِیَا اَتْقِنْ پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد حضرت نوح فرمود که سخنی که خدا مرا بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد پس در انگشتر خود ترجمه آن بعربی نقش کرد لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اَلْفَ مَرَّةٍ یَا رَبِّ اَصْلِحْنِی و حضرت ابراهیم ع را در کفه منجنیق گذاشتند که در آتش اندازند جبرئیل ع بخشم آمد حق تعالی باو وحی فرمود که چه چیز ترا باعث غضب گردیده است عرض کرد پروردگارا خلیل تو است و هیچ کس نیست در اینوقت که ترا بیگانگی پرستد بغیر از او دشمن خود و دشمن او را بر او مسلط کردی پس خداوند عالمیان باو وحی فرمود که ساکت باش که کسی که تعجیل در امور میکند مثل تو بنده عاجزی باشد که میترسد که از دستش بدر رود اما من پس آن بنده من است هر گاه که خواهم او را میگیرم پس جبرئیل خاطرش مطمئن شد بجانب ابراهیم ع ملتفت گردید و گفت آیا ترا حاجتی هست گفت اما بتو پس نه پس حقتعالی انگشتری برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیًّا وَلِیُّ اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ فَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَی اللهِ اَسْنَدْتُ ظَهْرِی اِلَی اللهِ حَسْبِیَ اللهُ پس خدا وحی فرمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد و سلامت میگردانم و نقش نگین حضرت موسی ع دو حرف بود که از تورات بیرون آورده بود اِصْبِرْ تُوجَرْ اُصْدُقْ تَنْجُ یعنی صبر کن تا مزد یابی راست بگو تا نجات یابی و نقش نگین سلیمان این بود سُبْحَانَ مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ بِکَلِمَاتِهِ و نقش نگین حضرت عیسی ع این دو حرف بود که از انجیل بیرون آورده بود طُوبَی لِعَبْدٍ ذُکِرَ اللهُ مِنْ اَجْلِهِ وَوَیْلٌ لِعَبْدٍ نُسِیَ اللهُ مِنْ اَجْلِهِ یعنی خوشا حال بنده که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بر بنده که خدا فراموش شود از خواطرها بسبب او و نقش نگین امام حسن ع این بود اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ و نقش نگین حضرت امام حسین علیه السلام این بود اِنَّ اللهَ بَالِغُ اَمْرِهِ و حضرت علی بن الحسین علیه السلام انگشتر پدر خود را در دست میکردند و حضرت امام محمد باقر ع نیز انگشتر حضرت امام حسین ع در دست میکردند و نقش نگین انگشتر امام جعفر صادق ع اَللهُ وَلِیِّی وَعِصْمَتِی مِنْ خَلْقِهِ بود و نقش انگشتر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حَسْبِیَ اللهُ بود پس حضرت امام رضا ع دست دراز کردند و نمودند انگشتر پدر خود را که در دست داشتند و در حدیث دیگر از حضرت

حضرت رسول را اسم علیه و آله این بود لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و نقش نگین حضرت امام حسن ع

امام جعفر صادق ع منقول است که نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت امیر المؤمنین ع الله الملک بود و نقش نگین حضرت امام محمد باقر ع العزة لله بود و بحدیث معتبر دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود نقش کند حضرت فرمود که نقش انگشتر من الله خالق کل شیء است و نقش نگین انگشتر پدرم العزة لله بود و نقش انگشتر امام زین العابدین علیه السلام الحمد لله العلی بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین ع حسبی الله بود و نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین ع الله الملک بود و در روایت معتبر دیگر منقول است که نقش انگشتر حضرت امام جعفر صادق ع این کلمات بود اللهم انت ثقتی فقنی شر خلقک و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق ع این بود که انت ثقتی فاعصمنی من الناس و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم ع حسبی الله بود و در زیرش شکل گلی و در بالایش هلالی نقش کرده بودند و در حدیث صحیح دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام رضا ع ما شاء الله لا قوة الا بالله بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود خزی و شقی قاتل الحسین ابن علی و عبد الله ابن سنان میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتر حضرت رسول را بمن نمود نگین سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود محمد رسول الله و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از اینکه صورت چیزی از حیوانات در انگشتر نقش کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقل مرد را از سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی ریشش و نقش انگشترش و کنیتش و در حدیث دیگر فرمود که هر که منقش کند بر انگشترش ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله ایمن شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام چنین بود ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و بالحسین و الحسن ع و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که انگشتر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از نقره بود و نقشش نعم القادر الله بود و در بعضی روایات وارد است که نقش

نگین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام الملک لله بود و در روایت دیگر آنکه انگشتری از جد بلقیس سلیمان و این کلمات را در آن نقش کرده بودند در هفت سطر و در جنگها دست بدست میکردند و کلمات این است اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل غم لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة نازلة حسبی الله و لکل ذنب و کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم فارج ما شاء الله و لکل نعمة متجددة الحمد لله ما بعلی ابن ابی طالب من نعم الله فمن الله و از اسمعیل ابن موسی منقول است که انگشتر امام جعفر صادق علیه السلام تمامش از نقره بود و بر آن این نقش بود یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که در انگشتر خود آیه از قرآن نقش باشد آمرزیده شود و ابن طاوس علیه الرحمه بروایت قاسم ابن العلا نقل کرده است از صافی خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه که رخصت از آن حضرت بزیارت جدش امام رضا ع بردم فرمود که باید با خود انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امان می یابی از شر دزدان و راه زنان و برای تو سلامتی تمام تر است و دین تو را حفظ کند خادم گفت که بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بهم رسانیدم برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم گفت ای صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمود که باید انگشتری فیروزه داشته باشی با خود بدرستی که در میان نشابور و طوس شیری بر خواهد خورد بتو و قافله منع خواهد کرد از رفتن که پیش برو این انگشتر را بشیر بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از راه و باید بر یک طرف نگین فیروزه الله الملک نقش باشد و بر طرف دیگر الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین ع الله الملک بود چون خلافت بآن حضرت برگشت الملک لله الواحد القهار نقش کرد و نگین فیروزه بود و چنین نگینی امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت که رفتم بسفر و بخدا سوگند که در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه فرموده بود بعمل آوردم شیر برگشت چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود

بخدمت آنحضرت عرض کردم حضرت فرمود یک چیز ماند نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم
گفتم ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم فرمود شبی در طوس نزدیک روضهٔ امام رضا ع
خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر می رفتند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش
آن را خواندند پس انگشتر تو را بردند و بردند بنزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در
آبی شستند و آب را به بیمار دادند بیمار شان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند تو در
راست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی تعجب بسیار کردی
و سببش را ندانستی و بر بالین خود یاقوتی یافتی آن را برداشتی والحال همراه تو است ببر بغداد
و آن را بهشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیهٔ ایشان است جنیان است
برای تو آورده بودند خادم گفت که یاقوت را ببغداد بردم و بهشتاد اشرفی فروختم والبقا
سید ابن طاوس روایت کرده است که شخصی آمد بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام
و گفت من میترسم از حاکم شهر خبرهٔ دشمنان من او را با من بخشم آورند و ایمن
نیستم از آنکه مرا بکشند حضرت فرمود که انگشتری بساز که نگین آن حدید صینی باشد
و بر روی نگین سه سطر نقش کن در سطر اوّل اعوذ بجلال الله و در سطر دوّم اعوذ
بکلمات الله و در سطر سیّم اعوذ برسول الله و در زیر نگین دو سطر نقش کن سطر اوّل
آمَنْتُ بِاللهِ وَكُتُبِهِ سطر دوّم وَاِنِّي وَاثِقٌ بِاللهِ وَرُسُلِهِ و در دور نگین نقش کن اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مُخْلِصًا و این صورت نگین است

اعوذ بجلال الله
اعوذ بکلمات الله
اعوذ برسول الله

در دست کن این انگشتر را در هر حاجتی که بر تو دشوار شود و در وقتی که از کسی بترسی که حاجتها بر آورده شود و ترسها ایمن بدل شود و زنی که زائیدن بر او دشوار شود یا شد بر او ببندید که بمشیّت خدا بزودی وضع حمل آن میشود و هم چنین دفع میکند از چشم بد
و حذر کن که بنجاست و جنب بآن نگین نرسد و با خود بحمّام و بیت الخلا نبری و خوب محافظت نما آن را که از اسرار
خداست و شما شیعیان از دشمنان خود میترسید بر جان خود باید که این انگشتر را داشته باشید
و از دشمنان خود پنهان دارید و تعلیم مکنید مگر بکسی که اعتماد بر او داشته باشید و در روایت حدیث
گفت که من تجربه کردم و اثرش را یافتم و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
که هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیق باشد که در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آن که
بر کسی بیفتد نگین او را بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر کند و سورهٔ انّا انزلناه را تا آخر بخواند پس بگوید
آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از
شرّ آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود که بسوی آسمان و آنچه بزمین فرو میرود و آنچه بیرون
می آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد و در حدیث دیگر منقول است که هر که

انگشتری از عقیق بسازد و در نگین آن نقش محمّد نبیّ الله و علیّ ولیّ الله خدا او را از مرگ بد نگاه
دارد و نمیرد مگر بر دین حق فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن و در حدیث
صحیح منقول است از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که آیا جایز است که پسران نابالغ را زیور طلا بپوشانند
فرمود که حضرت امام زین العابدین علیه السلام زینت میفرمودند زنان و اطفال خود را بزیور طلا
و نقره و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند در این باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام
زنان و فرزندان خود را زیور طلا و نقره می پوشانید و در حدیث دیگر پرسیدند از آنحضرت از زیور
کردن زنان بطلا و نقره فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر معتبر منقول است که سر غلاف شمشیر حضرت
رسول خدا صلّی الله علیه و آله و دهنه اش از نقره بود و در میان حلقها نقره داشت و زره آنحضرت سه
حلقهٔ نقره در پیش و دو حلقه در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که ذو الفقار
جبرئیل برای رسول خدا صلّی الله علیه و آله از آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در حدیث حسن از آنحضرت
منقول است که باکی نیست زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر فرمود که زیور شمشیر
حضرت رسول صلّی الله علیه و آله تمام از نقره بود دسته اش و سر دسته اش و در حدیث دیگر فرمود
که باکی نیست بزینت کردن قرآن و شمشیر بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از حضرت امام محمد باقر
منقول است که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر از فضیل بن یسار منقول است که از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر از فضیل
بن یسار منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند از کرسی که در آن طلا باشد
آیا میتوان در خانه نگاه داشت حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا برو مالیده باشند
باکی نیست و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که سزاوار نیست زن خود را معطّل بگذارد
و زینت نکند اگر چه گردنبندی باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست که دستش خالی
از خضاب باشد اگر چه مالیدن حنا باشد هر چند سال دار باشد و در روایت معتبر وارد
شده که جایز است که زنان تنها طلا به یکدیگر ببندند و بدانکه در باب زیور مردان احوط
و اولی است که اجتناب کنند اگر چه در شمشیر و مصحف باشد فصل نهم در آداب سرمه کشیدن
در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلّی الله
علیه و آله سرمهٔ سنگ بچشم میکشیدند در وقت خواب تاق تاق و در حدیث معتبر
از حسن ابن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام میل از آهن بمن نمودند
و سرمه دانی از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت امام موسی علیه السلام بود و باین
میل سرمه بکش و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سرمه
کشیدن در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سرمه سنگ کشیدن دهان را خوشبو میکند و مژکان را محکم
میکند و بسند موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سرمه کشیدن دهان را
شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژکان میرویاند و بینائی را تند میکند
و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمهٔ سنگ چشم را جلا میدهد
و موی مژه را میرویاند و آب ریختن چشم را زائل میکند و در روایت دیگر فرمود سرمه کشیدن قوت
جماع را زیاد میکند فرمود که هر که هر شب سرمهٔ سنگ که مشک نداشته باشد در دیده کشد
چشمش هرگز آب سیاه نیاورد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که هر که سرمه کشد باید که تاق کشد و اگر چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه کشیدند چهار میل در دیدهٔ راست و
سه میل در دیدهٔ چپ و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که چهار چیز است که دو را نورانی میکند نظر کردن در روی نیکو و در آب جاری و در سبزه زار
و سرمه کشیدن وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که ایمان بخدا
و روز قیامت دارد باید سرمه بکشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که
سرمه کشیدن در وقت خواب امان میدهد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا
منقول است که هر که را ضعف در باصره بهم رسد هفت میل از سرمهٔ سنگ در وقت خواب
در چشم کشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در چشم سه میل میکشیدند در وقت خواب و در روایت
دیگر وارد شده است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ میکشیدند و
حضرت صادق علیه السلام فرمود که بر شما باد بمسواک کردن که چشم را جلا دهد و بر شما باد
بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو میکند زیرا که چون مسواک میکند آدمی بلغم نازل میشود
از چشم و جلا میباید و چون سرمه میکشد بلغم از چشم برطرف میشود و بلغمان نازل نمیشود
و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده نمائی که سرمه بکشی میل
بدست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بگو بسم الله و چون میل را در چشم کشی بگو اللهم
نوّر بصری واجعل فیه نوراً ابصر به حقّک واهدنی الی طریق الحقّ وارشدنی الی سبیل
الرشاد اللهم نوّر علی دنیای وآخرتی و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا

این دعا بخواند در وقت سرمه کشیدن اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی
والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابداً ما ابقیتنی فصل دهم در آداب نظر
بآینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار
نظر در آینه کند و حمد خدا بسیار گوید باینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده است و معیوب
نگردانیده است و در بعضی روایت مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نظر
میکردند در آینه و موی مبارک و ریش را شانه میکردند و از برای اصحاب خود و زنان
خود خود را میساختند و میفرمودند که خدا می پسندد و دوست میدارد از بنده اش که چون
برادر مؤمن رود از برای ایشان زینت کند و خود را بسازد و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که چون کسی در آینه نظر کند باید بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن
خلقی وصوّرنی فاحسن صورتی وزان منی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام و در فقه الرضا
و غیر آن مذکور است که چون خواهی در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر و بگو بسم الله چون
در آن نظر کنی دست راست را بر پیش سر خود بگذار بعد بکش بر ریش خود را بدست
راست بگیر و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشراً سویاً وزیّننی ولم یشنی وفضّلنی
علی کثیر من خلقه ومنّ علیّ بالاسلام ورضیه لی دیناً پس آینه را از دست بگذار و بگو
اللهم لا تغیّر ما بنا من نعمک واجعلنا لانعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین
و در روایت دیگر وارد شده است که آینه را بدست چپ میگیری و چون روی
خود را در آینه دیدی بگو الحمد لله الذی احسن واکمل خلقی وحسّن خلقی وخلقنی خلقاً سویاً
ولم یجعلنی جباراً شقیاً الحمد لله الذی زیّن منی ما شان من غیری اللهم کما احسنت خلقی فصلّ علی
محمد وآل محمد وحسّن خلقی وتمّم نعمتک علیّ وزیّننی فی عیون خلقک وجمّلنی فی عیون بر
یتک وارزقنی القبول والمهابة والرأفة والرحمة یا ارحم الراحمین و در روایت دیگر
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که

یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللّهم کما حسّنت خَلقی فحسّن خُلقی و رزقنی فصل یازدهم در فضیلت
خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را خضاب موی سر و ریش سنّت مؤکّد است و زنان را
خضاب موی سر و دست و پا سنّت است و مردان را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندکی بنکی
که بعد از نوره بر جمیع بدن سنّت است حنا مالیدن از آن در دست بماند رنگ ناخن بسرخی مایل شود
چنانچه بسندهای معتبر از حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه و آله منقول است که چهار
چیز است که از سنّتهای پیغمبر است بوی خوش کردن و نزدیکی زنان حلال و مسواک و خضاب
بحنا کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که یکدرهم در خضاب صرف شود بهتر است از
انهزار درهم که در راه خدا صرف شود و در آن چهارده خصلت هست باد را از گوشها کم میکند
و غبار از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دهانرا خوشبو میکند و بن دندانرا محکم میکند و
کندن زیر بغل را دفع میکند و کم میکند وسوسهٔ شیطانرا و ملائکه بسبب آن شاد میشوند و
سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود و زینت است و بوی خوش است و موجب خلاص از عذاب
قبر میشود و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید خود را رنگ
کنید و شبیه مشوید به یهودان و حسن ابن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السّلام رفتم
دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده است بوده پس فرمود که در خضاب کردن اجر عظیم
است و خود را ساختن موجب زیادتی عفت زنان است و جمعی از زنان دست از عفت برداشته
اند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نمی آراستند عرض کرد که بما رسیده است
که حنا موی سفید را زیاد میکند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاد میشود بی حنا و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلّی الله علیه و آله آمد و نظر کرد حضرت که موی
در ریش او بهم رسیده است فرمود که این موی سفید نور است پس فرمود که هر که در اسلام
یکموی سفید در ریش او بهم رسید از برای او نوری باشد در قیامت پس آن شخص حنا
خضاب کرد و بنزد آنحضرت آمد حضرت فرمود که هم نور است و هم اسلام پس رفت و خضاب
سیاه کرد و آمد حضرت فرمود که نور است و اسلام و ایمان است و محبوب میگرداند بسوی زنان
و خوف و بیم می افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقول است که گروهی بخدمت حضرت
امام حسین ع آمدند و دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است در این باب از آن
حضرت سوال کردند حضرت دست بر ریش مبارک گذاشتند و فرمودند که امر رسول
خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم در یکی از جنگها که مسلمانان بسیاهی خضاب کنند تا باعث
غلبهٔ ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السّلام

علیه السّلام پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنّت است فرمود بلی حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام
برای آن خضاب نمیفرمودند که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرموده بود که یا علی موی ریش
تو از خون سر تو خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب میکشیدند و حضرت امام حسین و حضرت
امام محمّد باقر علیهما السّلام هر دو خضاب میکردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که من برای آن خضاب نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات حضرت رسول صلّی الله
علیه و آله و در احادیث بسیار منقول است که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله خضاب میفرمودند
و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السّلام نقل کردند بمردی که از حمام بیرون
آمده بود و در دستهایش حنا بسته بود حضرت فرمود که آیا تورا خوش میآید که خدا تو را چنین
چنین خلق کند و الله لیکن خبر بما رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام برا و دیده
شود یعنی حنا حضرت فرمود که غلط فهمیده بلکه مراد آن است که چون سلامت از حمام بیرون
آئی بشکرانهٔ این نعمت دو رکعت نماز بگذاری و در حدیث حسن منقول است که حضرت صادق ع
فرمودند که از جملهٔ علامات بدی که در آخر الزّمان ظاهر شود آنست که آثار زنان در مردان
فرزندان عباس ظاهر شود خضاب کنند و خود را مشاطگی کنند بپوشش زنان و ظاهر آنست
که مراد از خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب سر و ریش سنّت است و از علامات مردان است
و در حدیث دیگر معتبر منقول است که باکی نیست که در حمام خلوق بدست و پا مالیدن بجهت ترکهای
که در دست و پا بهم میرسد از بابت دوا امّا خوشم نمی آید که همیشه این کار را بکنند و خلق بوی خوش
بو دها است که زعفران داشته است و رنگ از آن در بدن میماند است و در حدیث دیگر از
ابی الصّباح منقول است که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمّد باقر ع دیدم یعنی اثر ضعیفی که از
حنا مالیدن بعد از نوره مانده چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع مذکور است که سزاوار نیست زنرا که دستش را از خضاب خالی گذارد اگر چه بمالیدن
حنا باشد هر چند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا زنان شوهر دار را و بی شوهر را
بخضاب امّا شوهر دار برای شوهر خود و غیر شوهر دار برای آنکه دستش بدست مردان نماند

فصل دوازدهم در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه
السّلام منقول است که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد پیر و در حدیث
صحیح و موثق از حضرت امام محمّد باقر ع منقول است که فرمود خضاب کردن بوسمه دندانهای
مرا سست کرد و درهم شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده که چون

حضرت امام حسین ع شهید شدند خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود حضرت
امام جعفر صادق ع فرمود که خضاب کردن بوسمه موجب انس زنانست و مهابتی از
ان در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که خضاب
کردن بحنا آب روی را زیاد میکند و سفیدی موی را هم زیاد میکند و در حدیث
صحیح و حسن منقولست که حضرت امام محمد باقر ع خضاب به حنا میفرمودند خضاب
سرخ رنگی و در حدیث دیگر فرمود که خضاب بحنا بویهای بد را زایل میکند
و آبروی می افزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزندان را خوش رو میکند و از حضرت
امام موسی ع منقولست که هر زنی که علت حیض او قطع شده باشد و حنا خضاب کند
تا حیضش بر گردد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام حسین ع و امام
محمد باقر ع خضاب بحنا و وسمه باهم میکردند و از حضرت رسول صلعم منقولست
که بهترین خضابها از جهة رنگ سیاهست و در حدیث دیگر از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست که حضرت رسول خدا صلعم رخصت فرمود زنانی را که شوهر دارند
بسیاهی خضاب کنند و بدانکه مشهور میان علما آنست که جنب را خضاب کردن
مکروهست و همچنین مکروهست در حال خضاب جنب شدن و از بعضی اخبار
معلوم ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را داده باشد بعد از آن جنب شدن
باکی نیست و همچنین مکروهست زن حایض را خضاب کردن باب سیم در
آداب خوردن و آشامیدن فصل اول در بیان ظرفهائی که در خوردن و آشا
میدن و سایر استعمالات نموده و آنچه نهی از آن وارد شده است جایز نیست
خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلافست
و احوط اجتنابست و همچنین از برای نگاه داشتن برای زینت احوط اجتنابست
و بعضی گفته اند که طعامیرا که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگرچه
در ظرفهای دیگر کنند اگرچه دلیلی ندارد اما احوط اجتنابست و جمعی باطل میدانند
وضوئی را که از ظرف طلا و نقره بسازند و در ظرفها مانند سرمه دان و غیر چه

و منبر چه و سر قلیان و قندیلها که هر دو طرفش گشوده باشد که در مشاهد مشرفه می آویزند
و ظرف مصحف و دعا اینها را به نقره و طلا گرفتن بلکه چوب و نی را به نقره گرفتن خلافست
و احوط در همه اجتنابست اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلبکی قلیان که از نقره و
طلا باشد اجتناب بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره کوب و طلا کوب چیزی خوردن
و آشامیدن و اگر بخورد بهتر آنست که دهان را بموضع طلا و نقره نرساند و اشهر میان علما آن
است که جایز نیست استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال حیات پاک باشد و آنرا بشرع
مذبوح کنند باشند یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده
و همچنین پوستی که یافته باشند اگرچه گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است مثل کفش در
مسجد مسلمانان و بعضی گفته اند که جایز است استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد
مثل آب بزراعت و حیوانات دادن و امثال اینها و این قول قویست و احوط اجتنابست و همچنین
بعضی جایز دانسته اند استعمال پوستی را که ظن بهم رسد که آنرا کشته اند یا از دست مسلمانی افتاده است
و خالی از قوتی نیست و احوط اجتنابست از پوست حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تذکیه
باشد استعمال میتوان کرد اما پیش از دباغی کردن مکروه است استعمال آن و ظرفی که شراب کرده
باشند هرچه نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس بشستن پاک میشود و همچنین هرچه
کاشی داشته باشد و منفذی نداشته باشد که شراب در جرم آنجا کند و در مثل سبو و کدو و خم بی
کاشی و امثال اینها خلافست و اشهر آنست که بآب کشیدن پاک نمیشود خصوصا وقتی که آنقدر
در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتنابست و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه در دنیا از ظرف طلا و نقره آب بخورد در آخرت از
ظرف طلا و نقره بهشت محروم باشد و بسند معتبر منقولست که محمد بن اسمعیل ابن بزیع از حضرت
امام رضا ع سؤال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اظهار کراهت فرمودند که بما روایت رسیده
که حضرت امام موسی ع آینه داشتند که بنقره گرفته بودند حضرت فرمود که نه الحمد لله
که حلقه داشت از نقره و آن آینه الحال نزد ماست و فرمود که برادرم عباس را چون ختنه میکردند
برای او چوبی ساخته بودند آنرا به نقره گرفته بودند که قبضه نقره اش نزدیک بده درهم
بود که شستشه ایشی دیناری محبی باشد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که آنرا شکستند
و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه و آله منقول است که ظرف طلا و
نقره متاع جماعتی است که یقین بآخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمرو بن ابی المقدام منقولست
که ظرفی آوردند پیش آنحضرت که آب بخورند پاره از نقره بآن ظرف چسبانیده بود دیدم که

حضرت بدان نحو خوردن از آن ظرف میکنند و در حدیث موثق از آنحضرت منقول است که مکروه است
آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا بعضی از آن نقره باشد و روغن مالیدن از روغندان
چنین و شانه کردن از شانه دان چنین مذکور است و در حدیث دیگر معتبر از آنحضرت منقول است
که کراهت خوردن چیزی در سفالی که از مصر می آورند بهتر باشد و در حدیث دیگر معتبر از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر می آورند و از
بزیع ابن عمر منقول است که بخدمت حضرت امام محمد تقی ع آمدم دیدم که حضرت طعام تناول میفرمودند
در میان کاسهٔ سیاهی که در میان آن برنگ زرد سورهٔ قل هو الله احد نقش کرده بودند **فصل دوم**
در تجویز خوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدانکه از احادیث اهلبیت علیهم السلام
ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی آن خوب است و طعا
مهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال باشد و آنقدر نخورد که او را
از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات بسته همتش مصروف خوردن و آشامیدن
باشد بلکه باید منظورش و مقصودش از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید آن
قدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفان را دوست نمی دارد و بسند معتبر
منقول است که حضرت امام جعفر صادق ع بسیار دید که نانهای فرنی شیرین و حلواهای
لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بما توسعه دهد ما نیز توسعه میکنیم
و هرگاه خدا بر ما تنگ بگیرد ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که سه چیز
است که حق تعالی مؤمن را بآنها حساب نمیکند طعامی که بخورند و جامه که بپوشند و زن صالحه
که یاور او باشد و فرج او را از حرام نگاه دارد ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام
محمد باقر علیه السلام رفتم حضرت چاشت طلبیدند و من خوردم با آنحضرت هرگز از آن نیکوتر و پاکیزه
تر طعامی نخورده بودم پس فرمود که چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدای تو شوم هرگز با این خوبی
چیزی نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن آیه که در کتاب خداست وَلَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ
که ترجمه اش اینست که البته سوال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمت آنحضرت فرمود
که مراد از نعیم در این آیه مذهب تشیع و ولایت اهلبیت علیهم السلام است که در قیامت از
شما سوال خواهند کرد و بسند معتبر صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که حق تعالی از
آن کریم تر است که سوال کند از مؤمن از خوردن و آشامیدن که در دنیا برد و حلال کرده باشد
و بسند حسن از آنحضرت منقول است که طعام عمل بیاور نیکو بعمل بیاور و اصحاب خود را بطلب و با ایشان
بخور و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که با سیری چیزی خوردن موجب پیسی است
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه چیز است که خدا دشمن میدارد
صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل تعجب و خوردن

طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که مؤمن
در یک شکم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقول است
که ابو حنیفه بخدمت آنحضرت آمد آروغ از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را ساکن کن
که هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است پس ابو حنیفه بعد از آن طعام سیر نخورد
تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز خدا را دشمن نمیدارد مانند شکم پر از طعام
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری
رسید که مرد و زنی فریاد میکردند باهم نزاعی داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن من است
و صالح است و عیبی ندارد اما من او را دوست نمیدارم و میخواهم از او جدائی اختیار کنم فرمود
که سبب این کراهت را بگو چیست گفت رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه
پیر شده باشد حضرت عیسی بآن زن گفت که میخواهی آب رویت برگردد و تازه شود گفت
بلی فرمود که طعام که میخوری سیر مخور زیرا که طعام زیاد خوردن که در معده بجوش آید
آبرو را میبرد آن زن چنین کرد رویش بحالت طراوت برگشت و محبوب شوهر شد و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که اگر مردم میانه روی در طعام خوردن میکردند
بدن ایشان صحیح است و از حضرت رسول هم منقول است که پنج خصلت است که موجب برص و
پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده
باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن در حال حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری
چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که آدمی را ناچار است از طعامی که بآن
قوت بیابد و هرگاه خورد باید که یکحصهٔ شکم را برای طعام قرار دهد و یکحصه برای آب و یکحصه
برای نفس و سعی میکنند از برای فربه کردن خود چنانچه حیوانات را برای کشتن فربه میکنند فرمود
که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که هر دردی و بیماری از بسیار خوردن
بهم میرسد بغیر از تب که آن بناگاه میرسد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت عیسی ع فرمود
که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی مخورید و هرگاه گرسنه شوید بخورید و سیر مخورید
زیرا که چون سیر شدید گردنهای کلفت میشود و پهلوها فربه میشود و پروردگار خود را
فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که کفران نعمت الهی است اینکه کسی
گوید که فلان طعام را نخوردم در ... آزار کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است

که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند از آن کمی تناول نمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله
آیا حرام میکنی خوردن این را فرمودند اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و با المعدة بسیار بلیت و
خوشبوئی نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آوردند انگشتی بآن فرو بردند و بدهان گذا
شتند و فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت دهم بچیزی که عادت نکرده ام و در
حدیث دیگر وارد است که فرمود چیزی که حضرت رسول نخورده است نمیخواهم بخورم و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که همیشه این امت با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجم را نپوشند
و طعام عجم را نخورند پس چون چنین کنند خدا ایشانرا ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو نان خورشی است سرکه و همین بس است در اسراف که نعمت را
که بنظر داد بیاورند دشمن دارد و نخواهد **فصل سیم** در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن
سنت است که چاشت را بامداد بخورد و در میان روز چیزی نخورد و در طعام گرم ندمد بلکه بگذارد
تا سرد شود و بعد از آن بخورد و نان بکارد نبرد و استخوانرا پاک نکند و بسر انگشت چیزی نخورد و از
پیش خود چیزی بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و کاسه و انگشتان را بلیسد و در حالت
جنابت مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق
بکند یا دست و رو را بشوید و مضمضه بکند کراهت ضعیف میشود و در حدیث وارد است که اگر
چیزی بخورد در حالت جنابت بی آنکه اینها را بعمل آورد بیم آن است که پیس شود و در حدیث دیگر معتبر
منقولست که پسر برادر شهاب بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد
دهان و امتلا و فساد معده حضرت فرمود که چاشت و شام بخورد و در میان چیزی نخورد زیرا که خدا
وند عالمیان در وصف طعام اهل بهشت میفرماید که لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ترجمهاش این
است که مهیا است برای اهل بهشت روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین یا خفتن و در حدیث
دیگر معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که طعام پیغمبران خوردن آخر روز است بعد از
نماز خفتن است پس آنرا ترک مکنید که ترکش موجب خرابی بدن است و در حدیث دیگر منقولست
که ترک طعام خوردن در طرف شب آدمی را پیر میکند و فرموده که چون آدمی پیر شد باید که در شب پیش
از خواب البته چیزی بخورد که بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود یا خلقش نیکو میشود و از حضرت
امام موسی کاظم علیه منقولست که چیز خوردن شب را ترک مکنید اگرچه یک دانه خشک باشد قوت بدن
و قوة جماع است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که ترک کند طعام خوردن
در شب شنبه و شب یکشنبه پی هم قوتی از او برطرف شود که تا چهل روز باز نگردد و فرمود که طعام شب
نافع تر از طعام روز است و از حضرت امام رضا ع منقول است که در بدن رگی هست که آنرا عشا
نام داده هر که در طرف شب چیزی نخورد آن رگ او را نفرین میکند تا صبح میگوید خدا ترا گرسنه بدارد
چنانچه مرا گرسنه داشتی خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را
اگرچه یک لقمه نان باشد یا کف چیزی یا شربتی آب باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست

منقولست که سزاوار نیست که مؤمن از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی
عزت او است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی پی حاجتی بروی پاره نان با نمک بخور که
بهتر باعث عزت تست و حاجتت زودتر برآید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود بدرستیکه طعامی را نزد رسول صلی الله علیه و آله آوردند
فرمودند که بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را طعام ما نکرده و برکت در طعام سرد است و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که طعام گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد
در حدیث موثق از سلیمان ابن خالد منقول است که گفت حاضر شدم شب بر سر سفره حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در تابستان خوانی آوردند که نان بود و کاسه آوردند که ترید
و گوشت در آن بود پس دست بر آن گذاشتند و برداشتند و فرمودند که امان میطلبم از خدا
از آتش جهنم تا این گرمی ندارم و صبر باین نمیتوانیم کرد چگونه تاب آوریم و صبر کنیم بر آتش
جهنم این را مکرر میفرمودند تا طعام چنان شد که میتوانستند خورد پس تناول فرمودند ما
تناول کردیم و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که نهی فرمود از دمیدن
در خوردنی و آشامیدنی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مکروه است
دمیدن در کرها افسون نهادن بر طعام و در موضع سجود و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست
که اگر از برای سرد شدن بدمد قصور ندارد و محمول بر ضرورت و حالت استعجال میتوان کرد و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بخورید از بالای ترید و از پهلوهای پیش
بخورید که برکت در بالای طعام است و در حدیث رسول خدا صلی الله منقول است که هرگاه یکی
از شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت کاسه طعام را
میلیسیدند و میفرمودند که هر که کاسه طعام را بلیسد چنان است که مثل آن طعام را تصدق کرده
باشد و منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه تمام انگشتان طعام تناول میفرمودند
و میفرمودند که هر که کاسه طعام را بلیسد ملائکه برای او صلوات فرستند و دعا کنند برای او بفراخی روزی
و حسنات مضاعف برای او بنویسند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت
طعام خوردن دو زانو میدو نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و به سه انگشت
چیزی تناول میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین طعام میخوردند

نه بروش متکبران و جباران که بدو انگشت چیزی میخورند و بسند معتبر منقول است که حضرت
رسول صلی الله علیه فرمود که هر گاه کسی طعام خورد انگشتان خود را بمکد و بلیسد خداوند
عالمیان فرماید که خدا برکت دهد ترا و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که آنحضرت کراهت داشتند از اینکه دست را بدستمال پاک کنند در وقتی چیزی از طعام در آن
باشد تا آنکه بمکند یا طفلی که پهلوی آنحضرت بود میداد که بمکد برای حرمت طعام و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود
و معده پاک نشود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد بسم الله بگوید و نیکو بجاود و دست از طعام
وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر از حضرت علی ابن الحسین علیه السلام
منقولست که استخوانرا پاک مکنید که جنیان را در آن بهره هست و اگر پاک کنید ایشان از خانهٔ
شما میبرند چیزی که بهتر از این باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسن علیه السلام منقولست
که در خوان دوازده خصلت است که بر هر مسلمان واجب است که بداند چهار تا فرض و چهار سنت و چهار
دیگر تادیب است اما فرض پس آن است که منعم خود را بشناسد و بداند که نعمت از جانب پروردگار
و راضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت پس دست
شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و بسه انگشت چیز خوردن و انگشتان لیسیدن
و اما تادیب پس از پیش خود چیزی خوردن و لقمه را کوچک بر داشتن و بسیار خائیدن و در روی
مردم کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین بحضرت امام حسن صلوات
الله علیهما فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چهار خصلت که اگر بجای آوری از طبابت طبیبان
مستغنی شوی عرض کرد بلی یا امیر المؤمنین فرمود بنشین بر طعام مگر وقتی که گرسنه باشی و بر مخیز
از طعام مگر وقتی که خواهش داشته باشی و نرم بخاو و هر گاه که خواهی بخواب روی به بیت الخلا برو و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که وقتی که طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از پیش دیگری چیز بر منقول است
نمیداشتند و پیش از همان شروع بطعام میکردند و با انگشت مهین و انگشت بعد از آن و انگشت
میان طعام میخوردند و گاهی انگشت چهارم را هم ضم میکردند و گاهی به تمام انگشتان میخوردند
و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند و میفرمودند که این خوردن شیطان است فصل چهارم
در آداب سایر طعام خوردن سنت است که بدست راست چیزی بخورند و دو زانو بنشینند و خلال

و خلال بکنند و چیزی نخورند اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر
پا را بر روی زانو گذارد بدتر است و تنها چیزی خوردن مکروه است و با خدمتکاران و غلامان چیزی
خوردن و بر روی زمین چیزی خوردن سنت است و مشهور این است که در وقت راه رفتن چیزی
خوردن مکروه است و پیش از طعام و بعد از آن دست شستن سنت است و در دست شستن
پیش از طعام سنت است که دست را بدستمال خشک نکنند و اول صاحب خانه دست بشوید و بعد
از آن هر که در جانب راست اوست و به ترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام
از جانب چپ صاحب خانه ابتدا کنند و او آخر همه بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و
آب را نریزند و بر سر خوانی که شراب در آن خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته اند که
هر جائی که خورند یا کنند در آن مجلس چیز نخوردن حرام است حتی که بر سر سفرهٔ جماعتی که غیبت مسلمانان
کنند بحرام و سنت است که در اول و آخر طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت فرمود سه کس را کسی که توشهٔ
خود تنها بخورد و کسی که تنها بسفر رود و کسی که در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقول است که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام است هر گاه که از حلال باشد و دست
بسیار بر آن در آید و نام خدا در اولش گفته شود و در آخرش حمد الهی کنند و در حدیث صحیح منقولست که چون
طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر میشد کاسه میطلبیدند و از طعامهائی که لذیذتر
بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میفرمودند که بمساکین و درویشان
بدهند و در احادیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت یعقوب ع
بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفند فربهی کشت و بریان کرد و مرد طاعم
روزه داری نزدیک خانهٔ او بود و بوی او را شنید و غافل شد که باو بخورانند پس جبرئیل در همان
شب آمد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا و در همان شب حضرت یوسف آن خواب را دید پس
بعد از آن حضرت یعقوب در وقت چاشت میفرمود که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت
میخواهد بطعام یعقوب حاضر شود و در شب ندا نیز چنین میکردند و در حدیث دیگر منقولست
که چون خوان طعام حاضر شود هر سائلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه
منقولست که ملعون است کسی که بنشیند بر سر خوانی که در آن شراب بخورند و در حدیث معتبر
دیگر از آنحضرت منقولست که هر که ایمان بخدا و رسول و قیامت دارد پس نخورد چیزی بر
سفره که در آن شراب خورند و در فقه الرضا علیهما السلام منقول است که مخور طعام در حال

که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است که چیزی خوردن در
حالت جنابت سبب فقر و پریشانی و بی چیزی میشود و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نهی فرموده از خوردن و آشامیدن از دست چپ مگر آنکه مضطر باشد و در دست
داشتن علتی باشد و بسندهای معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز تکیه نکرده بر پهلوی راست و پهلوی چپ چیزی تناول نفرموده
تا از دنیا رفت و بروش بندگان می نشست و بروش بندگان چیزی میخورد از جهت تواضع نزد
نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر منقولست از آنحضرت که نباید تکیه کرده و بر رو خوابیده
چیزی بخورند و در حدیث حسن منقولست که از عباد بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است
در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمودند و دست
چپ خود را بر زمین گذاشته بود عباد گفت که مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده
از تکیه کردن بدست در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست را برداشتند و باز بر زمین گذاشتند
باز عباد اعاده سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله هرگز نهی از این نفرموده و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که هرگاه بخوردن طعام بنشینید و بروش بندگان دو زانو بنشینید و یکپا را بر روی دیگر مگذارید
و چهار زانو منشینید که این نشستن را خدا و صاحبش را خدا دشمن دارد و ظاهر این حدیث آن است
که چهار زانوی که از آن نهی واقع شده آنست که بروش جباران یکپا را بر پای ران گذارند و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله چون بر سر خوان می نشستند از پیش
خود طعام میخوردند و بروشی که در تشهد نماز می نشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست
بر بالای زانوی چپ و پای راست بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش
بندگان میخورم و بروش بندگان می نشینم و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که مکروه است آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد و یا بیاشامد یا چیزی بآن بردارد در
حال آنکه تواند از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه و آله منقولست که باکی نیست که در حال راه رفتن چیزی خوردن و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بنماز صبح بیرون آمدند و پاره نانی در
دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بنماز می آمدند و بلال
اقامه نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که مخور بیچیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشید

آنکه مضطر باشید و در حدیث معتبر بسیار از حضرت امیر المؤمنین و حضرات ائمه طاهرین
صلوات الله اجمعین منقول است که هر که خواهد خیر خانه اش بسیار شود دست را پیش از طعام
خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر را زایل میکند و
روزی را زیاد میکند و چرک را از خانه دور میکند و چشم را جلا میدهد و درد دندان را زایل
میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دستها را در یک ظرف بشوئید
تا اخلاق شما نیکو شود و در حدیث دیگر معتبر از آنحضرت منقول است که در دست شستن
پیش از طعام اول صاحب خانه میشوید که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام
فارغ شوند ابتدا از کسی میکنند که در جانب راست در گاه نشسته است و در روایت دیگر این است
که در شستن پیش از طعام اول صاحب خانه میشوید و بعد از آن هر که در جانب راستش نشسته است و
در شستن بعد از طعام ابتدا بدست چپ صاحب خانه میکنند و آخر هم میشویند زیرا که اولی است
براینکه صبر کند بر آلودگی دست و در حدیث حسن از مرازم منقولست که دیدم حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام را که چون پیش از طعام دست می شستند دست را بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام که میشستند
دست را بدستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
دست را برای طعام خوردن که بشوئی دست را بدستمال پاک مکن زیرا که تا تری در دست هست برکت در
طعام هست و فرمود که بعد از دست شستن دست بر رو مالیدن کلف را از رو برطرف میکند و دیده را
زیاد میکند و از مفضل بن عمر منقولست که شکایت کرد بآن حضرت از آزار چشم حضرت فرمود که چون
بعد از طعام خوردن دست بشوئی دستها را بر ابروها بمال و سه نوبت بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ
الْمُفْضِلِ مفضل گوید که چنین کردم هرگز از آزار چشم نرنجیدم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از طعام دست می شستند آب در دهان میکردند و مضمضه
میفرمودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در انگشتان که دست در آن میشوید سعد را (خلال کنید)
که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید و منقولست که چون حضرت امام رضا علیه السلام
با شنان دست می شستند اشنان را در دهن میکردند و میخائیدند و بیرون انداختند و منقولست که حضرت
امام محمد تقی علیه السلام بعد از آنکه چاشت تناول فرمودند دست بشستند دستها را بر سر و رو مالیدند
پیش از آنکه بدستمال پاک کنند و فرمودند اللّٰهم اجعلنی ممن لا یرهق وجهه قتر و لا ذلة و در روایت
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون دست را بعد از طعام بشوئی بر روی و دیدهای
خود بمال پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اللّٰهم انی اسئلک الزینة و المحبة و اعوذ بک من المقت و البغضة

که من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفای بنی عباس بود رفتم در وقتی که سفره اش گسترده بود پس
دستم را گرفت و بنزد خود کشید پای من بر کنار سفره واقع شد پس آنقدر غمگین شدم که
خدا داند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آنحضرت که طول دهید بر سفره نشستن
زیرا که ساعتی است که از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقول است که از یاسر خادم حضرت
امام رضا علیه السلام نقل شده که چون آنحضرت بر سر سفره می نشستند هیچ کوچک و بزرگی را نمیگذا شتند.
مگر آنکه بر سر سفره میطلبیدند حتی مهتر و حجام و از ابراهیم بن عباس مرویست که آنحضرت چون
خلوت میشد و سفره میاوردند غلامان خود را بر سر خوان میطلبیدند حتی دربانان و خد. مکاران
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون طعام حاضر شد نعل و کفش را از پا بیرون کنید
که شب نیکوست و بیشتر راحت می یابد پاهای شما و در اخبار معتبره وارد شده است که یک
اشیاف انسان و حیوانات آنست دیگر که بدست چیزی میتوان نخوردن پس باید بدست
چیزی بخورد و باسانید معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون با جماعتی
طعام میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند
زیرا که ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز
بر خوان چیزی نمیخوردند بلکه بر روی سفره میخوردند و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود
که در آن زمان خوانها را پایه دار و بلند میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم
نباید شد والله یعلم و در حدیث موثق منقول است از سماعه بن مهران که حضرت صادق ع
پرسید که وقت نماز میشود و طعام رسیده است بکدام یک ابتدا کنیم فرمود که اگر اول وقت
نماز باشد اول طعام بخورید و اگر از وقت پاره گذشته باشد و بیم آن باشد که تا طعام خوردن
وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز کنید **فصل پنجم** در بیان دعاهای وقت طعام خوردن
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون خوان میگذارند چهار هزار ملک بر
دور آن احاطه میکنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند خدا برکت فرستد بر شما
در طعام شما پس با شیطان میگویند بیرون رو ای فاسق که ترا با ایشان سلطنتی نیست و بعد
از فارغ شدن اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت دادخدا با ایشان
پس ادا کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله در اول نگفتند ملائکه را شیطان میگوید که
بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور و اگر خوان برداشتند و ایشان الحمد لله نگردند ملائکه

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که دشتش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد
بدون آنکه دست بشوید و از فضل بن یونس منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام بمنزل من آمد
و چون طعام حاضر میشد دستمالی آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نکردند و فرمودند که این طریقه
عجم است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون بعد از طعام دست بشوئی با آن تری
که در دست هست دیدهای خود را مسح کن که امان است از درد چشم و در روایت دیگر منقولست که
چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دست شستن فارغ می شدند دست را بر رو میکشیدند و این
دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ أَوْلَانَا و در حدیث موثق منقولست که
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی در اول طعام
و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک بکند خدا دفع کند از و هفتاد نوع از انواع
بلا که آسانترش خوره باشد و در روایت حسن دیگر عافیت یابد از هفتاد و دو نوع از انواع
بلا را که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسیست و در روایت دیگر وارد شده از درد گلو
درد دندان و درد شکم و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در نمک
شفای هفتاد نوع از انواع درد است و اگر مردم بدانند که چه منفعتها در نمک هست
مداوا نکنند مگر بآن و فرمود که حق تعالی وحی نمود بموسی ع که امر کن قوم خود را
که افتتاح و اختتام بنمک کنند و اگر نکنند به بلائی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر خود را
و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت رسول ص را در اثنای نماز
عقربی گزید حضرت نعل بر او زد و او را کشت و چون فارغ شدند فرمود که
لعنت خدا بر تو نه نیکوکار را می گذاری و نه بدکاری را مگر آنکه آزار میرسانی
پس نمک سائیده طلبید و بر موضع گزیده عقرب مالید فرمود که اگر مردم منفعتهای
نمک را بدانند محتاج بتریاق فاروق و غیر آن نشوند و در بعضی روایات معتبره
وارد شده است که ابتدا بسرکه بغیر خوبست و عقل را زیاد میکند و در روایت
دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که ما ابتدا بنمک و ختم بسرکه میکنیم
و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که هر که نمک به پاشد بر اول لقمه که
میخورد در رو بتوانگری آورد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که می

میگویند که ایشان گروهی اند که خدا بایشان نعمت داد و ایشان پروردگار خود را فراموش
کردند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه منقول است
که چون خوانرا بگذارند بگو بسم الله و چون شروع کنی بخوردن بگو بسم الله علی اوله و آخره
و چون خوانرا بردارند بگو الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که
هر که نام خدا را بر اول طعام ببرد و حمد خدا در آخر بکند هرگز از آن طعام از او سؤال نکنند
و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام
خورد و چون لقمه را بردارد بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین پیش از آنکه لقمه
به دهانش رسد خدا گناهانش را بیامرزد و در حدیث دیگر منقولست که چون سفره
نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله می گستردند این دعا میخواندند سبحانک
اللهم ما احسن ما تبتلینا سبحانک ما اکثر ما تعطینا سبحانک ما اکثر ما تعافینا اللهم
اوسع علینا و علی فقراء المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و در روایت معتبر
دیگر منقولست که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین علیه السلام میگذاشتند
این دعا میخواندند اللهم هذا منک و من فضلک و عطائک فبارک لنا فیه و سوغناه
و ارزقنا خلفا اذا اکلناه و رب محتاج الیه رزقت فاحسنت اللهم اجعلنا من الشاکرین
و چون خوانرا برمیداشتند این دعا میخواندند الحمد لله الذی حملنا فی البر و البحر و رزقنا
من الطیبات و فضلنا علی کثیر ممن خلق من خلقه تفضیلا و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که نام خدا بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله الذی
یطعم و لا یطعم و در حدیث دیگر منقولست که چون خوانرا برمیداشتند حضرت رسول ص
این دعا میخواندند اللهم اکثرت و اطبت و بارکت فاشبعت و ارویت الحمد لله
الذی یطعم و لا یطعم و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که فرمود
که پدرم بعد از طعام این دعا میخواند الحمد لله الذی اشبعنا فی جائعین و اروانا فی
ظامئین و آوانا فی ضاحین و حملنا فی راجلین و آمننا فی خائفین و اخدمنا فی عائلین و در حدیث
کالصحیح از زراره منقولست که با حضرت صادق علیه السلام طعام خوردم بسیار میگفت
الحمد لله الذی جعلنی اشتهیه و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که روزی

که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمودند که من ضامنم از برای کسی
که بسم الله بر طعامی بگوید از آزارش نکند ابن کوا گفت که یا امیر المؤمنین علیه السلام دیشب
طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شاید چند رنگ خورده باشی
و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که
از طعام آزار میکشم فرمود که بسم الله نمیگوئی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن
میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ شوی
و عود کنی بخوردن بسم الله بگو و در روایت صحیح دیگر منقولست که هرگاه چند ظرف باشد یک
بسم الله بگو راوی گفت که اگر فراموش کنم چه کنم فرمود بگو بسم الله علی اوله و آخره و در روایت
معتبر دیگر منقولست که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواندند اللهم هذا منک و بمحمد رسولک
صلی الله علیه و آله اللهم لک الحمد صل علی محمد و آل محمد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که خدا را یاد کنید در هنگام خوردن حرف بسیار مگوئید که آن طعام نعمت
از خداست و بر شما واجب است که در وقت صرف کردن آن شکر خدا یاد و حمد او بکنید و
در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست که چون ملائکه بنزد حضرت ابراهیم ع آمدند گوساله
بریان نزد ایشان آورد گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا بگوئی که قیمت این نعمت چیست حضرت
ابراهیم ع گفت که چون شروع در خوردن کنید بگوئید بسم الله و چون فارغ شوید بگوئید الحمد
لله حضرت جبرئیل رو بسوی آن سه ملک دیگر کرد و گفت لازم است یا سزاوار است که حق
تعالی بنده چنین را خلیل خود گرداند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که طعام خورنده و شکر کننده بهره از روزه دار خاموش است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
صادق ع به سماعه گفت که ای سماعه بخور و حمد خدا کن و مخور که خاموش باشی و منقول است
بسند صحیح که حضرت علی بن الحسین ع بعد از طعام این دعا میخواندند الحمد لله الذی اطعمنا و
سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هرگز از امتلای طعام
آزار نکشیدم زیرا که هیچ لقمه را نزدیک دهان نبرده ام مگر آنکه نام خدا بر آن گفته ام
و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت فرمود من ضامنم کسی را که این کلمات
را بگوید هیچ طعامی او را آزار نکند اللهم انی اسئلک باسمک خیر الاسماء ملاء الارض
و السماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر معه داء و در روایت دیگر منقول است که شخصی
از ضعف معده بحضرت صادق ع شکایت کرد حضرت فرمود که چون از طعام

خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اللهم هنّئنیه اللهم سوّغنیه اللهم امرئنیه و در حدیث
صحیح از آنحضرت منقولست که چون خوان حاضر شد یکی از حاضران اگر بسم الله بگوید از دیگران
مجزیست **فصل ششم** در آداب بعد از طعام در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که
هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ بگذار و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله مرویست که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن
آن شفای هر درد است باذن الله برای کسی که بآن طلب شفا کند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد بآنچه از خوان بر زمین افتد
بخور پس چند کس که صاحب این درد بودند کردند زایل شد از ایشان و در حدیث دیگر معویه
بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند برچیدند آنچه
از خوان افتاده بود و تناول میفرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها فقر و درویشی را
برطرف میکند و فرزند را زیاد میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که پاره نانی در میان جای کثیفی یا نجسی بیابد و بردارد و بخورد یکحسنه از برای او باشد
و هر که پاره نانی در میان جای کثیفی یا نجسی بیابد پس بشوید آنرا و بردارد برای او هفتاد
حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله روزی
بخانه عایشه آمدند پارهٔ نانی دیدند که بر زمین افتاده بود برداشتند و تناول فرمودند
و گفتند ای عایشه گرامی دار نعمتهای خدا را بر خود که نعمت خدا از جماعتی که گریخت دیگر
بسوی ایشان بر نمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که
در خانه طعامی بخورد و از آن چیزی بیفتد آنرا بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برای مرغان
و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که اگر در صحرا باشد بر
مدار اگرچه پای ران گوسفند باشد و از عبد الله ارجانی منقولست که گفت در خدمت حضرت
صادق ع بودم دیدم بعد از طعام میکرد و آنچه بر زمین افتاده بود برمیداشت حتی کنجد و امثال
آنرا گفتم فدای تو شوم اینها را هم برمی‌چینید فرمود که اینها روزی تو است مگذار از برای دیگری
که اینها شفاست از همه دردی و در حدیث دیگر منقولست که خوردن آن فقر را برطرف میکند
از خورندهٔ آن و فرزند آن و فرزند فرزند آن او تا فرزند هفتم و در روایت دیگر هر که بخورد خدا نگاه
دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرداب و حماقت و در حدیث دیگر منقولست که هر که خرمائی
یا پارهٔ نانی به بیند که بر زمین افتاده است پس بردارد و پاک کند و بخورد و در شکمش قرار نگیرد
مگر اینکه بهشت او را واجب شود و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

منقولست که آنچه از سفره و خوان میریزد مهر حور العین است و بسند معتبر دیگر منقولست که روزی
حضرت امام حسین صلوات الله علیه داخل بیت الخلا شدند لقمهٔ دیدند که افتاده است برداشتند
و بغلامی از غلامان خود دادند فرمود که هرگاه بیرون آیم این بمن ده پس چون بیرون آمدند پرسیدند
که چه شد لقمه نان گفت خوردم فرمود که تو را آزاد کردم از برای خدا شخصی پرسید از سبب آزاد کردن
غلام حضرت فرمود که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که هر که لقمهٔ نانی بیابد و او را پاک
کند و بخورد یا بشوید بخورد و آنرا در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد کرد و
من نمیخواهم در بندگی بدارم کسی را که خدا از آتش جهنم آزاد کرده باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که نیم خوردهٔ مؤمن شفاست هفتاد درد را و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود
که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است و چنین
نیست بدرستی که حقتعالی نعمت فراوان عطا فرمود باهل نهر ثرثار بحدی که از مغز گندم نان
نفیس می پختند و با آن استنجا میکردند و بهم معقد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از
آن نانها شد روزی مرد صالحی گذشت دید زنی از نان نجاست از طفل خود پاک میکند گفت از
خدا بترسید و نعمت خدا را از خود بر مگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این
نهر ما جاریست ما از گرسنگی نمی ترسیم پس حق تعالی بر ایشان غضب فرمود و باران آسمان
و گیاه زمین را از ایشان باز داشت تا آنکه محتاج شدند بآن نانهای استنجا کرده بودند و به
ترازو در میان خود قسمت میکردند و بسند معتبر از یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا ع
منقولست که آنحضرت میفرمود بخادمان خود که اگر من بر بالای سر شما بایستم در وقت طعام
خوردن بر مخیزید تا فارغ شوید و بسیار بود که یکی از ما ها را طلب میکردند چیزی میخورد
و میفرمود بگذارید تا فارغ شوند و در وقت طعام خوردن ما را خدمت نمیفرمود **فصل هفتم**
در فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و شیر و آنچه از حیوان حاصل میشود و سرکه و شیرینی و آب روایت
معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که گرامی دارید نان را که کار کرده‌اند در
آن ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه برای شما بعمل آمده است بعد
آن فرمود که روزی حضرت دانیال پیغمبر بکشتیبانی آمد و گردهٔ نانی باو داد که مرا از آب بگذران
کشتیبان نانرا انداخت و گفت این نان را چکنم در پیش ما این نانها در زیر پای مردم افتاده است و با آن
میمالند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت پروردگارا نان را گرامی دار به تحقیق دیدی که این

بنده با
نان چه کرده چه گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود بآسمان که باران مبار بر ایشان وحی نمود بزمین
که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه کار ایشان بجائی رسید که از گرسنگی یکدیگر را میخوردند پس دو زن
که هر یک فرزندی داشتند وزنی یکی بدیگری گفت که بیا من و تو امروز فرزند مرا بخوریم پس چون
نوبت بفرزند دیگری رسید ابا کرد از خوردن فرزند و نزاع کردند و مخاصمه بنزد حضرت دانیال ع
آوردند حضرت فرمود که کار بانجا رسیده است گفتند بلی و بدتر پس دست بآسمان برداشت
و گفت پروردگارا عود کن بر ما بفضل و رحمت خود و عقاب مکن اطفال بی گناهان را بگناه کنندگان
پس حق تعالی وحی فرمود بآسمان که باران ببار و بزمین که برویان برای خلقم آنچه در این مدت از ایشان
فوت شده است بدرستیکه من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند معتبر صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که نان را در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نان را گرامی
دارید گفتند گرامی داشتن نان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیزی دیگر
مبرید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که نان را بو مکنید بو کردن درندگان که مبارک
است و بآن نماز میکنید و روزه میگیرید و حج خانه و درد کار میکنید و در روایت دیگر فرمود که
خداوندا برکت بده از برای ما در نان و میان ما و آن جدائی میفکن که اگر نان نباشد ما نماز نمیکنیم
و روزه نمیگیریم و فرایض خدا را نمیتوانیم کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون نان و گوشت حاضر شود
ابتدا بنان کنید و رخنهٔ گرسنگی را بنان به بندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت رضا ع
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که گردهای نان را کوچک کنید که با هر گرده برکت
است و در چند حدیث معتبر منقولست که نان را بکارد مبرید ولیکن بدست
بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نان خورش نباشد نان را بکارد میتوان برید
و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فضیلت نان جو بر نان گندم
مانند فضیلت ما اهلبیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است برای
خورندهٔ نان جو و برکت فرستاده است بر او و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی در
آن هست بیرون میکند و نان و طعام جو قوت پیغمبران است و طعام نیکانست و حق تعالی ابا کرده
است که قوت پیغمبران مگر نان جو و فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع
تر از نان برنج باشد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
برای صاحب اسهال نان برنج نیکوست و همچنین برای صاحب سل و دردها را از بدن میکشد
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته خوراک حضرت رسول خدا نان جو بود تا از دنیا
مفارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که نیکو خوراکیست

خوراکیست سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم میکند و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که سویق بوحی الهی ساخته شده است و گوشت را میرویاند و
استخوان را محکم میکند و خوراک پیغمبران است و قاووت خشک بلغم را زایل میکند و با رطب
خوردن گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند و بینیرا نازک میکند و قوت جماع را
زیاد میکند و اگر سه کف سویق خشک را ناشتا بخورد بلغم و صفرا را برطرف میکند و در حدیث
دیگر فرمود که هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر میشود از قوت و در
حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زایل میکند و معده را قوت میدهد و صفرا را فرو
مینشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و هیجان خون و حرارت را برطرف میکند
و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که زنی که خون حیض او بند نشود
سویق باید داد تا بند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
بهترین نان خورش شما در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده اید که حق تعالی در وصف بهشت
میفرماید وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ و گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته باشند آنرا و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که یعنی عبد الاعلی و مسمع بآنحضرت عرض نمودند که نزد ما روایت میکنند از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که خدا دشمن میدارد خانه پر گوشت را حضرت فرمود که راست میگویند
اما آن معنی ندارد که ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانهٔ را که گوشت
مردم را بغیبت در آنجا بخورند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول خدا صلی
الله علیه و آله گوشت بسیار میخوردند و دوست میداشتند و فرمود که پدرم گوشت را دوست
میداشت و روزی که فوت شد سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول خدا
فرمود که ما گروه قریش گوشت را دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام منقولست که گوشت خوردن در بدن گوشت میرویاند و کسی که گوشت نخورد چهل روز
کج خلق میشود و هر که کج خلق شود اذان در گوشش بگویید و فرمود که هر که چهل روز بگذرد
و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا میشود و در حدیث صحیح منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که اهلبیت ما گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که
سودا را بحرکت می آورد و از آن درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد حضرت فرمود که اگر خدای
عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسمعیل را گوسفند قرار نمیداد و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بنی اسرائیل بحضرت موسی علیه السلام

شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بود حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی علیه السلام که امر
کن ایشان را که گوشت گاو با چغندر بخورند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که مرق گوشت گاو پیسی را زایل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست و گوشت گاو
درد است و در چند حدیث منقولست که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر آن درد از بدنش
بیرون رود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که اردک گاومیش مرغان است چون
لجن میخورد و مرغ خانگی خوک مرغانست زیرا که فضلهٔ آدمی میخورد و دراج حبشی مرغانست چرا نمی
خورند دو کبوتر بچه که تازه پرواز آمده باشند و زنگ بریان با تیغ قوت باکمه خورد ایشان را نوبت
کرده باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که هر که خواهد که خشم او کم شود و اندوهش زایل
شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که گوشت کبک ساق
پا را قوی میکند و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از امام محمد تقی علیه السلام منقولست
که گوشت اسفرود مبارک است و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان
بریان کنید و بخورانید و از حضرت امام موسی کاظم ع منقول است که گوشت هبره را خوردن
باکی نیست و از برای دفع بواسیر و درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیاری جماع
و از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردند از گوشت گورخر فرمود که چون وحشی است
خوردنش جایز است اما نخوردنش نزد من بهتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام منقولست که باکی نیست در خوردن گوشت و شیر و روغن گاومیش و در حدیث صحیح
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود
که این خوردن حیوانات درنده است بلکه بپزید یا بخورید تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر
دهد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند از خوردن
گوشت خام فرمود که طعام درندگان است و در حدیث بسیار منع وارد شده است از گوشت
قدید که در سایه خشک کرده باشند وارد شده که دردها را بحرکت می آورد و معده را
سست میکند و در بعضی احادیث تجویز خوردنش وارد شده است و از حضرت صادق ع
منقولست که سه چیز است که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت
قدید بد بو با امتلای معده بحمام رفتن و با جماع زنان پیر کردن و در روایت دیگر با امتلا
مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که خوردنی

که خوردنی نیستند و بدن را فربه میکنند و سه چیز است که خوردنی اند و بدن را لاغر میکنند
و دو چیز است که بهمه چیز نفع میرساند و به هیچ چیز ضرر نمیرساند و دو چیز است که بهمه
چیز ضرر میرساند و به هیچ چیز نفع نمیرساند اما آنها که آنها خوردنی نیستند و فربه
میکنند پیراهن کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره کشیدن و اما آنها که خوردنی
اند و لاغر میکنند گوشت خشک و پنیر و شکوفهٔ خرما اما آن دو چیز که بهمه جهت نفع میر ساند
آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهمه جهت ضرر میرساند گوشت خشک کرده
و پنیر و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوشت
دست و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند کراهت داشتند
برای آنکه بول نزدیک است و بچندین سند منقولست که حضرت آدم ع گوسفندی
قربانی کرد برای پیغمبران از فرزندان خود برای هر پیغمبری عضوی نام برد از آن جمله
برای پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله دست گوسفند را نام برد باین سبب
آنحضرت آنرا دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که گوشت که با شیر بپخته باشند مرق
پیغمبرانست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هرگاه ضعف بر مسلمانی مستولی
شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث دیگر منقولست که یکی از پیغمبران
بحق تعالی شکایت نمود از ضعف و سستی بدن وحی رسید باو که گوشت را با شیر طبخ
کن و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر منقولست که محبوب ترین طعامها
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آش انار بود و بسند صحیح منقولست که حضرت
صادق علیه السلام زیره با را دوست میداشتند که آن آش با تلیه است که مویز در
آن میکردند و در احادیث بسیار در مدح مرق گوشت که نان در آن ترید کرده باشند
وارد شده است و احادیث بسیار در مدح کباب منقولست که ضعف را زایل میگرداند
و رنگ را سرخ میکند و تب را زایل میکند و در حدیث معتبر منقولست که اصبغ بن نباته
گفت روزی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رفتم در پیش آنحضرت گوشت
بریان گذاشته بود فرمود که نزدیک بیا و بخور عرض کردم یا امیر المؤمنین ع

ماضر میکند فرمود که نزدیک بیا تو را دعائی تعلیم میکنم که چون این دعا بخوانی هیچ چیز تو را ضرر نرساند
بسم الله خیر الاسماء ملاء الارض و السماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر مع اسمه شیء و لا داء
و مدح کلم نیز در حدیث وارد شده است که محل تزکیه است و بجوارگاه از همه نزدیکتر و از کثافات
دورتر است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بر شما باد بخوردن هریسه که تا
چهار روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده ایست که خداوند عالمیان بر حضرت رسول ص
نازل کردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیغمبری از پیغمبران بحقتعالی شکایت
نمود از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را امر کرد بخوردن هریسه و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که خداوند عالمیان هدیه فرستاد برای پیغمبر ص هریسه از هریسهای بهشت که دانه
اش در باغهای بهشت روئیده بود و حوران بهشت بدست خود بعمل آورده بودند پس چون آنحضرت
رسول صلی الله علیه و آله آنرا تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آنحضرت افزود و آن چیزی
بود که خدا میخواست که پیغمبر ص را باین خوشحال کرداند و مدح مثلثه وارد شده است که آن طعامی بوده است
که یک قفیز برنج و یک قفیز نخود و یک قفیز باقلا میکوفته اند و می پخته اند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر
میکرده اند و مدح تلبینه نیز وارد شده است و آن حلوای روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل
بعمل می آورده اند و از هارون بن موفق منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روزی
مرا طلبیده بود در خدمت آنحضرت طعام خوردم و حلوای بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار است
حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم پس دوست میداریم حلوا را و از عبد الاعلی
منقولست که روزی در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام طعام خوردم مرغی آوردند
که میان شکم آن خرما و روغن پر کرده بودند و در حدیث موثق منقولست که از یونس بن یعقوب
که او گفت ما در مدینه بودیم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نزد ما فرستاد که برای ما
پالوده بسازید و کم بپزید ما کاسه کوچکی نزد آنحضرت فرستادیم و در حدیث دیگر از
آنحضرت منقولست که هر که شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما یا عسل بخورد تا صبح رگ فالج
در بدن او متحرک میباشد و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون ماهی تناول میکردند
میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا به خیرا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این ماهی

ماهی و بعوض این بهتر از این بما عطا کن و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه و آله
منقولست که بر شما باد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوارا است
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مداومت منمائید بر خوردن ماهی که بدن را
میکاهاند و در روایت دیگر منقولست که ماهی تازه پیه چشم را میکاهاند و در حدیث صحیح وارد است
که شخصی بخدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بهیجان
می آید و اگر نمیکنم خون آزار میکند حضرت در جواب نوشتند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی تازه
که با آب و نمک کباب کرده باشند بخور پس آنمرد چنین کرد همیشه در عافیت بود و در حدیث
معتبر از آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که تخم سبک است و خواهش گوشت را برطرف
میکند و منفعت گوشت را دارد و شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از
کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با پیاز بخور و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که پیغمبری بخدا شکایت کرد از کمی نسل وحی باو رسید که تخم با گوشت بخور و در حدیث دیگر
فرمود که زرده تخم سبک است و سفیده اش سنگین است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که بسیار خوردن تخم زیاد میکند فرزند را و احادیث در مدح سرکه با زیت وارد شده است
که خوراک پیغمبرانست و ائمه علیهم السلام تناول میفرمودند و در مدح سرکه احادیث بسیار
وارد شده است و منقولست که بهترین نان خورشها نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
سرکه بود و میفرمودند که خانه که سرکه در آن باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت امیر المؤمنین
فرمود که نیکو نان خورشی است سرکه صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده میدارد و از حضرت میکردانند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بطرق متعدده منقولست که سرکه از شراب بهم رسیده
باشد کرم معده را میکشد و بن دندانها را محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنا را قطع
میکند و فرمود که بنی اسرائیل در اول و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام نمک میخوریم
و در احادیث بسیار مدح خوردن روغن زیت و بو کردن آن وارد شده است و منقولست
که نان خورش پیغمبران و پاک کننده دهان است و مدح میوه زیتون نیز بسیار وارد شده است و
منقولست که دفع بادها میکند و بچندین سند از ائمه طاهرین علیهم السلام منقولست که مردم

طلب شفا نموده اند بچیزی مانند عسل و آن شفای هر دردی است و خوردن عسل و تلاوت قرآن و
و خائیدن کندر بلغم را میکاهد و در مدح شکر احادیث بسیار وارد شده و مراد از آن یا نبات است یا قند
یا از قبیل نقل چیزی از شکر می ساخته اند و منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در وقت
خواب کردن تناول میفرمودند و منقولست که بهمه جهت نافع است دفع بلغم میکند و در روایتی وارد
شده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر از آن چیزی نداشته باشد همه را شکر بخرد
مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصا روغن گاو احادیث بسیار وارد شده است و از پیران که
پنجاه سال و زیاده داشته باشند منع از خوردن روغن وارد شده است و منقولست که روغن گاو
شفاست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرچه میخوردند [illegible]
میگفتند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در آنچه خوردیم و بعوض آن
بهتر از آن بما عطا فرما و چون شیر تناول میکردند میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه یعنی
خداوندا برکت ده برای ما در اینکه آشامیدیم و از این بیشتر بما عطا کن و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که شیر بز کوسفند سیاه بهتر است از شیر دو کوسفند سرخ و شیر بز گاو سرخ
بهتر است از شیر گاو سیاه و منقولست که شیر خوراک پیغمبرانست و شخصی بخدمت حضرت
امام جعفر صادق ع عرض کرد که شیر خوردم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمیکند
لیکن با چیزی دیگر خورده و آزار کشیده از آن و شخصی بآن حضرت شکایت نمود از ضعف بدن
فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند و استخوانها را سخت میکند حضرت امام موسی کاظم ع
فرمود که هر که آب پشتش متغیر شود یعنی فرزندان از او بهم نرسد شیر با عسل بخورد و بسند موثق کا
الصحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر شما باد بشیر گاو که آن از همه درختی می
خورند و خاصیت هر گیاه در شیرش هست و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که
شیر گاو دواست و در حدیث منقولست که برای فساد معده نافع است و حضرت امام موسی ع
فرمود که بول شتر نافع ترست از شیرش و حق تعالی در شیرش شفا قرار داده است و در روایت دیگر
منقولست که شیر شتر شفای همه دردهاست و در روایتی چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد
شده است و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که خواهد که
ماست او را ضرر نرساند با زنیان بخورد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که دوست
میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده که در طرف چاشت مضر است و در طرف شب نافع است
و موجب تولد فرزندان میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خوردن

که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می آورد و دملها در بدن
احداث میکند و در زمستان گرده را گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت
وارد شده است که پنیر و مغز گردکان را چون با هم بخورید دواست و هر یک را که
تنها بخورید درد است فصل هفتم در فواید حبوب و سبزیها و میوهها و سایر ماکولات
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نیکو طعامی است برنج روده را گشاده
میکند و بواسیر را دفع میکند و در چند روایت وارد شده است که ما بیماران خود را ببرنج
دوا میکنیم و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع
از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج بشوی و بر سایه خشک کن و اندکی بریان
کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخور و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت را درد
شکم بود که برنج را با سماق بریزند و چون تناول فرمود بر طرف شد و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام رضا ع نخود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند
و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هفتاد پیغمبر بر آن برکت فرستاده اند
و در روایت بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در
روایت معتبره منقولست که خوردن باقلا ساق را پرمغز میکند و دماغ را زیاد میکند و تولید خون تازه
میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقولست که
خوردن لوبیا بادهای اندرونی را دفع میکند و منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع
شکایت کرد از بهق فرمود که ماش در طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقولست که اگر چند طعام
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما میکردند حضرت
علی بن الحسین ع دوست میداشت کسی را که خرما دوست دارد بجهت آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
خرما را دوست میداشت و از سلیمان بن جعفر منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع نزد آنحضرت
خرمای برنی گذاشته بود و آنحضرت با هتمام از روی خواهش تناول میفرمودند فرمود که ای سلیمان
نزدیک بیا و بخور عرض کردم فدای تو گردم بسیار بجلد تناول میفرمایید فرمود بلی دوست میدارم
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین
و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم صلوات الله و سلامه علیهم همه خرما را دوست

ومن دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب دوست
میدارند زیرا که از آتش خلق شده اند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که هر روز هفت دانه
خرمای عجوه از خرمای اطراف مدینه تناول نماید ناشتا هیچ زهری و سحری و شیطانی باو ضرر نرساند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در
احادیث معتبره منقولست که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار املیسی و سیب شامی و به و انگور
رازقی و رطب مشان و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که کراهت دارد
پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که بر روی هر میوه زهری هست پس چون بیاورند برای شما
آب بر رویش بریزید و بخورید و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند
از انجیر و خرما و سایر میوه ها که دو دانه را باهم خوردن چون است حضرت فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرموده از این پس اگر تنها باشی بهر روش خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان خوری چنین مکن و یکدانه
یکدانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر
و بخور و در روایت معتبر منقولست که روزی حضرت امام رضا ع دیدند که غلامان میوه را نیم خورده انداخته
اند فرمود سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشد بخورانید
و در حدیث موثق منقولست از حضرت امام جعفر صادق ع که دو چیز است که بلد دوستی باید خورد انگور
و انار و حضرت امام موسی کاظم ع گفته سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب و در احادیث
معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت نوح ع از کشتی فرود آمد از دیدن
مردمان غم عظیم او را عارض شد پس حقتعالی باو وحی فرمود که انگور سیاه بخور تا غمت زایل شود و در
حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت کرد از اندوه و غم وحی باو رسید که انگور بخور
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین ع انگور بسیار دوست میداشتند روزی روزه
بودند نزدیک وقت افطار شد ام ولد آنحضرت گذاشت و اول انگور پس سائلی رسید حضرت
انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را از سائل خرید و بنزد آنحضرت گذاشت
پس سائلی دیگر رسید باز آنحضرت آنرا بسائل دادند باز کنیزک رفت و خرید و آورد تا سه مرتبه
در مرتبه چهارم تناول فرمودند و منقولست که ابو عکاشه بخدمت حضرت امام محمد باقر ع آمد
و انگوری بنزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خورد یکدانه یکدانه میخورند و کسیکه میترسد

خوشه انگوری نزد

که معلوم شد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحب است
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بیست و یکدانه مویز سرخ ناشتا
خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض موت و بسند دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که مویز طایفی عصبهای بدن را محکم میکند و کلال و ماندگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند
و در حدیث معتبر از آن حضرت منقولست که میوه ها صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است
و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود
که هیچ میوه نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله محبوب تر از انار نبوده و نمیخواست که با او در
خوردن کسی شریک شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در هر اناری دانه
از بهشت است و چون کافر میخورد ملکی می آید و آن دانه را بر میدارد که او نخورد و باین سبب
مستحب است که انار را تنها بخورند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر مؤمنی که
یک انار تمام بخورد خدا شیطان انداز را از دلش چهل روز دور کرداند و هر مؤمن که دو انار را
تمام بخورد خدا شیطان انداز را از دلش صد روز دور کرداند و هر مؤمن که سه انار تمام بخورد خدا
شیطان انداز را از دلش یکسال دور کرداند و هر که یکسال شیطان از او دور شود گناه نمیکند
و هر که گناه نکند داخل بهشت میشود و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که بر شما باد بخوردن انار
شیرین که هیچ حبه از آن در دل مؤمن نمی افتد مگر آنکه دل او را نورانی میکند و شیطان و سوسه را از او
دور میکند و در حدیث حسن منقولست که هر که یک انار را ناشتا بخورد دلش تا چهل روز نورانی باشد
و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیه اش بخورید که دباغی معده میکند و شعور را می افزاید و فرمود
که انار ترش و شیرین شایسته تر است در شکم و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که هر که در روز
جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را روشن کند و اگر دو تا بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد
تا صد و بیست روز وسوسه شیطان از او دور کند و هر که وسوسه شیطان از او دور کرد معصیت خدا
نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که دود چوب درخت خرما
حشرات را دور کند و ندهای زمین را بو می اندازد و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که
خوردن سیب نافع است برای اجنه و سحر و استیلای اجنه و غلبه بلغم و هیچ چیز
منفعتش از آن تند تر نیست و در روایات معتبره وارد شده است که خوردن

سیب دفع تب و رعاف و طاعون میکند و در روایت معتبر دیگر منقولست که سویق سیب خشک
قطع رعاف میکند و فرمود که هیچ دوائی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر
مردم بدانند که چه نفعها در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر به سیب و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خوردن به دل ضعیف را قوی میکند و معده را پاکیزه می
میکند و دل را ذکی میکند و مرد ترسان را شجاع میکند و از حضرت صادق ع منقولست که رنگ را صاف
میکند و فرزندان را نیکو و در حدیث دیگر فرمود که هر که به بناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود
و فرزندش حسین شود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که یک به بخورد حق تعالی حکمت را
بر زبان او جاری گرداند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر
مگر اینکه بوی به با او بود و فرمود که به غم را زایل میکند و کینه را میبرد چنانچه دست عرق جبین را
میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقولست که انجیر گند دهان را زایل میکند
و استخوان را سخت میکند و موی را میرویاند و درد را ببرد و با آن بدوای دیگر حاجت نیست و
شبیه ترین میوه‌ها است بمیوه‌های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که بخورید امرود را که دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را ساکن میکند باذن الهی
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بخورید
امرود را که دباغی معده میکند و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافعتر است
از ناشتا خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بسند صحیح انجیر گند
دهان را برطرف میکند و برای دفع قولنج نافع است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که خوردن انجیر شفتالو نرم میکند و برای بادهای قولنج نافع است در روز
بخورید و بسیار بخورید و در شب بخورید و بسیار مخورید و منقولست که دفع میکند
بواسیر و نقرس را و قوت جماع میافزاید [illegible] منقولست که رفتم بخدمت
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام دیدم که نزد آنحضرت ظرفی آب گذاشته و در میان
آن آلوی سیاه ریخته اند پس فرمود که حرارتی بر من غالب شده بود و آلوی سیاه تازه
حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن میکند و آلوی خشک خون را ساکن میکند و دردهای
کهنه را از بدن بیرون میکند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع

[illegible]

صادق ع از شخصی سؤال نمود که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج گفت میگویند بعد از طعام میباید
خورد فرمود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود که بخورید ترنج را از حضرت
امام رضا ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را خوش نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ
و بدانکه عرب لیمو نارنج را هم ترنج میگویند و در بعضی احادیث مدح مونه وارد شده است و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سنجد مغزش گوشت را میرویاند و پوستش پوست را میرویاند و استخوانش
استخوان را میرویاند و خوردن سنجد گرده را گرم میکند و معده را دباغی میکند و امان میدهد از بواسیر از تقطیر
و از تقطیر بول و ساق پا را قوت میدهد و رگ خوره را قطع میکند و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که بخورید خربزه که در آن ده خصلت است و ردی در آن نیست و خوردنی است
و آشامیدنی است و میوه است و گلست و اشنان است که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت
جماع را زیاد میکند و مثانه را میشوید و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا ع
منقولست که خربزه خوردن ناشتا مورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله رطب را با خربزه
میل میفرمودند و دوست میداشتند و گاهی شکر و قند با خربزه میخوردند و بسند معتبر از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله میوه تازه میدید میبوسیدند
و بر چشم و دیده میگذاشتند و میگفتند اللّهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی
خداوندا چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که میوه بخورد اول بسم الله بگوید با او ضرر نرساند از
حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هیچ خوانی نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نمی آوردند
مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان سبز است و به سبزی مایل است و فرمود که
هر که هر شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده او باشد در آن شب از قولنج ایمن گردد و فرمود
که کسی که خواهد مال و فرزندش زیاده شود بسیار بخورد برگ کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود
که نیکو سبزی است کاسنی هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطره از بهشت بر روی آن هست پس
در وقت خوردن حرکت میدهید که قطراتش بریزد و فرمود که کاسنی بهترین سبزیها است
فرزند را بسیار و نیکو میکند و بسر می آورد و فرمود که فضیلت آن بر سبزیها مانند فضیلت

ماست بجمیع خلایق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن شفای همه دردها است و هیچ
دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا بیخ میکند و شخصی را تب عارض شد
و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبند و بر روی کاغذ پهن کنند و روغن بنفشه بر آن
بریزند و بر پیشانی اش بپیچانند که تب و صداع را برطرف میکند و حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول خدا است و بادروج سبزی امیرالمؤمنین علیه السلام است
و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمهٔ زهرا است علیها السلام و احادیث بسیار در تعریف باد
روج مرویست و آنکه باید در اول طعام خورده شود که فتح سده میکند و اشتهای طعام را زیادتی کند
و سل را میبرد و ادواق را خوشبو میکند و امان است از خوره و چون در شکم ساکن شود همهٔ دردها را
زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که شخصی را علت
سپرز عارض شده بود فرمود که سه روز بادروج بخور آنچنان کردند بصحت مبدل شد و از
حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که بخورید تره را که در آن چهار خصلت هست کند دهان را خوشبو می
کند و بادها را دفع میکند و بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت کند بر آن از خوره ایمن است و منقولست
که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تره را با نمک سائیده تناول میفرمودند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس
و یسع و یوشع بن نون است و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرویست که خوردن سیب و کشنیز مورث
فراموشی است و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که بر روی زمین سبزی شریفتر و نافع
تر از برگ خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و در حدیث دیگر فرمود که بر
شما باد بخوردن کاهو که خون را صاف میکند و در دو حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که هر که تره تیزک را بعد از نماز خفتن بخورد تا صبح نفس او را میکشد ببوی خوش و در حدیث
دیگر فرمود که کاسنی و بادروج از ما است و تره تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از خادم
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که هرگاه آنحضرت ما را امر میکرد بخریدن سبزی میفرمود
که تره تیزک بسیار بخرید و میفرمود که چه بسیار احمقند بعضی از مردم میگویند که تره تیزک در
کنار جهنم میروید و حال آنکه حق تعالی میفرماید که آتش افروز جهنم مردمانند و سنگهای بتان دودخانه
سنگ کبریت پس چون تواند بود که سبزی در جهنم بروید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که از پیغمبران حق تعالی دفع کرد خوره را از خورندگان تره و بیرون آوردن رگهای

یا علی مدد کن

رگهای گوشت را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که نیکو سبزیست چغندر و حضرت امام رضا ع
فرمود که بخورانید به بیماران خود برگ چغندر را که آن شفا است و در آن درد نیست و مضرت ندارد
و بیمار را بخواب راحت میبرد و اصلش سودا را بحرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب
ذات الجنب نشده است چیزی مثل برگ چغندر و در حدیث معتبر دیگر منقولست که از حضرت رسول ص
که دبلان داخل منّ است که بر بنی اسرائیل نازل شد و منّ از بهشت آمده و آبش شفای چشم است و
در چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دوست میداشت کدو را و در
میان دیگ و از میان صحن برمیچیدند کدو را و امر میفرمودند زنان خود را که کدو در طعام بسیار بکنند
و وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که یا علی بر تو باد بخوردن کدو که دماغ و عقل را زیاد
میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در ترب سه خصلت است برگش
دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش قطع بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود
که برگش مورث ادرار بول است و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام منقولست که خوردن گزر قوت جماع را زیاد
میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبره وارد شده است که شلغم
را مداومت بخوردن آنش بکنید که هیچ کس نیست مگر آنکه رگ خوره در او هست و شلغم آن رگ را می
گدازد و در حدیث معتبر منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک میخوردند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که خیار را از تهش بخورید که باعث زیادتی برکت ابتدا کنید
آن میگردد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که بخورید بادنجان را که درد را میبرد و با آن درد
نیست و احادیث در مدح منافعش بسیار است و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست بچندین سند که
پیاز گند دهان را میبرد و بلغم را زایل میکند و سستی و ماندگی را برطرف میکند و پیهای بدن را محکم می
کند و بن دندانها را سخت میکند و قوت مجامعت را می افزاید و نسل را زیاد میکند و تب را میبرد و بدن را
نازک میکند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که چون داخل شهری بشوید پیاز آن
شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میکند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که سیر بخورد از جهت بوی بدش داخل مسجد نشود
اما اگر کسی که بمسجد نرود باکی نیست که آنرا بخورد و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که پیاز
و تره را خام بخورید و پخته خوردن باکی نیست اما اگر کسی بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهت

دارد بسبب آنکه کسی که در پهلوی او می‌نشینند و احادیث در مدح آب‌نمک وارد شده است که تقویت

معده میکند و اگر در صبح ناشتا سفوف کند بخورد رطوبت معده را دفع میکند و در حدیث

معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی حضرت آدم را از خاک آفرید

پس خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقولست که بزرگترین دامهای شیطان خوردن خاک و گل است و دردها در بدن حادث

میکند و خارش بدن و بواسیر از آن بهم میرسد و دردهای سودا از آن متولد میشود و قوت را

از ساق و قدم میبرد و هرچه از قوتش بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است

در قیامت او را از آن حساب و برآن عذاب میکنند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

فرمود که چهار چیز است که از وسواس شیطان است خوردن گل و گل را بدست خوردن

و ناخن را بدندان کرفتن و ریش بلخائیدن و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن

گل حرام است مانند مردار خوردن و گوشت خوک مگر گل قبر مطهر جناب اباعبدالله الحسین ع

که خوردن آن بقدر یک نخود شفاست از هر دردی و امانست از هر خوفی فصل نهم

در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست

که چون برادر مؤمن بخانهٔ تو بیاید از تکلیف خوردنی مکن اگر بخورد و تکلیف آشامیدنی

بکن اگر نکند تکلیف دست شستن بآب یا بعرق خوشبو بکن و از حضرت رسول خدا ص

منقولست که از جمله گرامی داشتن مهمان آدمی برادر مؤمنش را آن است که تحفهٔ او را قبول

کند و آنچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیارد و چیزی که نداشته باشد برای او تکلف نکند

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر

دارد که برای او در نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد هر که حقیر شمرد آنچه برادر مؤمن نزد او

آورد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که هرگاه برادر مؤمن تو را طلبیده بنزد تو آید آنچه

حاضر داری برای او بیاور اگر طلبیده باشی تکلف کن و در حدیث حسن از هشام منقولست

که با ابن ابی یعفور بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم انحضرت چاشت

چاشت طلبید هشام گفت که من کمتر چیزی میخوردم حضرت فرمود که مگر نمیدانی محبت برادر مؤمن نسبت ببرادر

مؤمن او بقدر آنست که از طعام او میخورد و بعد از هر چند بیشتر دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد

و بر این مضمون احادیث بسیار وارد شده است و حضرت امام رضا ع فرمود که سخی و صاحب همت آن

طعام مردم میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بخیل طعام مردم را نمیخورد تا از طعام او نخورند و حضرت رسول ص

فرمود که ولیمه و مهمانی سنت است در پنج چیز میباشد در عروسی و عقیقه و ختنه کردن پسران و خانهٔ

نو خریدن یا بنا کردن و در وقتی که آدمی از سفری بخانهٔ خود برگردد و در حدیث دیگر وقتی که از سفر حج

برگردد و در حدیث دیگر وقتی که از حج برگردد و منقولست که نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد

و فقرا در آنجا نطلبند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادر

مؤمن و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود سزاوار آن است که مهمان روزه دار بی‌رخصت صاحب

خانه که مبادا طعامی از برای او بعمل آورند و ضایع شود سزاوار نیست اهل آنخانه را روزه داشتن مگر

برخصت مهمان که مبادا بسبب روزهٔ ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقولست از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله که حق ضیافت سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبرعیست که

نسبت باو میکنی و فرمود که این قدر مهمانی بس برادر مؤمن خود که او را در هم بشکنید که دیگر چیزی

نداشته باشد که خرج شما کند و ابن ابی یعفور روایت کرده که در خانهٔ حضرت امام صادق ع

مهمانی دیدم که برخواست بکاری حضرت او را منع کردند و خود برخواستند و آن کار را کردند

و فرمودند که حضرت رسول ص نهی فرموده است از خدمت فرمودن مهمان و در حدیث دیگر

منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا ع بود و دست دراز کرد چراغ

را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح کردن چراغ را فرمودند که ما

اهل بیت خدمت نمیفرمائیم مهمان را و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست

که از جملهٔ ضعف و سستی اینست که کسی بتو احسانی کند و تو بعوض مکافات آن نکنی

و از خلاف آداب است حضرت فرمودند مهمان بیش چون مهمان بیاید او را اعانت

کنید در فرود آمدن وقتی که خواهد بار کند و برود او را مدد مکنید بر رفتن که این دلیل بر

نفس و در وقت رفتن توشهٔ همراهش کنید و توشه را نیکو و خوشبو بعمل آورید که این

دلیل جوانمردی است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که از جملهٔ حق مهمان آنست که همراه او بروی تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون شخصی بخانهٔ کسی برود هر جا که صاحب خانه امر کند بنشیند که صاحب خانه امور مخفی خانهٔ
خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هشت کسند که اگر ایشان را
مذمت و خواری برسد ملامت نکنند مگر خود را کسی که بر سفرهٔ حاضر شود که او را نطلبیده
باشند و کسی که بر صاحب خانه تحکم کند و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان کند و کسی که
خود را داخل کند در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که استخفاف کند بپاد
شاهان و صاحبان حکم و کسی که در مجلسی بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد و کسی که با شخصی سخن
گوید که گوش بسخن او ندهد و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود ضیافت کن کسی را که از برای خدا
با شخص او را دوست داری و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که یک برادر مؤمن که از برای خدا باشد
با او برادری بکنی سیر کنی بهتر است نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم و فرمود که چون حضرت رسول
با مهمان نان تناول میفرمودند پیش همه شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که بجماعتی آب دهد باید که خودش بعد از همه آب بخورد
و از حضرت امام جعفر صادق ع بسند صحیح منقولست که چون برادر مؤمن تو بخانه تو بیاید مپرس
که امروز چیزی خورده و لیکن هر چه حاضر داری نزد او بیار که جواد و جوانمردی آن است که هر چه
دارد حاضر کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن
خورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا
و روز قیامت دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که از جملهٔ حق مهمان آنست که او را گرامی دارد و خلال برای او حاضر کند و در احادیث بسیار
وارد شده که هر گاه مهمان می‌آید با روزی خود می‌آید و چون طعام خورد خدا صاحب آن خانه را می
آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون میرود گناه تو را و عیال تو را بیرون می‌برد و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست
تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سیر مؤمن را
طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که هر مؤمنی که صدای مهمان را بشنود گناهانش آمرزیده شود اگر چه زمین

زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر خانه که
مهمان بآن خانه نمیرود ملائکه داخل آن نمیشود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که از حقوق واجبهٔ مؤمن بر مؤمن آن است که اگر او را بضیافت بطلبد قبول کند و حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت را که دعوت
مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگر چه پنج میل راه باشد که این از امور دین است که در دین
لازم است و هر میل یک ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی
بطلبد میروم و فرمود که بدترین بخیلان آن است که شخصی برادر مؤمن او را بطعامی بخواند و او قبول
نکند فصل هشتم در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و خلال و حجامت را
آورد و فرمود که خلال بن دندانها را باصلاح می‌آورد و روزی را زیاد میکند و حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام فرمود که خلال مکنید بچوب گل و درخت انار که هر دو رگ
خوره را بحرکت می‌آورد و حضرت امام جعفر صادق ع که هر که بنی خلال کند تا شش روز
حاجتش برآورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بهر چیزی یافتند خلال
میکردند بغیر از برگ درخت خرما و نی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص
نهی فرمود از چوب درخت انار و درخت مورد و نی و فرمود که بحرکت می‌آورد
رگ خوره را و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خلال کردن بچوب
گز مورث فقر و بی چیزی میشود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
امر میکرد ما را که چون خلال کنیم آب نخوریم تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را باب و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از حقوق مهمان آن است که خلال از برای او مهیا
کنی و فرمود که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند در
دندان بنده طعامی و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر چه از طعام در بن دندان مانده باشد بخورد و آنچه در میان دندان مانده باشد
بیندازد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که هر چه بزبان از میان دندان

بیرون می‌آوری بخور و آنچه را بخلال بدر می‌آوری میخواهی بخور و میخواهی بینداز و از حضرت امام
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آنچه بخلال بیرون می‌آوری فرو نبرد که جراحتهای اندرونی
بهم میرسد و در احادیث دیگر وارد شده است که هر چه را بخلال بیرون می‌آوری بینداز
و در احادیث معتبره وارد شده است اندرون و بیرون دهان را بعد از طعام بسعد و اشنان
شستن **فصل یازدهم** در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است که
بهترین آشامیدنیهای دنیا و آخرت آب است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که محظوظ و ملتذ باشد از آب دنیا خدا او را ملتذ گرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی
از آن حضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزه زندگانی حق تعالی میفرماید که از آب آفریده
ایم هر چیز که صاحب حیوانی باشد آیا ایمان نمی‌آورند بخدا کافران و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که در تفسیر آیه کریمه ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ یعنی پس سؤال کرده خواهید شد
در روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از آن نعمتها رطب و آب سرد است و در
حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که آب زمزم بهترین آبهاست بر روی زمین و بدترین
آبها بر روی زمین آبی است که در برهوت است در بلاد که روح کافران در آنجا وارد میشوند در شب
و معذب میباشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای هر دردی که از برای آن
بخورند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آب زمزم شفاست از هر دردی
و در روایت دیگر از برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که بخورید آب باران را بدرستی که بدن را پاک میکند و بیماریها و دردها را از بدن
دفع میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نهی وارد شده از خوردن تگرگ و در روایت
دیگر وارد شده که خوردن تگرگ برای دندان نافع است و مصادف روایت کرده که شخصی از
یاران ما در مکه بیمار شد تا آنکه بحال مرگ افتاد بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
عرض کردم حال او را فرمود که اگر بجای شما باشم از آب ناودان کعبه باو میخورانم پس ما طلب
کردیم هیچکس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر شد و باران آمد قدحی
گرفتیم و از آب ناودان پر کردیم و آوردیم نزد بیمار و از آن آشامید و در ساعت شفا یافت
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که گمان ندارم که طفلی را کامش را از آب فرات بردارند

بردارند مگر آنکه دوست ما اهلبیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آن
میریزد و فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد که برای شفا بنزد آن میروم
و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میداشتم که هر صبح و شام بنزدیک
آن روم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که اگر اهل کوفه کام فرزندان
خود را از آب فرات بردارند هر آینه همه شیعه ما باشند و از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام منقولست که ملکی در هر شب می‌آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات
میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث
بسیار وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از شفا طلبیدن از آب
گرم که در کوهها میباشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است
و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند که ولایت و دوستی ما بر همه
آبها عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین و نیکو شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور
شد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام کراهت داشتند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب
تلخ و آبی که بوی گوگرد از آن شنیده میشود و فرمود که حضرت نوح علیه السلام در وقت
طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او کردند بغیر از آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین کرد
و لعنت کرد هر دو را و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که آب رود نیل مصر
دلها را میمیراند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آب سرد حرارت را
فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده میگدازد و تب را زایل میکند و
فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی نافع است و به هیچ جهت ضرر ندارد و حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد لذتش بیشتر است و حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشد و از ظرفی بظرفی
دیگر بگردانند تب را زایل میکند و قوت میدهد قدم را و ساق را و از ابن ابی طیفور
طبیب منقولست که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم و آنحضرت
نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود که خوردن آب بد نیست طعام را در معده
نرم میگرداند و غضب را فرو می‌نشاند و عقل را زیاد میکند و صفرا را کم میکند و شخصی دیگر

بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفت حضرت خرما تناول میفرمودند و آب
بعد از آن خوردند گفت اگر آب بعد از خرما نخوری بد بهتر است فرمود که خرما برای آن
میخورم که لذت آب را بیابم فصل دوازدهم در آداب آب خوردن از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر بنده که آب بخورد حضرت امام حسین ع را و اهلبیت او را یاد کند و لعنت
کند کشندگان آنحضرت را حقتعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار بنده آزاد کرده
باشد و حقتعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر باین نحو بگوید
خوب است صلوات الله علی الحسین و اهلبیته و اصحابه و لعنة الله علی قتلة الحسین و اعدائه
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که گاه باشد که شخصی یکشربت آب بخورد و خدا
او را بهمان آب خوردن ببهشت ببرد بآنکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته
باشد که از لب بردارد و حمد خدا بکند پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب باز گیرد
و حمد خدا بگوید پس باز بخورد و لیس خدا بسبب این بهشت را برای او واجب گرداند و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون آب میخوردند این دعا
میخواندند الحمد لله الذی سقانا عذبا زلالا و لم یسقنا ملحا اجاجا و لم یؤاخذنا بذنوبنا
و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که هر گاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید و بعد از
آب خوردن الحمد لله بگوید مادام که آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثواب آن از او باشد و
در حدیث دیگر فرمود که هر گاه خواهی که در شب آب خوری ظرف آب را حرکت ده و بگو یا ماء
ماء زمزم و ماء فرات یقرأ انک السلام و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب آب خورد
سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات آب خوردن شب با و ضرر نرساند
و در روایت دیگر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا بخواند الحمد لله الذی سقانی
فأرواني و اعطاني فارضاني و عافاني و کفاني اللهم اجعلني ممن تسقيه في المعاد من حوض
محمد صلی الله علیه و آله و سلم و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین و حضرت امام جعفر صادق
فرمود که آب بسیار مخور که هر دردی بسوی تو میکشد و تا تاب در دواری دوا مخور و حضرت
امام رضا علیه السلام فرمود که بر بالای طعام آب خوردن بسیار ضرر ندارد اما در غیر آن حال
آب بسیار مخور و فرمود که اگر کسی بقدری که طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا
معده اش شق نمیشود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت
است که بسه نفس خورده شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن در روز

گناه از او بیندازد و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده

و در بعضی روایات الحمد لله بگوید پس باز بسم الله بگوید پس باز بخورد بعد از خوردن الحمد لله بگوید

خوب است و آب بیکنفس خوردن خوب است و بهتر آن است که بسه نفس خورده شود و در روز
ایستاده بخورد و در شب نشسته چنانچه از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که آب ایستاده
خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرد آب و صفرا
میشود و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده خوردن بیشتر باعث قوت میشود و صحت بدن
میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که آب ایستاده مخورید که باعث دردی
میشود که دوا از آن نشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که ایستاده آب مخورید و بر دور قبر مگردید و در آب ایستاده
بول مکنید پس هر که چنین کند بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه علیه الرحمه
گفته است که مراد از این احادیث آب خوردن شب است و بسند حسن از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که آب بسه نفس خوردن بهتر است از خوردن بیک
نفس و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب
بر ندارد تا سیراب شود چون است حضرت فرمود که مگر لذت هست در غیر این گفت که
مردم میگویند که این شرب هیم است یعنی شتر تشنه حضرت فرمود که شرب هیم آنست
که در وقت آشامیدن آب نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقولست که اگر غلامی که آب بتو
میدهد بنده تو باشد بسه نفس آب بخور و اگر آزاد باشد بیک نفس و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله دوست میداشتند آب خوردن در قدح شامی
را میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و برای آنحضرت قدحها از شام بهدیه
می آوردند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سفال
آب میخوردند و در روایت معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد
جماعتی که دهان بآب گذاشته بودند و میخوردند و حضرت فرمود که بدست خود بخورید
که بهترین ظرفهای شماست و در احادیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که آداب آب خوردن آنست که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی الحمد لله
بگوئی و از پیش دسته و از جای که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد مخوری که این در

موضع جای شیطانست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده اند دمیدن بدهان در
آب و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که دمیدن در آب در تیه مکروهست که دیگری حاضر
باشد و خواهد که از آن آب بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از آنحضرت نهی وارد
شده است آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم دهانرا پر مکنید که باعث
درد جگر میشود منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاهی در قدحهای آبگینه که از شام
می آوردند آب تناول میکرده اند و گاهی در قدح چوب و گاهی در پوست و گاهی در ظرف و اگر ظرفی
حاضر نبود آب در کف میکردند و می آشامیدند باب چهاردهم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت
و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشانست فصل اول در فضیلت
تزویج کردن و نهی از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که از اخلاق پیغمبرانست دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمان خیری
زیاد شود او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاده میشود و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاده
میشود فضیلت و ایمانش بیشتر میشود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که سه
چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن
و زنان بسیار داشتن یا با ایشان بسیار مقاربت کردن و بسندهای بسیار از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که فرموده اند از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی
من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکین نخعی اختیار عبادت کرده بود و ترک
زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود در این باب نامه بحضرت بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نوشت آن حضرت در جواب نوشتند که اما زنان پس میدانی که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چه عدد از زنان داشتند و اما طعام لذیذ پس رسول صلی الله علیه و آله
گوشت و عسل تناول میفرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که زنی بعقد خود
در آورد نصف دین خود را ضبط نمود باید بپرهیزد در نصف دیگر و فرمود که بدترین مردهای
شما عزبانند و فرمود که چه چیز مانع است مؤمن را از آنکه زنی بگیرد شاید خدا فرزندی
بدهد که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که خواهد متابعت سنت من بکند
سنت من زن خواستن است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که
دنیا و آنچه در دنیا است داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز
که کدخدا کند بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز کند و روزها روزه باشد حضرت

وحضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ترک کدخدائی بکند و از ترس پریشانی پس
بتحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید که اِنْ یَکُونُوا فُقَرَآءَ یُغْنِهِمُ
اللهُ مِنْ فَضْلِهِ یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را خدا از فضل خود
و در حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که زن عثمان بن مظعون
آمد بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و عرض کرد یا رسول الله عثمان روزها روزه
میباشد و شبها نماز میکند و بنزد من نمی آید حضرت غضبناک بنزد عثمان آمدند
و فرمودند که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده است و لیکن بدین مستقیم
سهل آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان نزدیکی میکنم
پس هر که دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح زنان است و
در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
یکی گفت شوهرم گوشت نمیخورد دیگری گفت شوهرم بوی خوش نمی بوید دیگری
گفت شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردای
خود را بر زمین میکشیدند تا بر منبر برآمدند و حمد و ثنای الهی گفتند و فرمودند
که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمی بویند و بنزدیک
زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش می بویم و بنزد زنان میروم هر که سنت
مرا نمیخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد که شوهر من بنزدیک من نمی آید حضرت فرمود
که خود را خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را
خوشبو با آن کردم و از من دوری میکند حضرت فرمود اگر میدانست که چه ثواب دارد
در آمدن بنزد تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود دو ملک
احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند پس چون
با تو مجامعت میکند گناهان از او میریزد چنانکه برگ از درخت میریزد پس چون غسل میکند
از گناهان بدر می آید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز کدخدا برابر است

باهفتاد دو رکعت نماز که عزب بکند **فصل دوم** در اصناف زنان وصفات پسندیده
وناپسندیدهٔ ایشان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن بمنزلهٔ قلاده ایست
که در گردن خود میافکنی پس ببین که چگونه قلاده برای خود میگیری و فرمود زن صالح و غیر
صالح هیچ یک قیمت ندارند زن صالح طلا و نقره قیمت ندارد او نیست بلکه او بهتر است
از طلا و نقره و زن غیر صالح بخاک هم نمی ارزد و خاک هم از او بهتر است و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که دختر بکفو و مثل بدهید و از کفو و مانند خود بخواهید و از برای نطفه خود
زنی پیدا کنید که شایستهٔ آن باشید که فرزند از او بهم رسانید و در حدیث صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که زنی بخواهد برای حسن جمال یا برای مال از هر دو
محروم ماند و اگر از برای دین داری و صلاح او بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند و حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که زن باکره بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن عقیم که فرزند
نیاورد مخواهید که من مباهات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که
فرزندان در زیر عرش الهی برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ع ایشان را
نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشان را تربیت می نماید در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران
و در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان
خنک تر و پستانهای ایشان پر شیرتر و فرزند آورنده تر مگر نمیدانید که من مباهات میکنم
به بسیاری شما در روز قیامت حتی به فرزندی که ناتمام از شکم افتاده او می آید و خشمناک
بر در بهشت می ایستد پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید نمیروم تا پدر و مادرم
پیش از من نروند پس حق تعالی بملکی امر کند که پدر و مادرش را بیاور و داخل بهشت کن پس
بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برای زیادتی رحمت من نسبت بتو و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بجوید زن گندم گون فراخ چشم سیاه چشم بزرگ
سرین میانه بالا پس اگر نخواهیش بیا و مهرش از من بگیر و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چون بخواستگاری میفرستادند میفرمودند که گردنش را بو کنید
که خوشبو باشد و غوزک پایش پر گوشت باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که از سعادت آدمی است که زن سفیدی داشته باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرمود که چون خواهید زنی را خواستگاری کنید از مویش بپرسید چنانچه از رویش
میپرسید که نصف حسن موست و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بهترین زنان شما آنست که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت
باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و از برای شوهر خود
زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد هر چه شوهر گوید بشنود و آنچه
فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه از او خواهد مضایقه نکند اما بشوهر
در نیاورد که او را بتکلیف بجماع بدارد و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما آنست
که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهرش مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه ور باشد
و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و چون
شوهر آید مستوری اظهار کند و سخنش را نشنود و اطاعتش را نکند و چون شوهر با او خلوت
کند مانند شتر صعب مضایقه کند از آنچه شوهر با او اراده دارد و عذر شوهر قبول نکند و از
تقصیرش در نگذرد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آمد و گفت زنی دارم که هرگاه بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون میآیم مشایعت
میکند و چون مرا غمگین می بیند میگوید که چه غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدا متکفل
روزی تو و دیگران شده و اگر برای آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاد کند حضرت فرمود
که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان است برای خدا و نصف ثواب شهید دارد و
در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان امت من آنست که خوش رو و قدر مهرش کمتر باشد
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کمتر باشد و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خوبی زن آنست و زاییدنش آسان باشد و شومی زن
آنست که مهرش گران و زاییدنش دشوار باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که بهترین زنان شما زنان قریش اند مهربانترین زنانند بشوهران و رحیم ترین ایشانند
بفرزندان و آیا نند با شوهران و با عفت اند از دیگران و مصداق قریش در این زمان
سادات اند و در حدیث دیگر فرموده اند که خداوند عالمیان میفرماید که چون بخواهم که
جمع کنم برای مسلمانان نیکویهای دنیا و آخرت را بادمید هم دل شکسته خاشع و زبان ذاکر

کنند و بر بدی صبر کنند و بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود و چون غایب شود شوهر
خود را نگهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که در بنی اسرائیل شخصی بود بسیار عاقل و مال بی‌شمار داشت و یک فرزند
داشت از عفیفه و در شکل و شمایل باو شبیه بود و دو فرزند داشت از زن دیگر که عفت
نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من از یکی شماهاست چون مرد هر یک دعوی
کردند که مال از من است بنزد قاضی رفتند قاضی گفت که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهورند
بروید پیش یکی از آنها رفتند مردی پیری بود گفت بروید بنزد فلان برادر من که بزرگتر است
بنزد او که رفتند نه پیر بود نه جوان گفت که بنزد برادر بزرگترین بروید چون رفتند او را
جوان یافتند پس اول سؤال کردند که سبب چیست که برادر کوچکتر از همه پیرتر بود و تو که از
همه بزرگتری از ایشان جوانتری گفت اما آن برادر کوچکتر زن بسیار بدی دارد و بر بلای
او صبر میکند که مبادا به بلائی دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد و باین سبب از همه پیرتر
مینماید و اما آن برادر دیگر زنی دارد که گاهی خوشحالش میکند و گاهی غمگینش میکند باین
سبب میانه حال مانده است و من زنی دارم که همیشه مرا خوشحال دارد هرگز اندوهگینم
نمیکند باین سبب جوان مانده‌ام پس برادران حال خود را نقل کردند گفت اول بروید
استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید بعد از آن بیائید تا من در میان شما حکم
کنم چون رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادران کلنگها برداشتند چون بسر
قبر رسیدند آن دو برادر کلنگ را بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشیده
که نمیگذارم که قبر پدرم را بشکافید و من از حصه خود در گذشتم و مال را بشما واگذاشتم
چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را به پسر کوچک داد و بآنها گفت که اگر شما هم فرزند او
می‌بودید همچنانکه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از در آوردن و سوختن
پدر شما را هم مانع می‌شد **فصل سیم** در آداب نکاح و ولیمه آن در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی اراده خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد
و حمد الهی بگوید و این دعا بخواند اللّهمّ انّی ارید ان اتزوّج فقدّر لی من النّساء اعفّهنّ فرجاً و ا
حفظهنّ لی فی نفسها و مالی و اوسعهنّ رزقاً و اعظمهنّ برکةً و قدّر لی ولداً طیّباً تجعله خلفاً
صالحاً فی حیاتی و بعد موتی و در حدیث معتبر منقولست که سنت است تزویج در شب واقع شود

شود و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمد باقر خبر رسید که شخصی زنی خواسته در
ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و الفت
بهم رسد بزودی از هم جدا شوند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد کردن در ماه شوال
خوب است و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که عقد کند
یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نه بیند و در روایت دیگر منقولست که هر که در
تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است و بدانکه
مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از سنت پیغمبران است طعام دادن در وقت
تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود و حیس بمردم خورانید
و آن چنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک میساخته‌اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که ولیمه روز اول لازم است و روز دوم نیک است و روز سیم ریا و سمعه است و منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام محمد تقی علیه السلام چون دختر مأمون را عقد کرد این خطبه را
خواندند الحمد لله الّذی اقراراً بنعمته و لا اله الّا الله اخلاصاً لوحدانیّته و صلّی الله علی سیّد بریّته
و الاصفیاء من عترته امّا بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام
فقال سبحانه و انکحوا الایامی منکم و الصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من
فضله و الله واسع علیم و سایر خطبه‌های طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد و در باب صیغ نکاح رساله جدائی تالیف کرده‌ام **فصل چهارم** در بیان آداب زفاف
و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است
و در جماع کردن در فرج زن در وقتی که حایض باشد یا خون نفاس باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو
از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را نیز حرام میدانند
و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و باو مقاربت
کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمال که او را میباید بجا آورد با او جماع میتوان کرد و در
وطی دبر زن خلاف است بعضی حرام میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است
و بهتر آنست که زن خود که جماع کند و انزال او باشد منی خود را بیرون فرج نریزد و بعضی علما حرام میدانند

و بهتر حضرت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مرد را مکروه
کردن با زن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که هر که جماع کند با زن
خود در تحت الشعاع پس با خود قرار دهد افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق ۱۴
فرمود که جماع مکن در تحت الشعاع و در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط
شود و نزدیک است که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد و نمی بینی کسی
که صرع میگیرد اکثر آنست که در اول ماه یا وسط ماه یا آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بجذام
یا پیسی پس ملامت مکن مگر خود را و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دشمن ما اهلبیت
نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد یا مادرش در حیض باو حامله شده باشد و در چندین حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی خواهد که با زن خود جماع کند بزودی
مرغان بر زن خود و نرود بلکه با او دست بازی کند و خوش طبعی نماید و بعد از آن جماع کند و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در وقت جماع سخن مگوئید که بیم
آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آن وقت نظر بفرج زن مکنید که بیم آنست که
نگاه کردن بفرج در وقت جماع فرزندی که بهم رسد کور باشند و در روایت دیگر از آنحضرت
منقولست باکی نیست بنگاه کردن بفرج زن در وقت جماع کردن و در چند حدیث معتبر وارد شده
که مرد و زن در حالت جماع دستمال آن بسته باشند جماع نکنند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود چون است فرمود باکی
نیست و باز پرسیدند که اگر کسی فرج زن را ببوسد چون است فرمود باکی نیست و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و باو نظر کند چون است
فرمود باکی نیست مگر لذتی از این بهتر هست دیگر پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت
می باشد
با فرج زن و کنیز خود بازی کند چون است فرمود که باکی نیست اما بغیر از اجزای بدن خود چیزی
در آنجا نکند و پرسیدند که آیا می تواند در میان آب جماع کند فرمود باکی نیست و در حدیث صحیح
از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کنیز جماع نکند در خانه که طفلی باشد
که آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم میرسد زناکار میشود و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که فرمود که بحق آن خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی
با زن خود جماع کند و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشانرا ببیند یا سخن و یا نفس ایشانرا بشنود فرزندی
که از ایشان بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده
مقاربت زنان مینمود خدمتکاران را دور میکردند و درها را می بستند و پرده ها را
می انداختند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد
که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی
نیست که با کنیزی وطی کند و در خانه دیگری باشد ببیند و بشنود و مشهور میان علما آنست که
باکی نیست که در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که میان دو زن بخوابد فرمود که روا
داشته که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند
کرد فرمودند نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود که دوست نمیدارم کسی که در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف
ضرری داشته باشد بر خود و بعضی علما قایل بحرمت شده اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از آنکه کسی محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند و فرزندی
که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکروه است
جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زرد میباشد و همچنین در زردی آفتاب وقت
فرو رفتن و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که مستحب است در شب اول ماه مبارک رمضان جماع
کردن و از ابو سعید خدری منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وصیت نمود
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشهایش را بکن تا بنشیند
و پاهایش را بشو و آن آب را در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنان کنی خدا هفتاد هزار نوع پریشانی را
از خانه تو دور کند و هفتاد هزار نوع برکت داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو بفرستد
که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی
و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه
و گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد که یا رسول الله صلی الله علیه و آله بچه سبب اینها را منع کنم

از اینها فرمود که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود و فرزند نمی آورد و حصیری که در
ناحیهٔ خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزندش بوجود نیاید پس فرمود که یا علی
جماع مکن با زن خود در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و حبط دماغ راه می یابد
بآن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد بود یا علی
در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نیست که لال شود و نگاه نکند احدی
بفرج زن خود چشم بپوشد در آنحالت که نظر کردن بفرج زن در آنحال باعث کوری فرزند
میشود یا علی بخواهش و شهوت زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد
مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند که میترسم
آتشی از آسمان برهر دو نازل شود و بسوزاند ایشانرا یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمالی
برای خود داشته باشی و او دستمالی برای خود داشته باشد و هر دو خود را بیک دستمال پاک
مکنید که دشمنی در شما پیدا شود و آخر بجدائی میکشد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل
خرانست و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رخت خواب بول کند یا علی در شب عید قربان
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد یا علی
در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بظهور آید شر بسیار از او بوجود آید و یا علی در زیر
درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم باشد و یا رئیس و سرکرده
ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید همیشه
در بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی
بوجود آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو
که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کوردل و بخیل باشد یا علی در شب نیمهٔ شعبان جماع مکن
که اگر فرزندی حاصل شود شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در آخر ماه شعبان
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردم
بر دست اوست یا علی بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریا کننده و صاحب
بدعت باشد یا علی چون بسفر روی در آن شب که بیرون می روی جماع مکن که اگر فرزندی بهم
رسد یار ظالم باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن باشد

قرآن باشد و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه و فرزندی که بهم رسد بعد از
سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش
از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی که بهم رسد حاکمی از حکام
شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی
کنی با زن خود و فرزندی که بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود و خدا او را روزی
کند سلامتی در دنیا و دین یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی که بهم رسد خطیب و سخن گو باشد
و اگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی و فرزندی که بهم رسد از دانایان مشهور شود یا علی اگر
در شب جمعه بعد از نماز خفتن جماع کنی فرزندی که بهم رسد امید هست که آن فرزند از ابدال
باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیست که ساحر باشد و دنیا را
بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیتها را از من بیاموز چنانچه من از جبرئیل ع اموختم و در
حدیث دیگر معتبر منقولست که روز عقد فاطمه زهرا علیها السلام حق تعالی امر فرمود سدرة
المنتهی را که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام پس آنچه از مروارید
مرجان و جواهر بود بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار را بردند و تا روز قیامت افتخار
میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است
و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول صلی الله علیه و آله را آوردند و قطیفه بر پشت
آن انداختند و حضرت زهرا فاطمه سوار شد و سلمان لجام استر را میکشید و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله از عقب روان شد در اثنای راه صدای ملائکه بگوش مبارک آنحضرت
رسید و جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند حق تعالی ما را
بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملائکه
با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شد که در زفاف الله اکبر بگویند و در
روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها
بعمل می آوریم بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا که بر طعام
عروسی نسیم بهشت میوزد چون طعامی است که برای حلال نمودن فرجها میکنند و در احادیث معتبره وارد
شده که سنت آنست که عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی احادیث

السلام منقولست که این دعا بخوانند بکلمات الله استحللت فرجها وفی امانة الله اخذتها
اللهم ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا واجعله مسلما سویا ولا تجعل فیه شرکا
للشیطان و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت شریک شدن را در نطفهٔ آدمی
بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت چه باید کردن که این واقع نشود فرمود که هر
گاه اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات والارض
اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا ولا حظا
واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان ورجزه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون
خواهد که شیطان شریک نشود بگوید بسم الله وپناه برد بخدا از شر شیطان و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون کسی که اراده جماع داشته باشد بگوید بسم الله
وبالله اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان
هرگز باو ضرر نرسانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون اراده جماع
کنی این دعا بخوان اللهم ارزقنی ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان
واجعل عاقبته الی خیر فصل ششم در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی برای
زنان غیرت جایز نداشته و از برای مردان غیرت جایز داشته زیرا که از برای مرد چهار
زن را از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال کرده است و از برای زن بغیر از یک شوهر حلال نکرده
اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد خدا زناکار است و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان
بلعد زنان مؤمنه صاحب رشک نمی باشند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشانست نسبت بشوهران و از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله منقولست که گفتن مرد با زن خود که ترا دوست می دارم هرگز از دل او بدر
نمی رود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله
علیه وآله عرض کرد یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود که لازم است که اطاعت شوهر بکند
و نافرمانی او نکند و از خانهٔ او بی رخصت او تصدق نکند و روزه سنت بی رخصت شوهر ندارد

و هر وقت اراده نزدیکی او نماید مضایقه نکند اگر چه بر پشت پالان شتر باشد و از خانهٔ
شوهر بی رخصت او بیرون نرود و اگر بی رخصت بیرون رود ملائکهٔ آسمان و ملائکهٔ زمین
و ملائکهٔ غضب و ملائکهٔ رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد گفت یا رسول الله
حق که بر مرد از همه عظیم تر است فرمود که حق پدر گفت حق که بر زن از همه عظیم تر است فرمود
که حق شوهر پرسید که من بر شوهر از حق ندارم که او بر من دارد فرمود که از صد تا
یکی نه آن زن گفت که قسم میخورم بآن خدائی که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر
نکنم و در حدیث دیگر منقولست که زنی بخدمت حضرت رسول خدا آمد و سؤال کرد از
حق شوهر بر زن فرمود زیاده از آنست که تو ان گفت پس فرمود که از جمله حقها آنست
که روزه سنت بی رخصت شوهر ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و نیکوترین بوهای
خوش خود را خوشبو کند و نیکوترین جامهای خود را بپوشد و به بهترین زینتها خود را بیا
راید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد ابا نکند و
در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت شوهر بکسی ندهد و اگر بدهد گناهانش
برای آن زن است و ثوابش برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد
زن گفت هر چند شوهر بر و ظلم کرده باشد فرمود بلی حضرت صادق علیه السلام فرمود
که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش مقبول نیست تا شوهر
از او راضی باشد و هر زنی بوی خوش برای غیر شوهر خود بکند نمازش مقبول نشود
تا آن بوی خوش از خود بشوید و فرمود که سه کسند که هیچ عمل ایشان باسمان بالا نمیرود
غلام گریخته و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامهٔ خود را از روی تکبر بلند
آویخته باشد و در احادیث معتبر وارد شده که جهاد مردان آن است که جان و مال خود را
در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت او
ایشان صبر کنند و حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای
غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن
نماز خود را طول ندهد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه او میخواهد و فرمود

که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب شود پیوسته ملائکه
او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقولست که زن ابداً از خود هیچ چیزی
بی رخصت شوهر نمیتواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی بپدر و مادر یا صله ارحام یا احسان بخویشان
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر زنی که بشوهرش
بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده ام ثواب عملهایش همه باطل میشود و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مردان است که او را سیر کند و بدنش را
بپوشاند و اگر بدی کند او را ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که روزیش تنگ نکند
دیگر روزانه یکمرتبه روغن برای بدن مالیدن باو بدهد هر سه روز یکمرتبه گوشت برای
او بیاورد و رنگ مانند حنا و سمه هر شش ماه یکبار باو بدهد و هر سال چهار جامه
باو بدهد دو تا برای زمستان و دو تا برای تابستان و باید خانه اش خالی نگذارد از روغن
برای مالیدن سر و سرکه و زیت و روغنی که من کهنه قوت باو بدهد و میوه ها که همه خورند
باو بخورانند و در عید ها زیاده از اوقات دیگر خوردنی از برای او بگیرد و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول صلعم
فرمود که بهترین شما آن کسی است که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند
و محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که احسان باسیران خود بیشتر بکند و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب مروّتست که در شهری که زنش در آن شهر باشد
شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت فرمود
بحضرت امام حسن صلوات الله علیه که زنها را مشورت با ذن مکن که رای ایشان ضعیفست
و عزم ایشان سست و ایشان را بپوشان در پرده نگاه دار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که
بغیر از تو کسی را نشناسند و با ایشان خدمتی بغیر آنچه تعلق بخود شان دارد مگذار که این حال
ایشان را خوشنود تر و حسن و جمال ایشان بهتر است زیرا که زن گلیست و خدمتکار نیست و
همین خود را شان گرامی دار و سخنش را در حق دیگران قبول مکن و خود را بسیار بدست
او مده و در حدیث دیگر معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست

منقولست که زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیزی نوشتن بایشان میاموزید و سوره یوسف
تعلیم ایشان مکنید و چرخ رشتن بیاد ایشان بدهید و سوره نور را تعلیم ایشان کنید
و حضرت رسول صلعم و آله نهی فرمود از آنکه زنان را بر زین سوار کنند و فرمود که در نیکی
اطاعت زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما به بدیها و بخدا پناه برید از بدان ایشان
و از نیکان ایشان بر حذر باشید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رازی را بایشان مگویید و در باره
خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که مردی که کارهای
او را زنی تدبیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون اراده جنگ داشتند با زنان
خود مشورت میکردند و آنچه ایشان میگفتند خلاف آن میکردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که اطاعت زن کند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت کدامست
فرمود که از او رخصت طلبد که برای سیر حمامها و عروسیها و عیدگاهها و عزاها و در از رخصت بدهد
و جامههای نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که مثل زنان
مثل استخوان کج پهلو است اگر او را بحال خود میگذاری منتفع میشوی و اگر خواهی راست کنی بشکند پس
صبر کن بر ناخوشیهای ایشان و بدانکه از جمله حقوقیکه زن بر مردان است که هر چهار ماه یکمرتبه با او جماع
کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجبست و اگر چند زن داشته باشد و نزد یکزن یک
شب بوده باشد واجبست که سه شب دیگر نزد آنهای دیگر هر یک یکشب بخوابد و جمعی را اعتقاد آن است که مطلقاً واجبست
که نزد هر زنی از چهار شب یکشب بخوابد خواه یک زن داشته باشد و خواه زیاده و این احوط است و در کنیز
و متعه اینها واجب نیست امّا بهتر آن است که کنیزی داشته باشد یا خود دفع شهوت او بکند یا او را
بشوهر بدهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر نکند و آنها زنا کنند گناهش بر او است و مشهور
میان علما آن است که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب مخصوص
او است و اگر غیر باکره است تا سه شب **فصل هفتم** در بیان دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرزند صالح گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند
صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید که من بر بسیاری شما ها در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بیماری که فرزند میرسد کفاره پدر و مادر است و در حدیث دیگر

صحیح منقولست که روزی جبرئیل ع نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین ع ناله میکردند جبرئیل ع
از سبب آن پرسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دو طفل ما آزار داشتند و گریه ایشان
متاذی شدیم جبرئیل عرض کرد یا محمد ص حقتعالی برای فرزندان شما شیعه چند برانگیزد که چون
اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد گریه
ایشان طلب آمرزش باشد برای مادر و پدر و چون بحد بلوغ رسند پدر و مادر در ثواب ایشان
شریک باشند و در گناه ایشان شریک نباشند و از حضرت رسول ص منقول است که زن از روزی که
حامله میشود تا وضع حملش میشود تا فرزند را از شیر باز گیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران
مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این ما بین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در حدیث
دیگر صحیح از حضرت رسول ص منقول است که حضرت عیسی ع بقبری گذشت که صاحبش را عذاب میکردند
پس در سال دیگر بهمان قبر گذشت صاحبش را عذاب نمیکردند از آن حال سؤال کرد از پروردگار خود
وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را
جا داد و باین سبب او را بکردهٔ فرزندش آمرزیدم پس حضرت فرمود که میراث از برای خدا از
بندگان میماند فرزندیست که بعد از او عبادت خدا کند و در روایت دیگر منقولست که کسی که بی فرزند
بمیرد گویا هرگز در میان مردم نبوده است و کسی که بمیرد و فرزندی از او بماند گویا نمرده است و
در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حقتعالی بر دختران مهربانتر است
از پسران و هر مردی که شادی برساند بزنی که با او خویشی داشته باشد محرم او باشد خدا او را در
قیامت شاد کرداند و حضرت صادق ع فرمودند که دختران حسناتند و پسران نعمتند و خدا بر حسنات ثواب
میدهد و از نعمت سؤال میکند و از آنحضرت بیکی از اصحاب خود فرمود که شنیدم دختری بهم رسانیدی
و نمیخواهی او را چه ضرر دارد بتو گلی است بو میکنی او را و روزیش با خداست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم ع از پروردگار خود سؤال کرد که دختری
او را روزی کند که بعد از مرگ او را گریه کند و فرمود که آنها که آرزوی مرگ دختران خود کنند و بمیرند ثواب
نداشته باشند و در قیامت نزد خدا بیعمل عاصی باشند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش
متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد و آسمان بر او سایه می افکند و خدا روزیش میدهد

بالا مدد لی

میدهد و گلی است او را میبوئی پس روی باصحاب خود کردند و فرمودند که هر که یک دختر دارد بارش
گران است و هر که دو دختر دارد ببخدا سوگند که فریاد رسید و کسی که سه دختر داشته باشد جهاد
و سایر اذیتها از او برداشته‌اند و کسی که چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید
و قرض بدهید و رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقولست که هر که سه دختر یا سه
خواهر را نفقه دهد بهشت او را واجب شود و بعد از آن فرمود که هر که دو تا یا یکی را هم نفقه
دهد بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هرگاه کسی را فرزند دیگر
بهم نرسد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لَا تَذَرْنِی فَرْداً وَ اَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ وَحِیداً وَحِشاً فَیَقْصُرُ شُکْرِی عَنْ تَفَکُّرِی
بَلْ هَبْ لِی عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُکُوراً وَ اِنَاثاً آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ اَسْکُنُ اِلَیْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ اَشْکُرُکَ عِنْدَ تَمَامِ
النِّعْمَةِ یَا وَهَّابُ یَا عَظِیمُ یَا مُعَظَّمُ ثُمَّ اَعْطِنِی فِی کُلِّ عَافِیَةٍ شُکْراً حَتّٰی تُبَلِّغَنِی مِنْهَا رِضْوَانَکَ فِی صِدْقِ الْحَدِیثِ
وَ اَدَاءِ الْاَمَانَةِ وَ وَفَاءٍ بِالْعَهْدِ و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند در سجده این دو آیه
بخوان رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْداً وَ اَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ
و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بکند و رکوع
و سجود را طول دهد پس بگوید اللهم انی اسئلک بما سئلک به زکریا یا رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین
اَللّٰهُمَّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِی اَمَانَتِکَ
اَخَذْتُهَا فَاِنْ قَضَیْتَ فِی رَحِمِهَا وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلَاماً مُبَارَکاً زَکِیّاً وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیهِ شِرْکاً
وَ لَا نَصِیباً و در روایت دیگر منقولست که ابرش کلبی بحضرت امام محمد باقر ع عرض
کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که هر روز یا در هر شب صد مرتبه استغفار بکن
و بهتر آن است که استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
هر صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله پس ده نوبت استغفر الله ربی و اتوب الیه پس نه مرتبه
سبحان الله پس یکمرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید راوی گفت که جمع کثیری باین عمل مداومت
کردند و فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها با گفتن استغفر الله اکتفا میتوان کرد
و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه
استغفار بکن و اگر شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر بآنحضرت شکایت کرد که مرا

فرزند نمیشود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللّهمّ انّی رزقتنی ذکرًا سمّیته محمّدًا و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که من هیشه بیمارم و مرا فرزند نمیشود فرمود که در
خانهٔ خود بلند باذان گفتن بلند کن چنان کرد بدنش صحیح شد و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود
که چون خواهی بنزد زن خود روی این سه آیه را بخوان که انشاء الله تعالی خداوند عالم ترا فرزندی
کرامت کند وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَزَكَرِيَّا إِذْ
نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در حدیث دیگر فرمود هر کرا فرزند نشود نیّت کند
که مرا فرزند بشود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی خواهد کرد و از حضرت امام زین العابدین
منقولست که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت خدا باو عطا کند
رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ
مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ
أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و از برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا را بخواند و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هرگاه زنی را حملی باشد چهار ماه بر او بگذرد رو بروی او را بقبله کند و آیة الکرسی بخواند و
دست بر پهلوی او بزند و بگوید اللّهمّ انّی قد سمّیته محمّدًا یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون
چنین کند خدا آن فرزند را پسر کرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر نکند خدا اگر خواهد
از او بگیرد و اگر خواهد باو ببخشد و در چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد
و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او پسر شود و در حدیث دیگر آن است که او را علی نام کن که عمرش در از باشد
درا زتر باشد و در کتاب طب الائمّة روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
شکایت کرد از کمی فرزند حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله بگو
و هفتاد مرتبه استغفر الله بگوید و بعد از آن این آیه را بخوان اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ
السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا پس در شب سیم
با زن خود جماع کن که خدا پسری بتو کرامت کند و در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است که شخصی
بخدمت امام محمد جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت یا بن رسول الله هشت دختر دارم
بهم رسانیده ام و روی پسر ندیده ام حضرت فرمود که چون قصد تقی که در میان پای زن بر نشینی
دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذار و سوره انّا انزلناه را هفت بار بخوان و بعد از
آن جماع کن و چون اثر حمل ظاهر شود پس در شبها دست بر جانب راست ناف زن بگذار و هفت
مرتبه انّا انزلناه بخوان آن مرد گفت چنین کردم هفت پسر هم خدا بمن روزی کرد و از
حضرت امام حسن علیه السلام منقولست که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید

بگوید **فصل هشتم** در احکام ایّام حمل و آداب روز ولادت و نام نهادن طفل از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که زن حامله به بخورد تا فرزندش خوشروتر و نیک فرزندشان
تر باشد و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله فرمود که اوّل چیزی که زن زائیده بخورد
باید که رطب باشد چنانچه حقتعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زائیدن حضرت عیسی علیه السلام
رطب بخورد گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کند فرمود که نه دانه خرما از خرماهای مدینه
بخورد و اگر خرمای مدینه نباشد نه دانه از خرما که باشد بخورد و بدرستی که حقتعالی
میفرماید که بعزّت و جلال خود قسم که هر زن تازه زائیده که رطب بخورد و فرزند او را بدرد
باد کردانم و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنان
بعد از ولادت فرزند خرما برنی بخورانند تا آنکه فرزند زیرک و بردبار کود شود و در حدیث
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بزنان حامله بخورانید کندر بدرستیکه
چون طفل در شکم مادر هست کندر غذای او شود دلش محکم و عقلش زیاد میشود و اگر پسر
باشد شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهرش عزیز
میباشد و در حدیث معتبر از حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام منقولست که چون
وقت ولادت زن میشد می فرمود که زنان از خانه بیرون کنید که اوّل مرتبه نظر زن بعورت
طفل نیفتد و منقولست که چون بآنحضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسید که پسر است یا دختر
بلکه اوّل می پرسید که خلقتش درست است پس اگر می گفتند درست است و عیبی ندارد و
عیبی در خلقتش نیست میفرمود که الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئًا مُشَوَّهًا یعنی سپاس خدا را
که از من نیافرید فرزندی که قبیح و معیوب باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
چون فرزندی متولد شود بقدر عدسی جاوشیر بگیرد و در آب حل کن و دو قطره در
بینی راست طفل و یکقطره در بینی چپش بریزد و در گوش راستش اذان بگو و در گوش چپش اقامه
پیش از آنکه نافش را ببرند اگر چنین کنی هرگز نترسد و ام الصبیان او را ضرر
نرساند و در حدیث دیگر فرمود که قابله یا دیگری بگوید که اقامه در گوش راستش
بگویند که هرگز ضرر جنیان باو نرسد که دیوانه شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که کام طفل را با آب فرات بر دارید و اقامه در گوشش بگوئید و در روایت دیگر وارد شده
است که کامش را بآب فرات و تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام بر دارید
اگر آب فرات نباشد بآب باران بر دارید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

منقولست که کام فرزند خود را بخرما بر دارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین کرد با
حسن و حسین علیهما السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که فرزندی از او
متولد شود باید که اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او بگوید که نگاه دارنده اوست
از شر شیطان و در حدیث دیگر ولادت حسنین صلوات الله علیهما ظاهر میشود که مکروه است
طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد بپیچند و سنت است که در جامه سفید بپیچند و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که کام طفل خود را بتربت حضرت امام حسین ع
بر دارید که امان میدهد او را از بلاها و دردها و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که شخصی را تهنیت فرمودند برای پسری که خدا باو کرامت فرموده بود گفت رزقک الله شکر الواهب
و بارک لک فی الموهوب و بلغ به اشده و رزقک بره یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خدا
وندی که فرزند را بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه بتو بخشیده است و او را به
نهایت قوت رساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین عبارات
بسند معتبر از حضرت امام حسن علیه السلام منقولست و ابن ادریس در کتاب سرائر از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه بر زن دشوار شود زائیدن
بنویس از برای او در پوست این آیات را و بر ریسمانی ببند بر ران راستش و چون وضع حمل شود
باز کن آیات این است بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأت عمران رب انی نذرت
لک ما فی بطنی محررا و مؤلف کتاب طب الائمه ع روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه آمد و گفت زن من از درد زائیدن مشرف بر موت است حضرت فرمود
که بخوان این آیه را بر او فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قبل هذا وکنت
نسیا منسیا فنادیها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریا وهزی الیک بجذع النخلة
تساقط علیک رطبا جنیا پس باواز بلند بگو والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون
شیئا وجعل لکم السمع والابصار والافئدة لعلکم تشکرون کذلک اخرج باذن
الله چون بخواند در ساعت نجات یابد بیاری خدا و بسند دیگر از آن حضرت روایت کرده است

کرده است که برای دشواری زائیدن این آیات را در ظرف پاکیزه بمشک و زعفران بنویسد و بآب چاه
بشویند بخورد آن زن بدهند و بر شکم و بر فرجش بپاشند کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا
عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک
الا القوم الفاسقون لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری ولکن
تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل کل شیء وهدی ورحمة لقوم یؤمنون و بسند دیگر از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که این را برای زن حامله در کاغذی
بنویس و در وقتی که داخل شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او میشود چیزی بر آن بپیچد و اما
که ننهند و بگیرند آن زن به بند و چون چنین کند در وقت آزار زائیدن باو نرسد و بعد از زائیدن
بزودی بگشایند و یکساعت باو نگذارند و آیه این است اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم والقمر
قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ولا
اللیل سابق النهار وکل فی فلک یسبحون وآیة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون
وخلقنا لهم من مثله ما یرکبون وان نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم ولا هم ینقذون الا
رحمة منا ومتاعا الی حین ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون و در
پشت این آیات را بنویسد کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار
بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که راست ترین نامها نامی است که دلالت
بر بندگی خدا کند مثل عبدالله و بهترین نامها نام پیغمبر است و از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقولست که فرزندان را در شکم مادر نام بگذارید که اگر نام نگذارید و سقط شود در قیامت
با پدر خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول صلی الله علیه و آله محسن فرزند حضرت فاطمه را
در شکم نام گذاشت و محسن آن فرزند است که بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در
شکم بود که عمر علیه اللعنه والعذاب الشدید او را از سکک در شهید کرد و از حضرت

امام موسی کاظم علیه السلام که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آنست که او را نام نیک
بگذارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود
آید و هیچ یک را بنام من مسمی نسازد بمن جفا کرده است و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام منقولست که فقر و پریشانی داخل خانه نمیشود که در آنجا نام محمد یا احمد
یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث دیگر
معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله آمد و گفت مرا پسری بهم
رسیده است چه نام کنم او فرمود که نام او را به بهترین نامها نام کن که آن حمزه است
و از جابر منقولست که گفت با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بخانه شخصی رفتیم
طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسید که چه نام داری گفت محمد پرسیدند که چه کنیت
داری گفت ابو علی حضرت فرمود که خود را از شر شیطان در حظیره محکمی در آورده
هرگاه شیطان بشنود که کسی او را یاد میکند با محمد یا علی آب میشود چنانچه قلع آب میشود
تا آنکه بشنود که کسی را آواز میکنند بنام یکی از دشمنان ما شاد میشود و فخر میکند
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت
که خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کرده او را گفت
محمد حضرت سر خود را بجانب زمین فرود آوردند مکرر اسم محمد را میگفتند
تا اینکه نزدیک باشد که روی ایشان بزمین برسد پس فرمودند که جان خودم
و فرزندانم و زنانم و پدر و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه
و آله باد او را چنین نام مبارک کرده او را دشنام مده و او را مزن و او را بد مرسان
و بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آنخانه را مقدس
و مطهر میگردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی
الله علیه و آله نهی فرمود از نام گذاشتن حکم حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن
ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت ابو عیسی و ابو الحکم و ابو
مالک و ابو القاسم و در وقتی که نام محمد باشد که نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه

و آله نباشد و در حدیثی وارد شده است که پس نکنند که مخصوص حضرت
پیغمبر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گروهی که جمع شوند برای
مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد باشد یا حامد یا محمود یا احمد باشد
البته آنچه خیر است رای ایشان بر آن قرار میگیرد و فرمود که فرزندی را که نام محمد
کنید او را گرامی دارید و جا از برای در مجلس بگشائید و رو ترش مکنید و فرمود هر
اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبر باشد البته حق تعالی هر روز و پسین ملکی میفرستد
که دعا کند برای ایشان بتقدس و پاکی و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که نام را در
روز هفتم تعیین کنید و بدانکه از جمله اعمالی که در وقت ولادت سنت موکد است غسل دادن طفل
است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که نیت کنند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا
و سر را اول بشوید و بعد از آن جانب راست را و بعد از آن جانب چپ را فصل پنجم در عقیقه
کردن و سر تراشیدن و آداب آنها و هر یک بدانکه عقیقه فرزند سنت موکد است بر کسی که قادر
بر آن باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کنند
تا بلوغ طفل پدر را سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر خودش را سنت است و در احادیث معتبره
بسیار منقولست که عقیقه واجب است بر کسی که او را فرزندی بهم رسد و در احادیث معتبره
بسیار وارد است که هر فرزندی که در گرو عقیقه است یعنی اگر نکنند او در معرض مردن و
انواع بلاها است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عقیقه واجب است بر
کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آنکه بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست
و اگر عقیقه برای او نکنند تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه او مجزی است و در
حدیث دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفندی برای عقیقه
بدست نیامد چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید که خدا دوست
میدارد خورانیدن طعام و ریختن خونها و در حدیث دیگر پرسیدند که زنی که در روز
هفتم بمیرد عقیقه اش می باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد
از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقولست که بخدمت آنحضرت
عرض کردم که نمیدانم پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در
پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که فرزندان را در روز

هفتم نام میگذارند و عقیقه میکنند و سرش را میتراشند و موی سرش را با نقره میکشند
و آن نقره را تصدق میکنند و پا ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زائیدن
میفرستند و باقی را بخورد در دم میدهند و تصدق میکنند و در حدیث موثق دیگر
فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود عقیقه میکنی در روز هفتم گوسفندی
یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق
کن و در حدیث دیگر وارد شده که ربع گوسفند را بقابله میدهند و اگر قابله نباشد
آنرا بمادر میدهند که بهر که خواهد بدهد و اقلاً بخورد ده نفر از مسلمانان میدهند و
هرچند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمیخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد
قیمت ربع گوسفند را باو میدهند و در روایت دیگر وارد شده است که بقابله ثلث
گوسفند را میدهند و مشهور میان علما آنست که عقیقه گوسفند یا شتر یا بز باشد و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز ولادت
اذان در گوش حسنین صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه در روز هفتم ایشان
عقیقه کردند و بقابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد
پنجساله یا در شش باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یکساله یا در دو باشد یا بیشتر و اگر
گوسفند باشد اقلاً شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد
بهتر است و باید که خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که مالیده باشند و مغز
و شاخش نشکسته باشند و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور و لنگ
بسیار لنگ نباشد که برآن راه رفتن دشوار باشد اما در حدیث دیگر معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد
خوب است غرض گوشت است هرچند فربه تر باشد بهتر است و مشهور میان علما آنست
که سنت است که عقیقه دختر ماده باشد و عقیقه پسر نر باشد و گمان فقیر این است
که از برای هر دو گوسفند نر باشد بهتر است موافق احادیث معتبره و بسیار از برای
هر دو گوسفند ماده هم باشد خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه
نخورند بلکه بهتر آنست که از طعامی که در آن پخته باشند نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر
است و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم نخورند که در خانه ایشان میباشند از آن
طعام و گوشت بخورند و سنت است که استخوانهای نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است

سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتمل است
که این بهتر باشد و اگر خام هم تصدق کنند خوب است و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را
تصدق کردن فایده ندارد و باید صبر کرد تا بهم برسد و شرط نیست که جماعتی که بخورند عقیقه
حاضر میشوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا و طلبه بهتر است و مشهور میان علما آنست که سنت است
که اول سر بتراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث دیگر وارد شده است که سر تراشیدن
و عقیقه را کشتن و موی سر را بطلا یا نقره کشیدن و تصدق کردن در یکجا و یکوقت باشد و در
سر تراشیدن سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد
شده است که طفلی را نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند که برو دعا کنند و آن
طفل کاکل داشت حضرت دعا برا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند اما در روایتی وارد شده
است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در جانب
چپ ایشان گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکن است این مخصوص ایشان باشد
یا آنکه در تراشیدن اول کراهت داشته باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است
که زعفران بمالند بعد از تراشیدن و در احادیث بسیار نهی وارد شده است که از
مالیدن خون عقیقه بر سر طفل که آن از عمل جاهلیت است و در روایت معتبر مرویست
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخوانند
که بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ اللّهُمَّ عقیقة عن فلان و نام او را بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ
وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللّهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام و در روایت دیگر معتبر فرمودند
که این دعا بخوانند بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَاللّهُ اَكْبَرُ اِيمَاناً بِاللّهِ وَثَنَاءً عَلَى رَسُولِ
اللّهِ صلی الله علیه و آله وَالْعِصْمَةَ لِاَمْرِهِ وَالشُّكْرَ لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةَ لِفَضْلِهِ عَلَيْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ
و اگر پسر باشد بگوید اللّهُمَّ اِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا
اَعْطَيْتَ وَكُلُّمَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صلی الله علیه
وَآلِهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ اللّهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا
بِجِلْدِهِ اللّهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِفلان بن فلان و بجای فلان بن فلان نام طفل را و نام پدرش را

بگوید و در حدیث موثق دیگر فرمود که این دعا بخواند یا قوم انی بریء مما تشرکون
انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما و ما انا من المشر
کین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت
و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله والله اکبر اللهم صل علی محمد و آل اذل
محمد و تقبل من فلان و نام فرزند را ببرد و پیس آنرا بکشند **فصل دهم** در ختنه کردن
پسران و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم متولد است
ختنه کردن پسران و اگر در هفتم نکند سنت است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از
بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته اند که نزدیک بلوغ بر ولی طفل واجب است
و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحب است که اندک ببرند و بسیار نبرند و
سوراخ کردن نرمه گوش است و بالای گوش چپ از برای پسران سنت است و در حدیث
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که ختنه کنید فرزندان را در روز معتبر
هفتم که پاکیزه بلیغتر میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زیادتر میروید و زمین
کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده باشند و در حدیث صحیح فرمود که گوش پسر را سوراخ
کردن در روز هفتم و ختنه کردن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که زمین نجس میشود از بول کسی که ختنه نکرده باشد چهل روز و در حدیث
دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام منقولست که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر
پس از آن دیر هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که کسی که مسلمان
شود ختنه اش بکنند اگر چه هشتاد ساله داشته باشد و در چند حدیث دیگر وارد
شده است که ختنه کردن در مردان سنت است و در زنان سنت نیست اما باعث این
میشود که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز از این بهتر میباشد و در روایتی
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ختنه نکنند زنان را مگر بعد از
هفت سال و در حدیث معتبر منقولست که چون زنان بخدمت حضرت رسول صلی الله
علیه و آله هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیب میگفتند و زنانرا ختنه میکرد حضرت
فرمود که ای ام حبیب آن کاری که داشتی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله مگر آنکه
نهی کنی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلالست بیا تا ترا بیاموزانم فرمائی

بیاموزانم که چه باید کرد چون ختنه کنی زنانرا بسیار مبر و اندکی بگیر که روی نورانی
تر و رنگ رخسار نیکوتر میگرداند و نزد شوهر عزیزتر میدارد و پیش ام عطیه خواهر او آمد
که زنانرا مشاطگی میکرد حضرت با او فرمود که چون زنانرا مشاطگی میکنی بمزد جلا دادن بار جامهای
جامه بروی ایشان مالیدن خوب نیست ابروی ایشانرا مبر و موبهای دیگران بموبهای
ایشان پیوند مکن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در وقت ختنه
کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آنوقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر
شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع میکند دعا این است
اللهم هذه سنتک و سنة نبیک صلواتک علیه و آله و اتباع منا لک و لنبیک
بمشیتک و ارادتک و قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته و اذقته تنه
حر الحدید فی ختانه و حجامته بامر انت اعرف به منی اللهم فطهره من الذ نوب
و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی و ادفع
عنه الفقر فانک تعلم و لا نعلم و از حسین بن خالد منقولست که حضرت امام رضا علیه
السلام سؤال کرد که تهنیت و مبارکباد فرزند را در چه وقت و چه روز باید گفت فرمود
که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل برای تهنیت و مبارکباد فرزند
رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام
بگذارند و سرش را بتراشند و عقیقه کنند از برای او و گوشش را سوراخ کنند و هم
چنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در روز هفتم جبرئیل آمد و باین ها
امر کرد و ایشانرا دو گیسو بود در جانب چپ سر و گوش راست در نرمه گوش
سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر علیه السلام
منقولست که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف برویند و سر حشفه را پنهان کند
میباید باز دیگر ختنه کنند زیرا که زمین زیاده ناله میکند بسوی خدا از بول کسی که حشفه
اش غلاف باشد تا چهل صباح و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی ختنه
نکرده باشد پیش نمازی مردم نکند و گواهیش مقبول نیست و اگر بمیرد بر او نماز

نکنند زیرا که بزرگترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است مگر آنکه از ترس مردن ترک
کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول زنی که ختنه کردند هاجر مادر اسمعیل
بود که ساره مادر اسحق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او شد و از
آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه بکنند **فصل یازدهم** در آداب شیر دادن
و تربیت کردن فرزند و رعایت ایشان بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو
سال است و مشهور میان علما آنست که بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن
جایز نیست مگر آنکه ازاری داشته باشد و خطر باشد و از بیست و یکماه کمتر ندهند
مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد و مادر شیر نداشته
باشد یا آزاری داشته باشد و جمعی از علما واجب میدانند که مادر شیر اولی که به پستان
می آید و گفته اند که اگر آن شیر را ندهد طفل باقی نمی ماند یا قوت نمیابد و از
حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که نافع ترو مبارکترین شیرها برای فرزند
شیر مادر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
دیدند که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد فرمود که ای مادر اسحق از
یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده که یکی بعوض طعام و دیگری بعوض آب
و فرمود که هرچه کمتر از بیست و یکماه شیر میدهند بفرزند ظلمست بر طفل و در حدیث
دیگر صحیح فرمود که دایه گبر شیر ندهد بفرزند شما و دایه یهودی و نصرانی میتوان
گرفت اما فرزند بایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع میباید کرد ایشان را از
خوردن شراب و گوشت خوک و سایر چیزهائی که حرام است در دین مسلمانان و ایشان
حلال میدانند و در حدیث معتبر نهی وارد شده است از شیری که از زنا بهم رسیده باشد
و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر کنیزی زنا کند و فرزندی بهم رساند اگر صاحب
کنیز حلال کند کنیز خود را و آن مردیرا که زنا کرده است آن شیر را بفرزند میتوان داد
و اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسانیده باشد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد
زیرا که شیر تاثیر میکند در فرزند و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که دایه
بگیرید که بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا که شیر سرایت میکند و طفل شبیه می
شود بدایه در صورت و سیرت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرزند را بخورانند

علیه السلام منقولست که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند و بعد از آن تا
هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شد دیگر سعی کن و اگر نه امید خیری از او
نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او را بگذار که بازی کند و هفت سال دیگر
خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا را باو بیاموز و از حضرت امیر
المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که طفل را هفت سال نگهداری و تربیت بدنش
باید کرد و هفت سال دیگر آداب باو باید آموخت و هفت سال دیگر خدمتش باید فرمود
تا بیست و یکسال قدش بلند میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیاد میشود دیگر بعد از آن
از تجربها حاصل میشود و در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران
که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشان را جدا کنند و در روایت دیگر وارد شده
است که پسران که شش ساله شوند میباید که ایشان را با یکدیگر در یک لحاف نخوابانند
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که فرزندان خود را زود احادیث بیاد ایشان
بدهید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که تادیب کنید فرزندان خود را بر محبت علی ابن ابی طالب علیه السلام اگر قبول نکنند نظر
کنید در امر مادرهاشان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول محبت امیر المومنین علیه
نکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که محبت ما اهل بیت را در دل خود
بیابد مادرش را بسیار دعا کند که با پدرش خیانت نکرده است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو بگذارد و نیکو تادیب
کند و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقولست که سکونی بخدمت حضرت امام جعفر آمد و گفت
صادق علیه السلام عرض کردم غمگینم فرمود که سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختر
داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش با خداست و زندگانی میکند که او را
بغیر عمر تو روزی تو را نمیخورد پس فرمود چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمود آه آه
و دست بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که حق فرزند زاند
بر پدر اگر پسر باشد آنست که مادر نیک برای او بگیرد و نامش نیکو تعیین کند و قرآن بیاموزد
و او را ختنه کند و شناگری یاد دهد او را اگر دختری باشد مادر نیک برای او قرار دهد و
نامش را نیکو کند و سوره نور بدو یاد دهد و سوره یوسف یاد نیاموزانند و در بالاخانه

اورا جا ندهد و زود او را بخانه شوهر فرستد پس فرمود چون فرزند خود را فاطمه
نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقو
لست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بفرزندان خود بیاموزانید شنا
کردن و تیرانداختن را و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که شوخی بچه خلق طفل علامت
آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست
که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزند میباشد و عاق فرزندان میشوند چنانچه فرزندان
عاق پدر و مادر میشوند و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کند فرزندان خود را
در نیکی کردن بایشان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او راوی
عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعمل آید قبول کند و کاری که
بر او دشوار باشد و نکند از او در گذرد و تکلیفهای دشوار باو نکند و سفاهت و تندی
باو نکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
عرض کرد که با که نیکی کنم فرمود که با پدر و مادرت گفت که ایشان مرده اند فرمود که با فرزندان
خود نیکی کن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دوست
دارید اطفال خود را و رحم کنید بایشان و اگر وعده با ایشان کنید وفا کنید بآن زیرا که ایشان
گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشانرا و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود
که خدا غضب نمیکند برای چیزی مثل آنکه غضب از برای ظلم بر زنان و طفلان میکند و در حدیث
دیگر صحیح از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که فرزند خود را ببوسد
خدا حسنه برای او نویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد کند و هر که
قرآن بیاموزاند بفرزند خود در قیامت پدر و مادر را بطلبند و دو حله بایشان بپوشا
نند که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود شخصی
بخدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت هرگز طفل خود را نبوسیده ام
چون او رفت حضرت رسول فرمود که این مرد از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود
که هر که طفلی داشته باشد باید که با طفلان طفلانه بازی کند و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست دارد فرزند خود را
و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دید شخصی را
که دو پسر داشت یک پسر را بوسید و دیگری را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را
نبوسیدی مثل هم مهربانی نکردی و بدانکه بهتر آنست که در میان فرزندان زیادتی
قرار ندهند مگر آنکه یکی عالمتر باشد و صالحتر باشد و باین سبب او را زیادتی دهد

دهد و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون پسر
سه ساله شود باو بگویند که هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله و چون سه سال و هفت
ماه و بیست روز شود باو بگویند هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله پس چون چهار سالش
تمام شود بگویند که هفت مرتبه بگوید صلی الله علی محمد و آله و چون پنج سالش تمام شود او را
میدارند که خدا را سجده کند پس چون شش سالش تمام شد نماز بیادش میدهند
و به نمازش میدارند و چون هفت سالش تمام شد وضو را باو یاد میدهند و امر
بنمازش میکنند و چون نه سالش تمام شد وضو و نماز را خوب بیادش میدهند
و بر ترک وضو و نماز میزنند پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را میآمرزد
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمود از آنکه جرس و
آهن بر اطفال بپوشانند یا بدست ایشان بدهند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چرک و کثافت
دست و روی اطفال را پیش از خواب بشوئید که شیطان می آید و ایشانرا بو میکند و در خواب
می ترسند و ملائکه نویسندگان اعمال متاذی می شوند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که ببازار رود و تحفه بخرد و ببرد از برای عیال بخانه ببرد چنانست که تصدق
برای جمعی از فقیران برداشته و بایشان رسانیده است و باید که اول بدختران بدهد پیش
از پسران بدرستی که هر که دختر را خوشحال کند چنانست که بنده از فرزندان اسمعیل آزاد
کرده است و کسی که دیده پسر را روشن کند و او را شاد گرداند چنانست که از ترس خدا گریسته
باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که به اطفال خود بخورانید انار که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان
ایشانرا محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید بایشان که زودتر ایشانرا
بقوت و جوانی میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت
کرده است که اگر طفل که بسیار گریه کند یا زنی در خواب بترسد یا کسی ببلای [illegible] مبتلی شود این آیه را
بخواند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا
لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختر که شش ساله شود نامحرم او را
نبوسد و در دامن نگیرد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه
السلام

در مجلسی بودند دختری را بمجلس آوردند و مردم می‌بوسیدند و در دامن می‌نشانیدند چون
نوبت بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند پنجسال دارد حضرت او را دور کرد
و نه بوسید و بدامن ننشانید و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سال
اش تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که بمنزلهٔ زناست و در حدیث دیگر وارد
شده است که دختری که شش ساله شد پسران او را نبوسند و پسر که از هفت سال بگذرد
زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که ملعون است کسی که عیال خود را ضایع کند
گذارد و خرج ایشان را نده یعنی با قدرت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که
عیال آدمی اسیران اویند پس کسی که خدا باو نعمتی کرامت کرده بر اسیران خود توسعه کند اگر
نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله را بکشد حاجب او باشند از آتش جهنم و
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در بهشت درجه‌ایست که بآن درجه نمیرسد
مگر سه کس امام عادل و خویشی که احسان کند بخویشان خود و صاحب عیالی که بر خرج و آزار ایشان
صبر کند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که پنج کس‌اند که نفقه دادن ایشان
واجب است فرزند پدر و مادر و زن و بنده و فرزند شامل فرزندان فرزندان هم هست
هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدری و مادری هست هر چند بالا روند

فصل دوازدهم در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه
رعایت حرمت ایشان پدر و مادر از عمدهٔ شرایع دین است و ایشان را از خود راضی داشتن
از جملهٔ اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزرده داشتن از جمله گناهان کبیره است
و حق تعالی در قرآن مجید فرموده است که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شو
در این باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت فرمود که
ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا بآتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگوئی
و دلت بر ایمان ثابت باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی
کنی خواه زنده باشند و خواه مرده هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذری بکن که این
از جملهٔ ایمان است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند
چیست فرمود که نام او را نگوید و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری

که او را نکند که مردم پدر او را دشنام دهند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که چه مانع است احدی از شما را که احسان کنید به پدر و مادر خود خواه زنده باشند و خواه
مرده بآنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و حج به نیابت ایشان بکند و روزه برای ایشان
بدارد و آنچه میکند هم ثواب بایشان بآنها عاید میشود و هم بخود او و بسبب این نیکی که بایشان کرده
است خدا ثواب بسیار باو میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه
پرسید و همچنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که پدرت و در حدیث دیگر فرمود
که شخصی بخدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله بسیار
رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا که اگر کشته شوی نزد خدا
زنده خواهی بود و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزد تو بر خداست و اگر
زنده برگردی از گناهان بدر آئی مانند روزی که از مادر متولد شده باشی گفت
یا رسول الله صلی الله علیه و آله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند
که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که پس با پدر و مادر خود باش بحق آن خدائی که جانم بدست
قدرت اوست که انسی که ایشان یک شبانه روز با تو داشته باشند بهتر است از یکسال
جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی که جزای حق پدر
نمیتواند ادا کرد مگر در دو وقت یکی آنکه پدر بنده باشد و او را بخرد و آزاد کند یا بر او قرضی باشد
ادا کند و در حدیث دیگر فرمود که گاه هست که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی
ایشان و بعد از مرگ ایشان قرض ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش از برای ایشان نمیکند
پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست که کسی عاق ایشانست در زندگی ایشان
پس چون مردند قرض ایشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار
مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ وجه در آن رخصت نداده است
اول پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار و خواه بدکردار دویم وفا بعهد و پیمان
کردن خواه با نیکوکار و خواه با بدکردار سیم نیکی با پدر و مادر خود خواه نیکوکار و خواه
بدکردار و در حدیث دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بر

برروی ایشان بگوئی و فرمود که چون روز قیامت شود پرده از پرده‌های بهشت بگشایند پس
هر کس صاحب جانی بوی آنرا از پانصد ساله راه بشنود مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر
فرمود که کسی از روی خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند و در وقتی که بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ
نماز او را قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود که از عقوق است آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر
و در حدیث دیگر معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم مردی را
دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده است پدرم دیگر با آن پسر سخن نگفت تا
زنده بود و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما بر شما
نیکی کنند و از زنان عفت کنید تا زنان شما عفت کنند و فرمود هر که خواهد که خدا سکرات
مرگ را بر او آسان کند باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سکرات
مرگ را بر او آسان کند و هرگز در زندگی باو پریشانی نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چهار خصلت هر که از مؤمنان در او این خصلتها جمع شود حقتعالی او را در اعلای
مراتب بهشت در بلندترین غرفهای عزت و شرف او را جا دهد کسیکه یتیمی را پناه دهد و متوجه
احوال او گردد و او را بجای پدر باشد و کسیکه ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کار
های او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر خود را بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند
و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسیکه بنده خود را یاری کند و سفاهت و تندی نکند و اعانت کند
او را بر خدماتی که باو میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر الصادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که مستجاب البته دعای پدر و مادر از برای
فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای
کسیکه انتقام او را از ظالم بکشد و دعای مؤمنیکه برای برادر مؤمنی دعا کند که او را از برای دعای
ما اهلبیت در مال خود شریک ساخته باشد و نفرین مؤمن بر کسیکه برادر مؤمنش باو محتاج شده
باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه واله
منقولست که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند
بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله صلی الله علیه واله

علیه واله روزی صد مرتبه نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریمتر است و در حدیث دیگر فرمود
که نگاه کردن بسوی عالم عبادت است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظر کردن
بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و ترحم عبادت است و نظر کردن بسوی برادر مؤمنی که او را
برای خدا دوست داری از عبادت است و فرمود که سه گناه است که عقوبتش در دنیا
زود باین کس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم و کفران نعمت خدا کردن　و خلق
و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در میان بنی اسرائیل عابدی
بود که او را جریج میگفتند و در صومعه خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش
بنزد او آمد و مشغول نماز بود او را ندا داد جوابش نداد بار دیگر آمد و او را طلبید که باز مشغول نماز
شد و جوابش نداد بار سیم آمد و او را طلبید که باز با او سخن نگفت و مشغول نماز شد مادرش
گفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد روز دیگر زن زناکاری که در بنی
اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزندی زائید و گفت این فرزند از جریج است
با من زنا کرده و این فرزند بهم رسید و در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آن کسی که مردم را
بزنا ملامت میکرد خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را بکشند پس مادرش آمد و بر خود
میزد جریج گفت خاموش باش که این بلا بنفرین تو متوجه من شده است چون مردم این شنیدند
از سبب این واقعه پرسیدند عابد آنچه گذشته بود نقل کرد گفتند ما چون بدانیم که تو راست
میگوئی گفت آن طفل را بیاورید چون آوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی
طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت فرزند فلان کسم که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از
کشتن نجات یافت و سوگند خورد تا زنده باشد خدمت مادر کند و از این قبیل ا
حادیث در حق پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا توان کرد **باب پنجم** در بیان
آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن گرفتن و شارب گرفتن و سر تراشیدن
و امثال آن **فصل اول** در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مسواک کردن از سنت پیغمبران است
و حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک کردن
میفرمود تا آنکه ترسیدم که دندانهایم سائیده شود یا بریزد و در روایت دیگر

فرمود که جبرئیل مرا آن قدر امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد
بود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در مسواک کردن دوازده خصلت
است و از سنت پیغمبران است پاک کننده دهان است جلا دهنده چشم است موجب
خوشنودی پروردگار است بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاد میکند و دندانها را سفید
میکند و حسنات را مضاعف میگرداند و پوست انداختن و پوسیدن دندانها را میبرد و بن دندانها را
محکم میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند و ملائکه بآن خوشنود میشوند و در حدیث دیگر
فرمود که آب ریختن چشم را برطرف میکند و نور چشم را زیاد میکند و حضرت رسول خدا صلعم
فرمود که چرا من دندانهای شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقولست
که بحضرت امیرالمومنین علیه السلام وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی
و بسند معتبر از حضرت امام موسی و حضرت امام رضا علیهما السلام منقولست که سنتهای حنیفیه
حضرت ابراهیم علیه السلام ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس
مسواک کردن و شارب گرفتن و موی سر را دو حصه کردن که جای میان گشوده شود و مضمضه
کردن یعنی آب در دهن کردن و گرداندن و ریختن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن
و بالا کشیدن و اما آن پنج امر که در بدن است ختنه کردن و پشت زهار را تراشیدن
و موی زیر بغلها را کندن و ناخن گرفتن و استنجا کردن و در روایت دیگر منقولست
که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن و موی سر را تراشیدن
و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج امر که در بدن است موهای بدن را ازاله کردن
و ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا بآب کردن و از حضرت رسول خدا صلعم
منقولست که واگر نه بود که بر امت من دشوار میشد هر آینه واجب میگردانیدم
بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که چون بنماز شب برخیزی مسواک بکن که ملک می آید و دهان خود را بر دهان
تو میگذارد و هرچه از قرآن و دعا ذکر میکنی میخوانی بآسمان میبرد پس باید که دهان
تو خوشبو باشد و علی ابن جعفر از برادر خود حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

علیه السلام سوال کرد که آیا میتواند کسی که بنماز شب برخیزد با انگشت مسواک کند و او
تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دو سال پیش از فوت ترک مسواک
کردن بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که سه چیز است حافظه را زیاد میکند و دردهای بدن را بیرون میکند خواندن
و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبرانست
بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب کردن بحنا و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بدبوی کافران
حق تعالی باو وحی کرد فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان جمعی را بسوی تو خواهم
فرستاد که دهانهای خود را بچوبهای درخت پاک کنند پس چون حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل مسواک و خلال از برای آنحضرت آورد و در
حدیث معتبر منقولست که شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرد
مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضو میباید کرد و اگر
کسی فراموش کند تا وضو بسازد بعد از وضو مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد
از مسواک کردن و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که اگر کسی با وضو مسواک
کند و بنماز بایستد ملک می آید و دهان بر دهان او میگذارد و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد
و اگر مسواک نکند بکناری می ایستد و قرائتش را میشنود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک
باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مسواک کند باید مضمضه کند
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک بعرض دندانها
میمالیدند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که مسواک در خلا مورث گند
دهان است و منقول است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که مسواک کردن در تمام دندانها
پیغمبر فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگرچه یک مالیدن باشد فصل

در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که سه چیز است
که هر که لله تعالی آن سه را بانیت ترک نمی‌کند موی را از بیخ کندن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت
کنده شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که من هر جمعه سر میتراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر را تراشیدن غم را زایل میکند
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون موی سر بلند شود
چشم را ضعیف میکند و نور چشم را کم میکند و موی سر را ازاله کردن دیده را جلا میدهد و در فقه
الرضا علیه السلام مذکور است که چون خواهی که موی سر را بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از
پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان که از پهلوهای گوش بلند شده اند و در
حین شروع این دعا بخوانند بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله و سنته
حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین اللهم اعطنی بکل شعرة نوراً ساطعاً یوم القیمة پس چون فارغ
شوی بگو اللهم زینی بالتقی و جنبنی الردی و جنب شعری و بشری المعاصی و جمیع ما تکره منی فانی
لا املک لنفسی نفعاً و لا ضراً و در روایت دیگر منقولست که در وقت شروع این دعا بخوانند
بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم اعطنی بکل شعرة نوراً
یوم القیمة و چون فارغ شو بگوید اللهم زینی بالتقوی و جنبنی الردی **فصل سیم** در آداب
موی سر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی سر تراشیدن
حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است یا
آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند بآنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو
حصه کنند که در میان سر فرق ظاهر شود و چون در اول اسلام سر تراشیدن عیب عظیم
بود در میان عرب و پیغمبر و امام نمی‌بایست کاری بکنند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول صلی
الله علیه و آله موی سر را بقدر چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره میتراشیدند
و در حدیث دیگر معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که موی
سر را بگذارد و نیکو رعایت کند و تربیتش کند یا آنکه از ته بکلی کوتاه ببرد و بلند نگذارد
و در چندین حدیث وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند

که آیا حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی سر را دو حصه میکردند و میانش
می‌شکافتند فرمود که آنحضرت موی را بحدی بلند نمی‌گذاشتند که احتیاج باینها شود بلکه
آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمه گوش میرسید و هیچیک از پیغمبران موی سر نگاه نمی‌داشتند
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند بگذارد و میانش را نشکافد حق تعالی در
قیامت با ارهٔ آتش را بشکافد و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از آنکه زنی که بحد بلوغ رسیده باشد بروش مردان جمیع موهای سر را در پیش سر
یا میان سر یا اطراف سر گره بزنند و نیاویزد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی
الله علیه و آله نهی فرمود از کاکل گذاشتن و مو را در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن
و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه موی سر را در پیش سر گره میزدند
و نقش خضاب میکردند و محتملست که مراد نقش خضاب آن باشد که متعارفست در میان زنان
عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در آن میریزند که رنگش میماند
و احتمال دارد که نقشهای حنا را هم شامل باشد و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند که از زنی که موی بالای پیشانی خود را می‌برد یا میکند و موهای سر را برای زینت یا
آنکه گیسوهای خود را با گیسوان میبافد فرمود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا
موی حیوانات یا موی همان زن خودش ببافد باکی نیست اما با موی زن دیگر نبافد و موی زن
دیگر را با موی خود پیوند نکند و بدانکه اگر با موی دیگر حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش
حرام باشد در حال نماز با دمی باید نباشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه از پشم و موی
باشد که پیش مذکور شد که در آن نماز میتوان کرد **فصل چهارم در فضیلت** شارب کردن
بدانکه شارب کردن یعنی موی لب بالا را تا کردن سنت مؤکد است و هر چند بیشتر بگیرند بهتر است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شارب خود را دراز مگذارید بشود که شیطان در
آنجا مینکند و پنهان میشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شارب گرفتن دفع
غم و وسواس میکند و سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که سنت است که گرفتن موی شارب تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
شارب را آنقدر می‌گرفت که بته مو میرسید و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که ناخن
گرفتن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد
شده است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود

حضرت فرمود که شارب و ناخن بگیرید روز جمعه و در حدیث دیگر معتبر از آنحضرت منقولست که
هر که ناخن بگیرد و شارب را بگیرد در هر جمعه و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَ
عَلیٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعدد هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی ثواب یکبنده از فر
زندان اسمعیل آزاد کردن باو عطا فرماید و بیمار نشود مگر به بیماری مرگ و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در روز جمعه شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد
ما نیت یابد از درد دندان و درد چشم و در حدیث دیگر فرمود که شار برا از ته بگیرید
و ریشرا بلند بگذارید و به یهودان و گبران شبیه مشوید و فرمود که از ما نیست هر که
شارب خود را نگیرد و فصل پنجم در آداب ریش بلند کردن بدانکه سنت است ریشرا
میانه گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه و زیاده از یکقبضه گذاشتن مکروه است و
احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آن است که تراشیدن ریش حرام است
اما بور دو طرف لب پائین را تراشیدن جایز است و احوط آنست که اصلاح بسیار تند نکند
که شبیه بتراشیدن نباشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آنچه از
ریش زیاده از یک قبضه باشد در آتش است و در حدیث دیگر منقولست که دست بر ریش
بگیرد و آنچه از یکقبضه باشد ببرد و از محمد بن مسلم منقولست که گفت دیدم که مصلحی اصلاح ریش زیاده
حضرت امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت باو فرمود که ریش مرا مدور کن و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بشخصی گذشتند که ریش
درازی داشت فرمود که چه می شد اگر این مرد ریش خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید
ریشرا میانه ساخت و بخدمت آنحضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریشرا و در حدیث
دیگر معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوهای رو را تنگ میکردند
و موی زیر ریشرا از ذقن می چیدند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت ریشرا تنگ
میکردند و انبوه نمی گذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
پرسید که از ریش میتوان گرفت حضرت فرمود که از عارض یعنی پهلوی روها بلی
و از پیش رو نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که در زمان لبتس گروهی بودند که ریشرا میتراشیدند و شارب را می گذاشتند حق تعالی ایشانرا
مسخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون حق تعالی توبهٔ
حضرت آدم را قبول کرد فرمود سر بسجده گذاشت و چون سر بر داشت رو به آسمان کرد

کرد و گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده گردان پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی
بروئیش روئید و پیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست وحی باو رسید
که این زینت توست و زینت مردان و زنان تواست تا روز قیامت فصل ششم در
بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در سر و ریش بهم نمی رسید
پس گاه گاه بود که کسی بمجلسی می آمد و پدر و فرزندش در آن مجلس حاضر بودند فرق میان
پدر و فرزند نمیکردند می پرسیدند که کدام یک پدر شما است پس چون زمان حضرت
ابراهیم علیه السلام شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان
خود ممتاز شوم پس موی سفید شد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست سر و ریشش
که اول کسیکه موی سفید در محاسن او بهم رسید حضرت ابراهیم علیه السلام بود نظر کرد
موی سفید در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندیرا سزاست که مرا باین رسانید
و در یک چشم زدن معصیت او نکرده ام و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که موی سفید را مکنید که آن نور مسلمان است و هر که یکموی سفید در ریش او پیدا شود
در اسلام نوری باشد برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که سه کسند که خداوند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن نمیگویند و نظر رحمت بسوی
ایشان نمی افکند و اعمال ایشانرا نمی پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیا است کسیکه
موی سفید خود را بکند و کسیکه با دست خود بازی کند که از او منی بیاید و با جاهای
دیگر بدن خود و کسیکه دیگران با او لواطه کنند و دور نیست که این حدیث محمول بر آن باشد
که برای غرض فاسدی موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صا دق ع
منقولست که باکی نیست موی سفید را کندن و بریدن اما بریدن ایشانرا دوست تر می
دارم از کندن و در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو
باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تجویز بریدن
موی سفید میفرمود اما کندن نتش را مکروه میدانست و از حضرت امام رضا علیه السلام

منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که موی سفید در پیش سر
میمون و مبارک است و در عارضها علامت سخاوت و جوان مردی است و در جای زلف
علامت شجاعت است و در پشت سر شوم است و ظاهرا ابتدای سفید شدن است
فصل هفتم در کندن موی بینی و بازی کردن با ریش خود و در حدیث دیگر معتبر
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هرکس باید موی شارب و موی
بینی را بگیرد و با حوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال است و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که موی سفید بینی را گرفتن رو را نیکو میکند
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چهار چیز است که از وسواس
شیطان است گل خوردن و گل بو شکل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان و ریش را
خائیدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بسیار دست بر ریش
ممالید که رو را معیوب و بدنما میکند فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع می کند
و روزی را فراخ میگرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که برای این امر کرده
اند بناخن گرفتن که چون بلند شد شیطان در آن جا میکند و مورث فراموشی است
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سنت مؤکد است ناخن گرفتن
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مردان را بفرمود
که ناخن را ته بگیرند و زنان را میفرمود که اندکی بلند تر بگذارید که زینت شما است
و در روایت دیگر وارد شده است که چند گاه وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه وحی از من باز نایستد و حال آنکه
شما ناخن نمیگیرید و چرک ناخن را زائل نمیکنید فصل نهم در بیان آداب و اوقات
ناخن گرفتن منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از گرفتن
ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و کوری و اگر احتیاج نداشته
باشی بسای که از آن ریزهای بریزد و در چند حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن
در هر جمعه بگیر و اگر نباشد از سوهان و غیره آن حک کن تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو

نرسد و در حدیث دیگر فرمود که هر که در جمعه ناخن و شارب بگیرد پیوسته با طهارت
باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن
در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر منقولست که با
آنحضرت عرض کردند که خبر بما رسیده که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب
نافع تر است برای زیادتی روزی از سفر کردن بشهرها حضرت فرمود میخواهی چیزی
بتو تعلیم کنم که از این هم نافع تر باشد گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب گرفتن در هر
جمعه اگر چه بسائیدن باشد بگیر و در حدیث دیگر معتبر منقولست که حضرت امام رضا
علیه السلام شخصی را دید که آزار چشم داشت فرمود که میخواهی ترا چیزی بیاموزانم که
اگر بجا آوری هرگز درد چشم نه بینی گفت بلی فرمود که در هر پنجشنبه ناخن بگیر آن شخص
چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که
باین مداومت کند هرگز آزار چشم نه بیند و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن
گرفتن ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کنید و بپا بگیرید و بانگشت کوچک دست راست ختم کنید
و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که در روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا کند
بانگشت کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ او را امان دهد از درد چشم
و در روایت دیگر وارد شده است و اگر روز پنجشنبه ابتدا کند بانگشت کوچک دست
راست و تا انگشت مهین بگیرد پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد
امان یابد از درد چشم و دور نیست که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا بانگشت دست
چپ کردن بهتر باشد و اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا از هر دستی بانگشت کوچک آن دست
بکند و اگر در روز جمعه یا سایر روزها باشد که گیرد و ابتدا بانگشت کوچک دست چپ
و ختم بانگشت کوچک دست راست کند و اگر همه وقت ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ بکند
خوب است چنانچه علی ابن بابویه گفته است و در حدیث دیگر منقولست که هر که ناخنهای
خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد خدا پریشانی او را
زائل کند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در سه شنبه ناخن بگیرید و در حدیث

معتبر دیگر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ناخن بگیرد در روز جمعه های خود را
حق تعالی درد را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را در آنها داخل کند و کسیکه در روز پنجشنبه یا شنبه که دانه
ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام منقولست که ناخن ها را در روز جمعه گرفتن خوره و پیسی را برطرف میکند و در روز جمعه
پنجشنبه گرفتن روزی را فراخ میکند و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امام موسی کاظم ع
عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخن را در روز جمعه میباید گرفت فرمود که
اگر خواهی در این روز بگیر و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر در روز دیگر دراز باشد و احتیاج
بگرفتن باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه در حدیث دیگر صحیح وارد شده است که هرگاه که بلند
شوند بگیرد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز جمعه ناخن بگیرد
ریشه کردن بن ناخن از او برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که هر پنجشنبه ناخن بگیرد دندانش درد نکند و چشمش درد نکند و اگر کسی خواهد ثواب پنجشنبه
و جمعه هر دو را دریابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد یا همه را در پنجشنبه
بگیرد و در جمعه سوهانی بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت گرفتن بگوید بسم الله و بالله
و علی سنة محمد و آل محمد چنانچه در باب شارب گرفتن گذشت و آنچه مشهور است که در
ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت را میگیرد و بعد از آن انگشت کوچک و بعد از
آن انگشت مهین و بعد از آن انگشت میانین و بعد از آن انگشت دیگر در دست چپ اول انگشت
بعد از انگشت کوچک تر را بگیرد پس انگشت میان پس انگشت مهین پس انگشت کوچک پس
انگشت شهادت و در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم
از اخبار شیعه است و عمل آن کردن اولی است **فصل دهم** در دفن کردن ناخن و سایر
چیزهای دیگر که دفن باید کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در
تفسیر آیه کریمه أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا یعنی آیا نگردانیدیم زمین را محل
انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتی که زنده اند و در حالتی که مرده اند حضرت
فرمود که مراد از محل زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر دیگر از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله امر فرمود
فرمود ما را که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم مو و دندان و ناخن و خون و از

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هفت چیز است که از آدمی جدا میشود
و آنها را دفن میباید کرد موی و ناخن و خون و خون حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره
خون شده باشد **فصل یازدهم** در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند
و روغن به بدن مالیدن بدحالی و پریشانی را زایل میکند و سر را شانه کردن وبا را میبرد و ریش را
شانه کردن دندانها را محکم میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سر را شانه کردن
تب را دور میکند و روزی می آورد و قوت جماع را زیاد میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که شانه کردن فقر را برطرف میکند و درد سر را میبرد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را زیاد
میکند و موی را نیکو میکند و حاجت را روا میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را دفع میکند و در روایت دیگر موجب
بسیاری فرزندان میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه
کردن پائین ریش طاعون را از این کس دور میکند و شانه کردن زلف وسواس سینه را میبرد و شانه کردن
ابرو بلغم را قطع میکند **فصل دوازدهم** در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها در حدیث معتبر
منقولست که در میان جای نماز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شانه بود که هرگاه از نماز فارغ می
شدند شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست در تفسیر
آیه کریمه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ یعنی بگیرید زینت خود را در نزد هر مسجدی حضرت فرمود
که از این زینت که دستور زینت است شانه کردن پیش از هر نمازی در حدیث دیگر نزد هر نمازی
واجبی و سنتی و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش که
اندوه و بیماری را میبرد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که ریش خود را
هفتاد مرتبه شانه کند و بشمارد یکی یکی شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر
فرمود که هرگز در حمام شانه مکن که موی را تنک میکند و در حدیث فرمود که کسیکه اراده شانه
کردن داشته باشد شانه را بدست راست بگیرد و در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر
گذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید اللّٰهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَطَيِّبْهُمَا وَاصْرِفْ عَنِّي
الْوَبَاءَ پس عقب سر را شانه کند و بگوید اللّٰهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ
الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَيَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي پس ابروها را شانه کند و بگوید
اللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدَى پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بر سینه
بمالد و بگوید اللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْغُمُومَ وَالْهُمُومَ وَوَحْشَةَ الصَّدْرِ وَوَسْوَسَةَ

الشیطان پس از پائین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند
و در روایت دیگر واقع شده است که چون خواهی ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا
چهل مرتبه شانه کن و سوره مبارکه انا انزلناه بخوان و از طرف بالا بپائین هفت
مرتبه شانه کن و سوره والعادیات بخوان پس بگو اللّهمّ سرّح عنّی الغموم والهموم ووحشة الصّدر ووسوسة الشّیطان و از حضرت امام رضا علیه السّلام منقولست که هر که
شانه کند شانه را هفت مرتبه بر سر و ریش و سینه بکشد هیچ دردی نزدیک او نیاید
از حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام منقولست که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف
دل میشود و نشسته شانه کن که دل را قوی میکند و پوست را بر سر محکم میکند و در حدیث دیگر
وارد شده است که حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله با آب شانه میکردند و
شانه را بآب فرو می بردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که در وقت
شانه کردن ریش سنّت است که این دعا بخوانند اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد والبسنی
جمالاً فی خلقک و زینة فی عبادک و حسّن شعری و بشری ولا تبتلنی بالنّفاق وارزقنی المهابة بین بریّتک والرّحمة من عبادک یا ارحم الرّاحمین و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السّلام منقولست که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام منقولست که ایستاده شانه کردن باعث قرض و پریشانی
میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله ریش را از طرف پائین
مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که ذهن را زیاد میکند
و بلغم را قطع میکند و از قاسم ابن ولید منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام
پرسید از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود باکی نیست و از حسن ابن عاصم
منقولست که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام رفت دید که حضرت شانه
از استخوان فیل در دست دارند شانه میکنند گفت فدای تو شوم جماعتی در عراق
هستند که شانه کردن از استخوان فیل را حلال نمیدانند فرمود که چرا پدرم یک شانه یا
دو شانه از این داشت پس فرمود که شانه کنید با استخوان فیل که تب را می برد و احادیث
بسیار وارد شده است که ائمه طاهرین علیهم السّلام بشانه استخوان فیل شانه می
کردند و در روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که بشانه نقره
و نقره نشان شانه کردن مکروه است **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن
و گل بوئیدن و روغن مالیدن **فصل اول** در سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین

در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که چون آدم و حوّا
از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم علیه السّلام بر کوه صفا نازل گردید و حضرت حوّا بر کوه مروه و حضرت
حوّا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده و بسته بود چون بزمین آمد
گفت چه امید داشته باشم از شاطلی که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من در
خشم است پس گیسوهای خود را گشود آن بوهای خوش که از گیسوی او نزد هوا ریخت
باد مشرق و مغرب برد و اکثرش را بزمین هند ریخت باین سبب اکثر بوهای خوش در
هند بهم رسید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت آدم علیه السّلام از آن درخت
که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامه های و زیورهای بهشت همه از او فرو ریخت
پس برگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد
باد جنوب بوی خوش آن برگ را بهندوستان رسانید و درختان و گیاههای هند را خوش بو کرد
و باین سبب گیاههای خوش بو در هند بهم رسید و اوّل جانوری که از آن برگ بهشتی یا از آن
گیاهها خورد آهوی مشک بود و چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خونش جاری
شد تا آنکه جمع شد در پیش نافش و از آن مشک بهم رسید **فصل دویم** در فضیلت بوی خوش
و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده
پیغمبرانست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که بوی خوش دل را قوی
میکند و قوّة جماع را زیاد میکند و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام رضا علیه السّلام منقولست
که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را در هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه یک روز
بکار برد و اگر قادر نباشد هر جمعه البتّه این را ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام
منقولست که بوی خوش بو و شارب مالیدن از اخلاق پیغمبرانست و گرامی داشتن
ملائکه است که اعمال او را مینویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السّلام منقولست که هر که در اوّل روز جمعه بوی خوش بخود بمالد تا
شب عقلش با او باشد و فرمود که نماز کسی که خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز
که بی بوی خوش باشد و فرمود که سه چیز است که خدا به پیغمبران داده است بوی
خوش و زنان و مسواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر هر بالغی که در
هر جمعه ناخن بگیرد و شارب بگیرد و چیزی از بوی خوش بخود بزند و حضرت رسول

صلی الله علیه و آله چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت نبود رو پاک بعضی از زنان را
می‌طلبید که بوی خوش داشت ترمیکرد و بروی مبارک خود میمالید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بموضعی که سجده میفرمود بعد از آن میشناختند آن موضع را از بوی خوش
آنحضرت و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمودند که جبرئیل امرا خبر داده که یک روز در میان
خود را خوش بوکن و روز جمعه البته خود را خوشبو کن اگرچه از بوی خوش زنان باشد روزی عثمان
بن مظعون بخدمت آنحضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند از لذتها را ترک کنم حضرت فرمود
که ترک بوی خوش مکنید که ملائکه بوی خوش مؤمن را می بویند و در هر جمعه البته ترک مکنید و فرمود
هرچه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلی
الله علیه و آله زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمود که بوی خوش زنان باید
که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد و از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام بروید در
روز چهارشنبه و حجامت کنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کنید در روز
جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چهار چیز است که دل را بگشاید و غم را زایل میکند
بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن و حضرت امیرالمؤمنین علیه
السلام فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود را خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که در حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه آنحضرت را سایه
نبود دوم آنکه از هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز یا سه روز کسی که از آن راه میگذشت میدانست
که آنحضرت از آن راه عبور نموده از بوی خوش آنحضرت که در آن راه مانده بود سیم آنکه بهر سنگ
و درختی که میگذشت آنحضرت سجده میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر زنی
که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید پیوسته لعنت الهی باو باشد تا بخانه برگردد **فصل سیم** در کراهت
رد کردن بوی خوش از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی میتواند
بوی خوش را که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست او را که رد کند کرامت را
و در حدیث دیگر فرمود که بنزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند روغن خوشبوئی
حضرت که نشستند و بو فرمودند و آنروز روغن مالیده بودند بعد از آن فرمودند

ناچار است ترک مکن
و میفرمود که روز جمعه
البته خود را خوشبو کنید

نما مودند که ما هرگز بوی خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که برای آنحضرت میآوردند و از حسن ابن جهم منقولست که گفت رفتم
بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام برای من ظرفی که در آن مشک بود آورد و فرمود که بردار و بر
خود بمال و قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در کو پائین کردن خود بمال برداشتم
و مالیدم پاره دیگر مانده بود فرمود که این را هم بر آنجا بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدام است فرمود بوی
خوش و بالشی که برای نشستن و تکیه کردن نزد ذن تواضع کنند و مانند آنها **فصل چهارم**
در فضیلت مشک و عنبر و زعفران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بوی خوش از
مشک است و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام از مشک دانی از قلمدانی داشتند و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند آنرا
میطلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که شیشه از مشک
داشته در جای نماز خود و هرگاه که بنماز بر میخواستند بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنقدر از مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق
مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
مشکدانی داشتند که هرگاه که وضو میساختند بادست تر از آن امیگرفتند و چون بیرون میآمدند
از بوی خوش میدانستند که آنحضرت میآیند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا
علیه السلام حقه بیرون آوردند از آبنوس و در آن خانه بود که در هر خانه بوی خوشی بود دیگر
از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقولست که علی ابن جعفر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
سؤال کرد که آیا مشک را بر روغنی که بر خود میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم
با کی نیست و در روایت دیگر منقولست که باکی نیست مشک در طعام کنند و در روایت دیگر
وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردانید و احادیث
در مدح خلوق وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز عمل میآوردهاند
و اکثرش زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده که مداومت بر آن نکنند و در روایت

و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و در زینت که این نهی جا برای
آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند **فصل پنجم** در فضیلت غالیه لبستن منقولست که
اسحق بن عمار بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه و آله عرض کرد که من با تجار سودا می
کنم و بر غالیه بخود میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیار ثمنها
دی است که اندک غالیه کالحاه بخود مالیدن کافی است او را اسحق گفت من بنده حضرت
عمل کردم و سالی ده درهم غالیه میخریدم و تمام سال بآن خوشبو میشدم و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت علی بن الحسین علیه السلام تبیر از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبای خز
پوشیده بودند و خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند آن حضرت که در این شب
با این هیات برای چه بیرون آمده اید فرمود که میخواهم عبادت کنم حوران بهشت را از خداخو
استگاری نمایم برای عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح از امام
رضا علیه السلام فرمود که دهنی برای آنحضرت بعمل آوردند که در آن مشک و عنبر داخل بود
و فرمودند که در کاغذی آیة الکرسی و سوره حمد و قل برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیه
چند از قرآن از آیات حفظ نوشتند و در میان غالیه غلاف شیشه آن روغن کردانشندد بر بسته
بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند
که روغن را با مشک از برای آنحضرت بعمل آوردند و بهفتصد درهم برآمد فضل بن سهل
وزیر مامون ملعون بحضرت نوشت که مردم شما را در این باب عیب میکنند حضرت در جواب
نوشتند که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا بود و جامه دیبای طلا باف میپوشید و برکرسیهای
طلا مینشست و با اینها از حکمتش چیزی کم نشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار
هزار درهم **فصل ششم** در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که روغن مالیدن بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری آب را
در بدن آسان میکند و خشونت جلد را بدحالی و تنگی دو فع را بر طرف میکند و رو را نورانی
میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که روغن مالیدن توانگری را

یا علی مدد کن

ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و رو را سفید میکند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مؤمنی روغن بمالد حقتعالی برای او بعدد هر مویی نوری بنویسد که در
قیامت باو عطا فرماید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون روغن را بر کف دست
بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الزَّیْنَ وَالزّینَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَآنِ وَالْمَقْتِ پس
کف را بر بالای سر بگذار و از آنجا ابتدا کن بروغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده که چون روغن را
بر کف دست بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الزَّیْنَ وَالزّینَةَ فِی الدُّنْیا وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَآنِ فِی
الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ و در چند حدیث نهی وارد شده است که از مداومت در روغن مالیدن هر روز و در
روایتی وارد شده است که ماهی یکبار بمالند و در روایت دیگر هفته یکبار یا دو بار اما نانا
هر روز مالیدن بد نیست **فصل هفتم** در فواید روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهاست و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت
روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان
ماست بر سایر خلق و در روایت دیگر مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که نیکو روغنی است
روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما چیزی
نمی آید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقولست که شخصی از
استر افتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت فرمود که روغن بنفشه در دماغش بچکانند چنان
کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنک و
برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما خشک است اگر مردم فضیلت آنرا بدانند هر آینه هر اوقیه
از آن قیمتش یک اشرفی شود و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در بینی
بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر مردم فواید این روغن را بدانند هر آینه از آن
بسیار بخرند و در حدیث دیگر فرمود که کودکان تب را بشکنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقولست
که درد سر را زایل میکند و دماغ را باصلاح میآورد **فصل هشتم** در فواید روغن بان و روغن زنبق بدانکه

امام جعفر صادق ع

بان فستق هندیست که از آن روغن میگیرند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نیکو
روغنی است روغن بان و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از ترکیدنها که در دست
و پایش بهم میرسد فرمود که پنبه را بگیرد و روغن بان را ببرد و بریزد و بر ناف خود بگذارد یا روغن را در ناف
میریزد آن شخص بگمر تنبه این کار کرد و آن زایل شد و بسند معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش روی شیطان بخود بقدرت الهی با دو صد نتواند شد
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بر خود بمالید روغن بان را که آن امان است از هر دردی
و بنفشه را از استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هیچ چیز برای
بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و امام
رضا علیه السلام در بینی می چکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که در روغن زنبق منافع بسیار است و در آن شفا از هفتاد درد است و از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام نیز مرویست که روغن زنبق شفای هفتاد درد است و ظاهر آنست که مراد زنبق سفید باشد
که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است فصل نهم در
فواید سایر روغنها منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه
السلام فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و بمالد شیطان تا چهل روز نزد
دیک او نیاید و در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل خیری روغن لطیفی است و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روغن گل خیری بر خود میمالیدند و
در حدیث دیگر موثق منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقتی که صداع ایشانرا
عارض میشد روغن کنجد در بینی می چکانیدند و در حدیث دیگر معتبر منقولست که آنحضرت دوست میداشت
که روغن کنجد در بینی بچکانند فصل دهم در فضل بخور و انواع و آداب آن از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که سنّت است مرد را که هر گاه قادر باشد جامه های خود را بخور و خوشبو بدارد و از حضرت امام
رضا علیه السلام مردم بسیار بوی بخور می شنیدند و مرازم روایت کرده است که با حضرت امام موسی
موسی کاظم بحمام رفتیم چون آنحضرت بیرون آمدند و در رخت کن مود سوخت طلبیدند و خود را خوشبو کردن

کردن بین فرمود که مرازم را نیز خوشبو کنند و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام بخواستند که بخور کنند اول یک قطعه از خرماهای صیحانی که نوعیست از خرما
های مدینه میگرفتند و خرما و پوست را از آن دانه پاک میکردند و در آتش می انداختند و چون
اندکی دود میکرد و بعد از آن بوی خوشرا بآتش می انداختند و جامه را بخور میداشتند و میگفتند
که این پیشتر باعث خوش بوئی میشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عود خالص
بوئی در بدن تا چهل روز میماند و عودی که با بویهای خوش دیگر پرورده باشند بویش تا بیست روز
میماند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور میکردند
و بعد از آن گلاب و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلعم
بعود قماری بخور میکردند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که بر شما باد بعود هندی
که در آن هفت نوع از شفا هست و در روایت دیگر منقولست که تحفه برای مرد روزه دار
آورده اند آنست که ریشش را روغن بمالند و جامه اش را بخور بدارند و تحفه زن روزه دار آن
است که گیسوش را شانه کنند و جامه اش را بخور بدارد و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت بخور کردن این دعا را می خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ
الصَّالِحَاتُ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ عَرْفَنَا وَ زَکِّ رَوَائِحَنَا وَ اَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَ اجْعَلِ التَّقْوٰی زَادَنَا وَ الْجَنَّةَ مَعَادَنَا
وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ اِیَّانَا وَ کَرَامَتِکَ لَنَا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و گفته اند است که در روایت
دیگر منقولست که در وقت بخور خوش کردن این دعا بخوانند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی
وَ لَا تَسْلُبْنِی مَا خَوَّلْتَنِی وَ اجْعَلْ ذٰلِکَ نِعْمَةً وَ لَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ذِکْرِی بَیْنَ خَلْقِکَ کَمَا طَیَّبْتَ
بَشَرِی نَشْرِی وَ شُوَارِی وَ نَشْوَارِی بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ عِنْدِی فصل یازدهم در بیان فضل گلاب و گلسرخ و
انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گلاب بر رو ریختن آب رو را زیاد میکند و پریشانی را
بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو زند در آنروز بدحالی و پریشانی نه بیند و چون
گلاب برو زند دستها مالد حمد خدا کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از امام جعفر علیه السلام منقولست
که هر که در اول ماه مبارک رمضان یک کف گلاب برو بریزد در آنروز ایمن باشد از خواری و پریشانی

و هر که در آنروز بدست خود یک کف گلاب بریزد در آن سال از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر دو کف را از گل سرخ پر کرده
بمن عطا کردند چون نزدیک بمشام خود بردم فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل آس و در
حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مرا باسمان بردند از عرق من قطره چند
بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که بردارد و عموص که کرمی است در میان
آب و سر پهنی دارد و دم باریک و درازی دارد خواست که بردارد در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی ملکی
فرستاد که در میان ایشان محاکمه کرد نصف را بماهی داد و نصف را بعموص باین سبب پنج برگ سبزی دارد که زیر
گل پیدا شده دو تا بشکل دم ماهی است که هر طرف پری دارد و دو تا بشکل عموص است که باریک است و از هیچ طرف پری ندارد
و یکطرفش پری دارد و طرف دیگر ندارد که نصفش بشکل دم ماهی است و نصفش بشکل دم عموص است و در روایت
دیگر منقولست که چون آن حضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن حضرت محزون شد و باین سبب کبر در آن روئید
و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس کسی که خواهد که بوی حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله را
استشمام کند باید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرف عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وارد شده است که سفید از عرق من روئید در شب معراج و گل سرخ را سفید از جبرئیل و گل زرد از براق
و در روایتی وارد شده است که بوئیدن نرگس و روغنش را مالیدن فضائل بسیار دارد و چون حضرت
ابراهیم را در آتش انداختند و حق تعالی آتش را بر او سرد و سلامت گردانید در میان آتش نرگس
برای آنحضرت رویانید و از آنروز نرگس در میان خلق بهم رسید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که بنفشه و کلیت مرزنگوش که در زیر عرش میروید و آبش
باعث شفای چشم است و در روایت دیگر منقولست که بسیار ببوئید مرزنگوش را که قوت شامه را
می افزاید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که گل نیست یکنوع دارد و سیصد و
بهشت جعدمو داست **فصل دوازدهم** در آداب گل بوئیدن و در حدیث صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام و در حدیث دیگر معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هرگاه گلی بشما بدهند ببوئید و بر دیدها خود بگذارید که از بهشت آمده است و در حدیث
معتبر دیگر مالک جهنی روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم
که گرفتند و بوئیدند و بر دو دیده گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد و ببوسد و ببوید
و بر دیدهای خود بگذارد پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز بزمین نگذاشته باشد

باشد که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که هر که گلی ببوید و بر دیدهای
خود گذارد و صلوات بر محمد و آل او فرستد حق تعالی برای او حسنات بعدد ریگ بیابان عالج که در ما بین مکه و شام
است و عراق کشیده است بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو نماید **باب هفتم** در آداب
حمام رفتن و سر تراشیدن و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب آن بعضی از اغسال **فصل اول** در فضیلت
حمام منقولست که عمر علیه اللعنة و العذاب گفت که بدخانه ایست حمام عورت را ظاهر میکند و بو دهٔ
آدمی را میبرد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه فرمود که نیکو خانه ایست حمام جهنم را
بیاد آدمی آورد و چرک را از بدن میبرد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حمام
یکروز در میان گوشت بدن را زیاد میکند و هر روز رفتن پیه را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان
جعفری منقولست که گفت بیمار شدم تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه
رفتم فرمود میخواهی گوشت بدنت برگردد گفتم بلی فرمود که یکروز در میان حمام برو که گوشت بدنت
عود میکند و زینهار هر روز مرو که باعث مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه خواهد
فربه شود یکروز بحمام برود و یکروز نرود و کسیکه گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر
شود هر روز بحمام برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین دواهای شما
حقنه و حمام است و حجامت کردن و دارو در بینی چکانیدن و در روایت دیگر وارد شده است که دوای
بلغم حمام است و در چند روایت وارد شده که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید زن لنشرا
بحمام نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه اول آنکه این در بلادی است که در آن بلاد باعتبار
گرمی هوا احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن دوم آنکه مراد آنست که زن خود را رخصت
دهد که برای سیر کردن بحمام برود **فصل دوم** در آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها
که میباید خواند در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که با لنگ
داخل حمام شود حق تعالی گناهان او را بپرده ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که
هر که داخل حمام شود و بدن خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از جحیم

جهنم ایمن کرداند و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرموده از غسل کردن در زیر
آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرهای بی لنگ و فرمود که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه
و نهی فرموده از داخل شدن حمام بی لنگ و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که داخل
حمام مشو مگر آنکه بعد از زمانی چیزی در معدهٔ تو باشد که حرارت را فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت
بدن است و داخل حمام مشو در وقتی که معده پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه آن حضرت
اراده حمام رفتن میکردند اندک چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام
رفتن بهتر است فرمودند که نه بلکه اندک چیزی بباید خورد که صفرا را فرو مینشاند و حرارت اندرون
را ساکن میکند و در روایت دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن
بحمام رود صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاد شود بعد از چیزی
خوردن بحمام برو و اگر خواهی که گوشت کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که در وقتی که در رخت کن حمام جامها را از خود دور میکنی بگو اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ
النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ پس چون داخل حمام شوی بگو اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَأَسْتَعِيذُ خانهٔ اول
بِكَ مِنْ أَذَاهُ و چون داخل خانهٔ دویم شوی بگو اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدِي وَ
قَلْبِي و بگیر از آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز و اگر توانی که جرعهٔ از آن آب بخوری
بخور که مجرای بول را پاک میکند و در خانهٔ دویم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانهٔ سیم شوی
بگو نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ وَنَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ و مکرر بگو تا هنگام بیرون آمدن از آنجا و از آب گرم و
زنهار که آب سرد بنوشی در حمام بخور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را
ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا بریز که درد را از بدن بیرون میکشد پس چون
ابتدا کنی در مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اَللّٰهُمَّ أَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى پس چون ابتدا از
که چنین بکنی از همه دردی ایمن شوی و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون
بعد از بیرون آمدن از حمام برادر مؤمن بگوید طَابَ حَمَّامُكَ وَحَمِيمُكَ تو در جواب بگو أَنْعَمَ
اللّٰهُ بَالَكَ و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام حسن علیه السلام از حمام بیرون

یا علی مدد کن

بیرون آمدن شخصی با آنحضرت گفت طَابَ اسْتِحْمَامُكَ حضرت او را منع کردند پس گفت طَابَ حَمَّامُكَ
باز او را منع کردند پس گفت طَابَ حَمِيمُكَ باز منع کردند پس گفت چه بگویم فرمود بگو طَابَ مَا طَهُرَ
مِنْكَ وَطَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو کرداند هر نیکی معنوی بسبب معرفت
و توفیق طاعات آنچه پاک شده است در حمام از اعضای بدن تو و پاک کرداند از لوث گناهان و جهالت
و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو که آن دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضا شریفه باشد و در
روایت دیگر منقولست که کسیکه از حمام بیرون آید باو بگویند أَنْقَى اللّٰهُ غُسْلَكَ او در جواب بگوید
طَهَّرَكُمُ اللّٰهُ و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه از حمام بیرون می آئید
عمامه بر سر بپیچید بر بندید و فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام پاها را بشوئید که درد
شقیقه را زایل میکند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
و امام جعفر صادق علیهما السلام هرگاه از حمام بیرون می آمدند در زمستان و تابستان
عمامه بر سر می پیچیدند و میفرمودند که امانست از درد سر و در روایتی وارد شده
است که چون کسی که داخل حمام شود حرارت برو غلبه کند آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش
ساکن شود و از حضرت امام جعفر صادق و موسی کاظم علیه السلام وارد شده است که چون که
در روز چهارشنبه بحمام بروید **فصل سیم** در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تزویج شده است
منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمودند
که در حمام بر پشت مخوابید که پیه را میگدازد و سفال و آجر بر پای خود مسائید که مورث خوره است
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود که نظر کند بعورت او و فرمود
که پدر و مادر خود و فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت فرموده بر کسیکه نظر کند
بعورت کسی در حمام یا بی لنگ رود که دیگران بعورت او نگاه کنند و در حدیث دیگر فرمود که بر
پهلو مخواب که پیه را میگدازد و لاغر میکند آدمی را و در حمام شانه مکن که مو تنک میشود
و سر را بگل مشو که غیرت را میبرد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال
که آب رو را میبرد و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است و

جایز نیست که نظر کنند بعورت فرزند خود و نه زن و جایز نیست که نظر کنند بعورت پدر و مادر

(ندن)
درحدیث دیگر صحیح منقولست که انحضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند از ترک نخو[illegible]
درحمام بجماع کردن در حمام فرمود باکی نیست و در روایت دیگر انحضرت امام محمد باقر علیه
السلام پرسیدند که آیا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمود از قرآن خواندن در حمام
حضرت فرمود که وقتی نهی میفرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که باکی نیست مرد را که در حمام قرآن خواندن اگر غرضش
رضای خدا باشد نه خوش خوانی و در حدیث دیگر منقولست که روزی آن حضرت میخواست بحمام برود
حمامی گفت اگر میخواهید حمام را برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن کارش از این
سبکتر میباشد که حمام را برای او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که هر که
از حمام سفالی بردارد و بسر بدن خود بمالد و بلیسی با و برسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه غسل
کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و حوض و باو برسد ملامت نکند مگر خود را
و در حدیث دیگر موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که زینهار در حمام بر
پهلو مخواب که پیه گرده را آب میکند و بر پشت مخواب که درد اندرون بهم میرسد و شانه مکن
که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندانها را میریزاند و سر را بگل مشو که رو را بلغا میکند و [میکند] سیج
و لنگ بدر و بمال که آب رو را میبرد و کف پای را بسفال مسای که باعث پیسی میشود و از آبی که حوضهای
کوچک در حمامهای سنیان جمع میشود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهودی و نصرانی
و گبر و دشمنان ما اهلبیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی را از سگ نجس تر خلق
نکرده است و کسیکه عداوت ما اهلبیت دارد از سگ نجس تر است و از حضرت امیر المؤ
منین علیه السلام منقولست که بول کردن در حمام موجب فقر و پریشانی است و در حدیث
دیگر فرمود که باکی نیست که مرد با کنیزان خود بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند
و مانند خران برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است
که در حمام سلام نکنند و آن در صورتی است که لنگ نه بسته باشند زیرا که در احادیث
بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند فصل چهارم

فصل چهارم در بیان فضیلت شستن سر و بدن و دفع بویهای بد از خود کردن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن و
فرمود هر که جامه بپوشد باید پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که شستن سر چرک را میبرد و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه غم
و اندوه را میبرد و پاکیزگیست برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید با آب از بو(بیهای)
بد که مردم از آن متاذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید بدرستیکه خدا دشمن میدارد از بندگا(نش)
کثیف گندیده را که هر پهلوی هر که بر نشیند از او متاذی شوند و فرمود که آب ابوی خوش خود کردن و اینداد از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حق تعالی غضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر وقتی که ایشان را داخل
کرد بمصر و لطف نشد از ایشان مگر وقتی که ایشان را از مصر بیرون کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت میآ (دهد)
و غیرت را میبرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که دوست نمیدارم که سر خود را از گل مصر
بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل کند و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام که کری در سرم هست و بسیار میسوزد و جامه ام را چرکین میکند فرمود که مورد را
بکوب و آبش را بگیر و با سرکه که از شراب بعمل آورده باشند و بسیار تند باشد بهم بزن آنقدر که کف
کند پس سر را بشو با آن بقوت تمام بمال و بشو بروغن شیره تازه سر و ریش خود را چرب کن که آن علتها زایل میشود
فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن فقر را دور میکند و روزی را زیاد
میکند و در حدیث موثق دیگر که شستن سر با خطمی در هر جمعه امان است از پیسی و دیوانگی و در روایت
دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد که بنده
آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطمی چرک را میگشاید و سودا و اندوه را برطرف
میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که شستن سر با سدر روزی را
زیاد میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون حق تعالی حضرت

رسول صلی الله علیه و آله را امر فرمود که اسلام را ظاهر کند و آنحضرت کمی مسلمانان و بسیاری کافران دید غمگین شد حق تعالی حضرت جبرئیل را با یک برگ سدر از درخت سدرة المنتهی فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن شستن اندوه آنحضرت برطرف شد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر و بی نیاز میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از کری و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر خود را با سدر می شستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر که هر ملک مقربی و هر پیغمبر مرسلی آنرا بپاکی یاد کرده است هر که سر را بآن بشوید حق تعالی از او وسوسهٔ شیطان را هفتاد روز دور میکند و هر که هفتاد روز وسوسهٔ شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را برطرف میکند **فصل ششم** در فضیلت داروکشیدن در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که داروکشیدن پاک کننده بدن است و در حدیث صحیح منقولست که عبد الرحمن بن ابی عبد الله گفت که با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتیم فرمود که دارو بکش گفتم که چند روز است که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کننده بدن است و برابر این مضمون چند حدیث وارد شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت شکایت کرد و گفت که دارو بکش و گفت سه روز است که کشیدم فرمود که باز بکش که پاک میکند ترا و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که داروکشیدن دفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که موهای بدن اندرون بینی را زیاد کند بجنس و کثیف است و در حدیث دیگر صحیح از آنحضرت منقولست که موی بدن چون بلند شود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و تنبلی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را فربه میکند و پیه گرده ها را زیاد میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چهار چیز است که از اخلاق پیغمبرانست بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که موی شارب و پشت زهار را بلند مگذارید که شیطان در آنجا جا میگیرد و پنهان میشود **فصل هفتم** در ازاله موی زیر بغل در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیر بغل را دراز گذاشتن و میفرمودند که کندن موی زیر بغل دوشها را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کذاشتن زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر وارد شده است که بسیار بود که آنحضرت از برای ازاله موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع را دارو می کشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که موی زیر بغل را کندن گند بغل را برطرف میکند و پاک

بدار و کشیدن

و پاک کننده است و سنت رسول صلی الله علیه و آله است **فصل هشتم** در غایت زمانی که نوره را تاخیر توان کرد در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد اینکه ترک کند ازاله موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر جمعه دارو می کشیدند و موی پشت زهار و میان پاها و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نوره کشیدن در هر پانزده روز یکمرتبه سنت است و اگر کسی بیست روز بگذرد و در روایت دیگر بیست روز بگذرد که نوره نکشد قرض کند بر خدا نوره بکشد و کسیکه چهل روز بگذرد که نوره نکشد او مؤمن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامتی نزد خدا نیست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و بس اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و بس نشیند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که دوست میدارم از برای مؤمن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که باید پشت زهار را یکهفته بیشتر نگذارد و کسیکه نوره زیاده از یکماه ترک کند نمازش مقبول نیست **فصل نهم** در دعاهای وقت نوره کشیدن وقت نوره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی از نوره بر دارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید صلی الله علی سلیمان ابن داود کما امرنا بالنوره او را نسوزاند و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که در وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند او را از چرکهای و کثافتهای و بوی از گناهان پاک گرداند بعوض آن موها و موی کرامت فرماید که هر آن موکنده نکند و بعد هر موئی از بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی کند تا روز قیامت و بدرستیکه یک تسبیح از تسبیح ملائکه ثوابش برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَاَبْدِلْنِي شَعْراً طَاهِراً لَا يَعْصِيكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِي وَبَشَرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ عَامِلاً بِشَرَائِعِكَ تَابِعاً لِلسُّنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً بِتَأْدِيبِكَ وَتَأْدِيبِ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَأْدِيبِ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ غَذَوْتَهُمْ بِاَدَبِكَ وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ

وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ **فصل دهم** در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که یکمرتبه در تابستان دارو کشیدن بهتر است
در فضیلت و نفع از ده مرتبه در زمستان و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که
احتراز کنید از نوره کشیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است و جهنم در روز چهار
شنبه خلق شده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پنج چیز است که
مورث پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل با آبی کردن
که در آفتاب گرم شده باشد و در حال جنابت چیزی خوردن و زن را در حال حیض جماع کردن
و در حال سیری چیز خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در روز جمعه
نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند مگر خود را و در روایت که این دو حدیث محمول بر تقیه باشد
با آنکه یکی از طریق اهل سنت است زیرا که حدیثی که گذشت که پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز
جمعه دارو میکشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع
عرض کردند که مردم میگویند که نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که
چنین نیست که تو گمان کردهٔ چه چیز پاکیزه‌تر است از نوره در روز جمعه و در حدیث دیگر
منقولست که علی ابن یقطین علیه السلام بنویسید که آیا مرد در حالت جنابت دارو میتواند — خواست که بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع
کشید و نوشتن شد حضرت از باب اعجاز با و نوشتند که باکی نیست نوره باعث زیادتی
پاکیزگی جنب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز پرسیدند فرمودند باکی
نیست و در حدیث حسن منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند
که کسی که دارو کشد ایستاده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر
منقولست که کسی که در دارو مالیدن بنشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال
با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو خدمتکار
حمام را طلبیدند که آنچه بالا و پائین لنگ بود دارو مالید بعد از آن او را بیرون کردند و از
ناف تا زانو خود کشیدند و با بشیر گفتند که هرگاه که دارو بکشی چنین کن و در بعضی از احادیث
نهی بنظر این وارد شده است که غیر عورتین را دیگری بمالد و ببیند و به حسن حضرت منقولست که از

که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که کسیکه آرد را با روغن
زیت مخلوط کند و بعد از آن از نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را ببرد فرمود باکی
نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام چنین میکردند و در حدیث
دیگر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره
بر بدن میتوان مالید فرمود باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود
در چیزی که اصلاح بدن کند اسراف نیست که من بسیار است که میفرمایم که آرد بپزند را با روغن زیت
مخلوط میکنند و بر بدن بمالم اسراف در چیزی میباشد که مال را تلف کند و بیدن ضرر رسانند
فصل یازدهم در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسین ابن موسی روایت میکند که پدرم
حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هرگاه که اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار
گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوان است شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می
انداختند و بعد از آن داخل حمام میشدند روزی از حمام بیرون آمد شخصی از آل زبیر با — بحضرت
رسید و اثر حنا در دست حضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست تو است فرمود نه
که رنگ حنا است پدرانم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که بحمام
رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره
و پیسی و آکله تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث دیگر معتبر منقولست که حکم بن عتیبه دید که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام حنا بر دست داشتند و بر ناخنهای خود گذاشتند
پس فرمودند که ای حکم چه میگوئی در این باب گفت چه توانم گفت در کاری که شما بکنید تا
این کار را پیش ما جوانان میکنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره سفید میشوند بنا — حنا
مردگان رنگشان را میکنند دایم بحنا و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام
از حمام بیرون آمد و از سر تا پای او مبارکش مانند گل سرخ شده بود از حنا و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که حنا مالیدن بوی بد نوره را میبرد و آب روی را زیاد میکند و
دهان را خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که بعد از نوره حنا بمالد فقر و پریشانی از او

برطرف شود فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه غسلهای واجب بنابر مشهور علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در وقت غسل جنابت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ تَقَبَّلْ سَعْيِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْراً لِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و اگر این دعا هم بخواند بهتر است اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اَجْرِ عَلَى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُوراً وَ شِفَاءً وَ نُوراً اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا را بخواند گناهان او بریزد چون برگ از درخت میریزد و بهر قطره از قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر الهی کنند و صلوات فرستد بر محمد و آل محمد و ثواب آن از او باشد و گناهانش آمرزیده شود و دعا این است سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّكَ وَ خَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ اَنَّ اَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ وَ اَوْصِيَاؤُهُ اَوْصِيَاؤُكَ و اما غسلهای سنت شصت و دو غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترک نکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنان را که ترک کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که غسل جمعه پاک کننده و کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که غسل جمعه بکند و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ این غسل و دعا پاک میگرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ بِهَا دِينِي وَ تُبْطِلُ بِهَا عَمَلِي و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شود این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اَنْقِ غُسْلِي وَ اَجْرِ عَلَى لِسَانِي ذِكْرَكَ وَ ذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اَنْقِ غُسْلِي وَ اَجْرِ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّةً مِنْكَ
و باز بگوید
نَبِيِّكَ

عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و وقت آن از صبح صادق روز جمعه است تا پیشین و مشهور آنست که هر چند بظهر نزدیکتر است بهتر است و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافت نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتوان کرد و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتواند کرد و ظاهرا کسی از علما قایل نشده اند باین و سنت است در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مؤمنان و کافران در بدر جمع شدند و در روزش اعظم فتحهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم و آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنابر بعضی احادیث و شب بیست یکم و آن شبی است که اوصیا و انبیا در آن شب شهادت یافته اند و حضرت عیسی علیه السلام در آن شب بآسمان رفته است و حضرت موسی از دنیا رفته است و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست سیم و آن شب قدر است بر احتمال اقوی و قول اکثر و در آن شب دو غسل میکنند یکی مقارن غروب آفتاب و یکی در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده است که شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است غسل در شب عید فطر و در روزش و روز عید قربان و اظهر آنست که در این دو روز غسل را تا قبل از شب میتواند کرد و لیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و روز عرفه و روز اول و شب نیمه رجب و منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شده است و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علما گفته اند اگرچه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه شعبان و روز غدیر خم که هیجدهم ذی الحجه است و روز مباهله که بیست چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند روز بیست پنجم و روز دحو الارض بنابر مشهور و آن بیست پنجم ذی القعده است و در این غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز بنابر مذهب بعضی و حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور آنست که روزی است که آفتاب به برج حمل منتقل میشود و هم جنب سنت است

غسل برای احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکنند و غسل زیارت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم از نزدیک و دور و غسل
استخاره مطلقا خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجات که
وارد شده است و غسل توبه از گناهان و باز سنت است غسل از برای قضای کسوف هرگاه
عمدا ترک کرده باشد و تمام قرص گرفته باشد و بعضی گفته اند واجب است و احوط آنست که
ترک نکند و بعضی گفته اند بواسطه قضا غسل میکند اگر عمدا ترک کرده باشد اگرچه تمام قرص ن
گرفته باشد یا از برای ادا غسل میکند اگر تمام گرفته باشد و این قول قوی است
و سنت است که غسل از برای داخل شدن حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای
خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر
مدینه مشرفه و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و از برای کشتن حلک
و غسل ندره ندی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
بنابر قول بعضی در آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده است غسل از برای
زیارت است در آن روز و سنت است غسل از برای نماز طلب باران و از برای کشتن چلپاسه
و غسل بعد از کشتن است و همچنین است هرگاه شخصی برود از برای دیدن کسیکه او را از حلق کشیده
باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر علما گفته اند که هرگاه
سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق کشته باشند و خواه بباطل و یا بطریق شرعی
یا غیر آن و بعضی از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقص بر وجه ضرورت
بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و همچنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد
و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک است هر دو را غسل کردن سنت است
و برای کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر حدیث آنست که آن غسل مس
میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا آورد و همچنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را
بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت
بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که چون خواهی غسل عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بجا آور و چون خواهی شروع
کنی بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة نبیک محمد صلی الله علیه و آله

و آله و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهورا لدینی اللهم
اذهب عنی الرجس و بدانکه تفاصیل اغسال و احکام آنها را این رساله گنجایش ندارد ان
شاء الله تعالی در کتاب عبادات نوشته خواهد شد و الله الموفق **باب هفتم**
در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان اوقات
خواب بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و
بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب
قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که با ابی حمزه
ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست نمیدارم زیرا
که حقتعالی روزی بندگان را در اینوقت قسمت مینماید و هر که در اینوقت در خواب
است از روزی محروم میشود و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست
که زمین بسوی خدا ناله و زاری میکند و از سه چیز از خون حرامی که ریخته شود یا
غسلی که از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن بر آن پیش از طلوع آفتاب و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که خواب بامداد شوم است روزی را منع میکند
و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب هر شومی است بدرستی که حقتعالی
روزیها را ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت مینماید پس زینهار این خواب را مکنید
و فرمود که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل در اینوقت نازل میشد هر که در این
وقت در خواب بود بهره او نازل نمیشد و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را مستور
گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کننده داشته باشد و
گناهانش آمرزیده شود اما چند حدیث دیگر تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و
قدری تعقیب بخواند پیش از بر آمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث
صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام بشخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب

بیاکه من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بشخصی فرمود
که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخواب روی باکی نیست و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خواب اول روز سفاهت است و خواب قیلوله نعمتست
و خواب بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میکرداند
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز
خفتن پریشانی و فقر میآورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد که من حافظه قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده
فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کردهٔ گفت بلی فرمود که باز بکن خواب قیلوله
چنان که حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان
قیلوله نمیکند و منقولست که نیکو باد رسیت خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب کردن
فصل هشتم در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست دوم
که هر که وضو بسازد و بخسپد رختخواب برای او حکم مسجد دارد و در عبادت باشد و اگر در میان
رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد در لحاف خود تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا بیاد خداست
چنان است که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نخوابد مسلمان در
حالتی که جنب باشد نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو تیمم کند بخاک زیرا که
روح مؤمن را در وقت خواب باسمان می برند و حق تعالی او را قبول مینماید و برکت برو می
فرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجینهای رحمت خود میسپارد و اگر اجلش
نرسیده است با امینان خود از ملائکه بر بدن او بر میگرداند و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که روزی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب خود فرمود که کدام یک
از شما تمام سال روزه میدارد سلمان گفت من فرمود که کدام یک از شما همه شب را احیا میکنید
سلمان گفت من فرمود که کدام یک شما هر روز ختم قران میکند سلمان گفت من پس عمر
علیه اللعنه و العذاب بخشم آمد و گفت این مردیست از فارس میخواهد که بر ما که

بر ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید و اکثر روزها روزه نیست و اکثر شبها در خواب است و در
اکثر روزها خاموش میباشد حضرت فرمود که او مانند و شبیه لقمان حکیم است از او سؤال کنید
تا جواب تو را بگوید عمر پرسید سلمان فرمود که اما روزه سال ماهی سه روز روزه میدارم و حق تعالی
میفرماید که هر که حسنه بکند ده برابر باو ثواب میدهم این برابر روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را
هم روزه میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله شنیده ام که میفرمود که هر که با وضو بخوابد چنان است که شب را
بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه سوره قل هو الله احد را می
بخوانم و از رسول صلی الله علیه و آله شنیدم که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود
که یا علی مثل تو در میان امت من مثل قل هو الله احد است هر که سوره قل هو الله احد را
یکبار بخواند چنان است که ثلث قران را خوانده و هر که دو بار سوره قل هو الله احد را بخواند
چنان است که دو ثلث قران را خوانده و هر که سه بار سوره قل هو الله احد را بخواند چنانست
که ختم قران کرده پس هر که تو را بزبان دوست دارد ثلث ایمان برای کامل شده است و
هر که تو را بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان در او تمام شده و هر که تو را بزبان و دل دوست
دارد و بدست خود یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خدائی که مرا
براستی فرستاده است سوگند که اگر تو را اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان
تو را دوست میدارند خدا هیچکس را باتش عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شد که گویا سنگی
بدهانش گذاشتند فصل نهم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن مشهور میان علمای ان
است که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر احادیث آن نیست که مکروه نیست مگر در
مسجد الحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و در آنها نیز تجویز کرده اند و واقع شده است
در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه کس را
لعنت کرده کسی که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر رود و در خانه تنها بخوابد و فرمود که اگر
کسی تنها بخوابد بیم آن است که دیوانه شود و از حضرت موسی علیه السلام منقولست

که هرکه در خانه تنها یا بیابانی بخوابد بگوید اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَاَعِنِّی عَلٰی وَحْدَتِی و در حدیث
دیگر منقولست که هرکه در خانه تنها حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرموده از خوابیدن
بر بامی که دیوار نداشته باشد از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع
منقولست که مکروه است که کسی که بر بامی تنها بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد
و فرمود مرد و زن هر دو در این حکم مساویند پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد فرمود
که نه بلکه چهار طرف دیوار داشته باشد در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی
دیوار از دو ذراع است و در بعضی از احادیث تجویز یک ذراع و یک شبر کرده است وارد شده از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمود از خوابیدن بر سر راه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی وارد شده از آنکه با دست چرب و آلوده بخورش بخوابد اگر چنین کند شیطان بر او دست
یابد یا دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهان
ایشان را بشوئید که اگر نکنید شیطان ایشان را می بوید و در خواب میترسند و در چند حدیث از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که هرکه بجامه خواب خواهد داخل شود کنار جامه خود را به رخت خواب
بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود یا ضرر نرساند و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که باید پیش از خواب به بیت الخلاء رود و بعد از آن بخوابد بفصل چهارم در سایر آداب
خوابیدن سنت است که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را بزیر سر رو بکنار رو
دید مستحب خوابیدن و بدر رو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که خوابیدن بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیدها ایشان بسوی آسمان
بسوی قبله و منتظر وحی پروردگار خود میباشند و مومن بر دست راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان
و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه خورده اند گوارا باشد و شیطان و
برادران او و دیوانه و مبتلائی بدرد آفتاده میخوابند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی
بر رو نخوابد و هرگاه ببیند که بر رو خوابیده است او را بیدار کند و مگذارید که بحال خود بماند و فرمود
که هرگاه کسی اراده خواب کند باید دست راست را بزیر جامه راست رو بگذارد بدرستی که نمی
داند که از این خواب بیدار خواهد شد یا نه احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست
و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است بفصل پنجم در آیات و ادعیه که بیشتر از

که پیش از خواب باید خوانده شود در حدیث دیگر صحیح از امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هرگاه کسی دست را در زیر سر گذاشته بخوابد و بگوید بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی
الیک وَوَجَّهْتُ وَجْهِی اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَیْکَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْرِی اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ وَرَغْبَةً اِلَیْکَ
لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتَابِکَ الَّذِی اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِکَ الَّذِی اَرْسَلْتَ بعد از آن
تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخواند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که ترک نکنند در وقت
خواب این دعا را که اُعِیذُ نَفْسِی وَذُرِّیَّتِی وَاَهْلَ بَیْتِی وَمَالِی بِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ
وَهَامَّةٍ وَمِنْ کُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ که باین تعویذ میفرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین ع
را در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره قل هو الله احد
و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرکست
و قل هو الله احد نسبت پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هرکه در وقت خوابیدن
در رخت خواب سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یُحْیِی الْمَوْتٰی وَیُمِیتُ الْاَحْیَاءَ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ از گناهان
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
هرکه آیة الکرسی را در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هرکه سوره یس پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک بر او موکل گرداند که او را از
شر شیطان در هر بلائی حفظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه سوره
اذا وقعت الواقعة را پیش از خواب بخواند در قیامت روی او چون ماه شب چهارده باشد
در حدیث دیگر فرمود که هرکه سورهای که در اول آن سبح اسم و یسبح لله است پیش از خواب
بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر رسد و اگر بمیرد در همسایگی حضرت رسول صلی الله
علیه و آله جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هرکه هر شب این دعا را بخواند تا صبح او را عقرب
و هیچ گزنده نگزد اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَاَ وَ
مِنْ شَرِّ مَا بَرَاَ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ و از حضرت امام رضا علیه السلام

منقولست که هر که در وقت خواب این دعا بخواند خانه بر سرش خراب نشود اِنَّ اللهَ یُمْسِکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کَانَ حَلِیمًا غَفُورًا و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که چون کسی بخفت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَحْتَبَسْتُ نَفْسِی عِنْدَکَ فَاحْتَبِسْهَا فِی مَحَلِّ رِضْوَانِکَ
وَمَغْفِرَتِکَ وَاِنْ رَدَدْتَهَا فَارْدُدْهَا مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ اَوْلِیَائِکَ حَتّٰی تَتَوَفَّاهَا عَلٰی ذٰلِکَ و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر وقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از آن میگفتند بسم الله
آمَنْتُ بِاللهِ وَکَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی فِی مَنَامِی وَیَقَظَتِی و بعضی آنست که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و در حدیث دیگر فرمود که چون بخفت خواب روی تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخوان
و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده آیه از اول سوره والصافات و ده آیه
از آخر سوره صافات بخوان و در حدیث صحیح منقولست که آنحضرت بفرزندان خود فرمود که در وقت خواب
بخوان اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللهِ وَاَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللهِ
اِنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَعُوذُ بِعَفْوِ اللهِ وَاَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللهِ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ
الْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ صَغِیرَةٍ اَوْ کَبِیرَةٍ بِلَیْلٍ اَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ
فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَآلِهِ الطَّا
هِرِینَ و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد مرتبه سوره قل هو الله احد در وقت خواب بخواند الله
گناه پنجاه ساله او را آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه
آیة الکرسی دیگر تبارک یه شهد الله و آیه سخره و آیه آخر حم سجده بخواند حق تعالی دو ملک را
موکل گرداند که شیطان را از او دور گردانند و سی ملک را فرماید که تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر
خدا بگویند و استغفار حدا کنند تا بیدار شود و ثواب همه از او باشد و بسند معتبر دیگر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که کسیکه اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین
نگذارد تا این دعا را بخواند اُعِیذُ نَفْسِی وَدِینِی وَاَهْلِی وَمَالِی وَخَوَاتِیمَ عَمَلِی وَمَا رَزَقَنِی رَبِّی وَخَوَّ
لَنِی بِعِزَّةِ اللهِ وَعَظَمَةِ اللهِ وَجَبَرُوتِ اللهِ وَسُلْطَانِ اللهِ وَرَحْمَةِ اللهِ وَرَأْفَةِ
اللهِ وَغُفْرَانِ اللهِ وَقُوَّةِ اللهِ وَقُدْرَةِ اللهِ وَجَلَالِ اللهِ وَصُنْعِ اللهِ وَاَرْکَانِ اللهِ وَجَمْعِ اللهِ

وَبِجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَبِقُدْرَةِ اللهِ عَلٰی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ
وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ مَا یَدِبُّ فِی الْاَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنْزِلُ
مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیهَا وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ رَبِّی آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ وَهُوَ
عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ بدرستیکه این تعویذیست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله از برای حسنین علیهما السلام میخواندند و فرمود که چون کسی اراده
خواب کند باید دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِی لِلّٰهِ عَلٰی
مِلَّةِ اِبْرَاهِیمَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَوِلَایَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللهُ کَانَ وَ
مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ هر که این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ بماند از دزد و غارت و خانه فرو
آمدن و ملائکه از برای او استغفار کنند فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خواب بخواند حق
تعالی پنجاه هزار ملک برا موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا خانه از
برای او در بهشت بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانچه برگ از درخت
میریزد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که سوره الهیکم التکاثر در وقت خواب
بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که یازده مرتبه سوره قل هو الله احد را پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او
و همسایگانش از بلا محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناهان پنجاه ساله او آینده همه آمرزیده
شود و در حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُشْهِدُکَ اَنَّکَ افْتَرَضْتَ
عَلَیَّ طَاعَةَ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی
بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوسٰی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ و در آن شب اگر بمیرد داخل بهشت شود در روایت
معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ را بخواند یازده ملک بر وی موکل گرداند که او را

باب ۴ مادد کن

از شر شیطان حفظ کند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَا
تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ
تَكْبِيرًا و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب
این دعا بخواند فقر و پریشانی از و برطرف شود و دور شود و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اللهم
أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ
وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ
دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که وقت رفتن بخت خواب سوره تبارک الذی بیده الملک بخواند پس بگوید چهار مرتبه
اللَّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا حق
تعالی دو ملک را موکل گرداند که بخدمت رسول صلی الله علیه و آله روند و بگویند که فلان شخص
ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید که بر او باد سلام و رحمت و برکات الهی فصل ششم
در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ پس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بخواند
و در مطلب الائمه ذکر کرده است که قل هو الله احد و آیة الکرسی نیز بخواند و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون کسی در خواب ترسد یا از درد بی خوابی برو
مستولی گردد این آیه را بخواند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ
لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و اگر طفلی بسیار گریه کند این آیه را برو بخوانند و در
حدیث صحیح از امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در خواب ترسد در وقت خواب
قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقولست
که برای ترسیدن شب ده مرتبه این دعا بخوانند أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ
وَمِنْ شَرِّ

وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ
يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و در حدیث معتبر منقولست که شهاب
ابن عبد ربه بخدمت حضرت امام جعفر الصادق ع عرض کرد که زنی در خواب من می آید و مرا
می ترساند حضرت فرمود که با خود بردار تسبیحی و در خواب سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه
مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و ده مرتبه لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و ظاهرا در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیر است میان
آنکه سبحان الله پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که هر که ترسد که محتلم شود چون به تخت خواب رود این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ
و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر کسی خواب
پریشانی ببیند از آن پهلو که خوابیده است به پهلوی دیگر بگردد و بگوید إِنَّمَا النَّجْوَىٰ
مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ پس بگوید
عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ
مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و در روایت معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که چون خواب پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ
الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَالْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ
مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تَضُرَّنِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس بسوی جانب خود سه
نوبت آب دهن بیندازد و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی با نحضرت شکایت
کرد که دختری دارم و در شب و روز بسیار می ترسد و گاهی حالتش بسیار صعب میشود
و اعضایش سست و بی حس میشود و نیکو نمی شود از ترس فرمود که فصد کن
و آب شبت را با عسل بده بپزد و سه روز بده تا بخورد چنین کرد شفا یافت و در حدیث

دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از دنی
که در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که مکر زکوات نمیدهی گفت میدهم فرمود
که به مستحق نمیدهی بعد از آن زکوات بخدمت حضرت می فرستاد و آن حال از او برطرف شد
فصل هفتم در دعا برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند که
قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ
عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و
در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
خواهد در آخر شب برخیزد چون بر فرش خواب رود بگوید اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ
لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا یعنی در فلان ساعت برخیزم
چون این دعا بخواند حق تعالی ملکی موکل گرداند که او را در آن ساعت بیدار کنند و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که در شب بیدار
شود در وقت خواب رفتن بخواند اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ
الْغَافِلِينَ وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ
فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ که چون این
دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک
را که از برای او استغفار کنند و اگر در آنشب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر
حاجتی که بطلبد خدا با و عطا کند فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که عزم کند که در ساعتی از ساعات شب بیدار شود برای عبادت برخیزد
و خدا داند که در آن اراده صادق است البته دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت
دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
هر که بی خوابی او را عارض شود و خواب نبرد این دعا بخواند سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ

دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ و در حدیث و روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت فاطمه
صلوات الله علیها شکایت نمود برسول خدا صلی الله علیه و آله از بی خوابی فرمود که این
دعا بخوان يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُنُوبِ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ
الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا
فصل هشتم در بیان نماز دعا برای خوابهای نیک دیدن و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که هر که خواهد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن
غسل نیکوئی بعمل آورد و چهار رکعت نماز بگذارد دو دو هر رکعتی بعد الحمد صد مرتبه آیة الکرسی
بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامه پاکیزه بخوابد که بر روی
آنجامه با حلال و حرامی جماع نکرده باشد و دست راست را در زیر جانب راست روی بگذارد و صد
مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
پس صد مرتبه بگوید مَا شَاءَ اللَّهُ چون چنین کند حضرت رسول م را در خواب ببیند
و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب ببیند در وقت
دیگر منقولست چون بخوابد این دعا را بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَأَيَادِيهِ
بَاسِطَةٌ لَا تَنْقَضِي أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كَفَى أَنْ تُرِيَنِي
مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَنَامِي و در روایت دیگر
منقولست که اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را بخواب ببیند با وضو بجانب راست بخوابد
و تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها را بخواند پس بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا
يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَأَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا
كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجًا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَأَسْأَلُكَ
بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذَيْنِ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمُ

أجمعين السلام أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تريني ميتي في الحال التي هو فيها
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که مردی بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام عرض کرد
که پدرم مرد بناگاه و میدانم که مالی داشته و نمیدانم چه شد و من عیال بسیار دارم و از شیعیان
شمایم بفریادم برس حضرت فرمود که چون نماز خفتن کردی صد مرتبه صلوات محمد و آل محمد بفرست
بخواب چون چنین کرد پدرش را در خواب دید و قصه مال را با او خبر داد و منقولست که
چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بجهت خواب میرفتند میفرمودند [illegible] اللهم أحيا
وباسمك أموت و چون بیدار میشدند میفرمودند الحمد لله الذي أحياني بعدما أماتني
وإليه النشور و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کسی از خواب
برخیزد بگوید سبحان رب النبيين وإله المرسلين ورب المستضعفين والحمد لله الذي
يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير چون این را بگوید حق تعالی میفرماید که راست گفت بنده
من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقولست که چون آنحضرت در آخر شب برمیخواستند بصدای
بلند میگفتند اللهم أعني على هول المطلع ووسع علي المضجع وارزقني خير ما قبل
وارزقني خير ما قبل الموت وارزقني خير ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولست که چون
از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائكة والروح سبقت رحمتك غضبك لا
إله إلا أنت إني ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني إنك أنت التواب الرحيم الغفور و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر وقت که از پهلوی به پهلوی دیگر بگردد
الحمد لله والله اكبر بگوید و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که چون در میان
شب بیدار شود و از پهلوی به پهلوی دیگر بگردد بگوید لا إله إلا الله الحي القيوم وهو على كل
شيء قدير سبحان الله رب العالمين وإله المرسلين وسبحان الله رب السماوات السبع وما
فيهن ورب الأرضين السبع وما فيهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين و در روایت دیگر وارد شده است که چون از خواب برخیزد
بگوید الحمد لله الذي رد علي روحي لأحمده وأعبده و دعای نقش کردن در عقیق

در عقیق در آداب انگشتر بدست کردن گذشت و سایر دعاهای این باب چون متعلقات
نماز شب است انشاء الله در کتاب بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت خواب
و این رساله گنجایش زیاده از این ندارد فصل نهم در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب
در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که چه سبب دارد
که مؤمن گاهی خواب می بیند چنان واقع میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از او ظاهر
نمیشود فرمود که چون مؤمن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مؤمن
در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین
و هوا می بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روحش همه بآسمان میرود و هیچ در بدن
نمیماند فرمود که اگر چنین باشد می میرد بلکه از باب آفتاب است که در آسمانست و روشنی
و شعاعش در زمین است همچنین روح اصلش در بدنست و پرتوی از او بآسمان حرکت میکند
و در روایت دیگر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که مؤمنی که بخواب میرود روح او نزد عرش
برود کار او را میبرند پس آنچه در آنجای بلند حق است و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند
خواب پریشانست و باین مضمون احادیث بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که شیطانی هست که او را هزع میگویند و هر شب از مشرق تا مغرب پر میکند از بدن خود
و بخواب مردم می آید و باین سبب مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت دیگر مرویست که
دو نصرانی نزد ابوبکر آمدند و از او مسئله چند سؤال کردند و عاجز شد پس حضرت امیرالمؤمنین ع
ایشانرا جواب گفت از جمله آنها یکی آن بود که پرسیدند که خواب راست و دروغ چه سبب دارد فرمود
که حق تعالی روح را خلق کرده است از برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب
میرود روح بیرون میرود و سلطانش در بدن میماند پس روح میگذرد بگروهی چند از ملائکه
و گروهی چند از جن پس هر چه خواب راست است از ملائکه است و هر چه خواب دروغ است از جن است
و در روایت دیگر منقولست که خوابهای مؤمن صحیح میباشد زیرا که نفس پاکیزه و نفسش درست است
و چون روح بیرون میرود و با ملائکه ملاقات میکند پس خوابها بمنزله وحی است و در حدیث دیگر

منقولست که وحی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقطع شد و اما خوابهای بشارت دهنده
هست و در حدیث دیگر وارد شده است که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو از پیغمبری است
و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که رای مؤمن و خواب
او در آخر الزمان برابر هفتاد جزو از اجزای پیغمبری است و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
منقولست که چون صبح میشود حضرت رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب خود میگفتند که آیا
کسی خواب بشارت دهنده دیده است و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که شخصی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال کرد از تفسیر این آیه کریمه که
الذین آمنوا و کانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة یعنی آنکسانی که ایمان
آورده اند و پرهیزکار بوده اند ایشان را بشارت هست در زندگانی دنیا و در آخرت
حضرت فرمود که بشارت می یابند زندگانی دنیا خوابهای نیکوست که مؤمن در دنیا می
بیند و بآن بشارت می یابد و شاد میشود و در حدیث دیگر حسن از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای
مؤمن دوم ترسانیدن شیطان سیم خوابهای پریشان و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر نمیشود آن خوابهائیست که در اول
شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیاطین بر متمردست و آنها
خیالی چند است که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد اما خوابهای
راست و آن خواب چندیست که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه
وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده
باشد یا بی وضو یا آنچه سزاوارست از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از
خواب که اگر با این حالات خوابیده باشد خوابش بعمل نمی آید یا دیر بعمل می آید
و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که مرا در خواب ببیند چنانکه مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان بصورت من متمثل

نمیتواند شد و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص ایشان
و بدرستیکه خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبری است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمیباشد و هر که راستگوتر است خوابش راست تر است
و تحقیق این مقام آنست که چون حق سبحانه و تعالی روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرده است
و او را ارتباطی با ارواح انبیا و اوصیا علیهم السلام داده است و در عالم ارواح با ایشان
محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح لشکرهای
مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنائی با یکدیگر بوده اند
در عالم بدن هم آشنا میشوند و آنچه در آن عالم جدائی و نفرت داشتند در این دنیا
نیز یکدیگر را نمیشناسند و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بحسب مصالح عظیمه
آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند و با
انواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند
بایند سبب او را از عالم قدس بعدی و غفلتی روداده اما اشخاص در این باب اختلاف
بسیار است جمعی که مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملاء اعلی در آویخته و این
تعلقات جسمانی ایشان را از آن عالم دور نینداخته است بلکه به بدن با بنی آدم محشورند
و ارواح ایشان پیوسته با مقدسان ملاء اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس
با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی من علی الدوام بر ارواح ایشان
فایض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند و بغیر این نشأه
فانیه و لذات دنیویه چیزی بخاطر نمیگذرانند حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت
نشأه آخرت را باور نمیکنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب مینمایند ایشان را مهر بر دیده و گوش
و دل زده اند و درهای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر هستند که با وجود تشبث
باین علایق دنیویه دست از تحصیل مراتب عالیه برنداشته اند و در مقام نفس لوامه خود را
داشته اند گاهی گوش دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت میشنوند زمانی باد ا

وشاه نمایان بشر محشور اند و زمانی با شیاطین انس مشغول فسق و فجور اند گاه بلوث گناه خود را می آلایند و گاه باب تضرع و توبه خود را تطهیر می نمایند و این جماعت چون روح ایشانرا باعتبار اشغال و تعلقات و خطایا و سیئات بعدی عظیم از جناب قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و ملائکه سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس را از اشغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شده خیالات ناسده را که از راه روزنهای مشاعر بدنی بر او داخل میشد مسدود گردید فی الجمله او را آشیان قدیم بیاد میاید و باد دوستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و بآسمان صورت و معنی عروج می نماید و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب چون پاره از صور خیالات بیداری در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و در بطن باطن عالم ناقص است پس باین علت شیاطین برو مستولی میشوند و خیالات و ملایق با ملائکه او را بصورتهای گوناگون در نظر او در می آورند و هر چند از اول شب دورتر شود نفس خیالات بیداری بیشتر محو میشود و بیرون از او بعالم بالا سائر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از ما بین آسمان و زمین و هواها و هوسهای زینتهای رنگین بدر رفته و بذیر عرش الهی بصحبت مقربان فایز گردیده استیلای شیاطین ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن ایشان از خواب غفلت در بودکان و دور کردن عساکر شیاطین و جنیان میفرستد لهذا در آنوقت خوابهای رحمانی و افاضات سبحانی برارواح مؤمنان فایض میشود و انبیا برای نماز و تضرع و زاری و توبه و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار میکنند و باین سبب نماز شب را در آنوقت مقرر ساخته اند و آیه کریمه اِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ اَشَدُّ وَطْأً وَاَقْوَمُ قِيلًا در شانش فرستاده اند که حاصل مضمونش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافق است دل با زبان در آن بیشتر است و گفتار در آن درست تر بس زهی سعادت مندی که قدر آنوقت را بداند و اندازه آن نعمتهای بی اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دفع وسواس شیطانی یاری دهد و گرداند و روح مقدس خود را از آلودگیهای تعلقات دنیه پاک گرداند و بساحت قرب بدر رود گاه خود در ساند و در آنوقت مبارک

مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خلوتی بنیاز خود را هم آواز ایشان گرداند و قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی را به بهای کم نفروشد و آن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نگرداند وفقنا الله تعالی و سایر المؤمنین بسلوک مسالک المقربین والتنبه من نوم الغافلین و چون این پردهای رنگارنگ تعلقات جسمانی و شیشهای الوان و زینتهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده دل آویخته است و با وجود عروج بمدارج علیه باز بصور نقش با این خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهای دیگر دیده میشود هر چیزی را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها هست که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای مؤوف محبوسان سرای غرور بآنها مثل زده اند چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته اند ملاء ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماریست که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بآن فریفته میشود و در میانش زهر کشنده است و چنانچه علم که باعث حیات دلها است تشبیه کرده اند بآب که باعث حیات بدنها است و چنانچه سبزه زمین بآب است سرسبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای ظاهر را برطرف میکند علم ظلمتهای شکوک و شبهات و حیرتهای جهالات و ضلالات را زایل میکند و کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا باین امثال مشحون است و سرش همان است که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیزی بصورتها نمود میشود و باین سبب خواب محتاج تعبیر میباشد و کار تعبیر کننده آنست که از آن صورتها بآن صورت منتقل شود چنانچه کسی در خواب می بیند که در میان نجاسه افتاده است یا دستش بنجاسه آلوده شده معبر میداند که این صورت دنیا است که در پیش مردم آگاه از نجاسه بدتر است و چون گنده تر است میداند که مالی بدست او میآید یا می بیند که ماری متوجه او شده است مالی رو باو میکند یا می بیند که در میان آبی است علمی او را رو میکند میداند و این علمی است عظیم و مخصوص انبیا و اوصیا است و معجزه حضرت یوسف علیه السلام تعبیر خواب بود و تحقیق

اینمقام محتاج بر بسطی هست که این رساله گنجایش آن ندارد انشاء الله و تعالی در کتب دیگر که در خواطر هست
که اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فرمود
که بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود میکنم و خواب بهمان نحو که تعبیر میکنند واقع میشود
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شوهرش در سفر بود بخواب
دید که ستون خانه اش شکست بخدمت حضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت بسلامت می آید پس چنان شد
بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید و حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه
دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید بمرد شامی بر خورد و این نقل را کرد او گفت شوهرت میمیرد
چنان شد این خبر بآن حضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خوب برای او نکردی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمود که خواب مؤمن در میان آسمان و زمین بر بالای
سر ش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری از برای او تعبیر کند بآن نحو که تعبیر کردند واقع میشود
پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست
که خواب را نقل نمیباید کرد مگر برای مؤمنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان و در حدیث حسن منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود
نه بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین شاملی بتو خواهد رسید اگر همه تن را فرو میگرفت در دین
حق غوطه می خوردی این شخص گفت که دیگران بر پادشاهی تعبیر میکنند حضرت فرمود که کدام یک از ایشان
تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی
و در روایت معتبر دیگر منقولست که محمد ابن مسلم بخدمت آن حضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل
خانه شدم زنم آمد و کوزه گلی بسیار شکسته و بر سر من ریخت حضرت فرمود که مهر متعه خواهی
کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای نو که پوشیده باشی در بدنت پاره پاره خواهد کرد زیرا که
پوست کردگان بمنزله جامه است محمد ابن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که در
عیدها می پوشیدم در بر کردم و در خانه نشستم دختری گذشت او را طلبیدم و بخوانه بردم
و متعه کردم و زنم مطلع شد آمد بر سر ما آن دختر گریخت و من در خانه ماندم رختهای
نوم را

رختهای نوم را پاره پاره کرد و منقولست که شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیده ام و بسیار
میترسم دامادی داشتم که مرده است خواب دیدم که دست در گردن من کرده میترسم که بمیرم
حضرت فرمود که انتظار مرگ یکشب هر صبح و شام دارد مرگ که بیزاری مباش اما معانقه مردگان
باز ندگان علامت طول عمر است بگو داماد تو چه نام داشت گفت حسین فرمود که تو را زیادت
جناب حضرت امام حسین علیه السلام نصیب خواهد شد زیرا که هر که معانقه کند با هم
نام آنحضرت در خواب پس توفیق زیارت آنحضرت می یابد و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که در خواب ببیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد شخصی
دیگر عرض کرد بآنحضرت که خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آهنی در سرش بود
گفت نه فرمود که اگر آهن میداشت خدا تو را پسری میداد چون آهن نداشته خدا تو را دختری
بتو خواهد داد پس ساعتی صبر کردند پرسیدند که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده
بند فرمود که دوازده دختر بهم خواهی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخص
نقل کردم او گفت که من زنده ام که از آن دخترهایم و یازده خاله دارم و در حدیث دیگر صحیح منقولست
که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من دیشب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم
که در میان دو چشمش سفیده ای بود و چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد و در حدیث
دیگر منقولست که یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب
دیدم که هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس افتاد و شیشه ها شکست حضرت
فرمود که اگر خوابت راست است بیرون می آید شخصی از اهلبیت و خویشان من هفده روز پادشاه
میشود و بعد از آن میمیرد پس دیدی محمد بن ابراهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفده روز
مرد و در روایت دیگر منقولست که حضرت صلی الله علیه و آله فرمود که در خواب دیدم که
ندحی از شیر بدست من دادند از آن نقله خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می آید پرسیدند
که به چه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم

بموضع معروفی و در آن جا شیخی از چوب دیدم که بر اسب چوبی سوار بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد من او را مشاهده میکردم میت سیلم حضرت فرمود که دلالت برین میکند که تو میخواهی بفریب شخصی را از دزدی خود بدر آوری از خدا بترس و مرگ را بیاد آور و چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ کردهٔ بدرستیکه شیخی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت از دعای تو میخواهم بفروشم من چون دیدم که مشتری بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم و عزم کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم **فصل دوم** در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه هست و در حدیث دیگر معتبر از آنحضرت منقولست که شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه وقت در نماز شب کردن و قرآن خواندن و در طلب علم و برای عروسی که بخانه شوهرش ببرند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که پنج کسند که بخواب نمیروند کسیکه قصد کشتن کسی داشته باشد و کسیکه مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که برای او اعتماد کند و کسی در میان مردم دروغ بگوید و بهتان بسیار گفته باشد و کسیکه مال بسیاری از او خواهند و مال نداشته باشد و کسیکه محبوبی را خواهد و ترسد که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمه والرضوان میفرمود که ممکنست که این تنبیهی باشد مر مردم را که خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که هر کس میباید که در پی کشتن نفس افتاده خود باشد که دشمن اندرونی است و پیوسته در پی کشتن این کس است و سرمایهٔ ایمان و طاعات که این کس دارد امینی ندارد و نفس و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان بسیار گفته است هر کس و از هر کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل نکرده اند و چون خدا محبوبی دارند و بخواب غفلت محبوب او را از دست میدهند پس کسیکه باین همه اسباب بیداری در و باشد چگونه خواب کند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عجب دارم از کسی که دعوی محبت الهی کند و شبها خواب کند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست

منقولست که هر که از شبیخون عذاب خدا ترسد باید که خواب کم کند و منقولست که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مادر حضرت سلیمان علیه السلام باو گفت که زینهار که در شب خواب بسیار مکن که بسیاری خواب شب آدمی را فقیر میکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سه چیز است خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده کردن بی تعجبی و با سیری چیز خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند بشش چیز بود محبت دنیا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطان را سرمه هست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم میچکاند سرمه اش خوابست و لعوقش دروغ است و سعوطش تکبر است و حضرت امیر المؤمنین فرمود که مستی چهار است مستی شراب مستی خواب و مستی پادشاهی و مستی مال و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت موسی علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا کدام یک از بندگان خود را بیشتر دشمن میداری خطاب رسید که آن کسی که تا صبح مانند مردار افتاده است و روز را ببطالت بشب میرساند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که دیده خود را بخواب عادت مدهید که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خدا دشمن میدارد بسیاری خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیاری خواب دنیا و آخرت را میبرد و بدانکه بسیاری بیداری کشیدن هم مذموم است و در غیر شبهائی که مخصوص احیا آنها وارد شده است تمام شب بیدار بودن کراهت دارد و در اخبار وارد شده است که بدن را بر آدمی حقی هست که بسیاری بیداری حق او را ضایع نمی باید کرد و بدانکه در خواب و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که کسی در آفتاب مینشیند پشت را بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن دردهای پنهانی را ظاهر میگرداند و در حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب مکنید که صورت را متغیر و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرونی را بظهور می آورد و از حضرت رسول

صلی الله علیه وآله بسند معتبر منقولست که در آفتاب چهار خصلت است رنگ را متغیر میکند
واین کس را بدبو میکند وجامه را کهنه میکند وباعث درد ها میشود **فصل یازدهم**
در آداب بیت الخلا چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند واگر عمامه
یا چیزی دیگر بر سر کرده بهتر است وبسم الله بگوید وعلما گفته اند باین عنوان
بسم الله وبالله اللهم انی اعوذ بک من الخبث المخبث الرجس النجس
الشیطان الرجیم ودیگر بگوید بسم الله وبالله ولا اله الا الله رب اخرج عنی الاذی
سرحا بغیر حساب واجعلنی لک من الشاکرین فیما تصرفه عنی من الاذی والغم الذی
لو حبسته عنی هلکت لک الحمد اعصمنی من شر ما فی هذه البقعة واخرجنی منها سالما وحل
بینی وبین طاعة الشیطان الرجیم وچون داخل شوی پای چپ را مقدم دارد بنابر
مشهور ودر حدیثی بنظر نرسیده اوجوه عورتش باز شود بسم الله بگوید
تا شیطان چشم بر هم نهد ونظرش بعورت او نیفتد وچون در بیت بنشیند بگوید اللهم اذهب
عنی القذی والاذی واجعلنی من المتطهرین وجمعی گفته اند که سنت است که تکیه برپای
چپ کند وپای راست را گشاده گذارد ومستندش بنظر نرسیده است وچون غائط
یا بول بدشواری بیرون آید بعضی گفته اند مطلقا ابتدا عا بخواند اللهم کما اطعمتنیه طیبا
فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة ودر حدیث است که بر هر بنده فرشته موکل است
که سر او را بزیر می اندازد در بیت الخلا که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته میگوید
ای فرزند آدم این عاقبت خورشهای تست که سعی بسیار در خوبی وپاکیزگی آن
میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیده ای وعاقبت بکجا رسید پس سزاوار آنست
که بنده در آنحال این دعا بخواند اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام وچون نظر کند باب
استنجا افتد بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا وچون خواهد
که استنجا کند بگوید اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار ووفقنی
لما یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام وچون برخیزد دست بر شکم بمالد وبگوید
الحمد لله الذی هنانی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی وچون خواهد که بر آید

الحمد لله الذی هنانی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی وچون خواهد که بیرون آید پای راست را
مقدم دارد بنابر مشهور ودست بر شکمش بمالد وبگوید الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی
فی جسدی قوته واخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون قدرها ودر بعضی از کتب
حدیث یا لها نعمة سه مرتبه وارد شده است وسنت است که بعد از انقطاع قطرات
بول استبرا کنند وبعضی استبرا را واجب میدانند وطریق استبرا آنست که انگشت میانه
دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهادت را
بزیر ذکر گذارد وانگشت مهین را بر بالای آن بقوت تمام بکشد تا سر ذکر سه مرتبه واکثر علما گفته
اند سر ذکر را سه مرتبه بیفشارد واین مستندی ندارد وسنت است استنجا بآب سرد کردن
که دفع بواسیر میکند وبسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است ومنقولست که حضرت لقمان
فرمود که بر در بیت الخلا نوشتند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود
واستنجا باستخوان وسرگین کردن مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
وآله آمدند وازان برای خود وحیوانات خود طعامی طلبیدند وحضرت استخوان را برای ایشان
وسرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد وباین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و
همچنین استنجا بسایر مطعومات کردن خصوصا نان کراهت شدید دارد واستنجا بسایر چیزهای
محترم مثل تربت حضرت امام حسین علیه السلام ونوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران
یا ائمه صلوات الله وسلامه علیهم یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است واگر بر وجه استخفاف
کند کافر میشود واستنجا بدست راست کردن مطلقا مکروه است وبدست چپ هم مکروه است
در صورتی که در آن انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد والحاق کرده اند علما اسماء انبیا
وائمه معصومین صلوات الله علیهم را هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشد ومکروه است با
خود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هر چند در انگشت نباشد وهمچنین با خود بردن
قرآن وتعویذ ودعا باخود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد ومکروه است مسواک
کردن در بیت الخلا که باعث گندیدن دهان میشود ومکروه است حرف گفتن در آنحال مگر بذکر خدا

و دعای متوّر و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذّن میگوید از پی او گفتن چنانچه منقولست که حضرت موسی علیه السّلام در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من میگذرد که ترا از آن بزرگ تر میدانم که در آن احوال ترا یاد کنم وحی شد که ای موسی در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و واجبست ردّ سلام یا اگر اسم حضرت رسول صلّی الله علیه و آله را بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی و سنّت است که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات بفرستد و جایز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود با شاره و دست زدن اعلام شوان کرد سخن بگوید و منقولست که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش برآورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا با آبی کردن که بوی او متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آبی دیگر یافت نشود **فصل دوازدهم** در بیان احوال و اوضاع و مکانهائی که خوب از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از نا محرم و ناظر محترم بپوشاند مگر از زن و متعه خود و از کنیزی که وطی او تواند کرد و از اطفالی که تمیز نداشته باشد و نسا و حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر و فرج و سنت است که تمام بدن خود را بپوشاند یا مکیبنهان شود در خانه ها یا در گوی و اگر در صحرا باشد دور شود که کسی او را نه بیند و اکثر علما بر آنند که حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه در بنا و احوط اجتناب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السّلام منقولست که هر که برابر قبله بول کند از روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد بجانب دیگر از انجا بر نخیزد مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند سنت است رو بمشرق و یا مغرب کند و احوط آن است که در حالت استنجا نیز از ما بین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آن است که اگر قبله را نداند سعی کند در معرفت قبله تا خود را خواطر جمع کند که پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و در این صورت اگر پشت بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بجائی بلندی که خاک بسیاری داشته باشد برود که خاطر جمع باشد که باو ترشّح نمیکند چنانچه منقولست که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکردند

میکردند بجائی بلند میرفتند یا جائی که خاک نرمی بسیار بود که مبادا باو ترشّح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن بول و از بدخلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در ایستاده در آب بول کردن بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلّط اجنه و شیاطین میشود و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط را هم ایستاده کردن مکروه است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که هر که ایستاده بول کند بیم آنست که دیوانه شود و از جائی بسیار بلند بزیر بول کردن مکروه است و مکروه است بول کردن در سوراخها و زمین و بول و غایط کردن در مجری آب هر چند آب نداشته باشد و همچنین در میان راهها و کنار آبها و در مسجدها و نزدیک بدیوارهای مسجدها و در خرابها و در جایهائی که بسبب آن مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درخت میوه دار و درختیکه میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در آن ملوکیت و قت آن درختان میباشند که نگاه میدارند میوه را از فرود رجانوران و بعضی گفته اند که در غیر میوه هم مکروه هست و در جائی که قافله فرود میآیند و در جائیکه مردم از آن متاذّی میشوند حتّی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که حق تعالی لعنت کرده است بر کسیرا که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل میکنند و کسی که منع کند مردم را از آب مباح کرده چاهها و چشمهها مردم بنوبت بر آن وارد میشوند و آبی که ملک جماعتی باشد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت را منع کنند و کسیکه راه شارع مردم را سد کند بدیوار کشیدن یا راه تنگ کردن یا عشور گرفتن

باب ششم در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراض **فصل اوّل** در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدّت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه

منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر بجانب آسمان بلند کرد و تبسم فرمودند
صحابه از سبب آن پرسیدند حضرت فرمودند که تعجب کردم از دو ملک که بزمین فرود آمدند
بنده مؤمن صالحی را در جای نمازش طلب کردند که عمل شب و روز او را بنویسند او را در جای نمازش
نیافتند بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده مؤمن را در جای نمازش طلب کردیم او را نیافتیم
و او در بند بیماری است حق تعالی فرمود که بنویسید برای او مثل آنچه در حالت صحت از اعمال خیر در
شب و روز میکرده است مادام که در بند منست و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون بر مؤمن ضعف و پیری غالب شود حق تعالی امر میفرماید که آنچه در جوانی و توانائی
میکرده است برای او بنویسید و همچنین ملکی را موکل میگرداند که برای مؤمن بیمار بنویسد آنچه
در حالت صحت میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مؤمن ننویسد
و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق از امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بدنی
که بیماری بهم نرساند طغیان بهم میرساند خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث دیگر
فرمود که یکشب تب برابر است با عبادت یکساله و دو شب تب برابر است با عبادت دو
سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که یکشب تب کفاره گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و با
احدی از عیادت کنندگانش شکایت نکند بدل میکنم از برای او گوشتی بهتر از گوشتش و خونی
بهتر از خونش پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود
میبرم و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که یکشب بیماری
بکشد و قبول کند آنرا آنچه شرط قبول کردن است بآنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده و چون
صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در
حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حد شکایت نه اینست که گوید دیشب مرا خواب نبرد

منقولست که یکشب بیماری بهتر است از عبادت یکساله و در حدیث دیگر

نبرد یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید که ببلائی مبتلا شده ام که هیچکس بآن بلا مبتلا نشده
و آنچه بمن رسیده بهیچکس نرسیده است و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تب رسول
مرگ است و زندان خداست در زمین و گرمیش از جهنم است و بهره مؤمن از جهنم همینست
و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که نیکو دردیست تب بهر عضوی میرسد
بهره او از بلا و خیری نیست در کسیکه ببلا مبتلا نشود و در روایت دیگر وارد شده است
که مؤمن چون تب میکند گناهان از او میریزد مانند برگ از درخت و اگر بر تخت خواب بغلتد
نالهاش ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو میگردد
مانند کسیست که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که بیماری برای مؤمن پاک کننده است از گناهان و رحمت الهی است و نسبت باو از برای کافر
عذاب و لعنت است و فرمود که یکشب درد سر هر گناهی را برطرف میکند مگر گناهان کبیره را و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه
تحفه برای او میفرستد یا تب یا درد سر یا درد چشم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که بلای پیغمبران از همه شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیای ایشان پس از اوصیا هر که
نیکوتر و فاضلتر است بلایش عظیمتر است و مؤمن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرسد پس
هر که ایمانش صحیحتر و عملش نیکوتر است بلایش بیشتر است و هر که ایمانش ضعیفتر و عملش کمتر
است بلایش کمتر است [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را مبتلا میگرداند
و فرمود که حق تعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین نمیفرستد مگر آنکه از ایشان
میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلائی نمیفرستد مگر آنکه میگرداند بایشان و بروایت معتبر دیگر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست داشت غوطه میدهد
او را در بلا غوطه دادنی و میریزد بر او بلا را ریختنی پس اگر خدا را بخواند در آن بلا میفرماید حق تعالی
لبیک ای بنده من اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز جزا

یا علی مدد کن

بهتر است از برای تو و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مؤمن چهل شب
بر نمیگذرد مگر آنکه او را امری برسد که اندوهگین شود و بسبب آن متذکر گردد آگاه کرده و در حدیث
صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلی هست که هیچکس بآن منزلت نمیرسد مگر آنکه بلائی به
بدن او برسد و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آینه آرزو میکند که بدنش را
از مقراض پاره پاره کنند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مؤمن را
به تحفهٔ بلا چنانکه کسی از سفر تحفهٔ برای اهل خود میفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را
پرهیز میفرماید از چیزهائی که او را ضرر میرساند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی او را بخانهٔ خود طلبید چون حضرت داخل خانهٔ او شد دیدند که مرغی بر بالای
دیوار تخمی کرد و آن تخم افتاد و بر روی میخی که بر دیوار خانه بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب
فرمودند آن شخص گفت از این تعجب میفرمائید بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز
نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخواستند و طعام او را تناول نفرمودند فرمودند که هر کرا
بار نرسیده خیری در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مؤمن را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرگی او را
میمیراند اما عقلش را برطرف نمیکند نمی بینی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد
و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث دیگر حسن فرمود که حقتعالی ای
نومید که اگر نه آن بود که مؤمن در دل خود چیزی می یافت هر آینه عصابه بسر کافر می بستم که هرگز درد
سر باو نرسد **فصل دوم** در فضیلت و آداب حجامت بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که چهار چیز است حجامت و داروی بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث
دیگر منقولست که آنحضرت گذشتند بر جمعی که حجامت میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر میکردید تا
روز یکشنبه که درد را از بدن بیشتر میکشد و در حدیث دیگر فرمود حضرت رسول صلعم روز
دوشنبه حجامت کردند با جرت حجام گندم دادند و حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت کردن
در روز دوشنبه درد را از بدن میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقول است

منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در روز جمعه حجامت میکردند
گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هر گاه که خون زیادتی کند بر تو
خواه در شب خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقول است که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم ماه یا چهاردهم یا بیست یکم
ماه او را شفا دهد از دردهای سال همه و شفا دهد او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی
و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام علی النقی علیه
السلام در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را
فرمود که دروغ میگویند کسی پیس میشود که مادرش در حیض باو حامله شده باشد و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستیکه هر که
در هر پیشین جمعه خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه
و فرمود که هر که حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه که در اول روز دردها را از بدنش میکشد و در حدیث
دیگر فرمود که چون حجامت کنی در وقتی که خون از محل حجامت بیرون آید پیش از آنکه محجمه را بر بردارد بسم الله
اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجامت در سر و در میان هر دو کتف و در پشت گردن میکردند و یکی
را نافعه نامیدند و دیگری را مغیثه یعنی فریاد رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلاها
و در روایت دیگر فرمود که منقذه آن است که از سر بینی شبری کنی بجانب بالا و بهر جانبی سر که
برسد حجامت در آنجا کنی و در روایت دیگر معتبر منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
در روز چهارشنبه حجامت کردند و تب برطرف نشد پس در روز جمعه حجامت کردند و تب بر
طرف نشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند
برای دفع برا اهل طبیعت عافیت یابد از هر بلائی محفوظ از هر دردی و محل حجامتش پیس نشود و در
روایت دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت

علیه السلام منقولست که حجامت کردن بینائی را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسی است و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون کردن است و در روایتی دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که در روز پنجشنبه حجامت بکنید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اگر در چیزی شفا هست در شیشهٔ حجام در خوردن عسل است و فرمود که نیکو عادتی است حجامت دیده را جلا میدهد و درد ها را می برد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و خلال و حجامت آورد و در فقه الرضا مذکور است که چون ارادهٔ حجامت کنی بر پیش حجام چهار زانو بنشین و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اَعُوذُ بِاللهِ الکَرِیمِ فِی حِجَامَتِی مِنَ العَینِ فِی الدَّمِ وَمِن کُلِّ سُوءٍ وَاَعلَالٍ وَاَمرَاضٍ وَاَسقَامٍ وَاَوجَاعٍ وَاَسئَلُکَ العَافِیَةَ وَالمُعَافَاتَ وَالشِّفَاءَ مِن کُلِّ دَاءٍ و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت در روز چهارشنبه فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر گاه کسی که زیادتی خون در خود یابد البته حجامت کند که مبادا دارد بکشد و فرمود که اول سه شنبهٔ که از آذر ماه رومی که اول بهار است حجامت کند باعث صحت بدن او شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هیچ آزاری بهم نمیرسانید مگر آنکه پناه بحجامت می بردند و در حدیث دیگر فرمود که حجامت سر شفای همه درد است بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند باول محجمه از خون او که بریزد امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایتی دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم نقلست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجامت میکردند باب سرد غسل میکردند که حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اول در پشت گردن حجامت میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم حجامت کردند بعد از حجامت سه پاره چغندر با نبات طلبیدند و تناول فرمودند و فرمودند که خون صافی را متولد میکند و حرارت را دفع میکند و از حضرت امام علی نقی علیه السلم منقولست که انار شیرین

شیرین بعد از حجامت خوردن خون را ساکن میکرداند و خون اندرونرا صافی میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود و در روایت دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلم در میان شب زیادتی خون می یافتند و در آن وقت حجامت میکردند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که در ماه رمضان بهتر آن است که حجامت را در شب بکنند و فرمود که حجامت ما در روز یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است و فرمود که زینهار ناشتا حجامت مکن تا اندک چیزی نخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح را بیرون می برد و خون فاسد می ماند در بدن و زید شحام میگوید که در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم بودم که حجام طلبیدند و فرمودند که محجمه را بشوید بعد از آن انار طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند و گفتند که خوردن انار در این وقت صفرا را فرو مینشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلم از ابو بصیر پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیز میخورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که هر که خواهد حجامت کند در روز شنبه حجامت کند و فرمود که حجامت کردن در روز یکشنبه شفای هر درد است و در روایتی وارد شده است که نباید حجامت کردن در روز چهارشنبه هر گاه قمر در عقرب باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی فرمود از حجامت کردن در وقت ظهر روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که در هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستان است حجامت بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که حجامت را در آخر روز نیکو بیاورید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبهٔ فراموشی است و حضرت امام جعفر صادق فرمود که حجامت سر بیاد رسنده است و برای هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو شبر کردند بجانب پشت و تا آنجا که انگشتها میرسید نشان دادند که در اینجا حجامت میباید کرد و در روایت

دیگر منقولست که در روز سه‌شنبه ساعتی هست که اگر در آن حجامت اتفاق افتد خون بند نشود تا بمیرد
و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو رسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث
دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان و در هر روز که خواهی حجامت کن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی
و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم را و درد سر و غلبهٔ خواب و فرمود که چون طفل چهار
ماهه شود هر ماه یکمرتبه او را حجامت کن در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند و حرارت را از سر و بدنش
می‌کشد و منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام طبیب را طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقولست
که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد کمر حضرت او را فصد یا فرمودند و شخصی دیگر شکایت
کرد از خارش بدن فرمود که سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن در پشت پا در میان کعب و بند پا و شخصی
بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پای راست بکن و بقدر دو درهم روغن
بادام شیرین بر روی آب کنگر بریز و بخور و ماهی و سرکه نخور و شخصی دیگر شکایت کرد از جرب
فرمود که رگ اکحل را بگشا **فصل سیوم** در بیان انواع تداوی که از ائمه علیهم السلام وارد شده است
در بیان جواز رجوع باطبا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هلاکت در سه است و دوا سه
است پس درد سه است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجامت است و دوای صفرا مسهل است
و دوای بلغم حمام است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از دوای پیغمبران است حجامت
کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که بهترین دواهای شما حقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن و در حدیث
دیگر فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوای ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر
فرمود که طبابت عربان در هفت چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی چکانیدن و حمام و قی
کردن و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که حقنه از جمله دواهای عظیم است و شکم را بزرگ میکند و فرمود که در دواها حقنه است و حجامت
و دارو مالیدن و قی کردن و حقنه کردن و فرمود که طب عرب با حجامت و حمام و حقنه و قی
و دوا در بینی چکانیدن و آخر دوا داغ سوختن است و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست

منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین چیزی که بآن مداوا کنید حقنه است
شکم را فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه
در بینی چکانیدن نافع است که در فقه الرضا علیه السلام منقولست که حمیه و امساک سر همه
دواهاست و معده خانهٔ دردهاست و هر بدنی را بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که
کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد دارد و فرمود که هر گاه گرسنه شوی طعام بخور و هر گاه
که تشنه شوی آب بخور و هر گاه آید بول کن و تا ضرور نشود جماع مکن و هر گاه ترا خواب آید بخواب
و چون چنین کنی بدنت صحیح شود همیشه و فرمود که حق تعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن
تا وقتی که مقدر شده است که آن مرض تا آنوقت باشد چون آنوقت و آن مدت منقضی شد
دوا را رخصت تاثیر میدهد و بآن دوا شفا مییابد مگر آنکه پیش از آن مدت دعا یا تصدق
یا کارهای خیر بکند که خدا پیشتر از آن مدت دوا را رخصت تاثیر دهد و فرمود که در عسل
شفای هر درد است و هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند و سودا را بر
طرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را قوی میکند هر گاه با کندر خورده شود و آب
سرد حرارت را و صفرا را فرو می‌نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاطی که در قعر معده است
میکند از دو تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند مالیدن بدن است
در حمام وغیره و جامه‌های نرم پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و حمام رفتن و اگر مرده را بمالند
زنده شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضای محکم را برطرف میکند
و فرمود که بیمار را پرهیز چیزی مانند دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز
و امساک هفت روز است و پرهیز نه آنست که چیزی نخورد بلکه آنست که کمتر بخورد و فرمود
که صحت بر علت غالب آمد بیمار پرهیز نمی‌آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هر گاه که طعام طلبد
بدهید که شاید شفایش در آن باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآن است پس بیماران
خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا کنید بقرآن که هر که را قرآن شفا ندهد هیچ چیز سبب
شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که دردها در بدنش خود

در صحت و بدن زیادی بالکلیه دور ... [illegible]
دفعتاً از ... [illegible]

یابد و حرارت بر مزاج خود غالب بیند با زنان جماع کند که حرارت فرو بنشاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عامهٔ دردها و بیماریها از غلبهٔ صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم زیاده زیاده می باشد پس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کنند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله باسانید معتبره منقولست که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقولست که مرد که شخصی بخدمت امام موسی کاظم ع عرض کرد که با من ده نفر از عیال من همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق که هیچ چیز بلشتر زود دتر از تصدق نفع نمیکند بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باو فرمود که از زن خود یکدرهم از مهر که باو داده بطلب که بتو ببخشد و عسل بخر و بآب باران بخور آن شخص چنین کرد شفا یافت از سبب آن پرسیدند از آن حضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود بشما طیب خاطر چیزی ببخشند بخورید که گوارا و با عاقبت نیک و در باب عسل میفرماید که در آن شفا است از برای مردمان و در باب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در این جا گوارائی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد و بحدیث دیگر منقولست که مرد پیری بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند بخورند حضرت فرمود که چرا دوای خوب نمیکنی آبی که خدا فرموده است که همه چیز بآن زنده است گفت با من موافقت نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان و مؤمنان گردانیده است گفت بدستم نمیاید فرمود که چرا شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود که تو میخواهی رخصت بدهم که شراب بخوری والله که هرگز نکنم و بحدیث معتبر از آن حضرت منقول است که واله رفتن بیمار باعث نکث مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که شخصی با آن حضرت عرض کرد که بیماران که از ما بیمار میشوند اطبا ایشان را امر بامساک

بامساک و پرهیز میکنند فرمود که ما اهلبیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب سرد پرسید که چرا از خرما امساک میکنید فرمود که از آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت دیگر از آن حضرت پرسیدند که تا چند روز پرهیز و امساک میباشد بیمار را فرمود که تا ده روز و در روایت دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفع ندارد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که پرهیز آن نیست که چیزی در اصل نخوری بلکه آنست که بخوری و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا درد که میدهد خطاب رسید که من پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من پرسید که پس چه میکنند مردم این حکیمان را خطاب رسید که دلهای مردم را ناخوش میکنند و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرد از داغ کردن بیماران و عودها و افسانها بر ایشان خواندن فرمود که باکی نیست در داغ کردن و افسونی که مغیّر شرع دانی و در حدیث صحیح دیگر منقولست که شخصی از آن حضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی و برادر و دعا بر سر و یزید از بمعالجه میبرم و سلام میکنم بر او فرمود که باکی نیست دعا و سلام تو با او نفعی ندارد و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان ممکنید که این مانند عمارت کردن است که اندکش به بسیار میکشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مسلمانان باید که دوا نکنند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد اعانت بر کشتن خود کرده و در حدیث دیگر فرمود که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی یا نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا در دست خدا است و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا بخورد دو گاه است که او را میکشد و گاه شفا مییابد آیا بهتر آن است که شفا میتوان یابد فرمود که حقتعالی دوا فرستاده است و شفا را میفرستد و هیچ درد بر خلق نکرده است مگر آنکه دوائی

برای او آفریده است بخور در نام خدا ببر در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند
که زنی یا مردی چشمش آب سیاه می آورد و اطبا میگویند که چشم تو را میل میزنیم میباید که یکماه یا چهل روز
بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و با ایما نماز بجا باید بکنید حضرت فرمود که چون مضطر است باکی نیست
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت دوا نمیکنم
تا آنکسی که مرا درد داده است شفا بدهد حق تعالی وحی باو فرستاد که تا دوا نکنی من شفا ندهم و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که من جراحتها را می برم و داغ میکنم و میسوزانم بآتش فرمود
که باکی نیست عرض کرد که دواهای تلخ که ستیت دارد بمردم میدهم مثل تاه بیقون فرمود که باکی نیست
عرض کرد که گاه است که بمیرد فرمود که هرچند که بمیرد باکی نیست عرض کرد گاه است که شراب در بنده
میدهم که بخورند فرمود که در حرام شفا نمیباشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی بآن
حضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رگهای بدنش را می برند و گاه منتفع میشود و بسیار است
که او را میکشد فرمود که بکند و در حدیث دیگر عرض کردند که کسیکه داغ میسوزانند بر بدن گاه است
که میکشد فرمود که شخصی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله داغ سوزاند و حضرت بر بالای
سرش ایستاده بودند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هیچ دوائی
نیست مگر آنکه در بدن دردی برمی انگیزد و هیچ چیز در بدن نافع تر از این نیست که تا محتاج نشوی انگیزد
دوا تصرف در بدن نکنی **فصل چهارم** در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که تا ملا
نمیکنیم تب را مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که تب از بوی جهنم است فرو نشانید حرارت آنرا بآب سرد در حدیث دیگر
فرمود که برای دفع تب هیچ چیز نافع تر از دعا و آب سرد نیست و از مفضل منقولست که شخصی به
خدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تب داشتند دید که طبقی گذاشته است
پر از سیب سبز عرض کرد که مردم این را برای تب خوب نمیدانند فرمود که این تب را بر طرف می
کند و حرارت را فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقدار دو درم قند با آب سرد ناشتا
خوردن برای دفع تب نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که روزی رسول

رسول خدا صلی الله علیه و آله بنزد امیر المؤمنین علیه السلام آمدند و آنحضرت را تب داشتند فرمودند
که سنجد تناول فرمایند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که خواریدن بدن و غلبه
خواب و دوار در سر و تب ربع طاعونها علامت زیادتی خون است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که بشکنید گرمی تب را به بنفشه و آب سرد در تابستان بر بدن صاحب تب آب
سرد بریزید فرمود که یاد داشتن کردن شفاست از تب و جمیع دردها و وساوس شیطانی و فرمود که
بخورید اسپاناخ که بدن شما را پاک میکند و دردها را دفع میکند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسیدند که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید فرمودند
باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب بر او بریزید و باو بخورانید
که آن خداوندی که به تلخ شفا میدهد قادر است که بشیرینی هم شفا دهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب
دفع تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که در ماه رمضانی کشیدم خدا مرا الهام کرد که بپنج دانه که شستند
و آنگاهی بر روی آتش بودادند و بر آسیا خورد کردند و پاره را سفوف کردم و پاره را در میان آب
گرم کردم و خوردم و فرمود که تب برادر و تب پیغمبران و برابر دیگران میباشد و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که علاج تب بر سه چیز میباشد بقی و عرق و مسهل و از ابراهیم جعفی
منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و شکایت کردم از تب ربع فرمود
که نبات یا قند طبرزد را بسابی و در میان آب بریز و ناشتا هر وقت که احتیاج بآب خوردن شود بخور
چنان کردم بزودی شفا یافتم و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود در معالجه تب غب کهنه که
عسل و سیاه دانه را باهم ممزوج کن و سه انگشت از آن بخور که این هر دو مبارکست و خدا
عسل را فرموده که شفاست و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که در سیاه دانه شفای
همه دردهاست مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که بهترین چیزها برای تب
ربع آن است که در روز نوبه پالوده با عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر
آن چیز نخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که این تعویذی است برای شیعیان از
سل یَا اللهُ یَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَیَا سَیِّدَ السَّادَاتِ وَیَا إِلٰهَ الْآلِهَةِ وَیَا مَلِکَ الْمُلُوکِ وَیَا جَبَّارَ السَّمٰوٰاتِ

والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی
بیدک سه مرتبه این دعا را میخوانی تا خدا شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت دیگر معتبره
وارد شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را تب شدیدی عارض شد جبرئیل
آمد و این عوذه را بآنحضرت خواند در ساعت تب زایل شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک
بسم الله من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و در چند حدیث دیگر معتبر منقولست
بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در
روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یکماه است
که تب میکنم و آنچه اطبا گفتند بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را
بگشا و سر در گریبان خود پیراهن داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان
آن شخص گفت چنان کردم گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان
آنحضرت را بیماری عارض شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ مؤمنی نمیگوید مگر آنکه حقتعالی
میفرماید لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا علتی عارض شود
هفت مرتبه حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند که من ضامنم که آن علت برطرف
شود و در حدیث معتبر دیگر منقولست از داود بن زربی که گفت بیمار شدم در مدینه
منوره بیماری شدیدی چون خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید بمن نوشتند که
یکصاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز و بگو اللهم انی اسئلک
باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت له فی الارض وجعلته
خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد وآل محمد وعلی اهل بیته وان تعافینی من علتی
پس درست بنشین و گندم را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن و هر
حصه را بیک فقیر بده و باز دعا را بخوان داود گفت من چنان کردم گویا که از بندی رها
شدم و بسیار کسان کردند شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که

الکبیر

منقولست که چون بنزد بیمار روی هفت مرتبه بگو اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من شر کل
عرق نعار ومن شر حر النار و در حدیث دیگر فرمود که سوره حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه فی
لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان و بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم جلده الرقیق
وعظمه الدقیق من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله والیوم الآخر فلا تأکلی اللحم
ولا تشربی الدم ولا تنهکی الجسم ولا تصدعی الرأس وانتقلی عن فلان بن فلان و نام او و نام مادرش
را بنویسد الی من یجعل مع الله الها آخر لا اله الا الله تعالی الله عما یشرکون علوا کبیرا و در
روایت دیگر فرمود که بیمار سر را در گریبان خود کند و اذان و اقامه بگوید و سوره حمد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه سوره قل هو الله را بخواند و بگوید اعیذ نفسی بعزة
الله وقدرة الله وعظمة الله وسلطان الله وجمال الله وبجمع الله وبرسول الله وبعترته صلی الله
علیه و آله علیهم وبولاة امر الله من شر ما اخاف واحذر واشهد ان الله علی کل شیء قدیر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک وداونی
بدوائک وعافنی من بلائک و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که تبم
بسیار بطول انجامیده است فرمود که آیة الکرسی را در ظرفی بنویس و بآب حل کن و بخور و در بعضی
کتب معتبره منقولست که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست ببندند و سوره حمد را
تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد بسم الله بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها
التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر الهامة والسامة والعامة
واللامة ومن شر طوارق اللیل والنهار ومن شر فساق العرب والعجم ومن شر فسقة الجن
والانس ومن شر الشیطان وشرکه ومن شر کل ذی شر ومن شر کل دابة هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر یا نار کونی بردا وسلاما
علی ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین بردا وسلاما علی فلان بن فلانه و نام بیمار و
مادرش نوشته شود ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی
الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا

فانصرنا على القوم الكافرين حسبي الله لا اله الا هو فاتخذه وكيلا وتوكل على الحي الذي لا يموت وسبح
بحمده وكفى به بذنوب عباده خبيرا بصيرا لا اله الا الله وحده لا شريك له صدق وعده ونصر عبده
وهزم الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي
عزيز ان حزب الله هم الغالبون ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم وصلى الله على
محمد وآله الطيبين الطاهرين واز سلمان فارسی رضی الله عنه منقول است که گفت بعد از
وفات حضرت رسالت پناه بده روز از خانه بیرون آمدم در راه حضرت امیر المؤمنین علیه
السلم را ملاقات کردم فرمود که برو نزد حضرت فاطمه صلوات الله علیها که تحفه از بهشت برای
او آمده میخواهد بتو عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم فرمود که دیروز در همین موضع
نشسته بودم و در خانه بسته و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع شدن وحی الهی از ما و نیامدن
ملائکه بسوی ما ناگاه دیدم در گشوده شد و سه دختر بالا درون آمدند که کسی بحسن و جمال
و طراوت و نزاکت و خوشبوئی ایشان هرگز ندیده است چون ایشانرا دیدم و سؤال کردم که
شما اهل مکه اید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ما اهل زمین
نیستیم ما را پروردگار عزت از بهشت جاوید بسوی تو فرستاده بسیار مشتاق تو بوده ایم
از یکی که بزرگتر بود پرسیدم که چه نام داری گفت مقدوده گفتم بچه سبب ترا این نام کرده اند
گفت بجهت آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری
گفت ذره نام دارم از سبب نام او پرسیدم گفت زیرا که من از برای ابوذر غفاری خلق شده ام
از سیم پرسیدم که چه نام داری گفت سلمی از سبب نام او پرسیدم گفت زیرا که من از برای
سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فرمود که از برای من رطبی چند بیرون
آوردند مانند گردهای نان بزرگ از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر پس سلمان رضی الله
عنه گفت که حضرت فاطمه صلوات الله وسلامه علیها یکی از آن رطبها را بمن دادند و فرمودند
که امشب باین رطب افطار کن و فردا استخوانش را برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم

فاطمه علیها السلم

گرفتم و بیرون آمدم بهر جمعی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله که میگذشتم می پرسیدند که
ای سلمان مشک همراه داری میگفتم بلی پس چون وقت افطار شد تناول کردم هیچ هسته نداشت
روز دیگر بخدمت حضرت فاطمه علیها السلم رفتم و عرض کردم که رطب هسته نداشت فرمود که چون
هسته داشته باشد و حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده است که حق تعالی آنرا در بهشت
غرس فرموده است بسبب دعائی که پدرم بمن تعلیم فرموده است و هر صبح و شام میخوانم سلمان گفت
که ای سیده من آن دعا را تعلیم من نما فرمود که اگر خواهی که تا در دنیا باشی آزار تب نیابی باین دعا
مواظبت کن بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور على نور بسم الله
الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور من النور
وانزل النور على الطور في كتاب مسطور في رق منشور بقدر مقدور على نبي محبور الحمد
لله الذي هو بالعز مذكور وبالفخر مشهور وعلى السراء والضراء مشكور وصلى الله على سيدنا
محمد وآله الطاهرین سلمان گفت این دعا را بیاد زیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند
تعلیم کردم و همه از تب نجات یافتند و در حدیث دیگر حسن منقول است که بعضی از فرزندان
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم بیمار شد حضرت فرمود که این دعا بخوان اللهم اشفني بشفائك
وداوني بدوائك وعافني من بلائك فاني عبدك وابن عبدك و از برای تب ربع منقولست که
که این آیه را بنویسند و ببندند یا نار کونی بردا وسلاما على ابراهيم و در روایت دیگر این دعا را
بر بازوی راستش ببندند بسم الله الرحمن الرحيم ولو ان قرآنا سيرت به الجبال او قطعت به
الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا يا شافي يا كافي يا معافي وبالحق انزلناه وبالحق نزل
باسم فلان بن فلان و نام او و نام پدرش را بنویسند و بر بازوی بیمار ببندند بسم الله مرج البحرين
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان وجعل بينهما برزخا وحجرا محجورا يا نار كوني بردا وسلاما على
ابراهيم الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصو
رون وان جندنا لهم الغالبون و در پنجم ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر که دردی داشته باشد

دست را بر موضع درد بگذارد و سه مرتبه بگوید الله الله ربّی حقّاً لا اشرك به شیئا اللهم انت
لها و لکل عظیمة ففرّجها عنّی و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست فرمود که بگو بسم الله و بمال دست را
بر آن موضع که درد میکند و بگو اعوذ بعزّة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ
بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شرّ ما احذر و من شرّ ما اخاف
علی نفسی هفت مرتبه میگوئی و در روایت دیگر فرمود که دست را بر موضع درد میگذاری و
میگوئی بسم الله و بالله و محمّد رسول الله صلّی الله علیه و آله و لا حول و لا قوّة الا بالله اللهم
امسح عنّی ما اجد و سه مرتبه دست بر آن موضع میکشی و در روایت دیگر فرمود که دیگر دست
بر موضع درد میگذاری و هفت مرتبه و اقلش سه نوبت میگوئی ایها الوجع اسکن بسکینة
الله و قرّ بوقار الله و انحجز بحاجز الله و اهدأ بهدأ الله اعیذك ایها الانسان بما
اعاذ الله به عرشه و ملائکته یوم الرجفة و الزلازل و در روایت دیگر معتبر از آنحضرت
منقولست که فرمود برای هر آزاری این دعا بخوان یا منزل الشفاء و مذهب الداء انزل علی ما بی
من داء شفاء و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که را او درد الی در بدن باشد
این دعا بخواند تا هیچ الی و دردی با و ضرر نرساند اعوذ بعزة الله و قدرته علی الاشیاء اعیذ نفسی
بجبار السماء اعیذ نفسی بمن لا یضر مع اسمه داء اعیذ نفسی بالذی اسمه برکة و شفاء و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که دردی بهم رساند و دست را بر موضع
درد بگذارد و باخلاص نیت بگوید و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للعالمین و لا
یزید الظالمین الا خسارا البته عافیت یابد از هر علتی که باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که را
سورهٔ حمد و قل هو الله احد شفا نمید هیچ چیز او را شفا نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر گاه کسی از تو درد خود یابد بگوید بسم الله و بالله و صلّی الله علی
رسول الله و اهل بیته و اعوذ بعزة الله و قدرته علی ما یشاء من شر ما اجد و
در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و شکایت کرد از بسیاری بیماری
و پریشانی فرمود که این دعا را بخوان لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی

الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریك فی الملك و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت موسی بن عمران بحق تعالی شکایت
کرد از غلبهٔ رطوبت حق تعالی او را امر فرمود که هلیله و بلیله و امله را بسایند و با عسل خمیر کنند و بخورد
حضرت فرمود این است که شما اطریفل میگوئید و در طب الائمه صلوات الله علیهم روایت کرده
است که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده
است و بیم آنست که هلاك شود فرمود که بخورانید باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام
رسیده است پس که سنبل و زعفران و قاقله و عاقر قرحا و خربق سفید و بزرالبنج و فلفل سفید همه مساوی
یک یک و فرفیون دو برابر و هر یک از اینها را بسایند و از حریر بیرون کنند و بعسلی که کفش گرفته
باشند خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب آنرا بآب حلتیت بدهند که
در ساعت شفا مییابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای فالج و لقوه یک
حب آنرا با آب مرزنگوش در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام نقل کرده است که از برای
سردی معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آنرا با آب که زیره پخته شده باشد بخورند و در
حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یک حب آنرا
با آب زیره پخته بخورند از برای درد پهلوی چپ یک حب آنرا با آب ریشهٔ کرفس که پخته باشند بخورند و
در حدیث دیگر فرمود که از برای اسهال یک حب آنرا با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
روایت کرده است که یک حب آنرا با آب سلاب با آب توت پخته بخورند و از حضرت رسول صلّی الله
علیه و آله منقولست که اگر مردم بدانند که در سنا چه منفعتها است هر آینه هر مثقالی دو مثقال
طلا می بود بدرستی که امان میبخشد از بهق و برص و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه و اگر با مویز
سرخ پیدانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه همه اجزا مساوی بعمل آورند و هر روز
ناشتا بقدر یک درهم بخورند و در هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند این فواید می بخشد
و بهترین دواها است و در طب الائمه روایت کرده است که مغز خیار شنبر پاك کرده یکرطل بگیرند
و در میان یکرطل آب یکشبانه روز بخیسانند پس صاف کنند و با یکرطل عسل صافی دیگر طلا آب به

سو ند

و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج کرده باشد و با آتش نرم بقوام آورند و از روی آتش بر دارند و بگذارند سرد شود پس در آن فلفل و دار فلفل و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دارچینی و جوز بوا از هر یک سه مثقال کوفته کوبند و بیخته در آن که سابق مذکور شد ممزوج کنند و در سبوی سبز یا شیشه بکنند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده و قی و تب و ترکیدن دست و پا و زحیر و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و تبهای شدید و درد مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سرکه و سبزیها پرهیز کند و غذاش الماج باشد با روغن کنجد و دوای دیگر نقل کرده است که از هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و زنیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از انار مشک و قاقله و سنبل و شقاقل و حب بلسان و دانه بلسان و سلیخه سلیخه مقشر و ملک رومی و عاقر قرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال مجموع دواها را یک یک بکوبند و بریزند و سقمونیا را جدا بکوبند و بریزند و هشتاد و پنج مثقال شکر بزبرا در باتیلاب کنند و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزا را با ایشان ممزوج سازند و معجون نموده و در وقت حاجت دو مثقال از آن را ناشتا و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوة جماع و سردی را از مفاصل بدر میبرد و فایده می بخشد برای درد نهی گاه و بادهای شکم و درد مفاصل و سلسل البول و طپیدن دل و تنگی نفس و امتلای معده و کرم معده و دل را جلا میدهد و اشتهای طعام می آورد و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبه سودا و تشنگی را می برد و برای تب لرز و دردهای کهنه و درد سر و بد ماغی نافع است و بسند معتبر دیگر روایت کرده است که دوزی فرعون بنی اسرائیل را همگی ضیافت کرد و زهر در طعام کرد که ایشان را هلاک کند حق تعالی این دوا را بحضرت موسی علیه السلام فرستاد و چون خوردند از زهر با ایشان ایمن شد سید جبرئیل علیه السلام گفت قدری سیر مقشر بگیرد بشکن و نرم بکوب و در باتیل بینداز و از روغن گاو آنقدر بر آن سیرها بریز که بپوشاند آنها را و آتش نرم آنقدر در زیر باتیل بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن چیزی نماند پس همان مقدار شیر گاو تازه دوشیده بر آن بریز و آتش نرم آنقدر بر افروز

بیافزون که از آن شیره هیچ چیزی نماند پس همان قدر عسل مصفی که موم آن را گرفته باشند در باتیل بریز و آنقدر آتش بسوزان که آن را هم را بخورد و پس از سیاه دانه ده درهم و از فلفل و مر زنکوش هر یک پنج درهم بگیر و نرم بکوب و در باتیل بریز و بر هم زن تا مخلوط شود و با آن سیرها پس ظرفی را بگیر و اندرون او را بروغن گاو چرب کن و این دوا را در آن بریز و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کن و هر چند کهنه تر میشود نیکوتر میشود و فرمود که نافع است برای درد دلغوه کهنه و تازه و درد دندان و سرفه کهنه و تازه و کسی را که سرما زده باشد و برای سیل چشم و درد دیا ضعف معده و صرع و عشق اطفال و تر شدن زنان در خواب و زرداب و جوزه و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود که چون یکماه بر این دوا بگذرد برای درد دندان و امراض بلغمی بقدر نصف گردکان ناشتا بخورد و چون دو ماه بر آن بگذرد برای تب لرز و از درهای آب چشم نافع است و چون سه ماه بر آن بگذرد برای صفرا و بلغم سوخته و جمیع مرضها صفراوی ناشتا بخورد نافع است و چون چهار ماه بگذرد برای تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بر آن بگذرد و کسی که درد سر داشته باشد بقدر نیم عدس از این دوا را با روغن بنفشه ممزوج کرده در بینی بچکاند و چون شش ماه بگذرد و کسی که درد شقیقه داشته باشد بقدر یک عدس از آن با روغن بنفشه مخلوط کرده و در بینی بچکاند از آنجایی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بر آن بگذرد برای دفع بادی که در گوش بهم میرسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکاند در اول روز و در هنگام خواب و چون هشت ماه بگذرد و آن را با آب خوردن برای دفع خوره نافع است و چون نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان گفتن در خواب و ترس و بیم باید که با روغن تخم تورب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس با سر که بخورند و برای سفیدی چشم ناشتا و در وقت بخورند و چون یازده ماه بر آن بگذرد و از برای سودائی که این کس را بترس و وسواس می اندازد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا بقدر یک نخود بلی روغن در هنگام خوابیدن بخورد و چون دوا ز ده ماه بگذرد برای فالج کهنه و تازه با آب مرزنکوش بقدر یک نخود بخورد و با روغن زیت

دمکش بر پا بمالد در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب کنند و چون
سیزده ماه بکذرد بقدر یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است
برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و بازی کردن با ریش خود و اگر چهارده ماه بر آن بگذرد
برای دفع ضرر ذهن نافع است و اگر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان را بکوبند و بجوشانند
و صاف کنند و با یک نخود از این دوا را در سحر بخورند و آب نیم گرم در عقبش بخورند سر شب یا چهار شب
و چون پانزده ماه بکذرد برای دفع سحر و بادها نافع است و چون شانزده ماه بکذرد بقدر
نیم عدس آنرا با آب باران تازه حل کنند بدیده کسی بکشند که بیناییش کم شده باشد
در بامداد و در شام و در وقت خواب تا چهار روز و اگر برطرف نشود تا هشت روز و چون هفده
ماه بکذرد برای دفع خوره یک کلوله از آن با روغن یا چربی کاو ناشتا و در وقت خواب بخورد و بقدر
یک حبه اش را به بدن بمالد و اندکی را با روغن زیت یا روغن کل سرخ در بینی بچکانند در آخر روز در
حمام و چون هیجده ماه بکذرد برای دفع بهق آن موضع را سوزن بزنند که خون در آید و بقدر یک
نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را در بینی بچکانند و با نمک بر آن موضع
بمالند و چون نوزده ماه بکذرد و اگر آب انار شیرین را کل نتر با قدری بکدانه چوار حنظل و با یک
نخود از این دوا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب کهنه نافع است
و چون بیست ماه بکذرد و بقدر یک عدس از آن کرفته با آب کندر حل کنند و برای سنگینی کوش
در کوش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز دیگر بچکانند و اندکی بر کله سر شیر بزنند و از
برای صاحب مرض سرسام باب نار ترش نافع است و در حدیث دیگر روایت کرده است از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که مثل این دوا را جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه آورد
و فرمود که چهار رطل از شیر معتبر بگیرند و دیا طیل کند و چهار رطل شیر کاو بر آن بریزند و بر بالا بند
آنقدر که بتیر نماند بار چهار رطل روغن کاو بر آن بریزند و آنقدر بجوشانند که روغن نماند
پس نقله ده درهم با بوزیدان برابر آن بپاشند و بر هم زنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سر شرا
ببندند و در میان جو یا خوات پنهان کنند در مدت ایام تابستان و در زمستان بکرو [illegible]

اورند و در بامداد بقدر یک کردکان بخورند برای هر درد نافع است و کلینی در حدیث معتبر
روایت کرده است که اسمعیل بن الفضل شکایت کرد بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از
نفاخ معده و اینکه طعام در معده اش هضم نمیشود حضرت فرمود که چرا نمی گیری آن نبیذی را
که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود و نفاخ معده و بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود
که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشوی و در ظرفی کن و آنقدر آب در آن بریز
که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز و در تابستان یک شبانه روز پس صاف کن و آب صاف
اش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیگ بریز
و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از عسل ریختن بود پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی
و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب و در میان کهنه نازکی بکن و در میان دیگ بینداز
که چند جوش بزند پس دیگ را پایین گذار تا سرد شود و صاف کن و هر صبح و پیشین قدری از آن بخور
راوی گفت که چنان کردم آزارم برطرف شد **فصل ششم** در معالجه درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال
دماغ و نقل فرموده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت که برای درد سر و ضعف سر این دعا را
بنویسند و بر آن جانب سر که درد میکند بیاویزند اَللّهُمَّ اَنْتَ لَسْتَ بِاِلهٍ اسْتَحْدَثْناهُ وَلا بِرَبٍّ یَبیدُ
ذِکْرُهُ وَلا مَعَکَ شُرَکاءُ یَقْضُونَ مَعَکَ وَلا کانَ قَبْلَکَ اِلهٌ نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَیْهِ وَنَدَعُکَ وَنَتَعَوَّض
عَلَیْکَ وَلا اَعانَکَ عَلی خَلْقِنا مِنْ اَحَدٍ فَنَشُکَّ فیکَ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ عافِ فُلانَ بْنَ فُلانَة فلان
و صلی الله علی خیر خلقه محمد و اهل بیته و در روایت دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که هر که درد سر داشته باشد یا بولش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اُسْکُنْ
سَکَّنْتُکَ بِالَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ و از حضرت امام نقی علیه السلام منقولست که
برای درد سر این آیه را بر قدح آبی بخوانند و بخورد اَوَلَمْ یَرَ الَّذینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمواتِ وَالْاَرْضَ کانَتا
رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلا یُؤْمِنُونَ و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حبیب
سجستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد فرمود
که بگذار دست را بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه بگو یا ظاهِراً مَوْجُوداً وَ یا باطِناً غَیْرَ مَفْقُودٍ

آرْدُدْ عَلَی عَبْدِکَ النَّعِیفِ اِیَادِیکَ الْجَمِیلَةَ عِنْدَهُ وَاَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ اَذًی اِنَّکَ رَحِیمٌ وَدُودٌ و در حدیث دیگر فرمود
که برای دفع درد سر دست بر سر بمالد و هفت نوبت بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ الَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِی السَّمٰوٰاتِ
وَالْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در روایت دیگر منقول است که برای دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت
مرتبه این دعا را بخواند و در روایت دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست را بر بالای سر بگذارد و بگوید لَوْ کَانَ
مَعَهُ اٰلِهَةٌ کَمَا یَقُولُونَ اِذًا لَابْتَغَوْا اِلٰی ذِی الْعَرْشِ سَبِیلًا وَاِذَا قِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلٰی مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلَی الرَّسُولِ
رَاَیْتَ الْمُنَافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُودًا و در حدیث دیگر معتبر ~~از حضرت~~ منقول است که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت من سفر بسیار میکنم و در مواضع هولناک بسر میبرم تعلیم
من تعلیم فرما که نترسم فرمود که چون در چنین موضع واقع شوی دست را بر بالای سر بگذار و با واز
بلند بگو اَفَغَیْرَ دِینِ اللّٰهِ یَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا وَاِلَیْهِ یُرْجَعُونَ آن شخص
گفت در بیابانی واقع شدم که میگفتند که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت که بگیرید ش
این آیه را خواندم شنیدم که دیگری جواب گفت که چگونه بگیریم و حال آنکه بناه بایه طیبه برد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که پسری دارم وگاهی او را باد جن و ام الصبیان
میگیرد و بیحد میکند از او نا امید میشوم فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را با مشک و زعفران بر ظرفی
بنویس و با آب بشوی و تا یکماه از آن آب بده بخورد وی گفت که یک مرتبه که خورد بر طرف شد
و در حدیث دیگر فرمود که کسی را صرع بگیرد و بدو بخوانند این دعا را عَزَمْتُ عَلَیْکَ یَا رِیحُ بِالْعَزِیمَةِ
الَّتِی عَزَمَ بِهَا عَلِیُّ بْنُ اَبِی طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ رَسُولُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَلٰی جِنِّ وَادِی
الصَّبْرَةِ فَاَجَابُوا وَاَطَاعُوا لَمَّا اَجَبْتِ وَاَطَعْتِ وَخَرَجْتِ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ السَّاعَةَ و در روایت دیگر
منقولست که شخصی را اختلال دماغ بهم رسیده بود حضرت فرمود که هر شب در هنگام خواب این دعا
بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَکَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی فِی مَنَامِی وَفِی یَقَظَتِی اَعُوذُ
بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَجَلَالِهِ مِمَّا اَجِدُ وَاَحْذَرُ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی را که باد جن
بگیرد بعد سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را ده مرتبه
بخوانند و این سه سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند و با و بخورانند و در آب وضو

وضو و غسلش داخل کنند آب و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند
که صرع داشت که نتوانست نفسی از طلبیدند و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
بر آب خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که در خانه که جنیان سنگ اندازند صاحب خانه آن سنگ را بر دارد و بگوید حسبی الله
وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
برای درد سر روغن کشنیز را در بینی بچکانند و شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد از درد سر فرمود که بحمام برود و پیش از آنکه داخل آب شود هفت جام آب گرم بر سر
بریزد و هر مرتبه بسم الله بگوید منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد و گفت سردی
عظیم در سر خود می یابم که بحدی که اگر باد بر آن بوزد بیم آن است که غش کنم فرمود که روغن عنبر
و روغن زنبق را بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که هیچکس از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در او دو رگ هست یک رگ
در سرش که خوره را بحرکت می آورد و دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت می آورد پس چون آن
رگ سر بحرکت می آید خدا زکام را بر او مسلط میگرداند که دردهای سر را بیرون میکشد و هر که
آن رگ بدن بحرکت می آید حق تعالی دمل را بر آن مسلط میگرداند که دردهای بدن را بیرون میکشد
کسی که زکام و دمل بهم رساند خدا را شکر کند و در روایت دیگر فرمود که زکام لشکری
است از لشکرهای خدا میفرستد که دردهای بدن را برطرف کند و در چند روایت وارد
شده است که زکام را علاج مکنید و در روایت دیگر از آنحضرت وارد شده است که زکام را
علاج مکنید و در روایت دیگر از آن حضرت وارد شده است در معالجه زکام که بینی را
بروغن بنفشه چرب کنند و در وقت خواب بر منفعد خود گذارند و در روایت دیگر
فرمود که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند و در دماغ بدمند
زکام را برطرف میکند فصل هفتم در معالجه سایر امراض سر در دو کلوه حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که چشم کسی از درد باشد باید که آیة الکرسی

بخوانند باعتقاد درست که البته شفا می یابد و در روایت دیگر معتبر منقول است که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم بشخصی فرمود که میخواهی دعائی تعلیم نمایم ترا برای دنیا و آخرت ترا نافع باشد و درد
چشم ترا زایل کند گفت بلی فرمود که بعد از نماز صبح و شام مداومت نما باین دعا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَالْبَصِیرَةَ فِی دِینِی وَالْیَقِینَ فِی قَلْبِی
وَالْاِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَالسَّلَامَةَ فِی نَفْسِی وَالسَّعَةَ فِی رِزْقِی وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِی و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای درد چشم ابن عباس فرمودند که بخوانند
اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِی بِسَمْعِی وَبَصَرِی وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی وَانْصُرْنِی عَلیٰ مَنْ ظَلَمَنِی وَاَرِنِی فِیهِ ثَارِی
و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم آمد دید که چشم آن بخدمت آنحضرت
حضرت آزار عظیم دارد و روز دیگر رفت دید که هیچ آزار نمانده است از سبب آن پرسید فرمود
که این تعویذ را خواندم اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ
اَعُوذُ بِجَمَالِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِکَرَمِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِبَهَاءِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِحِلْمِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِذِکْرِ
اللّٰهِ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِآلِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَلَیْهِمْ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ فِی عَیْنِی
وَمَا اَخَافُ وَمَا اَحْذَرُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الطَّیِّبِینَ اِذْهَبْ ذَالِکَ عَنِّی بِحَوْلِکَ وَقُدْرَتِکَ و ابن
شهرآشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم این دعا را [دعاها]
میخواند آن شخص بخانه رفت و وضو ساخت دو رکعت نماز کرد و بعد از نماز این دعا خواند و چون باین
موضع رسید که اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی دیده اش بینا شد دعا این است اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
یَا رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِیَةِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِیَةِ اَسْئَلُکَ بِطَاعَةِ الْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ اِلیٰ
اَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَةِ اِلیٰ اَعْضَائِهَا وَبِانْشِقَاقِ الْقُبُورِ عَنْ اَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِکَ
الصَّادِقَةِ فِیهِمْ وَاَخْذِکَ بِالْحَقِّ بَیْنَهُمْ اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ یَنْتَظِرُونَ قَضَائَکَ وَیَرَوْنَ سُلْطَانَکَ
وَیَخَافُونَ بَطْشَکَ وَیَرْجُونَ رَحْمَتَکَ یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلیً عَنْ مَوْلیً شَیْئًا وَلَا هُمْ یُنْصَرُونَ اِلَّا مَنْ
رَحِمَ اللّٰهُ اِنَّهُ هُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ اَسْئَلُکَ یَا رَحْمٰنُ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَالْیَقِینَ فِی قَلْبِی
وَذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ عَلیٰ لِسَانِی اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِی اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و در روایت

و در روایت دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد
از ضعف باصره و گفت بمرتبه رسیده است که شب کور شده ام فرمود که آیه اللّٰه نور
السموات والارض مکرر در جامی بنویس و بآب محو کن و آبرا در شیشه کن و از میل بچشم بکش
راوی گفت که کمتر از صد میل کشیده ام که بینائی من بر گشت و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت امام رضا علیه السلم فرمود که شفای درد چشم در خواندن سوره حمد و قل اعوذ برب
الناس و قل اعوذ برب الفلق است و آیة الکرسی و کشیدن قسط هندی و کندر است و دعا
درد گوش در دعاهای درد سر گذشت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلم آمد و شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود که دست بر گوش بکش و این
آیات را بخوان لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الا
مثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن
المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم و در روایت دیگر وارد شده است
که برای درد گوش بروغن یاسمین یا روغن بنفشه هفت مرتبه بخوانند کان لم یسمعها
کان فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا پس آن روغن را
در گوش بچکانند و از برای قطع رعاف منقول است که بر پیشانی او بنویسند و قیل یا ارض
ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا
للقوم الظالمین و در روایات دیگر این آیات را بخوانند منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری
یَوْمَئِذٍ یَتَّبِعُونَ الدَّاعِیَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا یَا اَرْضُ ابْلَعِی
مَاءَکِ وَیَا سَمَاءُ اَقْلِعِی وَغِیضَ الْمَاءُ وَقُضِیَ الْاَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَی الْجُودِیِّ وَقِیلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِینَ وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ اَیْدِیهِمْ سَدًّا
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ و منقولست که شخصی بخدمت حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دندان فرمود که دست بر دهان بگذار
و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ بکلمات
الله التی لا یضر معها شیء قدوسا قدوسا باسمک یا رب الطاهر المقدس المبارک الذی من سألک
به اعطیته ومن دعاک به اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد وآل محمد النبی
واهل بیته وان تعافینی مما اجد فی فمی وفی راسی وفی سمعی وفی بصری وفی بطنی
وفی ظهری وفی یدی وفی رجلی وفی جمیع جوارحی کلها و ابو بصیر شکایت کرد
بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از درد دندان و کثرت شبها از این درد بیدار میباشم فرمود که
هرگاه آن ورم ظاهر شود دست بر موضع درد بگذار و سوره حمد و سوره قل هو الله احد بخوان
پس این آیه را بخوان وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن
کل شیء انه خبیر بما تفعلون و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که این آیه
بخوان با سوره انا انزلناه و از حضرت امام امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
برای دفع درد دندان دست بر موضع سجود بمال و بر موضعی که درد میکند بمال و بگوید
بسم الله الشافی الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست
که برای دفع درد دندان سوره حمد و سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و قل هو الله احد بخواند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
نودی ان بورک من فی النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمین اللهم یا کافی من کل
شیء ولا یکفی منک شیء اکف عبدک وابن امتک من شر ما یخاف ویحذر ومن شر
ما یخاف ویحذر ومن شر الوجع الذی یشکوه الیک و در روایت دیگر منقول است که
که جبرئیل این تعویذ را برای حضرت [illegible] امام حسین علیه السلام آورد بجهة
دفع درد دندان که دست بر آن دندان که درد میکند بگذارند و هفت نوبت
بخوانند العجب کل العجب لدابة تکون فی الفم تاکل العظم وتترک اللحم انا ارقی والله

والله الشافی الکافی لا اله الا الله والحمد لله رب العالمین واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم
تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون و در روایت دیگر
[illegible] دو سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخوانند پس بگوید
من یحیی العظام وهی رمیم یا ضرس فلان بن فلان و نام صاحب درد ببرد پس را بگوید اکلت الحار والبارد
انبا الحار تشتکینی ام بالبارد تشتکینی وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم شددت و[illegible]
الضرس من فلان بن فلان بسم الله العظیم پس بیخ را بر دیوار بکوبد و بگوید الله الله الله و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از کندی دندان حضرت فرمود که در
سجده بگو یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رب الارباب یا سید السادات یا اله الالهة یا مالک
الملک یا ملک الملوک اشفنی بشفائک من هذا الداء واصرفه عنی فانی عبدک وابن عبدک واتقلب
فی قبضتک راوی گفت که این عمل در سجود یکم شب خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقول است که دنبلان از گیاه بهشت است و آبش برای درد چشم نافع است و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آب ریختن چشم را زایل میکند و چشم را جلا میدهد و در
حدیث دیگر صحیح منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم فرمود
که داروئی بسازد از صبر و کافور و مر اجزا مساوی همه یکی و در روایت دیگر فرمود که ظلمت چشم
و خیالات را برطرف میکند و در روایت دیگر فرمود که [illegible] برای دفع سفیدی که بر روی
باصره بهم رسیده باشد نافع است که در روایت دیگر معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که صبر سقوطری و کافور ریاحی را مساوی یک یک بسایند و از حریر بیرون کنند و [illegible]
در چشم بکشند دردهای سر و چشم را بکند و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که بشیعی از
اصحاب خود فرمود که هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بسای و بر بیز و در دیده بکش و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی
که در چشمش بهم رسیده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل و دار
فلفل از هر یک دو درهم و نشادر پاکیزه صاف یک درهم و هر سه را خوب بسای

دانه‌اش را بیرون کن و در چشم سرمیل بکش و ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم پاک میکند و درد را ساکن میکند پس چشم را با آب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر از امیر المؤمنین علیه السلم و سلمان گفت و ابوذر فرمود که تا درد چشم داری بر پهلوی چپ مخواب و خرما مخور و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که ماهی خوردن برای دفع درد چشم زیان دارد و چشم را دست مالیدن بعد از طعام از درد چشم امان میدهد و در پنجشنبه و جمعه شارب و ناخن گرفتن از درد چشم امان میدهد و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوش من بسیار می آید فرمودند پنیر کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج کن و بر روی آتش نرم کن و چند قطره در گوشی که درد میکند بریزد و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که یک کف کنجد پوست نکنده و یک کف خردل هر یک را علاحده بکوبند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در شیشه بکنند و سرش را با انگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش بچکانند و پنبه در گوش بگذارند سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سداب برای دفع درد گوش نافع است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقول است که برای درد دل چیزی نافع تر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقول است که حضرت عیسی علیه السلم بشهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر روی های ایشان زرد است و چشمهای ایشان کبود است و از بسیار مرض با آنحضرت شکایت کردند فرمود که شما گوشت را نشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمی رود مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماریهاشان برطرف شد و حضرت عیسی ع بشهر دیگر گذشت دید که دندانهای ایشان ریخته بود و در دهانشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهانها را باز کنید و برهم مگذارید چنانکه کردند از علتها پاک شدند و از حضرت

امام موسی کاظم علیه السلم منقول است که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند و فرمود که سرکه‌ای که از شراب بعمل آمده باشد بن دندان را محکم میکند و در حدیث معتبر منقولست که حمزة بن طیار بخدمت آنحضرت آمد و آه میکشید حضرت پرسیدند که چه میشود ترا گفت دندانم درد میکند فرمود که حجامت بکن حجامت کرد ساکن شد بعد از آن فرمود که هیچ دوائی بجهت دندان بهتر از خوردن عسل نمی رسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درد دندان که حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغن را بگیرد و اگر دندان اش را کرم خورده خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بریزد و پنبه را بآن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند و اگر بن دندان درد کند در آن گوش که در جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه قطره بچکانند و باز فرمود که هر کس درد دهان داشته باشد و یا خون از بن دندانش آید یا درد کند یا دهانش جوشیده باشد در انگشتر بسیر خی کشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد و تمامش را بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را بتراشد بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه تندی که از شراب بعمل آمده باشد در آن سوراخ بریزد و بر روی آتش بگذارد که بسیار بجوشد پس بردارد هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد و بعد از آن سرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند هر چند آبش بدر طرف شود سرکه بریزد و هر چند کهنه تر شود نفعش بیشتر است و در حدیث دیگر معتبر منقول است از ابراهیم بن نظام که گفت دزدان مرا در راه گرفتند و پالوده گرم در دهانم کردند و بعد از آن دهانم را پر برف کردند پس دندانهایم تمام بریخت پس حضرت امام رضا علیه السلم را در خواب دیدم که فرمود که سعد در دهانت بکن تا دندانهایت برویند بعد از چند گاه شنیدم که حضرت رضا علیه السلم بخراسان وارد شده است بخراسان بیرون رفته بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان فرمود که در خواب فرموده بود چنانکه کردم دندانهایم

دفع نمایم دو شید **فصل هشتم** در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول و بثور و حوزه و سیب دبهق و امثال اینها از علی بن النعمان منقول است که بحضرت امام رضا علیه السلم عرض کردم که ثالول بسیاری در بدنم بهم رسیده و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو بگیر هفت نوبت سوره اذا وقعت الواقعه تا فکانت هباء منبثا بخوان و هفت نوبت بخوان و یسئلونک من الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا پس هر جو بیرا یکنوبت بر ثالول بمال و مجموع جوها را در پارچه نوی ببند و سنکی بر آن ببند و در چاهی بیندازند و بهتر آن است که این کار را در تحت الشعاع کنند راوی کفت چنین کردم بعد از یکهفته همه برطرف شد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقول است که دست بر ثالول بمال و سه نوبت اینها بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه السلم منقول است که فرمود که دختری در خانه ما خنازیر در کردنش بهم رسید شخصی در خواب بمن کفت که بکو این دعا را بخوانند مکرر یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم عرض کرد که کنده و پاره در بدن من ظاهر شده است فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم در وقت زوال غسل کن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بکذار بهر سوره که خواهی و تا توانی سعی کن در کریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهای خود را بینداز و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنک بخود ببند و بر خاک بسجده برو و پهلوی راست روی خود را بر خاک بکذار و با زاری و خشوع بکو یا واحد یا احد یا کریم یا جبار یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من مرضی و البسنی العافیة الکافیة الشافیة فی الدنیا و الآخرة و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فقد اذانی و غمنی و فرمود که و فی نفع میکند که خالص مطمئن باشد و صاحب یقین باشی که تأثیر میکند آن شخص چنین کرد و عافیت یافت بزودی و در حدیث دیگر فرمود که هر ورمی که در بدنت بهم رسد و ترسی که بحال بدی منتهی شود

شود و در وقتی که وضو سازی برای نماز واجب یا پیش از نماز برای آن نماز ورم بخوان این آیات را لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله تا آخر سوره که اگر چنین کنی آن ورم بزودی ساکن شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله و کم بیرون آمدن آورده نقل کرده است و بهتر آن است که بر ترتیب عدد بنویسند

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقول است که برای ثالول و بثور و دملهای بزرگ که بر بدن بهم میرسد در اول که اثرش ظاهر شود انکشت شهادت بر دورش بکرداند و هفت مرتبه بکوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در مرتبه هفتم انکشت را بر روی آن بکذارد و بقوت بکشاید و در روایت دیکر فرمود که این دملها و بثور اکثرش از خون فاسدی است که در بدن بهم میرسد و دفع آن نمیکنند پس کسی در دوا اینها حادث شود چون بدخت خواب رود بکوید اعوذ بوجه الله العظیم و کلماته التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر کل ذی شر تا از شرها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر منقول است که برای کری و دمل دو بار این آیات را بخوانند و بنویسند و با خود نکاه دارند بسم الله الرحمن الرحیم و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری الله اکبر و انت لا تکبر الله یبقی و انت لا تبقی و الله علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر منقول است که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم از بیماری که در روی بهم رسیده بود حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجده آخر شب دو رکعت اول نماز شب این دعا بخوان یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سامع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اصرف عنی من شر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اذهب عنی هذا الوجع و نام آن بیماری را ببر فانه قد غاظنی و احزننی و مبالغه در تضرع و دعا بکن راوی کفت چنان کردم هنوز بکوفه نرسیده بودم که آن علت از من برطرف شده بود و در روایت دیگر منقول است که اسحق بن اسمعیل و غیر او از همین علت بآنحضرت شکایت کردند فرمود که وضو بساز و دو رکعت نماز بکنید و حمد و ثنای الهی بجا آورید و صلوات بر محمد و آل محمد

واهلیت اوبن سنید و بگوئید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا واحد
یا واحد یا واحد یا احد یا احد یا احد یا صمد یا صمد یا صمد یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا اقدر القاد
رین یا اقدر القادرین یا اقدر القادرین یا رب العالمین یا رب العالمین یا رب العالمین یا سامع الدع
وات یا منزل البرکات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد واعطنی خیر الدنیا وخیر الاخرة واصرف
عنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما بی فقد غاظنی بدالامر واحزننی و در روایت دیگر فرموده که سوره
انعام را با عسل بنویسد و بشوید و بخورد در مکارم الاخلاق مذکور است برای پیسی بخورد این آیات را
بعد از آن بنویسد و با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام
الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلث و رباع
باسم فلان بن فلانه و نام او و مادرش را بنویسد و از برای بهق بر آن موضع بنویسد و ان من
شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون
و در روایتی منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود که تیر تازه بگیر
و دهان قدر از بیه بزد و در را بر ستری یعنی صبر تازه بمال و بروی آتش بدم بگذار از مابین
وقت نماز ظهر تا نماز وقت عصر پس پاره کتان کهنه بگیر و آن تیر را بر آن طلا کن و بر روی جراحت
بگذار و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و بتیر آلوده کن و در میان جراحت
بگذار و در حدیث معتبر دیگر منقول است که خراجی در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بهلاکت
شد و اطبا جرات نمیکردند که نیشتر بزنند فتح بن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام
علی نقی علیه السلام فرستاد حال متوکل را عرض نمود حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر
دست و پای گوسفندان سرشته میشود بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بر آن جراحت بگذارید
چون این خبر رسید اطبا خندیدند که این چه فایده دارد در تن بر کفت که آنحضرت داناترین میکند
خلق است آنچه فرموده است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند در دستش ساکن
شد و بخواب رفت پس آن خراج گشوده شد و چرک بسیار آمد و دفع شد و شفا یافت و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی

پیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بآنحضرت از پیسی و بهق فرمود باید
که بحمام برد و حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر نخواهی دید اثر آنرا و از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام منقولست که گوشت گاو خوردن پیسی را برطرف میکند و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که هیچ چیز برای پیسی نافع تر نیست از تربت امام حسین علیه السلام
باب باران بخورد و بر آن موضع بمالد و فرمود که موی بغل امان است از خوره و از تربت رسول صلی الله
علیه و آله خوره را زایل میکند و فرمود که کسی خوره یا پیسی داشته باشد و بگریزید و بسیار نظر بایشان
مکنید و با ایشان معاشرت منمائید که سرایت میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقولست که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره که در بدن او هست و از امیکلا زد
خوردن شلغم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت بآنحضرت کرد که در بدن من ماده
طاعون بهم رسید فرمود که سبب بود آن شخص خورد عاقبت یافت نفعهم در معالجه امراض اندرونی
و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
از درد سینه حضرت فرمود که طلب شفا کن از قرآن زیرا که حق تعالی میفرماید که فیه شفاء
لما فی الصدور و دیگر در قرآن شفا هست برای آنچه در سینها است و از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت برادرم آزار درد شکم دارد
فرمود که بگو اندکی آب گرم با عسل بخورد روز دیگر آمد و گفت خورد و نفع نکرد فرمود که برو
و باز عسل بده تا بخورد و هفت مرتبه سوره حمد نزد او بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادر
منافق است باین سبب خوردن عسل باو نفع نمیبخشد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امیر المومنین علیه السلام شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخور و بخوانید عاقبت یا الله یا الله
یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک
یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد ناف فرمود که
دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو و انه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه

و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است ... [illegible]

تنزیل من حکیم حمید و در چند روایت دیگر وارد شده است که برای دفع قولنج و درد شکم سوره حمد و قل
اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بجامی با مشک و زعفران بنویسد و
این آیه و دعا نیز بنویسید اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التی لا ترام و بقدرته التی لا یمتنع منها
شیئ من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و شر ما احذر منه و با آب باران بشوید و بخورد ناشتا یا در
وقت خواب و در روایت دیگر منقول است که برای فالج و جمیع بادها نافع است و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت امام محمد باقر عم شکایت کرد از تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ
شوی دست بر موضع سجود بمال و بعد از آن بر موضع درد بمال و این آیات را بخوان افحسبتم انما
خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم و من
یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون و قل رب اغفر
وارحم و انت خیر الراحمین راوی گفت چنین کردم و بزودی برطرف شد و در روایت دیگر
از حضرت صادق ع منقول است که دست بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بسم الله و بالله
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما
احد فی حاضری و در هر مرتبه دست برآن موضع بکشد و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که برای
دفع الم سپرز این آیات را بزعفران بنویسید و باب زمزم بشوید و بخورد قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذالک
سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل
و کبره تکبیرا و منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی ع شکایت کرد از قراقر و صدای
شکم و گفت بمرتبه اثر میکند که با کسی که سخن میگویم شرمنده میشوم حضرت فرمود که چون
از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان اللهم ما عملت من خیر فهو منک لا حمد لی فیه و ما
عملت من سوء فقد حذرتنیه فلا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا احمد
لی فیه او آمن ما لا عذر لی فیه و در روایت دیگر همین دعا برای دفع نفخ وارد شده
است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بآنحضرت از پیچش شکم فرمود که

فرمود که آب بگیر و این آیات را بر آن بخوان یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر سه مرتبه پس بگو اولم
یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیئ حی افلا یؤمنون
پس آن آب را بخور و دست بر شکم بمالد و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات را بر
عن بخوانند و بر شکم بمالند بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا
فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و دسر ففتحنا علیهم ابواب کل شیئ باسم فلان
بن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل
شیئ حی افلا یؤمنون و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در
سفری بودند اسمعیل فرزند آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و درد پشت آنحضرت او را طلبیدند
و فرمودند که بر پشت بخوابد و این عمل را بجا آوردند که بسم الله و بالله و صنع الذی اتقن
کل شیئ انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الریح بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع
العلیم و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد
پشت فرمود که دست را برآن موضع که درد دارد بگذار و سه مرتبه این آیه را بخوان و ما کان
لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب
الآخرة نؤته منها و سنجزی الشاکرین و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در حدیث
دیگر منقولست که مفضل بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی نفس و گفت
اندکی راه میروم نفسم تنگ میگیرد و می نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود و کلینی در حدیث
حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سرفه حضرت
فرمود که قدری از انجدان رومی با همان اندازه شکر سفوف کن یک دو روز دیگر بخور آن شخص
گفت که یکمرتبه خوردم و برطرف شد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی
کاظم شکایت از مرض سل حضرت فرمود سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بذر بنج و خربق
و فلفل سفید اجزا را مساوی بگیرد و فرفیون را دو برابر بگیرد و یک اجزا بگیرد تمام اجزا را
حریر بیجوشد کند و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنی و بقدر یک نخود با آب گرم در شب بخورد

چنان که دوشفا یافت و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلم شکایت کرد
از سرفه فرمود دیگیر از زنجبیل سفید یکجزو و فلفل دو جزو و خربق سفید یکجزو و سنبل یکجزو و قاقله
یکجزو و یکجزو و خولنجان یکجزو و بذر البنج یکجزو و اجزا سائیده از حریر بیرون کن و مثل وزن تمام اجزا
عسل کف گرفته داخل کن و حبهای به قدر دانهای بسازد از برای سرفه کهنه و تازه در وقت خواب با آب
بنوشاند به نهم که دیگر بود در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدند
که آیا بحضرت علی میرسید دردهائی که به فرزندان آدم میرسد فرمود بلی در طفولیت بیماریهای مردم
باو میرسید و بعضی از بیماری خود را بو میرسید در تهیگاه اندر دهای بزرگان است در طفولیت
گاهی که او را عارض میشد بمادر خود گفت که عسل و سیاه دانه در روغن زیت با یکدیگر جمع کن و از برای
من بیاور چون می آورد کراهت داشت از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهت داری خود
طلبیدی میگفت که بعلم پیغمبری آن را طلب کردم و از برای جزع طفولیت دیدن می کراهت دارم پس
میگرفت و تناول میفرمود و در چند روایت وارد شده است که خوردن سبزها که از سبزها بریزد
در تهیگان را برطرف میکند و در روایت دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست
که بخور یاد ام و درد را جلا میدهد و درد های اندرون را برطرف میکند و در روایت دیگر فرمود
که بخور بادنجان درد تهیگاه را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که
حضرت خضر قبل از قرحه در جگر بهم رسید دعا کرد حق تعالی وحی فرمود که شیرهٔ انجیر را بگیرد
و بر سینه خود ریزد پس ورم بمالد چنان کرد شفا یافت و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
محمد باقر علیه السلم شکایت کرد از شدت درد سینه فرمود که پاره نفره بده و قطره به بحور آنرا بیار عن
عربی بریزد و سر درد بخورد ان بوده که از او سبز زواشته باشد که اگر خدا خواهد می یابد و کلینی
در حدیث دیگر بسند معتبر بکرد روایت کرده است که بحضرت امام موسی کاظم علیه السلم عرض کردند
که یکی از غلامان آنحضرت آزار سپرز دارد فرمود که سر دنده با دبخورد بنیلجوبن سه روز
خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که بخورد بدسرکه از شراب ساخته
باشند که کرمهای معده را میکشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که براي

که برای دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و بر روی آتش
بو بدهند و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آنحضرت
منقولست که برای دفع اسهال که برنج در دیک کن و با آب بجوشان و چهار یا پنج پاره سنگ در
زیر آتش بگذار تا سرخ شود و سه قلوه تازه را بگیرد با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه
دیگر بو سرش بگذار که بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن بیماب شود پس چون برنج بپزند
شود این روغن را بر روی نیش بریزد و بخورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی از زحیر شکایت
کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که گل ارمنی را بگیرد و بر روی آتش ملایم بو بدهد
و سفوف کن و بخورد و در حدیث دیگر فرمود که بدن تطوع با دو صمغ عربی و گل ارمنی را بو بدهد
و سفوف کرده بخورد که زحیر را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام
امام رضا علیه السلم شکایت کرد از درد بچشم شکم فرمود که دگانی بگیرد و بر روی آتش بگذارد
و چون مغزش بریان شود پوستش را بکن و بخورد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت
امام جعفر صادق علیه السلم شکایت کرد از قلق شکم فرمود که سیاه دانه را با عسل بخورد و در
حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم شکایت کرد از ضعف معده
فرمود که جزاه را با آب سرد بخورد و جزا گیاهی است شبیه بکرفس که آنرا میوه را میگویند
فصل دهم در معالجه اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امراض مثانه و سایر امراض در حدیث
معتبر منقولست که معلی بن خنیس بحضرت امام جعفر صادق عرض کرد از درد فرج فرمود
که عورت خود را در موضع کشوده که سزاوار نبوده و باین سبب این درد
در آن بهم رسیده دست چپ خود را بر فرج خود بگذار و این دعا را بخوان
بسم الله و بالله بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه و لا
خوف علیهم و لا هم یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیک و فوضت امری الیک
لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امیر المؤمنین شکایت کرد از درد رانها فرمود که آب گرم در طشت

بکن و دمیان آب بکن بلبنین و دست بران موضع که درد میکند بگذار و این آیه را بخواند اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام حسین علیه السلم آمد و شکایت کرد از درد باقر بود
که اول سوره انا فتحنا بخواند تا کان الله عزیزا حکیما و در روایت دیگر معتبر وارد شده است که
ابو حمزه بحضرت امام محمد باقر علیه السلم شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز عصر این دعا
بخوان یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و اعفنی
من وجعی چنان کردم درد بزودی شفا یافتم و در روایت دیگر منقولست که سالم بن محمد شکایت کرد
بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم از درد ساق پا و گفت که این درد مرا از همه کار عاجز کرده است
فرمود که این آیه را هفت مرتبه بخوان بران موضع و اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل
لکلماته و لن تجد من دونه ملتحدا و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین علیه
السلم شکایت کرد از درد پا فرمود که دست خود را بران موضع بگذارد و بگو بسم الله و بالله
والسلم علی رسول الله صلی الله علیه و آله و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته
یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون و در روایت دیگر
منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم شکایت کرد از درد دندان فرمود که این
آیات را در وقت خواب بخوان سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم تعلم ان
الله علی کل شیء قدیر الم تعلم ان الله له ملک السموات والارض وما لکم من دون الله من
ولی ولا نصیر و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی ع نوشت که
از شیعیان شما ولش بند شده است حضرت در جواب نوشت که آیات قرآن تا بسیار بر آن بخواند تا شفا
یابد و از حضرت امام محمد باقر منقولست که بجهت درد آیات آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل تا آخر سوره سه مرتبه بخواند و در هر مرتبه آب دهان بران موضع بیندازد و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بان حضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا را بخواند اللهم
انی اسئلک باسمائک و برکاتک و دعوة نبیک الطیب المبارک المکین عندک

صلی

عندک صلی الله علیه و آله و بحقه و بحق ابنته فاطمة المبارکة و بحق وصیه امیر
المؤمنین و بحق سیدی شباب اهل الجنة الا اذهبت عنی شر ما اجد بحقهم
بحقهم بحقهم بحقک یا اله العالمین چون این دعا را بخواند در حال درد ساکن شود
و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم شکایت کرد از عرق
النسا فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شود و دست بران موضع بگذارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و بالله اعوذ بسم الله الکبیر و اعوذ بسم الله العظیم من کل عرق نعار و من شر
حر النار آن شخصی سه مرتبه این دعا را خواند و از آن مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد
شده است که شخصی را لقوه در ادعا عارض شده بود بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم آمد
حضرت فرمود که بر دبر ضریح رسول خدا صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز بکن و دست بر او بگذار
و بگو بسم الله و بالله بهذا اخرج اقسمت علیک من عین انس او عین جن او وجع اخرج اقسمت
علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم الله موسی تکلیما و خلق عیسی من روح القدس لما
هدأت و طفئت کما طفئت نار ابراهیم اطفئی باذن الله اطفئی باذن الله دو مرتبه چنین
کرد و عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای مرضی که بفارسی رشته
میگویند پنج شتر را بدست بکند بی کار دو مغز او بتابد و هفت گره بران بزند و بر هر گرهی
سه مرتبه سوره حمد بخواند پس سه مرتبه بران رشته یا بدان شخص این دعا را بخواند بسم الله
الابد الابد المحیی الصمد القریب یا بعد الظاهر عن الوالد العالی عن ان یر لنا المجد یا داعی العزیز
بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر و ا
الخفیة یا من السموات بقدرته مرفوعات یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته
مرسات یا من بجابه طالب الغرق من کل افق و بلیته صلی الله علیه و آله علی محمد خیر خلقک
واشف اللهم فلان بن فلان بشفائک و دوائک بدلک و عافنی من بلائک انک قادر علی
ما تشاء و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
منقولست که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب

یا باری یا رحیم صل علی محمد و آله و رد علیّ نعمتک و اکفنی امر وجعی و در حدیث دیگر منقولست که
شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از بواسیر فرمود که یهوری هبیس را با عسل بنویس و بشوید
بخور و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که را دمی یا جراحتی
بهم رسد کارد را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد و الحدید
اثر العود و الحجر الملبود و من العرق الفاتر و من الورم الآجر و من الطعام و عقره و من الشراب
و برده امضی الیک باذن الله الی اجل مسمّی فی الانس و الانعام بسم الله فتحت و بسم الله ختمت
پس آن کارد را بزمین بکوبد فرو برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول صلی الله
علیه و آله را دامانکی یا درد سری عارض میشد دست میگشودند و سوره حمد و سوره قل هو
الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق میخواندند و دست را بر رو می کشیدند
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم که برای قولنج و باد ها و درد مفاصل
و سستی بدن و برودت اندرون یک کف شنبلیله را با یک کف انجیر خشک بگیرند و آنقدر آب
بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز بخورند تا آنکه
در مجموع روزها بقدر یک قدح بزرگ خورده شود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سر تا پایم را گرفته فرمود که عنبر و
روغن زیتون و زنبق را ناشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر منقولست که صباح بن محارب
بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی را لقوه در رویم رسیده است و درد
چشمش را بر کرد انیده است فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیرد در شیشه بکند و سرش را محکم
ببندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد و بقدر یک روز در تابستان و دو روز در زمستان پس
از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد و بر پشت بخوابد و بر آن طرف
بدن که کشته است بمالد و بر آن حال خوابیده باشد تا آن قرنفل خشک شود و چون چنین کند آن
مرض برطرف شود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت
کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از او می آید فرمود که اسفند را بگیر و شش

شش نوبت با آب سرد و یکنوبت با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس با روغن گل چرب کن
و سفوف کن و بخور و در روایت دیگر منقولست که برای ریک مثانه هلیله و بلیله و املج و فلفل
و دار فلفل و دارچینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان اجزا را مساوی گرفته بکوبند و بریزند
و با روغن گاو تازه را ممزوج کنند و دو برابر تمام اجزا عسل صاف کرده یا شکر بهنی داخل کنند
و هر مرتبه بقدر فندقی بخورند و در روایت وارد شده است که خوردن تره بواسیر را برطرف
میکند و در روایت دیگر فرمود که برنج و خرمای نارس بواسیر را زایل میکند و در روایت دیگر
منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام این دوا را برای دفع بواسیر فرموده هلیله و بلیله و آمله
اجزا را مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از مقل ازرق گرفته و در
آب تره بخیسانند سه شب پس این دواها را در میان آن ریخته خمیر کنند و دست را بروغن
بنفشه چرب کرده آنرا بقدر عدس حب کنند و در سایه بخشکانند و اگر در تابستان باشد
بقدر یک مثقال بخورند و اگر زمستان باشد دو مثقال بخورند و در آن ایام که این را می خورند
از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام
علی نقی شکایت کرد از گند دهان فرمود که خرمای برنی بخور دیگری شکایت کرد از
یبوست مزاج فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور چنان کرد فربه
شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی
را ناشتا بخور و آب بعد از آن مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که برای دفع زیادتی بلغم بگیر قندران رومی و کندر و ابتیمون و
سیاه دانه را اجزا مساوی یکی یکی نرم بکوب و بر بیزد و با عسل خمیر کن و هر شب در وقت
خواب بقدر یک فندق بخور و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بگیر از هلیله زرد یک مثقال
و از خردل دو مثقال و عاقرقرحا یکمثقال و لب بار نرم بکوب و ناشتا بدندانها بمال که بلغم را دفع
میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا و سودا را دفع

بکنند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند

فصل یازدهم در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع سحر و سموم گزندگان و سایر

بلاها در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که برای دفع

سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسند و با خود نگاهدارند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَمَا

شَاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللّٰهَ

لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

و در روایت دیگر فرمود که اگر از ساحری یا از ظالمی ترسی بعد از نماز شب پیش از شروع به نماز

صبح رو بجانب خانه او بکن و هفت مرتبه بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ

لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ و در روایت دیگر منقولست

که جبرئیل علیه السلام خبر داد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را که لبید بن اعصم یهودی سحر

برای آنحضرت کرده است پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را

طلبیدند و فرمودند که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آر پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

بآن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از زیر آب حقه بیرون آوردند بنزد حضرت رسول

آمدند در آن نجا زه کمانی بود که یازده گره بر آن زده بودند پس جبرئیل ع سوره قل اعوذ برب الناس

و قل اعوذ برب الفلق را آورد حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی این دو سوره را بر این

زه کمان بخوان هر آیه که حضرت میخواندند یک گره گشوده میشد چون هر دو سوره تمام شد تمام گرهها

گشوده شد و سحر برطرف شد پس موافق این حدیث و احادیث معتبره دیگر این دو سوره را

در دفع سحر تأثیر عظیم است و در احادیث معتبره وارد شده است که چشم بد را تأثیر میباشد

فرمودند که بسیار باشد که چشم آدمی را بقبر و شتر را بدیگ داخل میکند پس کسی که خوش آید او را

چیزی از کسی الله اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا ببرد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام منقولست که چون بترسد که چشم کسی در او یا چشم او در کسی تأثیر کند سه مرتبه بگوید ما شاء

الله لا قوة الا بالله العلی العظیم فرمود که هرگاه کسی با هیبات نیکو خواهد از خانه بیرون

بیرون رود سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و بیرون رود تا چشم بد او را تأثیر

نکند و در روایت دیگر فرمود کسی که اثر چشم بد او رسیده باشد دستها را بر دارد برابر رو بلند کند

و سوره حمد و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بخواند و دست بر پیشو

سر بکشد و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از شیاطین و جادوگران ترسد

آیه سخره را بخواند إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ

مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ

تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا

وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ و در روایت دیگر منقولست

که شخصی از حضرت امام جعفر صادق ع شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده

و وساوس شیطانی که برو دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ وَأَوْدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ

شَهْرِ رَمَضَانَ فَامْنُنْ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْغُفْرَانِ وَتَمَامِ مَا أَوْلَيْتَنِي

مِنَ النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَائِمُ يَا رَحْمٰنُ سُبْحَانَكَ وَلَيْسَ لِي أَحَدٌ

سِوَاكَ سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هٰذِهِ الْكَرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُجْلِيَ

عَنْ قَلْبِيَ الْأَحْزَانَ پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بسیار و در روایت دیگر

منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی عارض

میشود و چون بمیان مردم می آیم برطرف میشود فرمود که دست بر دل بگذار

و بگو بِسْمِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ پس دست بر دل بگذار و بمال و بگو أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ

وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ

وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ

عَلَىٰ نَفْسِي هفت مرتبه این دعا را بخواند و در روایت دیگر وارد شده است

که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از اندرون بسیار کردن و وسوسهای سینه فرمود که دست
بر سینه بکش و بکو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا اَجِدُ پس دست بر شکم بمال و بکو و سه مرتبه این دعا
بخوان آنشخص چنین کرد و آنحالت از او زایل شد و شیخ احمد ابن فهد در کتاب عدة
الداعی از برای کشودن کیسه او را بسته باشند بر زنش این دعا را نقل کرده است که بنویسد
و با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لك فتحا مبینا لیغفر لك الله ما تقدم
من ذنبك وما تاخر ویتم نعمته علیك ویهدیك صراطا مستقیما بسم الله الرحمن الرحیم اذا
جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره
اِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا اِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَالِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ اُدْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا
دَخَلْتُمُوهُ فَاِنَّكُمْ غَالِبُونَ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ
عَلَى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي
وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا كَذَالِكَ حَلَلْتُ فلان ابن
فلان علی فلانه بنت فلانه لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
چون زن یهودیه کوسفندی زهر آلود بنزد رسول خدا آورد و کوسفند بریان بسخن آمد
با آنحضرت گفت یا رسول الله مخور از من که مرا بزهر آلوده اند جبرئیل نازل شد و عرض کرد
که پروردگار سلامت میرساند و میگوید که این دعا را بخوان و بخور که آن زهر بتو آسیب
نمیرساند پس حضرت امر فرمود اصحاب را که همکی این دعا را خواندند و از آن کوسفند خوردند
پس امر فرمود ایشان را که حجامت بکنند و دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي يُسَمِّيهِ بِهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ
وَبِهِ يَعِزُّ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِنُورِهِ الَّذِي اَضَاءَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِي خَضَعَ

خَضَعَ لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَانْتَكَسَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ مِنْ شَرِّ السَّمِّ وَالسِّحْرِ وَاللَّمَمِ بِسْمِ الْعَلِيِّ الْمَلِكِ
الْفَرْدِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ
الظَّالِمِينَ اِلَّا خَسَارًا و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست که کسیکه از
شیر و حیوانات درنده بترسد و از سفلکان خود ترسد بر در خود و آنها خطی بکشد و بکوید
اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِيَالَ وَالْجُبِّ وَرَبَّ كُلِّ اَسَدٍ مُسْتَاْسِدٍ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ غَنَمِي و فرمود که کسی
که از عقرب ترسد این ایات را بخواند سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اِنَّا كَذَالِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلم بشخصی گفت
که چون شیر را به بینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بکو عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللّٰهِ وَعَظِيمَةِ
مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْاَئِمَّةِ ذَلِكَ راوی گفت که بشیر
برخوردم و این دعا را خواندم پس برکشت و از راه دور شد و دم را در میان پاهای خود کشید
و در حدیث دیگر معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلم عرض کرد
که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب در خرابها و جاهای هولناک بسر میبرم فرمود که
چون داخل خرابه شوی پای راست را پیش گذار و بسم الله بگو و چون بیرون آئی پای چپ را
پیش بگذار و بگو بسم الله که آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که
چون شیر را به بینی سه مرتبه در برابرش بگو اللّٰهُ اَكْبَرُ بگو اللّٰهُ اَعَزُّ وَاَكْبَرُ وَاَجَلُّ مِنْ كُلِّ
شَيْءٍ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُ و چون سگ بر روی تو فریاد کند و حمله کند این آیه را
بخوان يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوا
لَا تَنْفُذُونَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که برای دفع
ضرر جانوران زمین این دعا را بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول
الله صلی الله علیه و آله اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ
شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدِبُّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر گاه از عقرب ترسی نظر کن در شب بستاره

که نزدیک ستاره‌ای دو قسم بنات النعش است و سه مرتبه بگو اللّهمّ یا ربّ اسلم صلّ
علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم وسلّمنا من شرّ کلّ ذی شرّ راوی گفت که تا حال یکشب نخواندم
و در آن شب عقرب مرا گزید و در حدیث دیگر فرمود که از مار و عقرب کسی
که ترسد در اوّل شب این دعا را بخواند بسم الله و بالله وصلّی الله علی محمّد و آل محمّد اخذت
العقارب والحیّات کلّها باذن الله تبارک وتعالی بافواهها واذنابها واسماعها
وابصارها وقواها عنّی وعمّن احببت الی ضحوة النّهار و در روایت دیگر فرمود که
این دعا بخوانند بسم الله وبالله وتوکّلت علی الله ومن یتوکّل علی الله فهو حسبه
انّ الله بالغ امره اللّهمّ اجعلنی فی کنفک وفی جوارک واجعلنی فی حفظک واجعلنی
فی امنک بروایت معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که
اصحاب حضرت رسول صلّی الله علیه و آله بر بعضی از جنگها بآنحضرت از بسیاری
کیک شکایت کردند فرمود که در وقت خواب این دعا بخوان ایّها الاسود الوثّاب الّذی
لا یبالی غلقا ولا بابا عزمت علیک بامّ الکتاب ان لا تؤذینی واصحابی الی ان یذهب
اللّیل ویجیء الصّبح بما جاء و از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که هر که غضب
بر او مستولی شود اگر ایستاده باشد بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویشی غضبناک
شده باشد بدن او را بر بدن خود بچسباند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که در
هنگام غضب این دعا را بخوانند اللّهمّ اذهب عنّی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی
واجرنی من مضلّات الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من سخطک واسئلک جنّتک
واعوذ بک من نارک واسئلک الخیر کلّه واعوذ بک من الشّرّ کلّه اللّهمّ ثبّتنی
علی الهدی والصّواب واجعلنی راضیا مرضیّا غیر ضالّ ولا مضلّ و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقولست که چون چیزی را سقطان
انحوالط تو محو کرده باشد و خواهی که بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگوید
اللّهمّ انّی اسئلک یا مذکّر الخیر وفاعله والآمر به ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد

وتذکّرنی ما انسانیه الشّیطان و در احادیث معتبره وارد شده است که از برای
ادای قرض این دعا بخوانند اللّهمّ اغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمّن سواک
و شخصی بخدمت حضرت امام محمّد تقی علیه السّلام نوشت که قرض بسیاری دارم حضرت نوشت
که استغفار بسیار بکن و زبان را بشستن تر بدار بخواندن سوره مبارکه انّا انزلناه فی لیلة القدر
و در روایت دیگر فرمود که برای دفع پریشانی هر روز صد مرتبه سوره انّا انزلناه فی لیلة
القدر را بخوان و از حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام منقولست که برای دفع فقر و پریشانی که
بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله
و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله منقول است که هر که فقر بر او
بسیار رو آورد بگوید لا حول ولا قوّة الّا بالله و بدرستیکه این کلمه گنجیست از
گنجهای بهشت و در شفا دهای هفتاد درد است که کمتر آنها اندوهست و در حدیث بسیار معتبر
دیگر وارد شده است که هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا حول ولا قوّة الّا بالله
هفتاد نوع از بلاها از او دور کرده که سهلتر آنها غم و اندوه باشد و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که هر که هزار مرتبه ما شاء الله بگوید در آن سال او را حج
نصیب شود اگر در آن نشود نمرده بماند تا نوبت حج دیگر توفیق بیابد و در احادیث
بسیار وارد شده است که هر که بگوید لا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم دفع
انده ده میکند و در احادیث معتبر از حضرت علی بن الحسین علیه السّلام منقولست
که هر گاه من این دعا بخوانم پروا ندارم اگر جنّ و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن
من بسم الله وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله اللّهمّ الیک اسلمت
نفسی والیک وجّهت وجهی والیک فوّضت امری فاحفظنی بحفظ الایمان من
بین یدیّ ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی وادفع عنّی
بحولک وقوّتک ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و در روایت دیگر
منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام روزی نزد منصور دوانقی

رفتند و او را در نهایت شدّت غضب دیدند حضرت در وقت داخل شدن
این دعا را خواندند غضب او ساکن شد یا عدّتی عند شدّتی و یا غوثی عند
کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام و اکنفنی برکنک الذی لا یرام و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم منقول استکه برای غلام گریخته بر کاغذی آیة الکرسی
را مدوّر بنویسید و در میان آن بنویسید اللّهمّ السّمآء لک و الارض لک و ما
بینهما لک فاجعل و ما بینهما اضیق علی فلان و نام غلام را بنویسید من جلد حمل حتّی
ترّده علیّ و تظفرنی به و این دعا را نیز بخوانند و آن کاغذ را در موضعی که شبها
در آنجا می خوابیده است دفن کنند و چیز سنگینی بر بالایش بگذارد و در حدیث
دیگر فرمود که کسیکه مالی یا حیوانی گم شده باشد این دعا بخواند اللّهمّ انّک الله
من فی السّمآء و اله من فی الارض و عدل فیهما و انت الهادی من الضّالّة و تردّ
الضّالّة ردّ علیّ ضالّتی فانّها من رزقک و عطیّتک اللّهمّ لا تفتنّی بها مؤمنًا
و لا تغن بها کافرًا اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد عبدک و رسولک و علی اهل
بیته و از حضرت امام رضا علیه السلم منقول استکه برای گم شده بگویند و عنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الّا هو و یعلم ما فی البرّ و البحر و ما تسقط من ورقة الّا یعلمها
و لا حبّة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الّا فی کتاب مبین اللّهمّ
انّک تهدی من الضّالّة الضّلالة و تنجی من العمی و تردّ الضّالّة صلّ علی محمّد
و آل محمّد و اغفر لی و ردّ ضالّتی و صلّ علی محمّد و آله و سلّم و از حضرت امام امیر المؤمنین
علیه السلم منقولست که برای گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از
حمد سورهٔ یس بخوانند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللّهمّ
رادّ الضّالّة و الهادی من الضّلالة صلّ علی محمّد و آل محمّد و احفظ علیّ ضالّتی و ارددها
الیّ سالمة یا ارحم الرّاحمین فانّها من فضلک و عطائک یا عباد الله فی الارض
و یا سیّارات الله فی الارض ردّوا علیّ ضالّتی فانّها من فضل الله و عطائه و در روایت

و در روایت دیگر منقولستکه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدند که تعویذی
با خود میداریم و جنب میشویم چون است حضرت فرمود که باکی نیست امّا زن چون حایض شود
باید که تعویذی نداشته باشد و اگر نگاهدارد در میان پوست و فرمود که هرچه از دعا
و قرآن و تعویذ که خواهید برای گوفتها و دردها بخوانید امّا افسونها که معنیش معلوم
نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری از تعویذها و افسونها کفر است فصل دوازدهم
در فواید تربت شریف حضرت امام حسین علیه السلم و خواص بعضی از ادویهٔ مفرده در
احادیث معتبره بسیار وارد شده استکه در خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلم شفای
هر درد است و آن است دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هرکه را علّتی حادث شود و بتربت آنحضرت مداوا کند البته شفا یابد مگر
آنکه علّت مرگ داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفا می بخشد از هر
دردی و امان میدهد از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت آنحضرت
بر دارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلم
هیچ متاعی بجائی نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند که ببرکت کت
آن محفوظ بماند و در حدیث دیگر معتبر منقولستکه از ابن ابی یعقوب از حضرت امام جعفر صادق صادق
علیه السلم سؤال کردم که بعضی از مردم از تربت حضرت امام حسین علیه السلم میگیرند و منتفع
میشوند و بعضی نفع نمی یابند فرمود که والله که هرکه اعتقاد نفع داشته باشد البتّه نفع می
یابد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که زنی رشتهٔ بمن داده است که
بخدمت کعبهٔ معظّمه بدهم که جامهٔ کعبه را بآن بدوزند و حضرت فرمود که آن را بده عسل و ز عفران
بخر و خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلم را بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران
بریز و بر شیعیان بده که بیماران خود را بآن دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر حضرت
امام حسین علیه السلم شفای دردها است هرچند ثلث فرسخ دورتر باشد از قبر که بردارند
و در روایت دیگر فرمود که هفتاد ذرع از قبر تربت شفا را میتوان برداشت و در روایت

معتبر دیگر فرمود که هیچ چیز مثل این نیست از شفا بخشیدن مگر دعا و چیزی که ببرکت آنرا کم میکنند
در جاهای نامناسب گذاشتن و کم اعتقادی آنکسی است که میخورد اما کسیکه یقین داند که آن شفا[ست]
هر دو تمت که با آن معالجه کند البته آنرا بدوای دیگر احتیاج نمیشود و فاسد و کم میکنند نفع تربت را شیاطین
و جنیان کافر و خود را بان میمالند و بهر یک که میگذرد آن را میبویند و شیاطین و کافران جن رشک
میبرند بر فرزندان آدم پس خود را بان میمالند که بوی خوش و نفع اثر را کم کنند و هر تربتی که از حایر بیرون
می آورند آن قدر که نتوان شمرد از شیاطینی که از بیم ملائکه داخل حایر نمیشوند در بیرون مهیا میباشند
که تا از حایر بیرون آورند خود را بان بمالند و اگر تربت از ان سالم ماند هر بیماری که بخورد شفا یابد
در ساعت پس چون تربت برداری بپوشان و پنهان کن و نام خدا بران بسیار بخوان و من شنیده ام
که بعضی تربت را برمیدارند و ان را سبک میشمارند حتی آنکه در میان توبره چهارپایان یا در ظرف
طعام می اندازند از چنین تربتی چون شفا یابند بدرستی که صاحب یقین نیست باستخفاف بامور[ی]
که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بان حضرت
عرض کرد که مرا درد و مرض بسیار میباشد و هر دوائی که خوردم نفع نکرد فرمود که چرا تربت حضرت
امام حسین علیه السلام را نمیخوری که در آن شفای هر درد است و وقتی که تربت را برمیداری
بگو اللهم انی اسئلك بحق هذه الطينة وبحق الملك الذي اخذها وبحق النبي الذي
قبضها وبحق الوصي الذي حل فيها صل على محمد وال محمد واهل بيته واجعل لي فيها شفاء
من كل داء وامانا من كل خوف پرسید که شفای هر دردی را دانستم چگونه امانست از
هر خوفی فرمود که هرگاه از ظالمی یا از بلائی اندیشه داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه
خاک قبر آنحضرت با تو باشد در آن وقت که خاک را برمیداری بگو اللهم هذه طينة قبر الحسين
عليه السلام ووليك وابن وليك اتخذتها حرزا لما اخاف ولما لا اخاف و از ابو حمزه ثمالی منقو
لست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد بخوان
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و
یس و آیة الکرسی بخوان و بگو اللهم بحق محمد عبدك وحبيبك ونبيك ورسولك وامينك

وامینك وبحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عبدك واخی رسولك وبحق فاطمة بنت نبیك وزوجة
ولیك وبحق الحسن والحسین وبحق الائمة الراشدین وبحق هذه التربة وبحق الملك الموكل بها وبحق الوصی
الذی هو فیها وبحق الجسد الذی تضمنت وبحق السبط الذی ضمنت وبحق جمیع ملائكتك وانبیائك ورسلك
صل علی محمد واله واجعل هذا الطین شفاء لی ولمن یستشفی به من كل داء وسقم ومرض وامانا من كل خوف
اللهم بحق محمد واهل بیته اجعله علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء من كل داء وعلة وسقم وآفة وعاهة
وجمیع الاوجاع كلها انك علی كل شیء قدیر بگو اللهم رب هذه التربة المباركة المیمونة و
الملك الذی هبط بها والوصی الذی هو فیها صل علی محمد وال محمد وسلم وانفعنی بها انك علی كل شیء قدیر
و در روایت دیگر فرمود که وقتی که تربت را بخوری اول ببوس و بر هر دو دیده بگذار
و زیاده از یک نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانست که گوشت و خون ما را خورده است
و در وقتی که از قبر برمیداری بگو اللهم انی اسئلك بحق الملك الذی قبضها واسئلك
بحق النبی الذی خزنها واسئلك بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد وال محمد وان
تجعله شفاء من كل داء وامانا من كل خوف وحفظا من كل سوء پس تربت را بر پارچه
ببند و سوره انا انزلناه را بران بخوان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که تربت را بقصد
شفا نخور چنانست که گوشت ما را خورده است و چون بقصد شفا بخوری بگو
بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة ورب النور الذی انزل فیه
ورب الجسد الذی سكن فیه ورب الملائكة الموكلین به اجعله شفاء من داء كذا
وكذا و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و جرعه آب بعد از آن بخورد و بگو
اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من كل داء وسقم چون چنین کنی دفع میشود
آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه و در روایت دیگر فرمود که در خوردن این دعا
بخوان بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من كل داء انك علی كل شیء قدیر
اللهم رب هذه التربة المباركة ورب الوصی الذی واراته صل علی محمد وال محمد واجعل هذا الطین شفاء من
كل داء وامانا من كل خوف و از حضرت امام موسی کاظم منقولست که چون میت را دفن کنند در برابر

مهری از خاک حضرت امام حسین علیه السلام بگذارند و در حدیث دیگر فرمود که مؤمن میباید که از پنج
چیز خالی نباشد مسواک و شانه و جانمازی و تسبیحی از تربت که سی چهار دانه باشد و انگشتر عقیق
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگیرد و یکبار دعا ندیهد
استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته شود و اگر تسبیح را در دست نگه دارد و چیزی نگوید
بعد دهر دانه هفت استغفار برای او نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که خاک قبر حضرت
امام حسین علیه السلام را بو شد چنانست که گوشت حضرت امام حسین را خورده باشد
و بلانکه مشهور میان علما آنست که بقدر یک نخود میتوان خورد و چون از بعضی احادیث مدرس
تمام میشود بهتر آنست که زیاده از عدس نخورند اما خواص ادویه از حضرت امام جعفر صادق
صادق علیه السلام منقولست که هر که تب کند در شب اول بوزن دو درهم یا سه درهم برنج قطعو را بخورد
در آن مرض ایمن گردد از سرسام و ذات الجنب و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت عناب
بر سایر میوها مانند فضیلت ماست بر سایر مردم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول
که عناب تب را زایل میکند و در روایتی منقولست که ابن ابی الخصیب گفت که دیده من سفید
شده بود و چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دیدم فرمود که عناب را
بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم عناب را با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام
صحیح شد و بینا شدم و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
مداوا کنید بنا که اگر چیزی که مرگ را رد میکند ان بنا ست و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که چهار چیز است که طبیعتها را باعتدال می آورد انار
سورانی و ضمای نارس بخته و بنفشه و کاسنی و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که در سیاه
دانه شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در بعضی روایات وارد شده است که حضرت رسول صلی الله
پرسیدند که چاو ندا استعمال کنیم فرمود که بیست و یک دانه اش را در کهنه بکنید و یکشب در آب بخیسانند
و چون صبح شود در بینی راست دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانی و در روز دویم در بینی چپ دو و در روز
سیم در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره بچکان و در هر شب دانه ها را تازه کنی

کنی و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شخصی با آنحضرت
شکایت کرد از بسیاری آمدن بول از آزار میکشم فرمود که سیاه دانه در آخر شب
بخور فرمود که من از امتحان برای تب و درد سر و آزار چشم و درد شکم و جمیع
دردها و خبر از این شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که بر هر برگ و از برگ و دانه درخت اسفند ملکی موکل است که با تمام الله
او میرسد و ریشه اش و شاخش غم و سحر را برطرف میکند و در دانه اش
شفای هفتاد و دو درد هست پس مداوا کنید با اسفند و کندر و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که خانه که اسفند در آن هست شیطان
تا هفتاد خانه از آن خانه دوری میکند و آن شفا است از هفتاد مرض که آسان تر
آنها خوره است و بروایت دیگر منقول است که پیغمبری بخدا شکایت کرد از جبن
امت خود وحی باو نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند بخورند که باعث شجاعت
میشود فرمود که کندر برگزیده پیغمبران است و هیچ دودی زودتر از آن با سمان نمیرود
و آن دور کننده شیاطین و دفع کننده بلاها است از حضرت امام حسین علیه السلام منقول
است که بخورید انجیر را که برای دفع قولنج نافع است و فرمود که کند دهان را بر طرف
و استخوانرا محکم میکند و موی در بدن میرویاند و دردها را میبرد و از رسول صلی الله
علیه و آله منقول است که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند و نقرس
و غلبه و برودت را نفع میدهد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که هر که خورد فر عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی بهتر و نافعتر از آن نیست و حضرت امام
علیه السلام فرمود که بادروج از ما ست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که خوردن کاهو خون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که خوراک خضر و الیاس کرفس و دبلاست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که سداب بخورد و در شب و بخوابد در آن شب ایمن باشد از دردهای بیرونی

دانه رومی و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت زنیان و سیاه دانه و آویشن را صفوف میکردند و بعد از لبنیات و طعامی که بیم ضرر از آن بود تناول میفرمودند گاهی با نمک سوده ممزوج ساخته پیش از طعام میخوردند و میفرمودند که چون بامداد این را بخورم از خوردن هیچ چیز پروا ندارم و تقویت معده میکند و بلغم را برطرف می کند و امان می بخشد از لقوه و فرمود که حق تعالی برکت قرار داده است در عسل و در آن شفای جمیع دردهاست و بر آن هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سرکه شهاب بن دندانها را محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند و فرمود که خوردن اشنان زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و دهن را بدبو میکند و فرمود که هر که زنیان و گردکان با هم بخورد بواسیر را میسوزاند و بادها را دفع میکند و کرمها را کم میکند و فرمود که آویشن و نمک بادها را دفع می کند و سدّه ها را میگشاید و بلغم را میسوزاند و موجب ادرار بول میگردد و دهن را خوشبو میکند و معده را نرم میکند و لقوه را دفع و قوّت جماع را زیاد میکند و در چند حدیث وارد شده است که مالیدن نمک دفع زهر عقرب و گزندگان میکند

باب دهم در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف ایشان

فصل اول در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزان

و در احادیث بسیار معتبره وارد شده است رحم در روز قیامت چنگ در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هر که مرا در دنیا صله کرده است تو امروز او را برحمت خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث بسیار منقولست که نیکی کردن با خویشان باعث قبول اعمال است و مالها را زیاد میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دو طرف صراط امانت و صله رحم است پس کسی که در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است از صراط باسانی بگذرد و به بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانتها کرده است و قطع رحم کرده است عمل دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او را در آتش میافکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که صله رحم کردن و همسایگان نیکو سلوک کردن خانه ها را آبادان

آبادان و عمرها را دراز میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه منقولست که هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را زیاد کند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی سه سال از عمرش مانده است و بسبب صله رحم عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی از عمرش سی و سه سال مانده است و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقولست که شخصی از آن حضرت سؤال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند و اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم و حق اسلام فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مؤمن را ترک مکنید اگرچه به سلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر قطع صله رحم کنند مالهای ایشان بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه خصلت است که هر که مرتکب آنها شود نمیرد از دنیا تا عقوبت آنها را ببیند ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعتی بدکردارند و بسبب صله رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم خانه ها را از اهلش خالی میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه منقولست که هر که بر پای خود برود بجانب خویشان با بدن ایشان یا برای آنکه با ایشان بمالی مدد کند حق تعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بعدد هر گامی که بردارد چهل هزار حسنه در نامه عملش نوشته شود و چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال عبادت خدا باخلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس اند که داخل بهشت نمیشوند کسیکه همیشه شراب بخورد و یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هر که رعایت حق خویشان کند حق تعالی در بهشت باو صد هزار درجه کرامت کند که از درجه تا درجه دیگر صد ساله راه باشد یک درجه از طلا و دیگری از نقره و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزها که خدا در بهشت خلق فرموده است

و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در شب معراج دیدم رحمی بعرش آویخته و از
رحم دار رحم دیگر شکایت میکند به پروردگار خود پرسیدم که در چند پشت نسبت تو
او بهم میرسد گفت چهل پشت و در حدیث دیگر معتبر فرمود که ضامنم برای کسی که صله
رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و در روزیش افراخ کند و عمرش را زیاد کند و او را داخل
بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آنرا نمی شنود عاق پدر
و مادر و قطع کننده رحم و مرد پیر زناکار و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که بغلامی یا کنیزی بقدر حدی از حدهای الهی بزند بی آنکه جرمی از او صادر
شده باشد که بحسب شرع مستحق آن حد شده باشد کفاره نیست او را بغیر از آزاد کردن
او و در حدیث دیگر معتبر منقولست که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام پرسید که
بنده که فرمان صاحبش نمیبرد آیا حلال است زدن او فرمود که نه اگر موافق طبعت باشد
نگاه دار و اگر نه بفروش یا رها کن و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج یا شش تازیانه بیشتر مزنید و آنرا
هم برفق و هموار بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست که ضراره از آنحضرت سؤال کرد از زدن
بنده فرمود که هر چیزی در دست او تلف شود بی تقصیر او بر او چیزی نیست اما اگر دانسته
نافرمانی کند می توان زدن او را گفت چه مقدار بزنم فرمود که سه یا چهار یا پنج و از
حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست که جبرئیل پیوسته مرا وصیت میکرد در باب
غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که برای ایشان حدی مقرر خواهد کرد که چون بان حد
برسد آزاد شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بنده
که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند آزاد میشود بعد از آن خدمت باو فرمودن
حلال نیست و علما حمل کرده اند که این حدیث را بر آنکه سنت موکد است که بعد از هفت
سال او را آزاد کند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چهار صفت است که در هر که باشد حق تعالی او را ساکن گرداند در اعلا علیین

علیین در اعلا غرفهای شرف کسیکه پناه دهد یتیم را و متوجه احوال او گردد و از برای او بمنزله
پدر مهربان باشد و کسیکه رحم کند بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر
و مادر نماید و با ایشان مدارا کند و اعانت نماید و ایشانرا آزرده نکند و کسیکه تندی و سفاهت با بنده
خود نکند و او را یاری بر خدماتی که باو میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که به بندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و بایشان
بپوشانید آنچه خود میپوشید و در روایت دیگر منقولست که کسیکه تنها بخورد و عطای خود را از مردم
منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که اگر بر ایشان ظلم نکنی ایشان بر تو ظلم میکنند
دونان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر تقصیر ایشان مورد عتاب سازید
و در حدیث دیگر معتبر منقولست که روزی غلامی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ناپیدا بود و حضرت او را می
طلبیدند تا آنکه دیدند که در جائی خوابیده است بر بالین او نشستند و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس
فرمودند که ترا نیست که شب و روز بخوابی خواب کن شب خدمت کن روز و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست
که سه کسند که نماز ایشان مقبول نیست غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم نماید و
شخصی که پیشنمازی کند که باو راضی نباشند و زنی که شوهر او از او خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول ص و آله
منقولست که اول کسی که داخل بهشت میشود شهید است و غلامی که نیکو عبادت کند پروردگار خود را و خیرخواه آقای
خود باشد و مرد عیالباری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در احادیث معتبره از حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقولست که هر که بنده آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده او را از آتش جهنم آزاد گرداند
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مستحب است که در شب عرفه و روز عرفه بخدا تقرب
جویند بآزاد کردن و تصدق دادن فصل دویم در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله
از حضرت رسول ص ع منقولست پیوسته مرا جبرئیل وصیت می نمود برعایت همسایگان
تا گمان کردم که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند
حق تعالی بوی بهشت حرام گرداند برای او و مأوای او جهنم باد و فرمود که هر که از همسایه اش
بقدر شبری زمین خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوق گرداند تا او را چون

بمقام حساب آورند طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس بدهد و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت از گناهان
او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست پادشاهی
یا صاحب حکمی که اگر احسان با او کنی شکر نکند و اگر بدی کنی نگذرد و همسایه که چشمش ترا میبیند و دلش
هلاک ترا خواهد اگر نیکی ببیند بپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی ببیند ظاهر کند و منتشر گرداند و
زنی که اگر حاضر باشی ترا شاد نگرداند و اگر غایب باشی خاطرت با او مطمئن نباشد و در حدیث
دیگر فرمود که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را بهمسایه برساند و در حدیث
دیگر معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که آیا در مال بغیر از زکوة حقی هست
فرمود که بلی یکی نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن بمسلمانان بدرستیکه
که ایمان ندارد بمن کسیکه شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث
دیگر فرمود که از جمله حقوق مال حق ماعون است که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه
منع آن نماید و آن قرضی است که بعمل سایه دهد بایشان و چیزیکه بایشان کند یا ضروریات خانه که بایشان
عاریه دهد راوی عرض کرد که همسایگان داریم اگر چیزی بایشان عاریه بدهیم میشکنند و ضایع می
کنند در اینصورت بر ما گناهی هست اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد بر شما گناهی
نیست و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه کسی ماعون را منع نماید از همسایگان حق تعالی منع
کند از او خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و هر که را خدا بخود واگذارد وای بر
حال او و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر که منع بکند
قرض دادن خمیر و نان را و طلبیدن آتش را که این امور باعث زیادتی روزی میشود در اهل
خانه یا آنکه از جمله مکارم اخلاق است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که زنهار متعرض
حقوق نشوید یکدیگر را بر خود لازم کنید و آنچه از خرجها که بر قبیله واقع میشود بهمدیگر مضایقه مکنید

مکنید و اگر در قبیله شما کسی شما را تکلیف بکند که ضررش بر شما زیاده از نفعی باشد که بان
میرسد قبول مکنید و در حدیث دیگر معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
در بیماری بعیادت صعصعة بن صوحان که از بزرگان اصحاب آنحضرت بود تشریف آوردند
پس فرمودند که باینکه من بعیادت تو آمدم فخر مکن بر قوم خود و اگر ایشان را در امری ببینی
خود را از آن امر کنار بگیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و بایشان محتاج است
و اگر یاری ایشان نکنی یک یاری را از ایشان منع کرده و یاریهای بسیار ایشان را از خود گردانیده پس
اگر ایشان را از خود گردانیده پس اگر ایشان را در حال خود ببینی یاری ایشان بکنی بدان امر و اگر در
بلای باشند ایشان را امداد نما و باید که یاری کردن شما یکدیگر را در طاعت خدا باشد بدرستیکه
همیشه در رفاهیت و نعمت خواهد بود اگر یاری یکدیگر بکنید در طاعت خدا و بازایستید از
معصیت خدا و در حدیث معتبر دیگر منقولست که اسیر چند را بنظر حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آوردند از کافران پس یکی از ایشان را امر کرد که گردن بزنند در آنحال جبرئیل علیه السلم
نازل شد و گفت یا محمد اسیر را که میخواهی گردنش را بزنی بدرستیکه طعام میخوراند و مهمانداری
میکند و خرجهایی که در میان قبیله واقع میشد و بارهای گران اهل قبیله را بر دوش خود بر
میداشت پس آنحضرت بان اسیر فرمودند که خدای تعالی جبرئیل را فرستاده است و من ترا آزاد
کردم از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود
بلی اسیر گفت شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری تو بحق آن خدائی که ترا براستی فرستاده است
که هرگز از مال خود کسی را برنگردانیده ام و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن مال
یتیم بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که کفالت و نگاه داری کند یتیمی را و آنرا نفقه دهد من و او در بهشت
مانند این دو انگشت باهم باشیم و اشاره با انگشت شهادت و میان کرد و در حدیث دیگر
فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را بدهد تا او مستغنی شود از او خدا
برای او واجب گردانید بهشت را چنانچه برای خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است و در

معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر مؤمن و زن مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشند
از روی ترحم حق تعالی ببعدد هر موئی که دستش بر آن میگذرد حسنه برای او بنویسد و در روایت
دیگر منقولست که بهر مؤمنی حقتعالی ببعدد هر موئی که دستش بر آن میگذرد حسنه برای او بنویسد
و در روایت دیگر منقولست که بهر مؤمنی حقتعالی نوری باو کرامت کند در قیامت و در حدیث
دیگر معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد
و خواهد دلش نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند
و با او مهربانی کند و از روی شفقت دست بر سرش بمالد بدرستیکه یتیم را بر مردم حقی عظیم هست و در
حدیث دیگر فرمود که چون یتیمی بگرید عرش الهی بلرزد پس پروردگار فرماید که کیست آنکه بگریه
آورده است این بندهٔ مرا که پدر و مادر را در خاک کرده ام بعزت و جلال خود سوگند میخورم که از هیچ
بندهٔ او را ساکن نکرداند مگر آنکه بهشت برای او واجب گردانم و در احادیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حقتعالی در قرآن مجید برای کسیکه مال یتیم بناحق بخورد دو عقاب مقرر
ساخته است یکی عذاب جهنم در آخرت دویم آنکه در دنیا بعد از او با یتیمان او بکنند آنچه
با یتیمان او کنند آنچه با یتیمان دیگران کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که حقتعالی در قیامت جماعتی را محشور گرداند که دهانهای ایشان شعلهٔ آتش بیرون آید و آن
جماعتی باشند که مال یتیمان خورند چنانچه حق تعالی میفرماید که بدرستیکه آنجماعتی که مال یتیمان
میخورند بظلم نمی خورند در شکم خود مگر آتش و بزودی آتش افروخته جهنم شوند و بدانکه ولی
یتیم که تصرف در مال میتواند نمود پدر است و جد پدری و وصی که ایشان تعیین کنند و اگر
اینها نباشند حاکم شرع یعنی امام ع و کسی که آنحضرت تعیین فرموده باشد و اگر امام حاضر
نباشد اکثر علما را اعتقاد آنست که مجتهدین جامع الشرایط میکنند یا کسیکه او نصب کرده باشد
و از احادیث معتبر ظاهر میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط
اموال ایشان میتوانند شد که آنچه صرفه و غبطه ایشان در آن باشد رعایت کنند
و اگر بدایشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان باشد بقدر جهد خود

خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند که زیاده از اخراجات متعارف
آن عمل پس ندارد و هم چنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت در صرفه ایشان
بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشند که وفا بقرض کند از مال ایشان قرض بر ندارند و اگر
پدر و جد پدری بر ایشان باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر
پدر و جد پدری بر ایشان مادر هم بر ایشان باشد نفقه او را هم از مال یتیم میتوانند داد و اگر
قدر خرج طفل را حساب کنند و با نفقه خود ضم کنند و با هم چیزی بخورند باکی نیست **فصل سیم**
در حقوق صداقت و اخوت در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در
وقت فوت وصیت نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که برادری کن با برادران خود از برای خدا
و دوست دار صالحان را برای صلاحشان و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که برادر
مؤمنی بگیرد خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت رسول ص منقولست که کسی بعد از سلام
فایده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا گرفته باشد و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که بسیار است که اندوه گین میشوم
بی سببی که اهل و یاران من مشاهده میکنند فرمود که حقتعالی مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و از نسیم
رحمت خود در ایشان جاری گردانیده باین سبب مؤمنان برادر پدر و مادری یکدیگرند چون
بروح یکی از مؤمنان اندوهی رسد مؤمنان دیگر برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نظر کردن بروی امام عادل عبادتست
و نظر کردن بروی عالم عبادت است و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برای
خدا عبادت است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که برادران دو نوعند یکی
برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگر برادران خندیدن و صحبت اما
اول پس ایشان بمنزله دست و بال و اهل و مال اند پس چون برادران چنین اعتماد داشته
باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش دشمنی
کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن و بدانکه این قسم برادران

کمترند از کوکرد سرخ که اکسیر است و امام فرمود پس تو لذت صحبت ایشان را بیاب این برادران ایشان قطع مکن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره وارد شده است که اخوت و برادری در آشنائی در عالم ارواح در میان بهم رسیده و در این نشأ چون یکدیگر را دیدند آنرا بیاد می‌آورند و در احادیث معتبر دیگر وارد شده است که مؤمن برادر مؤمن است و دلیل او است و راهنمای اوست با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب نمیدهد و با او که وعده دهد خلف وعده نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت صادق ع منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدی چند دارد که هرگاه آنها در او نباشد او را بکمال صداقت نسبت مده و کسیکه هیچ یک از اینها در او نباشد بهیچ چیز از صداقت او را نسبت مده اول آنکه آشکار و پنهانش با تو یکی باشد دوم آنکه زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیم آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی سلوک او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه تواناتی او برسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت نکبتها و بلاها ترا وانگذارد و ترک یاری تو را نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو بغضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر و در حدیث دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر و دوست خود مکن که راز های خود با او بسپاری که در وقتی که او از تو برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا ع منقولست که محبت بیست ساله خویشاوندیست و علم اهلش با یکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد از پدران و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومتی بهم رسانده و دو یک الحجه بیشتر با تو دوستی میکرد بکند دوست بدی نیست از برای تو و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که دوستی با دوستان خود بهموار بکن که شاید روزی دوست تو شوند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که مطلع مگردان دوستان خود را بر اسرار خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند بتو ضرری نرسد زیرا که گاه هست که دوست یکروزی دشمن بشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که بهترین عیش دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستان است و حضرت لقمان به پسر خود گفت که صد کس مصاحب

مصاحبت کن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مشو که فرزند بدان باشی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که پنج چیز است که در هر که نباشد زندگی برای او گوارا نیست صحت بدن و امنیت و توانگری و قناعت و مونس موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر که را بنده دشمن دارد از دلش و زجر کنند او از نفسش و مصاحبی که او را براه خیر ارشاد ننماید شیطان بر گردنش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان بد خود مکن که دوستی احوالت بنا بیکی مبدل میشود فرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد خود را متعرض قطع محبت شدن ساخته است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند کسی را که گمان بد با او میبرد و هر که راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنی که از دو کس گذشت فاش میشود و چون با برادری کنی اختیار او بلی بر محل نیک حمل کن تا آنکه برحدی برسد که دیگر محمل نیک نیابی و زینهار که گمان بد مبر بسخنی که از برادرت صادر شود تا محمل نیکی برای او بیابی و با برادران نیک که ایشان در وقت رفاهیت تهیه اند برای وقت بلا بسیار ندیده ای دفع اعدا و مشوره با جماعتی کن که از خدا میترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان دوست میدار و پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان برحذر باش و از حضرت امام رضا ع منقولست که اگر خواهی که تمام شود برای تو نعمت و کامل شود برای تو مروت و صلاح خود آید برای تو امور معاشت پس شریک مکردان غلامان و مردان دون را در کارهای خود که اگر ایشانرا امین گردانی خیانت میکنند و اگر سخنی گویند با تو دروغ میگویند و اگر بلای ترا بلیند آید بیاری تو نمیآیند و با عاقل مصاحبت بکن هرچند کریم نباشد و از عقلش بهره ور شو و از خلق بدش احتراز کن و با کریم مصاحبت کن هر چند عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع شوی دیگر نهایت گریختن از احمق که بخیل باشد فصل چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر از معلی بن خنیس منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود که هفت حق است

که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت خدا بدر رفته
و دوستی که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی و بعمل نیاوری و رعایت آنها نکنی
اول آسانترین آن حقوق آنست که آنچه از برای خود دوست میداری از برای او دوست
داری و آنچه از برای خود نمی خواهی از برای او نخواهی دویم آنکه بپرهیزی از غضب او و بپیروی
خوشنودی او و لیکن آنچه فرماید اطاعت کن سیم آنکه او را یاری کن بجان و مال و بزبان و دست
و پا چهارم آنکه دلیل و راهنمائی او و آینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه باشد و تو
سیراب نباشی و او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر خدمتکاری
داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامه اش را بشوید و طعامش را
بپزد و فرش خوابش را بگستراند هفتم آنکه اگر تو را قسم دهد بعمل آوری و اگر تو را بخواند دعوت او را
قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادت او بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی
دارد پیشی گیری برآوردن آن پیش از آنکه او سؤال کند چون چنین کنی پیوند کرده محبت خود را بمحبت
او و محبت او را بمحبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن
نیست و بسند حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن را
نذریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده مؤمن کند اول ابتدا بخلف وعده خدا کرده است و متعرض
غضب الهی شده است و در چند حدیث حسن دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که
هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجبست آنکه در حضور او را تعظیم نماید و محبتش
در سینه او باشد و مال خود را با او صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود بعیادتش برود
و بمیرد و بجنازه اش حاضر شود و بعد از مرگش بجز نیکی او چیزی نگوید و بسند حسن از حضرت امام
محمد باقر علیه السلم منقولست که دوست دار برادر مسلمان خود را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی
و مخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او سؤال کن و هرگاه از تو سؤال کند باو عطا کن
و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم از تو ذخیره نکند و یار او باش تا او نیز یار تو باشد اگر غایب شود حرمت

حرمت او را غایبانه نگاه دار و چون بیاید به دیدن او برو و او را بگرامی دار و در بلدرستی که او از تو است و تو از
اوئی و اگر با تو در مقام عتاب باشد از او جدا مشو تا کینه را از سینه او بدر کنی و اگر نعمتی باو برسد خدا را شکر کن
و اگر بلائی او را پیش آید یاور او باش و با او مهربانی را زیاد کن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست
که مسلمانرا بر برادر مسلمان شش حق است هرگاه که باو برسد سلام کند و هرگاه بیمار شود بعیادت او برود
و هرگاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد او را عیادت کند و هرگاه او را بضیافت بطلبد قبول کند و از برای
او دوست دارد آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه از برای خود دشمن میدارد و بسندهای
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه صبح کند و اهتمام باموری مسلمانان نداشته باشد
او مسلمان نیست و فرمود که محبوبترین مردم کسیست که نفعش بمردم بیشتر برسد و فرمود که هر که از گروهی مسلمانان
ضرر آبی یا آتشی دفع کند بهشت او را واجب میشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که حق مؤمن
بر مؤمن آنست که او را بدل دوست دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر بسفری رود باحوال اهل او بپردازد
و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او غایب باشد بهره او را برای او بگیرد
و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند و بر روی او اف نگوید
و اگر اف گوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر بگوید تو دشمن منی یکی از ایشان باشند زیرا که
دروغ گفتنه کافر است و اگر راست گفته آن دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است و چون او را تهمتی
متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانکه نمک در آب میگدازد و در حدیث دیگر فرمود که باید برای برادر
مسلمان خود را بخواهد آنچه برای عزیزترین اهل خود میخواهد و نخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود
نمیخواهد و دوستی را خاص کرداند از ثواب با آنکه در شادی او شاد باشد و در اندوه او اندوهگین باشد
و اگر تواند سعی کند که غم او را زایل کرداند و الا دعا کند که خدا وی را زایل گرداند و در حدیث دیگر منقولست که
شخصی بخدمت آنحضرت آمد پرسید که برادران خود را بچه حال گذاشتی گفت بنیکو حال گذاشتم ایشانرا
فرمود که توانگران ایشان چگونه باحوال فقیران میرسند گفت کمتر گفت که توانگران چه قدر بیاد فقیران
میروند گفت کم فرمود که توانگران چه قدر احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائی که در میان
ما اینها نباشد فرمود که پس چگونه ایشان دعوای تشیع میکنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران و نیکوکاران

باشید و از برای خدا با یکدیگر نیکوئی کنید و بدیدن یکدیگر بروید و بنشینید با یکدیگر و دین ما و احادیث ما را
یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که واجب است از برای مؤمن بر مؤمن که هفتاد
کبیره او را بپوشاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که واجب است از برای مؤمن بر مؤمن
که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخیرخواهی خلایق که هیچ
عملی نزد خدا از این بهتر نیست فصل سیم در قضای حاجت مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان
نمودن و شاد گردانیدن ایشان و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسالت پناه رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که مؤمنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هر که مرا شاد گرداند خدا را شاد گردانیده است
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که تبسم کردن در روی برادر مؤمن حسنه است
و دور کردن خاری که بر روی مؤمن را خوب نگه دارد بکند و خاشاک از او دور داشتن حسنه است و هیچ عبادتی را
خدا دوست تر ندارد از شاد کردن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود بحضرت
موسی علیه السلام که از بندگان من کسی هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم و ایشان را حاکم میگردانم در
بهشت حضرت موسی علیه السلام عرض کرد پروردگارا کیستند ایشان فرمود که هر که سروری بر مؤمنی داخل کند
پس حضرت فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در مقام آزار او بود و او گریخت و
بشهر کافران رفت و پناه بخانه کافری برد آن کافر او را جا داد و مهربانی و ضیافت کرد و چون وقت مرگ آن کافر
شد حق تعالی باو وحی فرمود که بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جائی میبود هر آینه
ترا در بهشت در می آوردم و لیکن بهشت حرام است بر کسی که کافر مرده باشد پس خطاب نمود با آتش
جهنم که او را بترسان اما مسوزان و امر فرمود که در اول و آخر روز برای او روزی ببرند و بسند
حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی وحی نمود بحضرت داود که بنده از
بندگان من حسنه بنزد من می آورد و بهشت را برای او مباح میگردانم حضرت داود عرض کرد که آن حسنه
کدام است فرمود که بر بنده مؤمن خوشحالی داخل کند اگر چه بیک دانه خرما باشد حضرت داود گفت
سزاوار است که کسی که ترا بشناسد قطع امید خود را از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که
کسیکه مؤمن را شاد کند نه او را شاد کرده است بلکه ما را شاد کرده است بلکه حضرت رسول

را شاد کرده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون
آید با او شخصی بیرون میآید و میگوید بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا و خوشحالی پس مؤمن باو
میگوید که خدا ترا بشارت بنیکی بدهد پس با او می باشد و بهر هولی که میگذرند میگوید این از تو نیست
و پیوسته او را چنین بشارت میدهد تا بمقام حساب در آید پس چون امر کنند که او را به بهشت برند
باو میگوید بشارت باد که خدا فرموده است که ترا به بهشت برند مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا
اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خدا خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل
برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن روز خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در تنهائی
مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی هزار حسنه برای او بنویسد و
در حدیث دیگر فرمود که هر که یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی در قیامت صد هزار حاجت
او را برمی آورد که یکی از آنها خواستن بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت
کند اگر ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن حاجت برادر مؤمن بهتر است
از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجنگ فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که
بهتر است از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجنگ فرستادن و در حدیث دیگر فرمود
که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند و در حدیث دیگر معتبر از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که یک حج بهتر است از هفتاد بنده آزاد کردن و ضح
و نفقه دادن اهل بلخ را از مسلمانان که ایشان را اسیر کنند و بپوشاند در دیار ایشان از سؤال کردن
حفظ کند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که هفت شوط
دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار گناه محو کند
و شش هزار درجه برای او بلند گرداند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت
مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را
برآورد حق تعالی او را ندا کند که ثواب تو بر منست و راضی نمیشوم برای تو بغیر از بهشت
و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای برآوردن حاجت مؤمن راه رود حق تعالی دو

ملک را موکل کرده اند از جانب راست و چپ او که برای او استغفار کنند و دعا کنند که حاجتش برآورده شود و در
حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقول است که هر که برادر مؤمن او بنزد او بیاید برای حاجتی آن رحمتی
است که خدا بسوی او فرستاده است اگر قبولش کند پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و
دوستی ما بدوستی خدا موصول است و اگر او را رد کند و او قادر بود که حاجتش را برآورد
حق تعالی بر او مسلط گرداند در قبر ماری از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در قیامت خدا او را
بیامرزد و خواه عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی بنزد
او بیاورد و او قادر نباشد بر برآوردن حاجت او و دلش غمگین شود بسبب این خدا بهشت را برای او
واجب گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مؤمنی که در حاجت برادر مؤمن خود
راه رود ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه در بهشت برای او
بلند کنند و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که خدا را بندگان هست که سعی میکنند در حاجت مردم ایشانند
ایمنان در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کند حق تعالی در قیامت دل او را شاد گرداند و
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که راه رود برای حاجت برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد
که او را سایه کنند و هر قدمی برای او حسنه بنویسند و گناهی محو نماید و درجه او را بلند کنند و چون از
کار ساختن او فارغ شود حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که چون راه روم در حاجت برادر مسلمان دوست میدارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را
بر اسبان زین و لجام کرده سوار کنم و بجهاد فرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند
راه رود در حاجت برادر مسلمان خود از برای رضای خدا حق تعالی برای او هزار هزار
حسنه بنویسد که بسبب آن خویشان و همسایگان و آشنایان او را بیامرزد و بیامرزد هر که با او نیکی
کرده باشد و در قیامت با او خطاب رسد که داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است
او را بیرون آور و داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهلبیت رسول باشد و فرمود که حق تعالی فرموده
که خلایق عیال منند محبوب ترین ایشان نزد من کسی است که با ایشان مهربان تر باشد و سعی در برآوردن

باعث مدد کن

در برآوردن حاجات ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بزیارت برادر مؤمن خود برود در هنگام بیماری
و سختی و بسبب غم او را بردارد و حاجت او را برآورد حق تعالی واجب گرداند برای او هفتاد و دو رحمت
که یکی را در دنیا باو بدهد که کارهای دنیای او باسانی ساخته شود و هفتاد و یک رحمت دیگر
برای آن ذخیره کند بجهت مصطفا و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد
حق تعالی غمهای آخرت را از وی بردارد و چون از قبر بیرون آید دلش شاد و مطمئن باشد
و هر که مؤمنی را طعام دهد حق تعالی او را از میوهای بهشت طعام دهد و هر که مؤمنی را آب دهد
حق تعالی او را از حوض کوثر سیراب گرداند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی
بردارد حق تعالی حاجات دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق تعالی
هفتاد عیب او را از عیبهای دنیا و آخرت او بپوشاند و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن
است خدا یاور اوست و در حدیث معتبر از حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام منقول است که
هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد
و هر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را
بر ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن از صراط در وقتی که قدمها بلغزد و هر که حاجت مؤمنی را
برآورد که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد و هر که
مؤمنی را آب دهد در وقت تشنگی خدا تعالی از شراب سر بمهر بهشت او را سیراب گرداند
و هر که مؤمنی را سیر کند حق تعالی او را از میوهای بهشت سیر گرداند و هر که بر مؤمنی جامه بپوشاند
در وقتی که عریان باشد خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در
وقتی که عریان باشد و هم عریان نباشد همیشه در ضمان خدا باشد از بلاها تا از آن جامه
تاری باقی باشد و هر که خادمی باو دهد حق تعالی او را از پسران بهشت خادم دهد و هر که او را در
وقت پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را در قیامت بر ناقه از ناقه های بهشت سوار کند
که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مؤمن چنان
باشد که او را جامه داده باشد از هنگام ولادت تا هنگام مردن و هر که زنی بمؤمن

بمؤمنی بدهد که با او انس گیرد حق تعالی ملکی را در قبر مونس او گرداند بصورت محبوب ترین افراد اهل
او نزد او و هر که در بیماری عیادت مؤمنی کند ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشا حال
تو گوارا باد بهشت از برای تو والله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن
و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که خدا
در قیامت سایه مقرر ساخته است که در زیر آن سایه نیست مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر یا مؤمنی که
بنده مؤمنی را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمنی را ادا کند یا مؤمنی که مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث
صحیح فرمود که امام جعفر صادق علیه السلام که مؤمنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی
امر فرموده باشد که او را بجهنم برند و ملک او را برد بجهنم خطاب کند که مؤمن بمن یاد دم برس که در
دنیا من بتو نیکی میکردم حاجت تو را بر می آوردم مؤمن بملک گوید که دست از او بردار حق تعالی
فرماید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرد او را بگذارد در حدیث دیگر معتبر از حضرت علی بن
الحسین علیه السلام منقول است که بگردان مسلمانان را نزد خود بمنزله اهل خانه خود و پیران ایشان را
بمنزله پدر خود بدان و خوردان ایشان را بمنزله فرزند خود و آنها که هم سن تو اند بمنزله برادران
خود بدان پس کدام یک از اینها میخواهی که ستم یا نفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان
خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر است
بگو که او در ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خوردتر از خود را
ببینی بگو که بیشتر از او گناه کرده ام پس او از من بهتر است و اگر همسال خود را ببینی بگو که
یقین بگناه خود دارم و در گناه او شک دارم پس او از من بهتر است و اگر ببینی مردم ترا
تعظیم و تکریم میکنند بگو این از کناهی است که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی بر تو آسان
شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان شاد شوی و از
بدی ایشان دلتنگ نشوی و بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است که خیرش بایشان برسد
و از ایشان مستغنی باشد و سؤال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا عاشق مال میباشند هر که با
ایشان در مال مزاحمت نرساند عزیزتر است نزد ایشان و هر که مزاحمت نرساند و از مال

خود

و از مال خود یاده بایشان میرساند عزیزتر است و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی یکی از اصحاب
خود گفت که آنچه نمیخواهی با تو کنند با هیچکس مکن و اگر کسی طپانچه بر جانب روی راست تو زند
جانب چپ را پیش کن و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر مسلمانی که
دیگری نزد او بیاید برای حاجتی و او قادر باشد بر برآوردن آن و بر نیاورد حق تعالی او را
در قیامت سرزنش و تعییر نماید و بگوید که برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد که من تو را
قادر کرده بودم بر برآوردن آن و بر نیاوردی برای آنکه ثواب او را نخواستی بعزت
خود سوگند میخورم که در هیچ حاجتی نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه
عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که منع کند از مؤمنی چیزی را که او
بآن محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از دیگری بدو برساند حق تعالی او را یاری نکند و باز دارد
تا او در روز قیامت روی کبود و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس بگوید که این خائنی است که با خدا و رسول خیانت
کرده پس بفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در قیامت کسی که
در سایه عرش الهی باشند در روزی که سایه بغیر آن نباشد و کسی که برادر مسلمان خود را زنی بدهد و
خادمی با و دهد و کسی که راز او را پنهان دارد فصل ششم در زیارت مؤمنان و عیادت بیماران
در حدیث معتبر وارد شده است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام که هر که بدیدن برادر
مؤمن خود رود از برای حق تعالی هفتاد هزار ملک با و موکل گردانند که او را ندا کنند تا بجای
خود برگردد که خوشا بحال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و در حدیث معتبر منقول است که حضرت
رسول فرمود که جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد که حق تعالی ملکی را بزمین فرستاد ملک رسید بمردی که بر در خانه
استاده بود و از صاحب خانه رخصت میطلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که با صاحب خانه چکار داری
گفت برادر مسلمان من است از برای خدا بدیدنش آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب بغیر از این نداری
گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو و ترا سلام میرساند و میگوید بهشت را واجب
گردانیدم برای تو و میفرماید که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی برود چنان است که بزیارت من آمده است
و ثواب او بر من بهشت است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر که بدیدن برادر مؤمن

برود بخانه او حق تعالی او را خطاب فرماید که مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمان داری تو بر من است

بهشت را بر تو واجب کردانیدم ام بسبب آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از آنحضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مؤمنی که بیرون می آید بعزم دیدن برادر مؤمن خداوند عالمیان ملکی را

موکل کرداند که یک بالش را بر زمین میکذارد و یک بال دیگر بر سرش سایه می افکند پس چون داخل خانه مؤمن

میشود خداوند جبار او را ندا کند که ای بنده که تعظیم من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است

بر من که ترا تعظیم کنم از من سؤال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت دعای تو کنم و اگر خاموش باشی

تا من ابتدا برحمت کنم پس چون برکردد ملک او را متابعت کند و بال خود را بر سر او داشته باشد تا

بخانه خود برکردد پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرک شمردی لازم است بر من که ترا

کرامی دارم به تحقیق که واجب کردانیدم برای تو بهشت را پس و ترا در حق بندکان خود شفاعت دادم و از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بدیدن برادر مؤمن رفتن از برای خدا بهتر است از بنده آزاد

کردن حق تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از آتش جهنم آزاد کند و در حدیث دیکر معتبر منقولست که

آنحضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان و بکو خدا رحمت کند بر بنده که با

دیکری بنشیند و یاد کند احادیث ما را که سیم ایشان ملکیست که از برای ایشان استغفار میکند و هرگاه که با

یکدیکر بنشینند یاد ما و احادیث ما بکنند که بسبب همنشینی و مذاکره شما مذهب و دین ما برای شما زنده

میشود و بهترین مردم بعد از ما کسیست که مذاکره احادیث ما بکند و ما را یاد کند و از آنحضرت امام محمد باقر

منقولست که یدیدن یکدیکر بروید در خانهای خود که باین زنده میماند دین ما خدا رحمت کند کسی را

که مذهب ما را زنده دارد و از حضرت رسول منقولست که خوشا حال آنها که دوستی میکنند با یکدیکر

برای خدا بدرستی که حق تعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد هزار

قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را برای کسانی که دوستی با

یکدیکر برای خدا میکنند و بدیدن یکدیکر میروند از برای خدا و در احادیث از آنحضرت امام

جعفر صادق ع منقولست که هر که قادر نباشد که با احسان کند بصالحان و شیعیان ما احسان

کند تا ثواب احسان کرده باشد و هر که عاجز نباشد هر که قادر بر دیدن ما نداشته باشد باید بدیدن

صالحان و شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام منقولست که هر که عیادت کند مسلمانی را که بیمار باشد در آن روز هفتاد هزار ملک بر او صلوات

فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیکر فرمود که هر که بیماری را عیادت

کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار کنند تا بخانه خود برکردد و از حضرت امام محمد باقر

علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را عیادت کند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت

با او احاطه کند پس چون برکردد حق تعالی هفتاد هزار ملک بر او موکل کرداند که از برای او طلب آمرزش کنند

تا بخانه خود باز کردد و بر او ترحم کنند و بکویند خوشا حال تو و کوارا باد بهشت بر تو و از برای تو باد و از برای مادر تو

تا روز دیکر این وقت و باو عطا فرماید زاویه در بهشت که سواره بران براند چهل سال و از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی مؤمنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا حق تعالی

با او موکل سازد ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث

دیکر فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعالی موکل سازد با او هفتاد هزار ملک که همیشه

بخانه او آیند و تسبیح و تهلیل و تکبیر و تقدیس خدا کویند تا روز قیامت و نصف ثواب ایشان

از برای او باشد و در حدیث دیکر فرمود که سزاوار اینست که کسی که بیمار شود برادران مؤمن را

اعلام کند که بعیادت او بیایند که آنها ثواب ببرند و او ثواب بیابد بخبر کردن آنها که اگر چنین کند ده حسنه

برای او نوشته شود و ده کناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود و در حدیث صحیح از حضرت

امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت دهد که بعیادت او بیایند بدرستی

که هیچ کس نیست مکر آنکه او را دعائی مستجابی هست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که کسی بعیادت

برادر مؤمن خود در رود از بیمار برای خود طلب دعا کند که دعای او مانند دعای ملائکه است و از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در در وجهیم عیادت نمیباشد و درد اول بیماری سه روز متوالی

او را باید دید بعد از آن یک روز در میان پس چون بیماری بطول کشد او را با عیالش بکذارند

کذاشت و عیادت نمیباید کرد و در حدیث دیکر فرمود که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا بهی یا

ترنجی یا لیموی خوش یا بوی یا عودی با خود ببرید که بیماران استراحت می یابند و در حدیث دیکر

فرمود که از تمامی عیادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذاری در وقت دعا کردن و زود برخیزی
که عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد او و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زودتر برخیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از
او سؤال کند که بنشیند **فصل هفتم** در اطعام مؤمنان و آب دادن ایشان و جامه پوشیدن و ساير
اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را
سیر کند بهشت او را واجب میشود و هر که کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم کند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که ۳ نفر از مسلمانان را سیر کند حق تعالی او را از ۳ بهشت طعام دهد
جنت الفردوس و جنت عدن و درخت طوبا و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را طعام دهد تا سیر
شود هیچ یک از خلق خدا ندانند که او را چه قدر ثواب است نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل
مگر پروردگار عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهای که آمرزش را واجب میگرداند طعام دادن
مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که شربت آبی بمسلمانی
بدهد در جائی که آب بهم رسد حق تعالی بهر شربتی هفتاد هزار حسنه باو عطا فرماید و
اگر آب دهد او را در جائی که آب کم یاب باشد چنانست که ده بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و در
حدیث حسن دیگر منقولست که هر که طعام دهد برادر مؤمن خود را از برای خدا چنانست که صد هزار کس از دیگران
طعام داده باشد و در حدیث حسن دیگر فرمود بسدیر صیرفی که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد
کنی گفت مال من وفا نمیکند باین فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد
بسدیر که مال دار یا پریشان فرمود که مال دار هم گاه هست که خواهش طعام کند و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که هر که مؤمنی مال دار را طعام دهد برابر است با یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل
که او را از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هر که یکی از اینها را بجا آورد
داخل بهشت میشود کسی که تشنه را سیراب کند یا گرسنه را سیر کند یا برهنه را بپوشاند یا بنده را
که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین
اعمال نزد خدا سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض مسلمانرا ادا کردن یا غمی از او

یا غمی از او بر داشتن فرمود که خیر و برکت بخانه که در آنخانه طعام داده میشود زودتر میرود از
فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که جامه زیاده داشته
باشد و داند که برادر مؤمنش بآن محتاج است و باو ندهد حق تعالی او را سرنگون در آتش جهنم اندازد
و هر که سیر بخوابد و نزدیک باو مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر این
بنده که من او را امر کردم و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگری کرد بدانید که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز
او را نیامرزم و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان نیاورده است بمن کسی
که سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود که در آنخانه ساکن شود و او راضی نشود حق تعالی بملائکه
فرماید که بنده من بخل ورزید بر بنده من بساکن شدن در خانه او در دنیا بعزت خود سوگند میخورم
که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهارصد آیه
برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسند و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل
بهشت شد بسبب خاری که از سر راه مسلمانان برداشت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت را بگوئی و فرمود که هدیه بیکدیگر
بفرستید که هدیه کینهها را از سینهها بیرون میبرد و فرمود که دایم کرداینند هدیه را پس دادن ظرفهای
هدیه فرمود که هدیه سه قسم است هدیه که در برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه بعنوان
رشوه و سیم هدیه که از برای خدا فرستی و غرض دنیوی نداشته باشی **فصل هشتم**
در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت ایشان در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که فقراء مؤمنان چهل سال پیش از توانگران
ایشان در بهشت متنعم میشوند پس فرمود که برای تو مثلی بزنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی
است که بعشاری بگذرند کشتی خالی را زود روانه میکنند و نگاه نمی دارند و کشتی پر از بار را
از برای حساب نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که چندانکه ایمان بنده زیاده میشود تنگی

روز بیشتر بیشتر میشود و فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعا طلب روزی میکردند
هر آینه ایشان را بحالی تنگ تر از آنچه دارند می انداختم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که نقود در دنیای امانت است که از خدا نزد خلقش هست پس هر که آنرا پنهان دارد حق تعالی
او را منزلت و ثواب کسی دهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار کند
نزد کسی که قادر باشد بر برآوردن حاجت او و نکند بتحقیق که آن فقیر را کشته است نه بشمشیر و نیزه
بلکه بآن جراحتی که در دل او کرده است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی
در روز قیامت خطاب میفرمایند با فقرای مؤمنان مانند کسی که معذرت طلبد و میگوید که بعزت
و جلال خودم سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیدم برای خواری شما نزد من و امروز نظر کنید
دیگر که شما چه خواهم کرد هر که در دنیا بشما اعانت و نیکی کرده است دستش را و داخل بهشت کنید پس یکی
از ایشان گوید که خداوندا اهل ایمان دنیا زنان خوش را خواستند و جامهای نرم پوشیدند و طعام
و طعامهای نیکو خوردند و در خانهای نیکو ساکن شدند و بر اسبان نفیس سوار شدند پس امروز
با هم مثل آنها عطا فرما پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما دادم مثل هفتاد برابر جمیع اهل
دنیا داده ام از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که مرد مالداری که جامهای پاکیزه پوشیده
بود نزد حضرت رسول آمد و نشست پس مرد فقیری که جامهای چرکنی داشت آمد و نشست نزد او فرمود که
ترسیدی از فقر او چیزی بتو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از توانگری تو چیزی باو برسد گفت نه
فرمود پس چرا چنین کردی گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله مرا همنشینی بدی هست از نفس و شیطان
که هر بدی را بنظر من زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکنند و من بتدارک آنچه کردم نصف
مال خود را باو میبخشم حضرت فرمود به پریشانی فرمود که قبول کردی گفت نه توانگر گفت چرا قبول نمیکنی
گفت میترسم که مثل تو شوم و در حدیث دیگر آنحضرت بشخص پریشانی فرمود که آیا به بازار
میروی و چیزهای نفیس می بینی که قادر بر خریدن آن نباشی گفت بلی فرمود که بهر چیزی که بینی و
قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و بیایند تا در بهشت پس ملائکه با ایشان
گویند

گویند که شما کیستید گویند ما فقیرانیم ملائکه گویند که پیش از حساب آمده اید که به بهشت میروید جواب
گویند که چیزی بما نداده اید که ما را حساب کنید حق تعالی گوید که راست میگویند بروید به بهشت و از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حق تعالی میفرماید که من اغنیا را توانگر نگردانیدم
برای آنکه ایشان گرامی بودند بر من و فقیرا را بی چیز نگردانیدم برای خواری ایشان نزد من و لیکن توانگران را
امتحان کردم بفقیران و اگر فقیران نمیبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که ذلیل و فقیر شمارد مؤمنی را برای پریشانی او حق تعالی
او را در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که مهیای جنگ
من باشند که آزار کننده بنده من مؤمن باید که ایمن باشد از غضب من کسی که گرامی دارد بنده مؤمن
مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مؤمن یا امام عادل هر آینه بعبادت ایشان مستغنی
شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هر آینه هفت زمین و هفت آسمان با ایشان برپا باشد و بگردانم
از برای ایشان از ایمان ایشان انسی که محتاج بمونس دیگر نباشد و در احادیث معتبره منقولست که حق
تعالی میفرماید که هر که دوستی از دوستان مرا خوار گرداند چنان است که بروی من بجنگ ایستاده است
و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار گرداند و در حدیث دیگر فرمود که مؤمنی را ذلیل
کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی مؤمن را از عظمت و جلال قدرت خود آفریده است
پس هر که بر او طعن کند یا سخن او را رد کند بخدا رد کرده است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که حقیر مشمارید ضعیفان و برادران خود را که هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با آن مؤمن
در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بسا ژولیده
موی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد قسم اش را رد نکند و حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسیکه با مردم استهزا کند در محبت ایشان طمع نداشته باشد و
فرمود که حقیر مشمارید مؤمن فقیر را که هر که حقیر شمارد مؤمنی را و سبک شمارد یا استخفاف او کند خدا او را
حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست

که حلال نیست مسلمانی را که مسلمانی را بترساند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مؤمنی به نیم کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش نوشته
باشند که نا امید است از رحمت الهی و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که کرامی دارد برادر مؤمن خود را به یک کلمه از روی لطف یا حاجت او را بر آورد یا غمی از او بردارد
پیوسته رحمت الهی بر سر او سایه انداخته باشد تا در کار رسانی و مهربانی برادر مؤمن باشد پس فرمود
که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مؤمن در جان و مال خود از او ایمنند و مسلمان کسی است که مردم
از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسی است که از گناه هجرت کند و هر که مؤمنی را دشنام بدهند که
بابن سبب او را ذلیل کند یا طپانچه بر روی او بزند یا چیزی که نخواهد نسبت با دیگر آورد ملائکه او را پیوسته
لعنت کنند تا او را راضی کند و توبه کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار مردم که شاید او مؤمن
باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و هموار کنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست
و در حدیث دیگر فرمود که هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در قیامت استخوانهای او
هم بپاشد و دست در گردن غل کرده محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث
دیگر فرمود که دشنام دادن مؤمن گناه بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت کردن
او نافرمانی خداست و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر که
بترساند مؤمنی را بصاحب حکمی که آزاری باو برساند او در آتش جهنم است و اگر بترساند و
آزار باو برساند با فرعون باشد و با آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول
منقولست که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او نکند و بزند کسی را که قصد زدن او نکند پس ملعونست
بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق خدائی که جان من در قبضه قدرت اوست اگر اهل آسمانها
و زمین همه جمع شوند بر کشتن مؤمنی یا راضی شوند بکشته شدن او همه را حق تعالی داخل جهنم کند
و بحق آن پروردگاری که جانم در قبضه قدرت اوست که هیچ کس کسی را بناحق تازیانه نمیزند مگر
آنکه داخل در جهنم مثل آن تازیانه میخورد و فرمود که هر که نظر کند بمؤمنی که او را بآن نظر کردن
بترساند خدا او را بترساند در روزی که بجز او پناهی نباشد و ... که داند

مود چه محشور کرده الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که فحش از دهان شخصی بیرون
می آید تبکرد و الحیا ... یا اهل آنجا ... میکرد و اکثر بگویند ... بسمیکرد و در حدیث دیگر فرمود | دیکر
که هر که طعنی بکند بر روی مؤمنی بمیرد به بدترین مردنها و سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که چه میفرمائید در امر مسلمانی که
مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و در خانه اش باشد پس رخصت بطلبد و او رخصت ندهد که داخل
شود و خود هم بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی بیاید یا برای کاری بیاید و او در خانه
باشد و او را رخصت ندهد و بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا بیکدیگر ملاقات کنند و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که هر مؤمنی که میان او و مؤمنی حجابی باشد که باو نتواند
رسید حق تعالی در قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که هر حصاری
هزار ساله راه باشد از هر حصاری تا حصار دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر که حضرت
امام ... علیه السلم که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر از مؤمنان بودند پس آن ... ایشان در خانه مجتمع
بودند برای گفتگوی ... چهارم ... بآن خانه آمد و در زد و غلام بیرون دوید پرسید که مولای تو کجاست
گفت در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت به مولای خود گفت که فلان شخص آمد و من
چنین گفتم باو و برگشت او ساکت شد و پروائی نکرد و غلام را ملامت نکرد و که چرا چنین کردی و از برگشتن
ایشان
آن مرد آزرده نشد و هیچ یکی از ایشان دلشغول سخن شدند و بودند یکی با مداد آن مرد دیگر آمد
دید که ایشان از خانه بیرون آمدند و بمزرعه خود میروند برایشان سلام کرد و گفت من با شما
بیایم گفتند بلی و عذر رفتن دیشب را از او نخواستند زیرا که آن مرد دیگر ایشان محتاج بود در اثنای
راه ناگاه ابری ظاهر شد که ایشان گمان کردند که باران خواهد آمد تند رفتند چون ابر محاذی سر ایشان
ناگاه
شد منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش ایشان را بگیر و من جبرئیلم رسول از جانب خدا پس
آتشی آمد و آن سه نفر را برد و آن مرد محتاج ترسان و حیران و متعجب ماند و بشهر برگشت و بخدمت
حضرت یوشع آمد و کیفیت را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از
ایشان راضی بود بسبب آنکه نسبت بتو بعمل آوردند و آن قصه را برای او نقل فرمود آن مرد گفت

که من ایشان را حلال کردم و در گذشتم از کرده ایشان پس شیع گفت که اگر پیش از عذاب بود نفع میکرد
اما الحال نفع نمیکند و شاید که ایشان را در قیامت نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یاری نکند برادر مؤمن خود را و قادر بر یاری
کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که حاضر نشود احدی از شما در وقتی که حاکم ظالمی کسی را بزند یا بکشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا
که یاری مؤمن بر مؤمن واجب است هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که شخصی از نیکان را در قبرش نشاندند پس گفتند که ما صد تازیانه از عذاب
الهی بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم تا آنکه بیک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند چاره نیست
از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی بی وضو نماز کردی
و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم میشد و او را یاری نکردی پس تازیانه عذاب خدا بر او زدند که قبرش پر
از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کسند که در قیامت حقتعالی نظر رحمت بسوی ایشان
می افکند شخصی که کسی از او چیزی خریده باشد و پشیمان شود پس دهد او قبول کند و کسی که بفریاد مضطری
برسد و کسی که بنده آزاد کند و کسی که عزبی را کدخدا کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
کسی که بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را از ورطه یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حقتعالی برای او ده
حسنه بنویسد و ده سیئه از او محو کند و ده درجه بلند کند و ثواب ده بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید
و ده عذاب را از او بردارد و ده شفاعت در قیامت برای او مهیا گرداند و از حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام منقولست که هر که بفریاد بیچاره در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی بفریاد او نمیرسد
پس بفریاد او برسد و او را با چهارپای خود سوار کند و بارش را بردارد حقتعالی با او خطاب فرماید
که خود را بمشقت انداختی و نهایت سعی کردی در فریادرسی برادر مؤمن خود برای تو موکل
سازم ملکی چند که عددشان زیاده باشد از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یکی را آن
قدرت باشد که آسان باشد بر او برداشتن آسمانها و زمینها تا بنا کنند برای تو در بهشت
قصرها و خانهها بلند کنند برای تو در جهان و چون در بهشت در آئی از پادشاهان بهشت باشی

باشی که دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را که خواهد که ضرر ببدن او یا بمال او برساند حقتعالی خلق
کند بعدد هر حرفی از گفتهای او و بعدد هر حرکتی از حرکات او و هر نکهی از نکهای او صد هزار
هزار ملک که دفع کنند از او شیاطینی را که قصد کنند که او را گمراه کنند و بازای هر ضرر قلیل که از او
دفع کرده باشد صد هزار از خدمتکاران بهشت و صد هزار از حوریان باو عطا کند فرماید که
او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر دفع کردن ضرریست از مال و بدن
برادر مؤمن و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت مرد پیری را بشناسد او را تعظیم
کند برای سنش خدا او را ایمن گرداند از ترس روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن ریش
سفید و فرمود که از ما نیست کسیکه خردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود
هر که کفایت کند برای کوری از حاجات دنیا برای او و در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا آنرا برآورد حق
تعالی او را بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجات دنیای او برآورد و پیوسته در
رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بکبیری چیزی برافشاندن
بی آنکه دل تنگ شود و تصدیق بیست لسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که هر که قاید کوری شود و چهل گام بر زمین هموار راه نماید کند بقدر سر سوزنی از
از مال پر کنند از طلا اگر برص یا پیسی ملکه باشد و او را از آن نجات دهد و بگذراند او را در ترازوی
اعمالش نیکی که گشاده تر از دنیا صد هزار مرتبه و بر همه گناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را باعلای
بهشت برساند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب
بلا و آنها که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسیکه خوره داشته
باشد بگریزید چنانچه از شیر میگریزید و با او سخن مگوئید مگر آنکه یک ذرع از او دور باشید و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون ایشان را ببینید از خدا عافیت بطلبید و از
مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست
که پنج کس اند که بهمه حال از ایشان اجتناب لازم است کسیکه خوره داشته باشد و پیس و دیوانه
و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و بینند ایشان را

وچون با ایشان بگذرید تند بگذرید که بشما نرسد آنچه با ایشان رسیده است و در حدیث موثق
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون شخصی را ببینی که ببلائی مبتلا است بگو الحمد لله الذی
عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق و آهسته بگو که او نشنود و در حدیث
حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود
الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و لو شاء فعل که هر که چنین کند هرگز آن بلا باو نرسد و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مومن مبتلائی را ببیند و این دعا
بخواند هرگز بآن مبتلا نشود الحمد لله الذی عدل عنی ما ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم
عافنی مما ابتلیته به و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخوان اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لکن احمدک
علی عظیم نعمائک علی و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید
حمد خدا بکنید و با ایشان مشنوانید که باعث اندوه ایشان شود فصل نهم در رعایت حقوق مومنان
در غیبت ایشان در حدیث دیگر معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض
کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را
بمن نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی که چیزی که من نمیدانستم از برادرم بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است
و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه قیامت است و خدا میان ما حکم کننده خواهد بود و بپرهیز که غیبت مکن
که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که ایمان بخدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد ننشیند در مجلسی که با امام دشنام دهند یا غیبت
مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش برطرف
شود و در روز قیامت از او بوئی آید که گندتر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش
از توبه بمیرد حلال کرده باشد چیزی را که خدا حرام کرده باشد و هر که احسان کند با برادر مومن در مجلسی
که غیبت او کنند حقتعالی هزار نوع از بدیها را در دنیا و آخرت از او رد کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد ونگذارند که او را غیبت کنند
غیبت او داشته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هر که بدیده خود ببیند کسی گناه کند و دو گواه عادل بر او گواهی ندهند

گواهی دهد که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیش مقبول است هرچند در واقع گناه
کار باشد و هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در او باشد خدا میان ایشان در بهشت اجتماع
نبندد و هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که باو نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت
کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مومن خود بگوید آنچه چشمهایش
دیده و گوشهایش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حقتعالی میفرماید که بدرستیکه آنان میخواهند
که شایع کنند گناهان بد در مومنان ایشان را است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث
دیگر فرمود که غیبت آن است که در برادر مومن عیبی و گناهی را بگوئی که خدا بر او پوشانیده است
و بهتان آنست که چیزی را بگوئی که در او نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر
مومن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده باشد و در
حدیث دیگر فرمود که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز که از او لازم میشاید کسی که
چون سخن گوید دروغ نگوید و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند وفا کند
واجب است که عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد
و غیبت او بر ایشان حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه‌اش را قبول میکند و غیبت کننده
توبه‌اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که برادران
خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند از شما بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غایبانه یاد کنند
و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت او
حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کسند که ایشان را حرمتی نیست
کسیکه صاحب بدعتی باشد و امام و پیشوائی که ظلم کنند و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول
منقولست که هر که رد کند حرف بدی را که در عرض برادر مسلمانش گویند برای او بنویسند بهشت
البته و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که نزد او غیبت
کنند برادر مومنش را پس یاری او نماید و یاری کند خدا او را در دنیا و آخرت یاری کند و اگر

قادر باشد که دفع آن غیبت از آن بکند و یاری او در آن باب بکند و نکند خدای تعالی پست کند او را در
دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی
که در آن مجلس یکی در عرض برادر مؤمن افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او رد کند بر
آن ظلم ظالم و عرض برادر مؤمن را نگاه دارد خدای تعالی برانگیزد جمله ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور
برای حج و آنها نصف ملائکه آسمانهایند و ملائکه کرسی و عرش ایشان و نصف ملائکه حجب الله که ایستادهاند
همراه او نزد خدا مدح کنند و ستایش کنند و از برای او از خدا رحمت و منزلت و بلندی مرتبه سؤال
کنند پس حق تعالی فرماید که من واجب کردانیدم برای او بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید مثل عدد
شما از درجات بهشت و قصرها و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی بآن احاطه
نکرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که نقل کند در مذمت مؤمنی
برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت او را در هم شکند و او را از دیدهای مردم بیندازد خدا او را
از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث معتبره
منقولست که هر که دو زبان داشته باشد که در حضور ایشان مدح ایشان کند و در غایبانه غیبت
ایشان کند چون روز قیامت محشور شود دو زبان آتشین داشته باشد یکی در پیش رو و یکی در پس سر
و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا دو روده و دو زبان بود و در روایت دیگر منقولست که محمد بن
فضیل بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من چیزی از او
بمن میرسد که خوشم نمی آید پس از او سؤال میکنم او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه این خبر را
بمن نقل کرده اند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن و اگر پنجاه کس
شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها گوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذیب کن
و برای او چیزی که عیب فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنان است که آن گناه را خود کرده است
و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا نرود تا آن را خود بکند و از حضرت علی بن الحسین
علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگوئی در عرض مسلمانان نگاه دارد خدا گناهانش را

گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که بهتانی بگوید برای برادر مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد خدا او را در میان چرک
فرج زناکاران که در دیگهای جهنم جوشش نگاه دارد تا آنکه از عهده گفته خود بدر آید و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائی که بر برادر مؤمن
تو نازل شود خدا او را رحم میکند و از او دفع میکند و بتو میفرستد آن بلا را و فرمود که هر که شماتت
کند بمصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا شود و در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آن است که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزشها و گناهانش را
در خاطر نگاه دارد که یکروزی او را سرزنش کند بآنها و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت
مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا
کند اگر چه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هر که
سرزنش مسلمانی کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند و از حضرت رسول صلی الله ع
منقولست که بدترین دروغها گمان بد بردن است و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
هر که متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان در دلش گداخته شود چنانکه نمک در میان آب گداخته شود
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود میخواهید خبر دهم شما را از بدترین
مردم شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود که آنها که در میان مردم سخن چینی را میبرند و در میان
دوستان جدائی می اندازند و برای بی عیبان عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که بهشت حرام است بر سخن چینان و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که دو شخص
بآزردگی از هم جدا نمیشوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که
هر دو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم باشد چرا مستحق لعنت شود فرمود برای
آنکه چرا نمی آید بنزد آن دیگری که او را بطلبد و بصلح و احسان و از بد او در گذرد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از رشک و جدائی زیاده از سه روز مباشید و از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله [زاید] امام جعفر صادق ع منقولست که پیوسته شیطان در فرح و شادی است تا دو
مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری میکنند و چون با هم ملاقات کنند زانوهایش بر هم میخورد و بندهایش
جدا میشود و فریاد میکند که وا ویلا چه بلا بود که بر سر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر دو مسلمان که از هم دوری کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند
و میان ایشان دوستی ایمانی بر طرف میشود پس هر یک که زودتر با یکدیگر سخن بگوید در قیامت زودتر
به بهشت خواهد رفت **فصل دهم** در آداب معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند
معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای
خود را ذلیل مکنید بترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا بطلبید که او را باقی بدارد
و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بطلبید که او را باصلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست
و پادشاه عادل بمنزله پدر مهربان است از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای
او مخواهید آنچه از برای خود نمیخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
خدا رحمت کند کسیرا که یاری کند پادشاه خود را به نیکی کردن با او و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که متعرض پادشاه ظالمی شود و از او آزاری بیابد خدا او را بر آن آزار ثواب ندهد
و صبر و دارو روزی نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که مدح کند پادشاه
ظالمی را و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حق تعالی میفرماید
که وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی بدل میل مکنید بسوی آنها که ظلم میکنند پس میرسد
بشما آتش و فرمود که راه نمائی کند ظالمی را بظلم در جهنم با هامان وزیر فرعون باشد و
هر که از جانب خصومت کند یا یاوری او نماید در آن خصومت چون ملک موت بنزد او آید گوید بشارت
باد ترا بلعنت خدا و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گیرد نزد پادشاه یا حاکم جابری بایستد
حق تعالی آن تازیانه را در قیامت اژدهائی کند از آتش که درازی او هفتاد ذراع باشد و مسلط
کند آنرا بر او در جهنم و نهی فرمود که از حاضر شدن بر سر سفره فاسقان و حضرت امیر المؤمنین ع
در وقت فوت وصیت فرمود بجناب امام حسن علیه السلام که دست ظالمان را [بینان] برای صلاح

یا علی مدد کن

ایشان و مدارا کن بظاهر با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که دوست دارد بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت کنند و هر که
دوست دارد که معصیت خدا کند با خدا دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
عیسی ع با بنی اسرائیل گفت که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول
منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه آب درخت را
میرویاند شنیدن سازها و خوانندگیها و فحش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی
شکار رفتن و از حضرت صادق ع منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید دین خود را به پرهیز
کاری از محرمات و قوت دهید دین خود را به تقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن
بخدا از طلب کردن حوائج از پادشاهان و بدانید که هر مؤمنی که خضوع و شکستگی کند
نزد صاحب سلطنتی یا کسی که مخالف او باشد در دینش از برای طلب آنچه از دنیای که در
دست او است خدا او را گمنام کند و دشمن دارد او را و او را بخود واگذارد و اگر چیزی
از دنیای او بدستش بیاید خدا برکت او را از آن بردارد و او را ثواب ندهد اگر
خرج کند در حج یا عمره یا بنده آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست
که چون روز قیامت شود منادی از جانب حق تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران
ایشان و آنانیکه دوات و قلم ایشانرا لیقه کرده اند یا سر کیسه را برای ایشان بسته
اند یا مدد قلمی با ایشان داده اند ایشانرا هم با ظالمان محشور کنند و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که هیچ بنده به پادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه از خدا دور میشود و هیچ بنده
مالش زیاده نمیشود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده اتباعش زیاده نمیشود
مگر آنکه شیاطین او بیشتر میشوند و فرمود که زینهار که احتراز کنید از در خانه پادشاهان
و از آنها که با پادشاه میباشند که نزدیکترین شما بایشان دورترین شما باشد از خدا و هر که
پادشاهی بر خدا اختیار کند پرهیزکاری را از او بردارد و او را حیران گرداند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مسلط

که واندند او کسی را که ظلم بر او کنند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نمیشود خدا او را بر آن ستم که می
کنند ثواب ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته
حق تعالی بر او خشمناک باشد تا دست از یاری او بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان
حضرت عیسی ع پادشاهی بود ظالم که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی بر آورد و پس آن پادشاه
و آن مرد صالح هر دو در یک روز مردند مردم همگی بر جنازه آن پادشاه حاضر شدند و درهای بازار را
بستند برای مردن او تا سه روز و آن مرد صالح را بآن حال مشاهده کردند گفت پروردگارا
این دشمن تو بود باین اعزاز و اکرام او را برداشتند و این دوست تو بود باین حال مانده است خدا
وحی فرستاد که یا موسی این دوست من از آن جبار حاجتی سؤال کرد و او بر آورد و لا مکافات دادم باو
برای حاجت این مؤمن و گرمهاء زمین را برو مسلط کردم برای سؤالی که از آن جبار کرد و در
حدیث دیگر منقولست که سلیمان جعفری بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که چه میفرمائید در کارهائی
که مردم متکفل میشوند از جانب سلاطین حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان
کردن و سعی در حوائج ایشان کردن معادل کفر است و عمدا نظر بسوی ایشان کردن گناه کبیره
است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که برود بر در توانگری و نزد او شکستگی کند
برای توانگری او دو ثلث دینش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که
برود بسوی پادشاه ظالمی و او را امر بتقوی کند و پند و نصیحت کند بد او را مثل ثواب
جن و انس باشد و از علی بن حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه
با من بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه کار میکردم
و مالی بسیار بهم رسانیدم حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه کتابت میکنند
و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و از برای ایشان جنگ میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند هر
آینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر بگویم
خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را میشناسی
بده و آنچه نمیشناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم برای تو

برای تو آن شخص ساعتی سر در پیش افکند پس گفت چنین میکنم علی بن حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد
و تمام مال خود را داد حتی آن جامهائی که پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامهای از برای او خریدیم و خرجی برای
او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون بعیادتش رفتم در حال جان کندن بود پس چشم گشود و گفت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بضامنی خود وفا کرد این را گفت و بمرد و پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت
رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که والله برای رفیق تو وفا بضامنی خود کردیم و از مفضل بن یزید که نویسنده
از خلفا و نبیه بود منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که مبتلا شده ام که من
نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم رسانیدی بشیعیان بده حق تعالی میفرماید که حسنات گناهان را
و سیئات را میبرد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع
حضرت فرمود که همه چیز تو خوب است بغیر از آنکه شترهای خود را بهارون الرشید کرایه میدهی صفوان گفت
اللهم که والله من شتر خود را باو کرایه نداده ام برای کار بدی یا شکاری بالهوی و لیکن از برای راه مکه باو
کرایه دادم و من باو نمیروم نوکران و غلامان خود را میفرستم حضرت فرمود که آیا میخواهی اینقدر زنده باشی
که کرایه تو را بدهد گفت بلی فرمود که هر که زندگی ایشان را خواهد از ایشان است و هر که از ایشان است از اهل
جهنم است و در حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن القسم از حضرت امام محمد باقر ع پرسید که چه میفرمائید
در باب رفتن بنزد پادشاه فرمود که رفتن بنزد حکام و پادشاه باعث سه چیز میشود اول محبت دنیا دوم
فراموشی مرگ سیم راضی نبودن بآنچه خدا تو را روزی کرده است گفت یا ابن رسول الله من مرد عیالبارم
و بتجارت میروم بآنجا برای منفعت حضرت تجویز این فرمود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که هر که راضی باشد بحکم پادشاهی ظالمی و اعانت او کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که دو صنفند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان
موجب فساد امت فقیهان و پادشاهان و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که امید نجات دارم برای
هر که اعتقاد بامامت داشته باشد از این امت مگر سه کس صاحب استیلائی که ظلم کند بر رعیت
خود و کسیکه بدعت کند در دین و کسیکه علانیه فسق کند و فرمود که سه کسند که هر که با ایشان منازعه
کند ذلیل و بی اعتبار میشود پدر و پادشاه و قرضخواه و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست

که بیوفا تر و کم دوست تر از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هر که حکومت
مردم اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید و پرده بردارد که همه کس راه بار داشته باشد
و باحوال همه مردم برسد بر خدا لازم است که ترس او را در قیامت مبدل بایمنی کرداند و او را داخل
بهشت کند و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر رعیتی را خواهد پادشاه مهربانی را برایشان
مسلط میکرداند و برای او وزیر عادلی مقرر میکرداند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که منم پروردگاری که بجز من خداوندگاری نیست آفریده ام
پادشاهانرا و دلهای ایشان بدست منست پس هر کروهی که اطاعت من بکنند دلهای پادشاهانرا
رحیم میکردانم و کروهی که معصیت من کنند دلهای پادشاهان را برایشان غضب میکردانم پس مشغول مکردانید
خود را بدشنام دادن پادشاهان و توبه کنید بسوی من تا دلهای شمارا بشما مهربان کردانم
و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی بهشت را خلق نمود فرمود که به بزرکواری خود سوکند میخورم
که داخل بهشت نمیکنم کسیرا که همیشه شراب خورد و سخن چینان و دیوث را و چو بیکیان ظالمانرا
و شکانندکان قبرها را و طغاچیان که عشور از مردم میکیرند و قطع کنندهٔ رحم را و کسیکه بجبر قایل باشد
و در حدیث دیگر که هر که بناحق سرکردهٔ جماعتی شود و بر ایشان استیلا یابد حق تعالی او را بر کنار جهنم
بازدارد هر روزی هزار سال بدارد و چون محشور شود دستهایش در کردنش بسته باشد پس اگر بامر خدا
در میان ایشان عمل کرده باشد خدا او را رها کند و اگر ظلم کرده باشد او را بجهنم اندازد و از حضرت امام جعفر	بر ایشان
صادق علیه السلام منقولست که هر که والی مسلمانان شود و ایشانرا ضایع گذارد و باحوال ایشان نپردازد حق
خدا او را ضایع گذارد در رحمت خود و از و باز دارد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هر والی
که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارهای خود را با و عرض کنند حق تعالی در قیامت حاجات او را بر نیاورد
و اگر چیزی برسم هدیه بگیرد خیانت است که از غنیمت دزدی کرده است که بدترین دزدیهاست و اگر رشوه
بگیرد خیانت است که بخدا شرک آورده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که حق تعالی وحی فرستاد و فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران که در مملکت پادشاه جباری بود که برو و با
جبار بگو که من ترا پادشاه نکردم که خون مردم بریزی و مالهای ایشانرا بگیری برای این ترا پادشاه	پادشاه
کردم که صداهای مردم مظلوم را از من باز کیری بدرستی که من ترک باز خواست ستمهائی که برایشان شود نمیکنم
هر چند کافر باشند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم کوهی هست که او را صعود میکویند
و در آن کوه وادی هست که او را سقر میکویند و در آن وادی چاهی هست که آنرا هبهب میکویند

میکویند هر گاه که پردهٔ آنچاه را برمیدارند اهل جهنم از گرمی او بفریاد می آیند و آنچاه جای جبارانست و در روایت
دیگر
منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را در خانهٔ پادشاهان جمعی هستند که
خدا دین خود را باینها عطا فرموده و ایشانرا استیلا بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستان خود
ضررها و ستمها را دفع کند و به برکت ایشان به اصلاح آورد امور مسلمانان و مؤمنانرا در حالتهای بد
پادشاه میبرند و محتاجان شیعیان ما بایشان متوسل میشوند و بایشان خدا ترس مؤمنانرا ایمنی
بدل میکند و در مملکت ظالمان ایشانند مؤمنان بحق و راستی و ایشانند ایمن خدا
بر زمین و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستاره روشنی میدهد اهل زمین را و در
قیامت نور ایشان عرصهٔ محشر را روشن میکند و ایشان برای بهشت خلق شده اند اکر خواهی که
از ایشان باشی شاد کردان مؤمنان و شیعیان مارا و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که برساند به پادشاهی حاجت کسیرا که نتواند حاجت خود را باو
برساند حق تعالی در قیامت پاهایش را ثابت کرداند بر صراط و در حدیث معتبر منقولست که حمیره
عرضه نوشت بخدمت صاحب الامر علیه السلام که شخصی هست که متصدی تراوقات است و حلال میداند تصرف
در اینها و بی پروا میکرد و صرف میکند و من کاهی در ده او وارد میشوم و اکر طعام او را نخورم با من عداوت
میکند و کاهی هم هدیه برای من میفرستد حضرت در جواب نوشتند که این مرد مالی و معاشی بغیر آنچه در
دست اوست از وقف دارد طعامش را بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی ندارد
طعامش را مخور و احسانش را رد کن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه دعا است
که از درکاه خدا رد نمیشود دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکار و نفرین مظلوم
بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام از ظالم برای او بکشد و دعای مؤمن که از برای
دوستی اهل بیت او را بمال خود اعانت کند و نفرین مؤمن بر کسی که اعانت او نکند با قدرت و احتیاج
آن مؤمن باو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که غضب من سخت و شدید است
بر ظالمی که ظلم کند بر کسی یا وری بجز من نیابد و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی میفرماید
که من مستجاب نمیکنم دعای کسی را که مظلمهٔ از کسی نزد او باشد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که ظلم

کننده و یاری کننده او بر ظلم و کسیکه راضی باشد بر ظلم هر سه در گناه شریکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقولست که هر که ظلمی بر کسی کند حق تعالی بر انگیزد کسی که مثل آن ظلم را نسبت باو یا بفرزندان او یا فرزند فرزندان او

بکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که حق مؤمنی را حبس کند حق تعالی او را در قیامت پانصد سال او بپا دارد

تا انکه عرقش رود و خانها جاری شود و منادی ندا کند که این است ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز

او را سرزنش کند پس بفرماید او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین جهادها آن است که

چون کسی صبح کند ظلم بر مظلومی در خواطر نداشته باشد **فصل یازدهم** در آداب معاشرت با کافران و مخالفان

در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را که با کافران اهل ذمه

شراکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برایشان چیزی بخرند یا چیزی بایشان بسپارد یا دوستی بایشان بکند و

در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که مسلمانان نباید که با گبر در یک کاسه چیزی بخورند

یا با او در یک فرش بنشیند یا با او مصاحبت کند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که اگر محتاج شوی

بطبیب ترسا باکی نیست که بر او سلام کنی و او را دعا کنی که دعای تو باو نفع نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که ابتدا بسلام مکنید و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگویید در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را

بکنیت نام مبرید مگر آنکه مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها محشور خواهی شد حضرت فرمود که اگر آنجا

بمیری تنها محشور خواهی شد و نور تو در قیامت پیش روی تو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که

دعا از برای یهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگویید بارک الله لک فی دنیاک یعنی برکت دهد خدا از برای

تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دستت بدست او برسد

دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست خود را

بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهلبیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور میان علما آنست که آن دست را بخاک

و دیوار مالیدن و شستن مستحب است که دست مسلمان و ایشان هیچ کدام تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقولست که اگر کسی با گبری مصافحه کند دست خود را بشوید و در حدیث دیگر معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که یهودی

یا ترسا یا گبری را ببیند بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا

بنبیا و بعلی اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة خدا میان او و آن کافر در جهنم جمع نکند و در حدیث

صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که تقیه در بلاد مخالفان کردن واجب است و فرمود که نه عشر دین

تقیه است و کسیکه از دین تقیه ندارد دین ندارد و برای آنکه دفع ضرری از خود بکند بر دو گناه و کفاره نیست

و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که بهترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقولست که دین را حفظ کنید و پنهان دارید به تقیه کردن از مخالفان بدرستیکه شما در میان سنیان از بابت

مگس عسلید در میان پرندگان اگر مرغان بدانند که عسل در شکم اینهاست یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان

بدانند که محبت ما در سینه شماست هر آینه همه شما را هلاک کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که کسیکه

تقیه را ترک کند چنان است که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیه در بلاد مخالفان و سنیان واجب است هر گاه بیم

ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکنند بلکه اظهار در وقتی که ایشان مطلع باشند و منع نتوان نمود و خود را — دین ایشان نماید

وضو و نماز و سایر عبادات را بطریقه ایشان بعمل آورند و آدمی خود را بهتر میداند که در چه وقت خوف

ضرر است و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرری داشته باشد لازم است

مگر در خون که در آن تقیه نمیباشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و اگر نه ترا میکشیم باید که خود کشته شود

و او را نکشد **فصل دوازدهم** در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود

اول کسی که باید بآن شخص و احوال او بپردازد خود او است که سفر آخرت در پیش دارد و در خور آن

سفر توشه بیابد پس اول چیزی که او را ضرور است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت از گذشتها — بتقصیر

و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب احدیت کردن از گناهان گذشته او در گذرد و در احوالی

که در پیش دارد او را بخود و دیگران نگذارد و پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او

باشد ادا کند و به دیگران نگذارد که بعد مردن اختیار از دستش بدر رود و بحسرت در اموال خود نگرد

و شیاطین جن و انس وسوسها کنند او صیا و وارثان او در ادا مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را — در ادا

چاره نباشد و گوید که خبر کردانید مرا آنقدر که آنچه اعمال نیسته خواهم در مال خود بکنم و از او نشنوند و حسرت

و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود را از برای خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه

مال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را اعتبار ندارد و پس ابرا ذمه از برادران مؤمن

خود بطلبد و هر که را غیبتی کرده باشد یا امانتی یا آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کنند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مومن التماس کند که برای او ابرا ذمه بخواهند

پس امور عیال و اطفال خود را بعد از توکل بر جناب اقدس الٰهی بامینی بگذارد و وصی بر اولاد صغیر خود بگذارد تعیین نماید پس کفن خود را مهیا کند و از شهادتین و عقاید حق و از کار و ادعیه و آنچه در کتب مبسوطه مذکور است در این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهتر بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند و این در صورتی است که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مومن میباید که همیشه کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظر بآن کفن کند ثواب یابد و باید که بعد از آن در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد و تفکر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و بغیر از لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمی رسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی بماند بدون مشیت الٰهی نفع بایشان نمی تواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او بایشان مهربانتر است و باید که در آنحال در مقام رجا و امید باشد و از رحمت الٰهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بهمگی در آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارتها میدهند و ملک موت را سفارش ها میکنند و بسند معتبر دیگر از حضرت رسول ص منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقصان عقل و مروت او است گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفاتش رسد و مردم بنزد او جمع شوند بگوید اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالنِّكَاحِ

وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَإِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبّاً وَبِالْإِسْلَامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ إِمَاماً وَبِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّتِي اللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَإِلٰهِي وَإِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَآنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُوراً پس حضرت رسول ص فرمود که این عهدیست که میت را بایه باشد و در روزی که باید وصیت کند و وصیت لازم و واجبست بر هر مسلمانی پس حضرت امام جعفر صادق ع بعد از نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سوره مریم است که حق تعالی میفرماید که لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْداً یعنی در قیامت مالک شفاعت نیستند مگر کسیکه گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهد است و حضرت رسول ص بحضرت امیر المومنین ع فرمود که این وصیت را تو یاد گیر و بیاد اهلبیت خود و شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را بنویسد درست نکرده باشد جمعی از مومنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باین نحو که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ [illegible] أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ پس بسفید بر پارچه یا کاغذی بسم الله [illegible] يَشْهَدُ الشُّهُودُ الْمُسَمَّوْنَ فِي هٰذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فلان بنام خود و پدر خود را بنویسد [illegible] أَشْهَدَهُمْ وَاسْتَوْدَعَهُمْ وَأَقَرَّ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً ص عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللّٰهِ وَإِمَامُهُ وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ أَئِمَّتُهُ وَأَنَّ أَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ

فی النّبوة وانّ محمّداً صلّی الله علیه وآله رسوله جاء بالحقّ وانّ علیّاً ولیّ الله والخلیفة من
بعده رسول الله صلّی الله علیه وآله ومستخلفه فی امّته مؤدّیاً بالامر ربّه تبارک وتعالی
وانّ فاطمة بنت رسول الله صلّی الله علیه وآله وابنیها الحسن والحسین ابنا رسول الله صلّی
الله علیه وآله وسبطاه وامام الهدی وقائد الرّحمة وانّ علیّاً ومحمّداً وجعفراً وموسی وعلیّاً
ومحمّداً وعلیّاً وحسناً والحجّة علیهم السّلام ائمّة وقادة ودعاة الی الله عزّ وجلّ وحجّة علی عباده پس
بگوید بگواهان که نامشان در آن صحیفه نوشته شده یا فلان یا فلان یا فلان ونامشانرا بگوید
اثبتوا لی هذه الشّهادة والاقرار والاخاء وموعود عند رسول الله صلّی الله علیه وآله
تقرء علیک السّلام ورحمة الله وبرکاته پس صحیفه را بپیچد ومهر کند بمهر آن شخص خود وبمهر
گواهان واز جانب راست میت با جریده بگذارند واز حضرت رسول صلّی الله علیه وآله منقولست
که بر سر شخصی از انصار در وقت جان کندن حاضر شدند واز او پرسیدند که خود را چون میبینی گفت
امید از رحمت الهی دارم واز گناهان خود میترسم فرمود که این دو حالت در این وقت در دل
کسی نمی باشد مگر آنکه خدا امیدش را می دهد واز آنچه میترسد او را ایمن میگرداند ودر حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول صلّی الله علیه وآله حاضر شدند نزد شخصی که در حال احتضار
بود فرمودند که بگو اللّهمّ اغفر لی الکثیر من معاصیک واقبل منّی الیسیر من طاعتک
واما آنچه متعلق بخویشان وبرادران مؤمن است باید که او را در چنین حال تنها نگذارند ونزد
او قرآن ودعا بخوانند وسوره یس ووالصّافّات نزد او [illegible] عقاید بوحدانیت
خدا ورسالت حضرت رسول خدا صلّی الله علیه وآله وامامت [illegible] معصومان صلوات الله علیه
وعلیهم اجمعین وسایر اعتقادات حقه از بهشت ودوزخ وصفات کمالیه الهی وتنزیه خدا از
نقایص مکرر بگویند که او بگوید واگر نتواند گفت برادر بخوانند دعای عدیله را باید بخوانند مع
نشر اگر عربی نداند بر او القا کنند وپایش را بسوی قبله کنند ودر آن وقت حایض وجنب نزد او
نیایند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند واگر کسی دیگر حاضر نباشد برای اضطرار نزد او باشند
وچون نزدیک شود که جانش بیرون رود آنها بیرون روند ودر احادیث معتبره وارد است که اگر

که اگر جان کندن بر او دشوار شود که جانش بیرون [illegible] او را ببرند بآن جائی که همیشه نماز میکرده است
او را بخوانند که اگر امید شفاعت شفا یابد واگر نه جانش بآسانی بیرون میرود ودر حدیث معتبر منقولست
که حضرت رسول صلّی الله علیه وآله داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطّلب واو در حال احتضار
بود فرمود که پای او را بسوی قبله کنند تا ملائکه با او رو بروند ورحمت الهی متوجّه او گردد واز حضرت امام رضا
علیه السّلم منقولست که زینهار که در حال احتضار دست بر او مگذارید اگر دست وپا نزد مانعش
مشوید چنانچه جاهلان میکنند ونزد او قرآن بخوانید ویاد خدا بکنید وصلوات بر رسول خدا وآل او
بفرستید ودر حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلم در احتضار بود
وحضرت امام محمّد باقر علیه السّلم در کنار خانه نشسته بودند وهرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند
که دست بر او مگذارید که او در این حال در نهایت ناتوانی است وهر که دست بر او میگذارد دشمن است که
او را کشته است ودر حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول خدا صلّی الله علیه وآله منقولست که تلقین
کنند مردگان خود را کلمه لا اله الّا الله بگویند که هر که آخر سخنش لا اله الّا الله باشد داخل بهشت
باشد ودر حدیث دیگر فرمود که لا اله الّا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان را درهم میشکند ودر
حدیث صحیح از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلم منقولست که هرگاه کسی در وقت جان کندن بیابید
کلمات فرج را تلقین او کنید که بگوید لا اله الّا الله الحلیم الکریم لا اله الّا الله العلیّ العظیم سبحان الله
ربّ السّموات السّبع وربّ الارضین السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش العظیم والحمد لله
ربّ العالمین ودر حدیث دیگر منقولست که هر که از اهل خانه امیر المؤمنین علیه السّلم محتضر
می شد حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان میفرمود که بخوانند چون میخواندند میفرمودند که دیگر
چیزی بر تو باکی نیست ودر حدیث حسن دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلّی الله علیه وآله
بنزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند در حال جان کندن فرمودند که این کلمات فرج را بخواند چون خواند گفت الحمد لله
که خدا او را از آتش جهنم آزاد کرد ودر حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلم منقولست
که هیچ کس نیست که مگر آنکه شیطانی جمعی از شیاطین را بر او موکل میگرداند ودر وقت مردن که او را
بشک اندازند ودین خود را جانش مفارقت کند واگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتوانند او را بشک

اندازد

پس در آنحال تلقین ایشان کنید بکلمات فرج و نقل... و باقر بابابه علیهم السلام یکیک تا آن کند
گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار بامامت ائمهٔ معصومین
و دین تشیع را اعتقاد کند آتش جهنم بهیچ عضو او نرسد و در حدیث دیگر فرمود که شخصی از مرگ در رسید
در حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد او حاضر شدند با جماعتی از اصحاب او بیهوش بود پس حضرت
فرمودند که ای ملک موت دست از او بدار تا از او سؤال کنم پس آن شخص بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز
می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکترند گفت سیاهی حضرت
فرمود که بگو اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ پس آن شخص بیهوش شد
با زبملک موت گفت فرمود که دست از او بدار پس او بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت
سفیدی بسیار می بینم و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکترند گفت سفیدی حضرت فرمود
که او را آمرزیدند پس حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که این
دعا را بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد جوانی حاضر شدند در وقت
مرگ و یاد کنند بگو لا اله الا الله و زبانش بسته شده بود و نتوانست که بگوید حضرت فرمودند پرسیدند
از زنی که بر بالینش نشسته بود که این مادر دارد گفت من مادر اویم فرمود که از او خوشنودی یا غضبناک گفت
شش سال است که با او سخن نگفته ام فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت با آن جوان
گفت بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شده بود پس حضرت از او پرسید که چه چیز می بینی گفت مرد سیاه
بدروی بدبوی جامه چرکینی را می بینم که نزد من است و گلوی مرا گرفته حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر
وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ چون جوان این
دعا را بخواند حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت مرد سفید روی خوشبوی خوش جامه را می بینم که
نزدیک من است و آن مرد سیاه میرود فرمود که بار دیگر این دعا بخوان چون بخواند فرمود چه می
بینی گفت آن سیاهی را نمی بینم و آن سفید نزدیک من است این گفت و تسلیم کرد پس چون فوت شود
سنت است که دهانش را برهم گذارند و چشمهایش را به بندند و چشمش را برهم گذارند و دستهایش
بر پهلو نیش بکشند و جامه اش را بدر و پیش بیندازند و قرآن نزد او بخوانند و زود بر دارند

بر دارندش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار آن نیست که برادران مؤمن را
خبر کنند بمردن او تا بجنازهٔ او حاضر شوند و بر او نماز بکنند و از برای او استغفار کنند و میت
ثواب ببرد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
چون مؤمن را بقبر میگذارند ندا میکنند او را که اول عطائی که بتو دادیم بهشت است و اول عطائی
که داد بآنها که با جنازهٔ تو آمدند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که
بمؤمن میدهند در قبر آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازهٔ او بوده است و در حدیث دیگر فرمود
که هر که همراه جنازهٔ مؤمنی کند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی
جنازهٔ او کنند و استغفار از برای او کنند از قبر تا بموقف حساب و فرمود که هر که یکطرف جنازه را
بگیرد بیست و پنج گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان فارغ شود و بهتر
آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود گیرد پس پای
راست میت را بدوش راست خود بر دارد و پس پای چپ میت را بدوش چپ بر دارد پس دست
چپ میت را بدوش چپ بر دارد پس چون دیگر خواهد که تربیع کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از
جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و بهتر آنست که در پشت جنازه یا پهلوی
جنازه راه برود و پیش روی جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست که اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش آن راه رفتن
خوب است و در جنازهٔ خلاف مذهب پیش آن نباید رفت زیرا که ملائکه عذاب او را استقبال میکنند
و با جنازه سواره راه رفتن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که جنازه را ببیند این دعا را بخواند هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کنند از برای ترحم
الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما
الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت و از حضرت رسول ص منقولست
که هر که تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بر دارد صد هزار حسنه برای او بنویسند و صد هزار گناه از او
محو نمایند و صد هزار درجه برای او بلند میشود اگر بر جنازه اش نماز کنند حق تعالی بعد از فوت او
صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازهٔ او نماز کنند و از برای او استغفار کننده تا وقتی که او دفن

شود و اگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار ملک را حق تعالی مقرر فرماید که از برای او استغفار
تا از قبرش بیرون آید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و چون او را از پهلوی بپهلوی دیگر گرداند این دعا بخواند گناهان
یکساله او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره اللهم ان هذا بدن عبدک و در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را
غسل دهد چنانکه از عیبهای میت بر و ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهان او آمرزیده شود و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسی که میتی را غسل دهد وحی رسید
که او را از گناهان میشویم مانند روزی که از مادر متولد شده است و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد در وقت غسل دادن مکرر بگوید
رب عفوک رب عفوک خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که وقتی که
دست بر شکمش میمالد این دعا بخواند اللهم انی سلکت حب محمد و آل محمد صلوات الله علیهم فی
تجنبه فاسلک به سبیل رحمتک و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که بر جنازه نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود
پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند هر قدمی که بر دارد قیراطی از ثواب باو دهند که آن قیراط
مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که بر جنازه نماز کند بهشت او را
واجب گرداند مگر آنکه منافق باشد یا عاق پدر و مادر باشد و بسند معتبر از حضرت رضا ع
منقول است که چون مؤمنی بمیرد و بر جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند اللهم
انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از او بغیر از نیکی نمیدانیم و تو دانا
تری باحوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم
گناهانی را که میدانم و شما نمیدانید و در حدیث دیگر معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقول است که اول چیزی که در عنوان نامه مؤمن می نویسند بعد از مردن آن چیزیست
که مردم در حق او میگویند اگر نیک میگویند نیک می نویسند و اگر بد میگویند بد می نویسند و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون میت را بقبر رسانی او را بگذار پای قبر

پای قبر و داخل کن پس چون در قبرش گذاری آیة الکرسی را بخوان و بگو بسم الله و فی سبیل الله
و علی ملة رسول الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم افسح له فی قبره و الحقه
بنبیه اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه و استغفار
از برایش بسیار بکن و حضرت علی بن الحسین ع فرمود چون میت را داخل قبر میکردند این دعا
بخوانید اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد عمله و لقه منک رضوانا و در
حدیث دیگر فرمود که چون میت را بقبر گذارند باید که مردم نزدیک سرش باشند و با خدا به بود صلوات
بر حضرت رسول صلعم بفرستند و پناه برند بخدا از شر شیطان و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل
اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخوانند و اگر توانند روی میت را برهنه کنند و بر خاک گذارند
و دعا تلقین کنند او را شهادتین و اقرار بائمه معصومین و سایر اعتقادات که حق است
حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر میت بریزی بگو ایمانا بک و تصدیقا ببعثک هذا
ما وعدنا الله و رسوله تا آنکه بعدد هر ذره از آن خاک حسنه در نامه اعمال او نوشته شود
و چون قبر را پر کنند مردم برگردند نزدیکترین مردم باو نزدیک قبر او بنشیند و بآواز بلند او را
تلقین کند که این تلقین باعث این میشود که منکر و نکیر از او سؤال نکنند و سنت است که دست
گذارند بر قبر بعد از دفن میت اهل او را تعزیت بگویند و پیش از دفن نیز مستحب است و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که اندوهگینی را تعزیت بگوید در روز قیامت او را حله
بپوشانند و نصف ثواب صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مرده ها را زیارت کنید که ایشان خبر میشوند
از دیدن شما و شاد میشوند و به شما انس میگیرند و چون به نزدیک قبر برسید بگوئید اللهم
جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم و لقهم منک رضوانا
و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس به وحشتهم
انک علی کل شیء قدیر و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر
مؤمن خود رود و رو بقبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلنا

فی لیلة القدر بخواند از ترس روز قیامت ایمن کردد و در روایت دیگر منقولست که حق تعالی او را وصاحب قبر را هر دو را بیامرزد و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَاحِدَتَهُ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَأَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ و در روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مؤمنی بخواند هفت مرتبه حق تعالی ملکی بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک را برای میت بنویسند و چون از قبر محشور شود بهر هولی از احوال القیامت که برسد حق تعالی آن حق بسبب آن ملک آن هول را از او دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحب است که نزد قبر حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخوانند و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که بقبرستان بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و ثوابش را ببرده کان قبرستان ببخشد بعدد آن مرده کان اجر و ثواب یابد بدانکه چون این رساله را ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب آن را در اینجا مذکور شد که این رساله از این فواید خالی نباشد و مفصل همه در کتاب بحار الانوار مذکور است

باب یازدهم در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها

فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم اصحاب خود را امر فرمود بهفت خصلت عیادت بیماران و متابعت جنازه مرده کان و قبول کردن کفته کسی که این کس را قسم دهد و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهر کس سلام کردن و قبول نیابت کردن و حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که در بهشت غرفه چند هست که از اندرون بیرون می نماید و از بیرون اندرون می نماید کسی از امت من در آنها ساکن میشود که بزبان نیک با مردم سخن کوید و طعام بمردم بخوراند و افشای سلام بکند و نماز کند در شب در وقتی که مردم در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام بکند که بخل نورزد بسلام کردن بر احدی از مسلمانان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که از جمله

که از جمله تواضع و شکستکی آنست که با هر که برخوری سلام بکنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ابتدا بسخن کفتن پیش از سلام جوابش مکویید و کسی را بطعام خود مطلبید پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که بمردم بسلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بده نفر از مسلمانان برخورد و بر ایشان سلام کند ثواب آن یک بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمن که بجماعتی از مؤمنان سلام کند ملائکه در جواب سلام او میکویند سلام علیکم و رحمة الله و برکاته ابدا و از حضرت رسول صلعم منقولست که سلام کردن سنت است و جواب کفتن واجب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا نکویند که سلام کردیم و جواب سلام ما ندادند و چون کسی جواب سلام کوید بلند بکوید که آن سلام کننده نکوید که سلام کردم و جواب سلام من نکفتند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سلام علیکم بکوید ده حسنه برای او باشد و اکر سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بکوید سی حسنه برای او نوشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که بصیغه جمع با ایشان سخن باید کفت هر چند تنها باشند کسی عطسه کند میکویید یرحمکم الله هر چند دیگری با او نباشد و کسی که سلام بر کسی کند میکوید السلام علیکم و کسیکه کسی را دعا کند میکویید عافاکم الله هر چند یکی باشد زیرا که با اینها ملائکه میباشند و در قصد مؤمنان غایب را نیز داخل میتوان کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مکروه است که کسی بکوید حیاک الله مکر آنکه بکوید حیاک الله بالسلام و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که بر ایشان سلام نمیباید کرد کسی که با جنازه راه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسیکه در حمام باشد و حمل کرده اند بر صورتی که لنک نه بسته باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند بر ایشان سلام مکن و بر حضرت رسول سلام کن و متوجه نماز شو و اکر که بمجلسی داخل شوی که مردم سخن کویند بر ایشان سلام کن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که کسیکه داخل خانه شود بر اهل خانه سلام کند و اکر اهل نداشته باشد و خانه خالی باشد بکوید السلام علینا من ربنا و فرمود که اکر کسی بتو بکوید حیاک الله بالسلام در جواب بکو انت

فمبارک الله بالسلام دار المقام و از حضرت رسول صلی الله منقولست که چون یکدیگر را ملاقات
کنید سلام و مصافحه بکنید و چون از یکدیگر جدا شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث
دیگر فرمود که کسیکه داخل خانه شود سلام بکند که باعث برکت میشود و ملائکه انس میگیرند در آنخانه
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید علیکم السلام
و چون مرد داخل شود بگوید السلام علیکم و در بعضی اخبار وارد شده است که چند کس است که سلام برایشان
نمی باید کرد یهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الخلا باشد و کسیکه بر سر خوان شراب نشسته
باشد و شاعری که بزبان محصنه عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که خوش طبعی ایشان دشنام مادر است
و بر کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسی که عود یا طنبور نوازد و مردی که مردم با او
عمل لواطه کنند و کسیکه در اثنای نماز باشد و کسیکه سود خورد و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند
و در روایت صحیح وارد شده است که سلام کردن بر کسی که شطرنج بازی کند گناه کبیره است و هم
چنین نهی وارد شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورد و دور نیست که اکثر اینها محمول باشد
بر آنکه سلام کردن بر اینها فضیلت بسیار ندارد یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت و راضی
بودن بگناه ایشان ~~سلام کردن بر اینها فضیلت بسیار ندارد یا بر آنکه~~ بر ایشان نباید کرد
زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد و وداع کند اهل آن مجلس با سلام کردن
که اگر بعد از او خیری بگویند در ثواب شریک باشد و اگر حرف بدی بگویند گناه آن بر ایشان تنها
خواهد بود و بر او گناه نخواهد بود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که کوچک
تر بر بزرگتر سلام میکند و کسیکه گذرد بر کسی که نشسته باشد سلام میکند و جماعت کمتر
بر بیشتر سلام میکنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره باید بر پیاده سلام کند و استر
سوار بر خر سوار سلام کند و اسب سوار بر استر سوار سلام کند و ایستاده بر نشسته و دیگر
حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی بگذرند یکی از ایشان که
سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند یکی از اینها سلام کند از دیگران

مجزیست

از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زنان
سلام میکردند و ایشانرا جواب میگفتند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر زنان پیر سلام می
کردند و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند که میترسم که خوشم آید آواز او و گناه
بر من داخل شود زیاده از ثوابی که بسلام کردن طلب میکنم و امثال اینها از برای تعلیم دیگران
میفرموده اند و خود از اینها معصوم و منزه بوده اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که ابتدا مکنید اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس را بسلام و چون ایشان
سلام کنند بگوئید علیکم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا نصرانی یا مشرک و بت
پرست بر تو سلام کند بگو علیک و بدانکه از جمله سلامها سلام رخصت است که چون خواهند
که داخل خانه کسی شوند بیشتر سنت است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام کنند اگر جواب
سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول میشنوند
و در مرتبه دوم حذر میکنند و در مرتبه سیم اگر میخواهند رخصت میدهند و اگر نمیخواهند
ساکت میشوند که او برگردد و حق تعالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانهای خود تا
استیناس بکنید و سلام بر اهلش بکنید حضرت صادق علیه السلام فرمود که استیناس کفش بر
زمین زدن و سلام کردن است که ایشان خبر شوند **فصل دهم** در فضیلت مصافحه یعنی دست
یکدیگر گرفتن و معانقه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در
حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیت و سلام کردن
کسی که در حضر باشد مصافحه کردن است و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در
گردن یکدیگر کردن است و در حدیث معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من هم کجاوه
حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم من اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه می نشستند چون
هر دو در کجاوه درست می نشستیم حضرت بر من سلام میکردند و احوال از من میپرسیدند مانند
کسی که مدتی یکدیگر را ندیده باشند و با من مصافحه میکردند چون از کجاوه فرود می آمدیم

اول آنحضرت با ایشان می آمدند پس چون هر دو در زمین قرار میگرفتیم سلام میکردند و احوالها میگرفتند
مانند دو کس که مدتها یکدیگر را ندیده باشند من گفتم یا بن رسول الله شما کاری چنین میکنید
که مردم که نزد ما هستند چنین نمیکنند حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب
داده و بدرستی که دو مؤمن که با یکدیگر ملاقات و مصافحه کنند پیوسته گناه از ایشان
میریزد و حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث معتبر از
ابو حمزه منقولست که گفت من هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون بار را
فرود آوردیم حضرت اندکی راه رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشردند فشردنی سخت دادند گفتم فدای
تو شوم من در کجاوه با شما بودم حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مؤمن چون اندک حرکتی بکند و بعد از
آن دست برادر مؤمن خود را بگیرد حق تعالی نظر لطف بسوی ایشان میکند و روی رحمت خود را بجانب
ایشان میگرداند و بگناهان میگوید بریزید که فرو ریزید از ایشان تا از یکدیگر جدا میشوند هیچ
گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که حد مصافحه آنست که در دور درخت خرما یک دفعه بعد از آن باز مصافحه کنند سنت است و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سزاوار آنست که از یکدیگر پنهان شوند اگرچه بدرختی باشد که
در میان ایشان فاصله شود پس ملاقات کنند باید که مصافحه را بکنند و در حدیث فرمود که هر که دست را
دیر تر برمیدارد ثوابش بیشتر است و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آن شخص دست را میکشید
و در حدیث دیگر فرمود با یکدیگر مصافحه کنید که کینها از سینهها میبرد و فرمود که مصافحه کردن
با مؤمن بهتر است از مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون
با برادران مؤمن ملاقات نمائید با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان
ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه
کنید هر چند او را نخواهید که خدا چنین فرموده است و رفع دشمنی او را میکند و در حدیث
دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه میبودم و شیعیان بسیار نزد من
میآمدند

نزد من می آمدند و من از شهرت میترسیدم غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگو اینجا نیست پس
در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم آنحضرت را از خود دستی
یافتم گفتم فدای تو شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است آنحضرت فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است
از مؤمنان گفتم فدای تو شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم
حضرت فرمود که ای اسحق ملال بهم مرسان از بسیار آمدن مؤمنان بدیدن تو که چون مؤمن با
برادر مؤمن بر میخورد و با او مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا نویسد پس چون
با او مصافحه میکند حق تعالی میان دلهای ایشان صد رحمت میفرستد که نود و نه از آنها از آنست
که دیگری را بیشتر دوست میدارد پس حق تعالی روی رحمت بسوی ایشان میگرداند و هر یک
که دیگری را بیشتر دوست میدارد روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یکدیگر
میکنند رحمت ایشان را فرو میگیرد پس چون از برای خدا با یکدیگر بایستند و غرض دنیوی نداشته
باشند با ایشان خطاب میرسد که آمرزیده شدید عمل از سر بگیرید پس چون از یکدیگر
احوال گیرند و سخن گویند ملائکه بیکدیگر میگویند که دور شوید که میخواهند با یکدیگر راز
بگویند و خدا بر ایشان پوشانیده است اسحق گفت پس حرفی که میگوئیم ملائکه نمی نویسند
حضرت آهی کشیدند و گریستند آنقدر که آب دیده آنحضرت بر ریش مبارکش روان شد و فرمودند
که ای اسحق حق تعالی ملائکه را امر کرده است که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند
از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی نویسند اما خداوند که مطلع
است بر احوال ایشان و رازهای ایشان پنهان و آنچه در سینهها نهانست نزد او آشکار است
میداند که چه میگویند پس ای اسحق از خدا بترس چنانچه گویا او را آشکارا میبینی و اگر تو او را نمی بینی
او ترا می بیند و اگر گمان کنی که او ترا نمی بیند کافر میشوی و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناهان را از خلق
پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از همه کس سهلتر شمرده و در حدیث دیگر فرموده
که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنهاست که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام
محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع منقولست که هر مؤمنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن

برادر مؤمن خود حق او را شناسد حق تعالی بهر گامی حسنه در نامهٔ عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و درجهٔ برای او بلند کند پس چون در خانهٔ آن مؤمن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر بکنند خدای تعالی نظر رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس حق تعالی با ایشان با ملائکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بندهٔ من که بسبب دیدن یکدیگر رفتن و از برای رضای من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را عذاب نکنم پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر این وقت و اگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او را شناسد و حرمت او را داند همین ثواب را داشته باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی هست که شما را در دنیا بآن می شناسند چون بیکدیگر برخورید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمیباید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا را یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست آنحضرت باشد و محتملست که مخصوص ائمهٔ معصومین باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که تعظیم ایشان برای آن میکنند که فرزندان حضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و احوط آنست که بغیر از دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که کسیکه خویشان خود را برای خویشی ببوسد بد او چیزی نیست و برادران مؤمن را بپهلوی روی ایشان ببوسند و امام را میان دو چشمش ببوسند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دهان را بوسیدن نمیباشد مگر برای زن و فرزند خرد

فصل سیم در آداب نشستن در مجالس

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که وصیت فرمود بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هشت کس اند که اگر خوار شوند ملامت نکنند مگر خود را کسی که حاضر شود بر سر سفرهٔ کسی که او را نخوانده باشند و کسیکه تحکم کند بر صاحبخانه بدر کسی که طلب خیر کند از دشمنان خود و کسی که توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسیکه در آید در خود را در میان رازی که در میان دو کس باشد بیرخصت ایشان و کسیکه استخفاف نماید بپادشاه و کسیکه در مجالس در جائی بنشیند که سزاوار آن نباشد و کسیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کسیکه مجموع این سه خصلت یا یکی از اینها در و نباشد و در صدد مجلس ننشیند احمق است اول آنکه هرچه بپرسند جواب نتواند گفت دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق سخن نتواند بیان کرد سیم آنکه رأی نمائی نکند بامری که صلاح اهل مجلس در آن باشد نتواند کرد و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که سزاوار نیست مؤمن را که بنشیند مگر با ازان جماعتی که ترسنده اند زیرا که بار کردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقول است که از علامات تواضع و فروتنی آنست که آدمی راضی شود بمجلسی که پست تر باشد از مجلسی که سزاوار او است و بهر که رسد سلام کند و ترک مجادله کند هرچند که حق با او باشد و نخواهد که او را به پرهیزکاری ستایش کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم بر جای خود بنشینند و دیگری در آید اگر کسی از اینها او را طلبد و جا از برای او بگشاید برود که آن کرامتی است که نسبت باو کرده است برادر او و اگر کسی جا از برای او نگشاید بهر جا که گشادگی است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی بخانهٔ شخصی بیاید بهر جا که صاحبخانه میگوید باید بنشیند که صاحبخانه نیک و بد خانه خود را بهتر میداند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که نمی نشیند بر سر راهها مشینید و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جامه را از ران خود دور کند و از حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که راضی شود به نشستن در جائی که مناسب شرف او بالاتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا برخیزد و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل مجلسی میشدند بهر جا که بود در گاه نزدیکتر بود می نشستند و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات رسول خدا ص رو بقبله می نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در خانهٔ خود نزدیک درگاه می نشستند رو بقبله و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بسه روش می نشستند گاهی زانوها را از زمین برمیداشتند و دستها را بر بالای زانوها گذاشته ساعد یکدست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می نشستند و گاهی یکپا را بر پای دیگر میگذاشتند و بر کنج چهار زانو نمی نشستند و در حدیث دیگر حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین ع نشسته بودند و یکپا را بر بالای ران پای دیگر گذاشته

بودند کنم که مردم این نشستن را خوب نمی دانند و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود
که من از برای ماندگی چنین نشسته ام و ضارا ماندگی نمی باشد و او را بی بیکی و خواب نمی باشد و بهم
نیست و او را نشستن نمی باشد و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
چنین نشسته بودند و پای راست را بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقول است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که سزاوار این است که جماعتی با یکدیگر نشستند در تابستان
بقدر استخوان ذراع که تقریبا یکشبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار
نکشند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که آدم مشبار کسی است که در جائی تنگ
چهار زانو بنشیند و در چند حدیث وارد شده است که احتباء دیوار عرب بستان است احتباء آنست
که پاها را با پشت بجامه به بندند بر دوش کنند و حدث یا دست را حلقه کنند بر زانوها چنانکه گذشت
یعنی ایشان در صحراها و جاها که نزدیک بدیوار نباشد این بعوض تکیه بر دیوار کردن است
و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدند که احتباء چون است فرمود که
اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جایز نیست مرد را که احتباء کند برابر
کعبه فصل چهارم در آداب ملاقات کردن صاحب خانه با کسی که بخانه او می آید در حدیث معتبر دیگر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر
از برای کسی که بجهت دین مانند علم و صلاح و نیکی و تعظیم او کنند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقولست که حق کسیکه داخل خانه میشود بر اهل آنخانه آن است که در وقت داخل شدن و بیرون
رفتن قدری با او راه روند و فرمود که چون کسیکه داخل خانه میشود بر صاحب خانه حاکم است تا بیرون
آید و آنچه گوید باید صاحب خانه اطاعت کند و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که کسیکه تحفه
برای مؤمنی بیاورد مثل بالشی یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند برای او بهشت بلند
شود که او را مکافات کند پس حقتعالی باو وحی فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام
مگر بر پیغمبری یا وصی پیغمبری و چون روز قیامت شود به بهشت خطاب رسد که امروز مکافات
تحفهای ایشانرا بده پس غلامان و کنیزان از بهشت از بهشت بیرون آیند با طبقها اگر بر روی

که بر روی آنها دست بمالند از مروارید اند اخته باشند و بنزد ایشان آورند چون ایشان نظر کنند
بجهنم و باحوال آن و به بهشت و هرچه در آن است عقلشان بپرواز کند و آن طبقها را نخورند تلبیس مناد
از زیر عرش ایشانرا ندا کنند که حق تعالی حرام کرده است جهنم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد پس دست
دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
آمدند حضرت از برای هر یک از ایشان بالشی انداختند یکی برگرفت و بالش نشست و دیگری ابا
کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکنند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد جمعی قوم خود گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث
نقی
دیگر حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که سه کس اند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافقی
کسیکه در اسلام ریشش سفید شده باشد و کسیکه حامل لفظ یا معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود
که از تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کسی را که اکرام
کنند و او را گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند که رد نمیکند کرامت را مگر خر و در چند حدیث دیگر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلم پرسیدند که کدام است این کرامت که رد نمی باید کرد فرمود که مثل آنکه
جائی برای او بگشایند یا بوی خوشی برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از کرامت
هاست و از امام حسن عسکری علیه السلم منقولست که اکرام مکن کسی را بچیزی که بر او دشوار باشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه السلم منقولست که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان را حق تعالی
در بهشت مثل عدد ایشان خدمتکاران باو کرامت فرماید و حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود که هر که برادر مؤمن او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنان است که خدا را گرامی داشته
است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ملاطفت کند با کسی یا برادر مؤمن
خود حق تعالی او را از اخدام بهشت کرامت فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هر که اکرام کند برادر
مؤمن را بیک کلمه از روی لطف با او بگوید و غمی از او برداشته دیر بسته در سایه رحمت الهی باشد
تا مشغول این اکرام باشد فصل پنجم در بیان مجالسی که در آن جا داخل شدن روا است و جماعتی
که همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر منقولست که متابعت

کن کسی را که ترا میگریاند و خیرخواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا بخنداند و در مقام فریب دادن تو است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نظر کنید که با که سخن میگوئید و مصاحبت میکنید
که هر که هست در وقت مرگ مصاحبانش را بنظرش مینمایند و اگر حالشان نیک است از مصاحبت ایشان
شاد میشود و اگر حالشان بد است غمگین میشود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که بهترین
برادران نزد من کسی است که عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بپرهیز از مصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحبت
مصاحبان تازه که ایشان را عهدی و امانتی و وفائی نیست و بر حذر باش از همه کس هر اعتماد بسیار
داشته باشی و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار که اجتناب
کن از جاهائی که محل تهمت است و از مجلسی که گمان بد باو میبرند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب
خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سزاوارترین مردم بتهمت
کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند مگر خود را کسی را که گمان بد باو برد
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی را
خود در میان راه ننشیند زیرا که هر کس نمیداند که ما در امت و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که
مصاحب بد اخلاقش سرایت میکند باینکس و همنشین بد این کس را هلاک میکند پس نظر کن که با که همنشینی میکنی
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثواب است برای نیکان و دوستی
بدان با نیکان فضیلتی است برای نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی نیکان با بدان
خواریست برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که با هیچکس مصاحبت و همراهی
و رفاقت مکن زینهار که با دروغگو مصاحبت مکن که او از برای سرابیست بد در دروغهای خود ترا فریب میدهد
دور را برای تو نزدیک مینماید و نزدیک را در نظر تو دور مینماید و زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک
طعام خوردن نزدیک یا کمتر میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که ترا بمال خود یاری نمیکند در هنگامی که
نهایت احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد بتو نفع برساند ضرر میرساند و با کسی
که قطع رحم کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت صادق ع
فرمود که سه کسند که همنشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم بد دینی و سخن با زنان و نشستن با توانگران
و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان نزدیک [illegible] مشو که باعث جدائی میشود و از

دانایشان هم دوری مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی بکن که خواهان آن باشند و هم چنانکه میان گرگ و میش دوستی
نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی نمیباشد هر که نزدیک قیر میرود البته بادی بسیند هر که با بدکردار مصاحبت
میکند از بدیهای او میآموزد و هر که مجادله با مردم میکند و هر که در مجالس بد داخل میشود تهمت زده میشود و هر که
با همنشینی بدی نشیند از بدی سالم نمیماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد همیشه پشیمانی میبرد و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و همنشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم مثل آنها خواهید بود
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آدمی بر دین دوست و مصاحب خود میباشد و فرمود که زنهار با احمق
مصاحبت مکن که در هنگامی که از او راضیتری نزدیکتر است با آنکه ترا برنجاند که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که حکیمترین مردم کسی است که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که کسی که برادر مؤمنش را امری که مکروه امر اوست باشد ببیند و نتواند که او را برگرداند
از آن امر و برنگرداند خیانت کرده است و برادری او و کسی که اجتناب نکند از مصاحبت احمق بزودی اخلاق
او را بر میدارد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که بدترین مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا را
در نظر تو زینت میدهد و فرمود که همنشینی با بدان موجب گمان بد بردن است در حق نیکان و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نظر کن که هر که نفع دینی بتو نمیبخشد مصاحبت او
اعتنا بشأن او مکن و در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع میشود
محبتی که با کسی داشته باشد که بیوفا باشد و نیکی که با کسی بکنی که شکر نکند و علمی که با کسی بیاموزی که گوش
ندهد و رازی که بکسی بسپاری بگوئی که نگاه داری راز نکند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که دشمن دانا با عالم صحبت داشتن بهتر است از صحبت داشتن جاهل بر روی فرشهای نیکو
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حواریان بحضرت عیسی علیه السلام گفتند که با که
همنشینی کنیم فرمود که با کسی که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن او و شما را بسوی آخرت
رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن شرف دنیا و آخرت است و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یک نشستن با کسی که اعتماد بر او داشته باشیم نزد من بهتر است
از عبادت یکسال و در حدیث دیگر فرمود که با [illegible] منشینید که بنده اول که با ایشان می نشیند

چنان بینند که خدا نعمت بسیار داده و هنوز بر نخواسته است که چنان گمان میکنند که خدا هیچ نعمت برو
نداده و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است که دل را میمیراند گناه بعد از گناه
کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمق مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و هرگز براه نیاید و همنشینی با مردگان
کردن گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله مردگان کیستند فرمود که هر توانگری که خدا او را فراموش
کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان میفرمود که با اهل
دین و معرفت همنشینی کنید و اگر بدست شما نیاید تنهائی مونس تر است از مصاحبت غیر ایشان
و اگر ناچار باشند از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید که ایشان در مجالس خود فحش نمیگویند
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که آدمی مصاحبت بدان را از خود
نگاه دارد که نیکی او با ایشان مانند نیکی با بدان است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان
به پسر خود فرمود که ای فرزند بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا میکنند
با ایشان بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو نفع میدهد و از همنشینی ایشان علم تو زیاده میشود و اگر جاهلی
ترا علم می آموزانند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان بفرستد و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که بر تو باد بحاضر شدن در مجالسی که در آنجا یاد خدا کنند و در حدیث دیگر فرمود
که دانایان در زمان گذشته میگفتند که سزاوار آنست که تردد کردن بخانها بیکی از ده وجه باشد
اول رفتن بخانه خدا از برای ادای حج و عمره دویم در خانه پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت
خدا متصل است و حق ایشان واجب است و نفع ایشان عظیم است و ضرر مخالفت ایشان سخت است
سیم در خانه علما که از ایشان استفاده علوم دین و دنیا نمایند چهارم در خانه اهل جود و بخشش که مال خود را
بامید ثواب آخرت میدهند پنجم در خانه بیخردانی که مردم در حوادث دهر بایشان محتاج میشوند و در
حاجتها بایشان پناه می برند ششم در خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج بایشان هفتم
در خانه جمعی که امید منفعت نزد ایشان دارند از جهت رای مستقیم ایشان و تقویت عزم در امور و مشورت
کردن با ایشان هشتم در خانه برادران مومن بسبب آنکه مواصلت ایشان واجب است و حق ایشان لازم است
نهم در خانه دشمنان که بمدارا کردن ساکت میشوند و ضررهای ایشان دفع میشود دهم در خانه

دهم

دهم در خانه جمعی که از ادب ایشان آداب حسنه استفاده میتوان کرد و از انس بمهربانی ایشان میتوان
فصل ششم در آداب عطسه و دعا و آروغ و آسیب دهان انداختن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که مسلمان را بر برادر مسلمش حق لازم هست که چون او را ملاقات کند بر او سلام کند و چون
بیمار شود او را عیادت کند و غایبانه خیرخواه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و باید که آنکه عطسه
میکند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ و دیگران باو بگویند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید
یَهْدِیکُمُ اللّٰهُ وَ یُصْلِحُ بَالَکُمْ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی عطسه کند
او را دعا کنید اگر چه دریا در میان فاصله دارد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که دهان دره از شیطان است و عطسه از جانب خداوند عالمیان است و در حدیث دیگر
منقولست که خدا را نعمتهای بسیار بر بنده است در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح
و بنده فراموش میکند که خدا را بر آن نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید بادی را که در
بدنش جولان میکند و از او بیرون می آید پس خدا از این جهت متذکر میگرداند که در این حال خدا را
حمد کنید که این حمد تلافی شکر آن نعمتها باشد که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که نیکو چیزیست عطسه نفع میرساند بدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آن حضرت
منقولست که چون کسی عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ و در
حدیث حسن دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند باو بگویند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید یَغْفِرُ
اللّٰهُ لَکُمْ وَ یَرْحَمُکُمْ و در حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِیکَ لَهُ و دیگران
باو بگویند یَرْحَمُکَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکَ وَ لَنَا و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که طفلی نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله عطسه کرد و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حضرت
فرمود که بَارَکَ اللّٰهُ فِیکَ و در حدیث دیگر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس انگشت را بر بینی گذارند
و گفتند رَغِمَ اَنْفِی لِلّٰهِ رَغْماً دَاخِراً و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که بعد از
عطسه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ عَلٰی کُلِّ حَالٍ هرگز درد گوش و درد دندان نبیند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و صلوات

منقولست که حضرت صادق ع عطسه کردند فرمودند

بر پیغمبر و آلش بزرستی درد چشم و درد دندان باو نرسد و فرمود که این دا بکوا کرچه دریا در میان تو و او حایل باشد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع درد دندان و درد کوش چون عطسه کند بکوید الحمد لله بکیند و در حدیث دیگر فرمود که ترسانی عطسه کرد از حضرت بلو کفتند یرحمک الله و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت نماند از برای علتی ملائکه از جانب او میکویند الحمد لله رب العالمین و اگر بکوید الحمد لله رب العالمین ملائکه میکویند یغفر الله لک و فرمود که عطسه کردن بسیار علامت عافیت اوست و راحت بدن است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عطسه نفع نمی بخشد بیدن مادام که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود در بیمار بیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند و دست را بر روی بینی کذارد و بکوید الحمد لله رب العالمین کثیراً کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم از سوراخ بینی چپ او مرغی بیرون آید از ملخ کوچکتر و از مکس بزرگتر تا برود در زیر عرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در چند روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقام آن واقع میشود و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عطسه را سه مرتبه دعا بکو و چون زیاده از سه او را واکذار و در روایت دیگر منقولست که چون کسی عطسه کند سزاوار است که انکشت شهادت بر روی بینی کذارد و بکوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انف الله رغما داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر و هر کاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بکو یرحمک الله و چون زیاده شود بکو شفاک الله و چون مرد مومن عطسه کند بکوید یرحمک الله و اگر زن باشد بکوید عافاک الله و اگر طفلی باشد بکوید زرعک الله و اگر بیمار باشد بکوید شفاک الله و اگر کافر ذمی باشد بکوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام باشد بکوید صلی الله علیک و در جواب بکوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطسه کردن ایمن میکرداند از پنج درد اول از خوره دوم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت و خشونت بر بالای بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم شود عطسه بعد از آن سر انکشت در بینی بیچاند بعد بر یک جانب راوی کفت که پنج روز بیچانیدم و بر طرف شد و از حضرت

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر کذراند محتمل است که مراد آهسته کفتن باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون کسی عطسه کند باو بکویند یرحمک الله و او در جواب بکوید یغفر الله لکم و یرحمکم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کسی که آروغ زند بجانب آسمان بلند نکند و فرمود که آروغ نعمت خداست بعد از آن حمد الهی بکنید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مومن آب دهان را بجانب قبله نیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کاه کسی در نماز عطسه کند الحمد لله بکوید و در حدیث دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه کند و تو در نماز باشی بکو الحمد لله و صلی الله علی محمد و آل محمد اگر چه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا باشد فصل هشتم در مزاح کردن و خندیدن و سرکوشی کردن و آداب صحبت داشتن و راز مجلس را پنهان داشتن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که چون سه نفر در مجلسی باشند دو تای ایشان با یکدیگر سرکوشی که موجب آزرده و اندوه آن رفیق دیگر است و در حدیث دیگر معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در میان سخن برادر مسلمان سخن بکوید چنان است که خود شه و خراشی در روی او کرده است و در حدیث بسیار منقولست که مجالس بامانتست یعنی آنچه کذشت باید در جای دیگر مذکور نشود مکر آنکه دانند که ایشان راضیند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که احدی را نیست که سخنی را که صاحبش پنهان دارد نقل کند مکر آنکه ملمی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن شخص باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مجالس با امانتست مکر مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را حلال کنند یا مالی را بناحق ببرند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هیچ مومنی نیست مکر آنکه در او مزاح و خوش طبعی میباشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که خوش طبعی کردن شما با یکدیگر چون است کفت کم است حضرت فرمود که بکنید که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر

مؤمن میشود بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مزاح میکردند با شخصی که او را شاد کردانند و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نباشد
و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که خندیدن مؤمن را میباید تبسم باشد و صدا نداشته باشد
و در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را می میراند و دین را میکدازد چنانچه آب نمک را میکدازد
و در حدیث حسن دیگر فرمود که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث دیگر
فرمود که زنهار که مزاح بسیار مکنید که آبرو را میبرد و فرمود که چون کسی را دوست داری با او مزاح
مکن و جدال مکن و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطان است و فرمود که بسیار خندیدن
آبرو را می برد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که زنهار مزاح مکنید که کینها بهم میرسد
و دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون خندید قهقهه بکنی بعد از فارغ
شدن بگو اللهم لا تمقتنی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مزاح کردن آب
رو را می برد و مهابت مردانرا برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که جدال مکن که حسنت را میبرد و
خوشطبعی مکن که باعث جرئت مردم میشود بر تو و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را می برد و مروت و مردیت را سبک میکند و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست و نمی خندید و حضرت عیسی ع میگریست و می خندید
و آنچه حضرت عیسی ع میکرد بهتر بود از آنچه یحیی میکرد و در حدیث دیگر صحیح از آنحضرت منقولست
که حضرت داود بحضرت سلیمان میگفت که ای فرزند زنهار که خندهٔ بسیار مکن که بسیار خندیدن
آدمی را فقیر میکند در روز قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که عجب دارم از کسی که
ایمان بجهنم دارد و چرا میخندد و حضرت صادق ع فرمود که چه بسیار کسی است که بسیار خندد از
روی لعب و بازی و در قیامت گریه اش بسیار باشد و چه بسیار کسی که گریه بر گناه خود دارد در
بهشت خوشحالی و خنده اش بسیار باشد از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که
مؤمن می باید که عبوس و کرفته نباشد و گشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوب است
اما بسیار خندیدن و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل هیزان و سفیهان است

فصل هشتم در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس بر یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که نیکو مجاورت کن با کسی که با تو مجاورت کند تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان
خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود که کیست مصاحب تو بود در راه گفتم شخصی از
برادران مؤمن فرمود که چه شد گفتم که تا داخل مدینه شدم جایش را ندانستم فرمود که مگر نمیدانی
که کسی که یک ساعت با کسی مصاحبت کرد حق تعالی از او سؤال میکند در قیامت و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که همین عیب بس است
آدمی را که از عیب مردم چیزی چند ببیند که از خود چشم بپوشد و مردم را سرزنش کند بر چیزی
که خود ترک آن نتواند کرد و آزار کند همنشین خود را بچیزی که نفع بار ندهد و حضرت امام محمد
باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مؤمن اند یا جاهل پس مؤمن را آزار منمایید که او با جاهل
بغیر دین نیابید که او اگر نه مثل او خواهی بود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که از ما نیست کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان خود و
نیکو نمک خوارگی نکند با کسی که با او نمک خورد و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بزبان خوش سازکاری بکن و محبت
قلبی خود را خالص کردان برای مؤمنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو مجالست کن
با او و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در
حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص میکرداند
اول آنکه چون با او بخورد بخوش روی و خوشحالی او را ملاقات کند دویم آنکه جا برای او بکشاید
چون نزد او بنشیند سیم آنکه بهترین نامی که دوست تر میدارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی
با مردم کردن نصف عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون کسی را دوست
داری دوستی خود را با او اظهار کن که باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله قسمت میکردند نظر کردنهای خود را در میان

اصحاب خود که بیک بیشتر از یکدیگر نظر نمیکردند و هرکه در حضور خود پا دراز نکردند و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون
غایب باشد نامش را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و میرزا و آقا و نواب و امثال
اینها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی برادر مسلمان خود را دوست دارد
باید که نامش را و نام پدر و قبیله و خویشانش را بپرسد از او که این از جمله حقوق لازمه برادری و دوستی است
و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یک آنکه شخصی
برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف وعده کند و نرود که طعام او را بخورد دویم آنکه شخصی با کسی مصاحبت
و هم نشینی کند و معلوم نکند که کیست و از کجاست تا از او جدا شود سیم آنکه کسی با زن خود جماع کند
و پیش از آنکه زن آب آن بدهد او آب بدهد بلکه می باید بلعب و بازی بکند و مکث کند تا هر دو با هم آب
بدهند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که بسیار پرده از میان خود و دور مکن
و برادر مومن خود بر مدار که باعث برطرف شدن حیا است و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که حاجات یکی از برادران را با کتابتی بر داده حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هر که بستم
کند در مدد برادر مومن خود حق تعالی برای او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقولست که هر که خاشاکی یا مانند آن از راه برادر مومن بردارد و در برابر آن عمل بگوید اماط
الله عنک ما تکره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه کسی بگوید بکسی لا و حیوتک و حیوة فلان چنانچه
در فارسی میگویند بجان تو و جان فلانی و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امت من جماعتی
اند که مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بدی ایشان بدرستی که از من نیست هر که چنین
باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که ولد الزنا چند علامت است
اول دشمن اهلبیت رسالت صلی الله علیه و آله دویم آنکه مایل است بآن حرامی که از آن خلق
شده است سیم آنکه دین را خفیف و سبک میشمارد چهارم آنکه مردم را در حضور ایشان
آزار میکند و هیچکس با مردم بد نمیخیزد و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه یا ولد الزنا است

احمقان خواهد بود

از روی برادر مومن خود کاهی

یا ولد الزنا است یا در حیض مادرش با او حامله شده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که زینهار مشابه مردم مکنید که کرامت را میبرد و مروت را بر طرف میکند و پیوسته جبرئیل مرا نهی میکرد
از مجالست مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که کینه مومن در همان محل میباشد که نشسته است چون از برادران جدا میشود دیگر در دلش
کینه نمیماند و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی کن حضرت فرمود که برادر خود را ملاقات
کن که با روی گشاده و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حد نیکی خلق آن است که مهربانی کنی و سخن را
نیکو کنی و با مردم بروی خوش برخوری و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خوش حالی خوش روئی است
بد خوردن کینه را میبرد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سه چیز است که از مکارم دنیا و آخرت است
اول آنکه عفو کنی از کسی که بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسی که از تو ببرد و حلم کنی با کسی که با تو بیخردی کند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که خشم را فرو خورد خدا عزت او را در دنیا و آخرت زیاد کند و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که هر که خشمی را فرو خورد و قادر باشد که آنرا بعمل آورد حق تعالی دلش را از
ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت **فصل نهم** در فضیلت ذکر خدا و مجالس کردن از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که مبادرت کنید بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت
فرمود که حلقهای مجمعها که یاد خدا در آن کنند و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که در همه جا خدا را
یاد کنید که او با شما است و در حدیث دیگر معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
از هیچ مجلسی بر نمیخواستند هر چند اندکی نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در
احادیث معتبره منقولست که از رسول خدا صلی الله علیه و آله که یاد کننده خدا در میان غافلان مانند
کسی است که جهاد کند در راه خدا در هنگام گریختن دیگران و چنین کسی ثواب او در بهشت است و در
حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران
و بدکاران و برخیزند و یاد خدا نکنند آن مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان خواهد
بود و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که جمعی که در مجمعی جمع شوند و در آن

مردم

ودر آن مجلس یاد خدا نکنند وصلوات بر پیغمبر نفرستند آن مجلس حسرت و ندامت و وبال است بر ایشان
در روز قیامت و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که نوشته است
در توراتی که تغییر نیافته است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود سؤال کرد که خداوندا مجلس
چند بر من وارد میشود که ترا عزیزتر و جلیلتر میدانم از آنکه ترا در آن مجلس یاد کنم حق تعالی در جواب فرمود
که یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در هر حال نیکو است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
منقولست که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از
مجمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید که هر که مرا یاد کند در مجمعی از مؤمنان
من او را یاد کنم در میان مجمع ملائکه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خواهد
در قیامت ثواب کامل بیابد در وقتی که میخواهد برخیزد از مجلس بگوید سبحان ربک رب العزة
عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که این
کفاره گناهان آن مجلس است فصل دهم در فضیلت ذکر رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه علیه
السلام در مجالس ومباحثه ایشان نمودن و احادیث بسیار در فضایل ایشان یاد کردن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند آن مجلس
بر ایشان حسرت خواهد بود در قیامت و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که یاد ما کردن
از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از ذکر شیطان است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
منقولست که حق تعالی را ملک چند هست که ایشان سیر میکنند در زمین هرگاه میگذرند بر جماعتی
که یاد محمد و آل محمد میکنند بیکدیگر میگویند بایستید که مطلب خود را یافتید پس می‌نشینند و با ایشان
شریک میشوند در آن امر پس چون ایشان برمیخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند
و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند و اگر غایب شوند بجستجوی ایشان میکنند و در
حدیث دیگر فرمود که ملائکه که در آسمانها اند نظر میکنند بسوی یک و دو و سه از شیعیان
که فضیلت آل محمد صلی الله علیه وآله را ذکر میکنند پس طایفه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند
که این فضل ایشان است بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و در حدیث

و در حدیث دیگر معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلم از میسر پرسیدند که آیا شما شیعیان
با یکدیگر خلوت میکنید و از علوم اهلبیت و فضایل ایشان آنچه خواهید میگوئید گفت بلی والله
حضرت فرمود که والله من دوست میدارم که من با شما باشم و در آن مجالس والله که من بوی شما را
و نسیم شما را دوست میدارم و بدرستی که شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت
خود به پرهیزکاری از محرمات و سعی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر
از مؤمنان یا زیاده مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع میشوند اگر خیری از خدا میطلبند ملائکه آمین
میگویند و اگر پناه بخدا میبرند از شری دعا مینمایند ملائکه که خدا آن بلا را از ایشان دور گرداند
و اگر حاجتی میطلبند ملائکه از خدا سؤال میکنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمیشوند سه نفر
یا زیاده از انکار کننده کان حق اهلبیت مگر آنکه ده برابر ایشان حاضر میشوند و هر سخنی
که میگویند شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر
مذمت دوستان خدا میکنند با ایشان رفاقت میکنند پس اگر کسی از مؤمنان مبتلا شود بهم
نشینی ایشان چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و هم نشین شیطان نباشد
که هیچ کس تاب مقاومت خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند که برخیزد
بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد و باز گردد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست
که هیچ چیز شیطان و لشکرهای شیطان را مجروح نمیکند مثل رفتن برادر مؤمن بدیدن
یکدیگر از برای خدا بدرستی که دو مؤمن که با یکدیگر بر خورند و یاد خدا میکنند پس فضل
ما اهلبیت را یاد کنند بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه
روحش باستغاثه میآید از شدت الم که باین امری یابد پس ملائکه آسمانها و خازنان
بهشت بر این مطلع میشوند و او را لعنت میکنند و هیچ ملکی مقرب نمیماند مگر آنکه لعنت
میکنند پس ناامید و مطرود و محروم بر زمین می‌افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که زینت دهید مجالس خود را بذکر فضل علی بن ابی طالب علیه السلم که در او
هفتاد خصلت از خصلتهای پیغمبران است و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برای

برادرم علی چندین فضیلت قرار داده که از بسیاری احصای آن نتوان کرد پس هر که یک فضیلت
از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و اذعان گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود هر
چند در قیامت با گناه جن و انس بیاید و هر که یک فضیلت از فضایل او را بنویسد تا
مادامی که از آن کتابت باقی باشد ملائکه از برای او استغفار کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از
فضایل آنحضرت خدا آن گناهانی که بگوش کرده باشد بیامرزد و هر که نظر کند بنوشته
که از فضایل آنحضرت در آن نوشته باشند خدا بیامرزد گناهانی که بچشم کرده باشد و در
حدیث دیگر فرمود که هر که بیک راهی برود بجهت طلب علم حق تعالی راهی برای او بگشاید بسوی
بهشت و بدرستی که ملائکه بالهای خود را میگذارند برای طلب کننده علم باز خشنودی
و استغفار میکنند برای طلب کننده علم هر که در آسمان و زمین است حتی ماهیان دریا
و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و در حدیث
دیگر فرمود که آنچه باد ببرد مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد و برای
مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید که مذاکره علم در میان بندگان
من دلهای مرده را زنده میگرداند و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مذاکره کنید و ملاقات
کنید و حدیث با یکدیگر نقل کنید که حدیث جلا میدهد دلها را و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که مذاکره علم ثوابش نماز مقبول دارد فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران
و آداب آن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نفس خود را بخطرها می‌اندازد
کسی که مستغنی میشود برای خود از رای دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن
با جماعتی که از خدا ترسند و دوست دار برادر مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان و بپرهیزید
از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش اگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت کن ایشان را تا
طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از
کسی که با مسلمانی با او مشورت کند و در میان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا
احمد باشد و در مشورت ایشان داخل باشد البته آن خیر ایشان باشد برای ایشان ظاهر

میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی
بر تو مستقیم باشد و مروت تو کامل باشد و زندگانی تو نیکو باشد در امور خود مشورت
مکن با بنده و مردم نادان و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که مشورت مکن
با جبانان و ترسایان که راه را بر تو تنگ میکنند و مشورت مکن با بخیل که مانع میشود ترا از
رسیدن بغایت مقصود خود و مشورت مکن با کسی که حرص دنیا داشته باشد که زینت می
دهد برای تو بدراهی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که علی کسی که طلب خیر از خدا
میکند حیران نمیشود و کسی که مشورت کند و در حدیث دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا ع
با آن عقل کامل مشورت مینمود با سیاهی از غلامان خود و میفرمود که بسیار باشد که
خدا خیر را بر زبان او جاری کند و در احادیث معتبره منقولست که با عاقل دین دار پرهیزکار مشورت
کن و چون چنین بگوید خلاف آن مکن که مشورت فساد دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که برادر مؤمنش با او مشورت کند و آنچه محض خیر او داند
نگوید خدا عقل او را برطرف کند و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کردن حدی چند دارد که هر
که آنها را نداند مضرت مشورت برای او بیش از نفع است اول آنکه با او مشورت میکند عاقل باشد
دویم آنکه متدین باشد سیم آنکه برادر و دوست دار او باشد چهارم آنکه او را بتمام سر خود
مطلع کند که چنانچه خود جهات آن امر را میداند او هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا
که اگر عاقل است منتفع میشوی بمشورت او و اگر آزاد و دین دار است آنچه حق سعی است می
کند در خیرخواهی تو و اگر برادر و دوست دار توست چون راز خود را با او گفتی افشا نمیکند
و بدانکه از برای فضیلت مشورت و اهتمام در آن همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را
که اعقل مکونات بود در قرآن مجید امر بمشورت فرموده است که وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ یعنی مشورت کن با اصحاب خود در امور پس چون
عزم کردی پس توکل بر خدا فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که مهربانی و مواصلت میان برادران مؤمن که بدیدن یکدیگر بروند و

و در سر نامه نیست که نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتابت
نوشتن واجبست مانند جواب سلام و در حدیث دیگر فرمود که هر که ترک نوشتن بکند بسم الله
الرحمن الرحیم را اگرچه بعد از آن شعر نویسی و فرمود که میباید که بسم الله الرحمن الرحیم را
بهتر از سایر چیزها که مینویسی بنویسی و در حدیث دیگر موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه
ابتدا باسم آن شخص که نامه را باو بنویسی بنام کردن چون است فرمود که باکی نیست این اکرامیست
که او را میکنند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسید چون بیت
آنحضرت امر فرمود که دادند فرمودند که حکم نمایید دارید که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید
در حال آنکه انشاء الله در جائیکه مناسب است تعجیل ننوشته اید پس فرمود که بنویسید
که انشاء الله بنویسید و در روایت صحیح از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که چون
نامه نوشتید خاک بالای سر روی نامه بپاشید که حاجت بهتر روا میشود و در حدیث دیگر از
منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلم در اول نامه می نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم
اذکر انشاء الله و الامر بید الله و فرمودند که اگر بگویم که کسی که ترک میکند در گفتن
و نوشتن بسم الله در کارها و نوشتها مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه راست گفته
ام و از حضرت امام امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال
بعقل و بینائی او میتوان کرد و از رسول و ایلچی او استدلال بر فهم و زیرکی او میتوان کرد
و در حدیث دیگر فرمود که چون رقعه یا نامه برای حاجتی بنویسی و خواهی که آن حاجت بر آید
بقلم بی مداد بر سر رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج
مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم
ولا هم یحزنون راوی گوید که هرگاه چنین میکردم حاجتم روا میشد بر آورده میشد
و در حدیث صحیح منقولست از حضرت امام رضا علیه السلم پرسیدند که کاغذها
نزد ما جمع میشود آیا بآتش میتوان سوزانید هرگاه در آن نام خدا باشد فرمود که نه
بلکه بآب بشوئید و در حدیث صحیح دیگر منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه
که کاغذها را مسوزانید و لیکن محو کنید و بدرید و در حدیث حسن منقولست که از آن

که از آنحضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را بآب دهن محو میتوان کرد فرمود که بپاکی
ترین چیزها محو کنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کتاب خدا و نام
خدا را به پاکترین آنچه یابید محو کنید و نهی فرمود که از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلم محو
کنند و در بعضی از نسخها بجای قلم قدم است باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن
و بیرون رفتن فصل اول در گشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
منقولست که از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده باشد و در حدیث دیگر صحیح
منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلم خانه خریدند و یکی از موالیان خود را امر
فرمودند که در آنجا نه ساکن شو که خانه تو تنگ است آن شخص گفت که این خانه ایست که
پدرم احداث کرده است بدان نمی توانم رفت حضرت فرمود که هرگاه پدرت احمق باشد
تو نیز می باید احمق باشی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که سه چیز است
که موجب راحت مؤمن است خانه گشاده که عیبها و امور مخفی او را از مردم پنهان دارد
و زن صالحه که بر امور دنیا و آخرت او را یاری کند و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون
کند یا بمردن یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که نیکی زندگانی
در گشادگی خانه است و بسیاری خدمتکاران است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی
لذت دنیا در فراخی خانه است و بسیاری دوستان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
منقولست که از شقاوت زندگانی خانه تنگ است و در روایت دیگر منقولست که شخصی
از انصار شکایت کرد از تنگی خانه برسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که
از سعادت بآواز بلند بسیار از خدا طلب که گشادگی در خانه تو بهد و در حدیث دیگر فرمود
که از سعادت آدمی آنست که فرزندش باو شبیه باشد و زن خوشروی دیندار
داشته باشد و چهارپای رهوار و خانه گشاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود
که شومی خانه تنگی ساحت در و بدی همسایگان و بسیاری عیبهای آن است و در حدیث
دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت است زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته وخانه

و دیگر در چهار چیز است که از شقاوت است همسایهٔ بد و زن بد و خانهٔ تنگ و مرکب بد و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که از تلخی زندگانی است از خانه نقل کردن و نان از بازار خریدن

فصل دویم در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بنیاد بلند ساختن و در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط می
گرداند عمارت کردن و خاک و آب را که مال حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که بنائی زیاده
بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که عمارت کند
زیاده از آنچه در آن سکنی نماید در قیامت او را تکلیف میکنند که آنرا بردارد و از حضرت امام علی نقی
علیه السلام منقولست که خدا در زمین خود بقعهٔ چند قرار داده است که آنها را مرحومات می نامند که دوست
میدارد که نام او را در آن بقعها ببرند و او را بخوانند و اجابت دعای ایشان بکند و خدا در زمین
بقعهٔ چند قرار داده است که آنها را منتقمات می نامند پس چون کسی مالی از غیر حلال کسب کند خدا یکی
از آن بقعها را بر او مسلط میگرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از دو خانه شخصی گذشتند که از آجر ساخته بود پس پرسیدند که این دو خانه
کیست شخصی گفت که از فلان مرد عامل مرد زبیر بدر خانه دیگر گذشتند که آن هم از آجر ساخته بود
حضرت فرمود که این خانه کیست از هر دو عامل دیگر است و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز قیامت آن خانه را تا هفتم طبقهٔ زمین
آتش کنند و در گردن او اندازند و او را در جهنم اندازند و هیچ چیز او را نگاه ندارد در جهنم
تا آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله صلی الله علیه و آله بنای ریا و سمعه ساختن چه معنی دارد فرمود که
یعنی زیاده از قدر احتیاج بسازد برای آنکه زیادتی کند بر همسایگان خود و فخر و مباهات کند با برادران
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده است بعمارت که هر که سقف
خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند او میگوید که تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر
ای فاسق‌ترین فاسقان و در چند حدیث معتبر دیگر وارد شده است که هر که سقف خانه را از هشت
ذرع بلند کند جنیان و شیاطین در آنجا جا میکنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد
بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که جنیان آزار اهل خانه و عیال من میکنند حضرت پرسیدند
پرسیدند

پرسیدند که ارتفاع خانهٔ تو چه مقدار است گفت ده ذرع است حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع به
پیمایند ما بین هشت تا ده آیة الکرسی بنویس پس در خانه نبود که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت
ذرع است جنیان در آنجا حاضر میباشند و در آنجا مسکن میکنند و در چند حدیث دیگر منقولست که
هر که دیوار خانه او ارتفاعش از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیة الکرسی بنویسد و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر کرده اند
حضرت فرمود که سقف خانهای خود را هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف خانه خود جای بدهید
راوی گفت که چنین کردیم دیگر بدی ندیدیم و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که بنا کن خانهٔ خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هفت ذرع است شیطان در آنجا
ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان و زمین نمیباشد بلکه در میان هوا میباشد و در روایت
معتبر دیگر منقولست که ابو خدیجه گفت که در خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدم
آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند و در جانب قبله نماز گاه آنحضرت نیز آیة الکرسی
نوشته بودند فصل سیم در نقاشی کردن و تصویر کشیدن صاحب روح و حیوانات ساختن که سایه داشته
باشد مشهور علما آنست که حرامست که چنین صورتی را بر دیوارها و جامها نقش کردن مکروه است
و بعضی بحرمت قایل شده اند و احوط آنست که طلا کاری نکنند و مطلقا صورت نکشند حتی
صورت درخت و امثال آن خصوصا صورت انسان که تمام باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر
آنست که آنرا ناقص کنند مثل آنکه چشمش را کور کنند یا عضوی از آنرا محو کنند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که جبرئیل گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند
و ترا نهی میکند از نقش کردن خانها و صورتها کشیدن در خانها و در احادیث دیگر معتبر از آنحضرت منقولست
که جبرئیل گفت که ما گروه ملائکه داخل خانه نمیشویم که در آن سگ باشد یا صورتی بدنی باشد یا ظرفی
باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که صورتی بسازد
در قیامت او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق
منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند از بالش و فرشی که صورت

داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه باشد صورتی که پامال شود و بر رویش بنشینند و راه روند و در
حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که باکی نیست که صورتها در خانه باشند اگر سرهاشان
تغییر دهند و سایر بدنش بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که
نماز مکن در خانه که صورتی در برابر تو باشد مگر آنکه جامه بر آن انداخته باشی پس سر آن صورت را قطع
کن و نماز بکن و در چند حدیث از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله مرا بمدینه فرستاد که صورتی که باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگهارا
بکشم و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که عمارت بر بالای قبرهای
مکنید و صورت در سقف خانها مکشید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از این دو چیز کراهت
داشتند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماه
فصل فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیوانات نباشند فصل چهارم در آداب فرش خانه از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام منقولست که سه چیز است که از مروت است نیکوئی چهارپا و غلام خوش رو
و فرش نفیس را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرشی برای خود و فرشی
برای زوجه خود و فرشی برای مهمان در کار است و زیاده از این از شیطان است و در روایت دیگر
منقولست که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بالشها و نمدها بود که در آنها تمثالها
شکلها و صورتها بود و بر روی آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقولست که جمعی بخانه آنحضرت آمدند
و بالشها و فرشها نفیس دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزهای چند می بینیم که خوش نمی آید ما را
حضرت فرمود که ما زنان میخواهیم و مهر ایشانرا میدهیم ایشان آنچه میخواهند از برای خود میخرند آنها
از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که
آنحضرت در خانه مزین نشسته اند که فرشهای نیکو در آن گسترده اند پس روز دیگر رفت دید که در
خانه نشسته اند که بغیر از حصیر چیزی در آن نیست و خود پیراهن کنده پوشیده اند پس حضرت فرمود
که آنچه دیروز دیدی آن خانه از من نبود و از زوجه من بود و دیروز نوبه او بود و در حدیث صحیح منقولست
که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که شما می نشینید و فرشی که در آن صورتهاست

صورتها است فرمود که عجمان تعظیم میکنند چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح
دیگر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند از فراش حریر و دیبا آیا بر روی
آن میتوان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت فرمود که در زیر خود می اندازی و بر بدنش می بستی اما سجده بر
آن مکنی و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می
نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامه های کنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند
برای مردم زینت میکردند و در روایت معتبر دیگر منقولست که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
سنندک و حضرت فاطمه را تزویج کردند کردند پوشش ایشان عبائی بود و فرش ایشان پوستی که
بود و بالش ایشان پوستی بود که در میانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت صادق علیه السلام که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن
صورت مرغان هست پس جامه بر روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای
من هدیه آوردند و در آن صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشان را تغییر
دادند و بصورت درخت کردند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت فرمود که چیزی
را که فرش کنند و پهن کنند و بر روی آن راه روند باکی نیست اما صورتهای که بر دیوار و
کرسی نصب کنند خوب نیست فصل پنجم در آداب عبادت کردن در خانه و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
حجره در خانه مقرر کرده بودند فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرش و ستنبی و مصحفی دیگر چیزی نبود و در آن حجره
آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در خانه
خود قرار داده بودند که نه بسیار کوچک بود و نه بسیار بزرگ از برای نماز گاه خود و چون شب
می شد طفلی را با خود بآن حجره می بردند و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقولست
که آن حضرت نوشتند بسمیع که دوست میدارم از برای تو که در خانه خود نماز گاهی قرار دهی
و جامه کهنه کنده بپوشی در آن موضع ببری و از خدا سؤال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و
ترا داخل بهشت کند و دعائی نامشروع مکن و نفرین بر کسی مکن و در حدیث معتبر از حضرت

رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که منور کنید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای
خود را مثل گورستان مکنید چنانچه نصاری کردند که نماز در معبدهای خود میکردند و خانهای
خود را معطل میگذاشتند بدرستی که خانهٔ که در آن تلاوت قرآن بسیار میشود خیر آن خانه
بسیار میشود و اهلش برفاهیت و نعمت میباشند و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمان را
چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم منقولست که خانه که مسلمانی در آن قرآن خواند اهل آسمان آن خانه را بیکدیگر می
نمایند چنانکه کواکب آسمان را اهل زمین بیکدیگر مینمایند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست
که خانهٔ که در آن خانه قرآن خوانده شود و یاد خدا در آن کرده شود برکت آن خانه بسیار میشود
و یاد خدا در آن خانه کرده میشود و برکت آن خانه بسیار میشود و ملائکه حاضر میشوند و شیاطین
دور میشوند و روشنی اهل آسمان را چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه
که در آن قرآن خوانده شود و یاد خدا در آن خانه نکنند برکت آن خانه کم میباشد و ملائکه دوری
میکنند و شیاطین در آن خانه حاضر میباشند فصل ششم در نگاه داشتن حیوانات در خانه خصوصا
کبوتر و خروس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حیوانات در خانه بسیار نگاه
دارید که شیاطین با آنها مشغول شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که خوبست حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال جنیان با ایشان بازی
کنند و با اطفال شما بازی نکنند و در حدیث دیگر معتبر دیگر منقولست که شخصی بحضرت رسول
شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمود که یکجفت کبوتر در خانه نگاه دارید و در حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که کبوتران مرغان پیغمبرانست و در حدیث
حسن دیگر فرمود که کبوتران حرم نسل کبوتر چندی اند که حضرت اسمعیل علیه السلم نگاه
داشته بودند و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتر چند نگاه دارند
کربال ایشان چیده باشند که با آنها انس بگیرند و در حدیث دیگر فرموده که هر خانهٔ که
در آن خانه کبوتر باشد آفتی از جن باهل خانه نمیرسد زیرا که بچهای جن بازی میکنند

میکنند در خانه چون کبوتر در آن خانه هست مشغول آن میشوند و متوجه آدمی نمیشوند و در
حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگاه دارید که دوست داشتنی است و دعا کردهٔ نوح است منقولست
و هیچ چیز در خانه مثل کبوتر باعث انس نمیشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
که هر بالی که کبوتر میزند باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و روایت دیگر از داود بن
فرقد منقولست که گفت که در خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلم کبوتر چندی بود کبوتر
زاغی دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود
که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلم پس شما او را در خانه خود نگاه دارید
و در حدیث دیگر منقولست که راوی گفت که آنحضرت را دیدم که از برای کبوتر که در خانهٔ آنحضرت
بودند نان ریزه میکردند و در حدیث دیگر از عبد الکریم منقولست که گفت رفتم بخانهٔ آنحضرت
دیدم سه کبوتر سبز در خانه آنحضرت بود عرض کردم که اینها خانه را کثیف میکنند حضرت فرمود
که مستحب است نگاه داشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله یکجفت کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم چاهی کنده
بود خبر دادند بحضرت که جنیان سنگ در آن چاه می اندازند حضرت فرمود که آمدند بر سر چاه ایستادند ده اند
دو فرمودند که دست از این عمل بردارید و اگر نه کبوتر در اینجا میآریم و فرمود که صدای بال کبوتر
شیطانرا دفع میکند و از محمد بن کرامه منقولست که گفت بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
رفتم یکجفت کبوتر در منزل حضرت دیدم که کبوتر سبز بود و نقطهای سفید داشت و کبوتر ماده سیاه
بود و حضرت نان از برای آنها ریزه میکرد و میفرمودند که اینها در شب حرکت میکنند و مونس منند
در مرتبه که در شب بال میزنند جنیان و شیاطین را که داخل خانه شده اند دفع میکنند و در حدیث چند
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که کبوتر را بجای دور میفرستید تا سی فرسخ راه
از روی دانائی بر میگردد و آنچه زیاده براینست از روی دانائی نیست بلکه نان خورش تقلید
آنرا می آورد و در چند حدیث منقولست که کبوتر خانگی یا کبوتر یا هو یا دخل بسیار میکند داخل
بیت دوست میدارد صاحب خانه را دعا میکند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث معتبر

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که خروس بال کشاده سفیدی که در خانه باشد
آن خانه و هفت خانه دور آنخانه را از بلاها نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر در دور خانه بهتر است از
هفت خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمن است و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران هست سخاوت
و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیاری جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که نو یاد کردن خروس نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست و از حضرت رسول
منقول است که دشنام مدهید خروس را که برای نماز مردم را بیدار میکند **فصل هفتم** در نگاه داشتن
گوسفند و بز در خانه در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه
یک گوسفند نگاه دارند خدا روزی آن گوسفند را با ایشان بدهد و روزی ایشان را زیاده
کند و فقر یک منزل از ایشان دور شود و اگر دو گوسفند نگاه دارند خدا روزی آنها را برساند و روزی
ایشان را زیاد کند و پریشانی از ایشان دو منزل دور شود و اگر سه گوسفند نگاه دارند
حق تعالی روزی ایشان را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و پریشانی در اصل از ایشان بر طرف
شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که نزد ایشان گوسفند شیر دهی باشد
۳۸ هر روز دو مرتبه ملائکه با ایشان گویند خدا شما را برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که هر مؤمنی که در خانه او یک بز باشد هر روز یک مرتبه ملکی در طرف صبح ایشان را دعا کند
که مطهر و پاک باشید خدا برکت دهد شما را و نیکو باد حال شما و نیکو باد نان و خورش شما
و اگر دو بز باشد شیر ده هر روز دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث دیگر معتبر ۳۹
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عمه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه
در خانه خود برکتی نگاه داری گفت یا رسول الله برکت کدام است فرمود که گوسفند شیر دهی پس فرمود
که هر که در خانه او گوسفند شیر دهی باشد یا بز شیر دهی یا گاو شیر دهی باعث برکت خانه او میشود و در حدیث
۴۰ دیگر فرمود که حق تعالی سه برکت فرستاده است آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقول است که هر که اهل خانه که گوسفند هر شب داخل خانه ایشان شود ملائکه نگاه بانی ایشان میکنند
تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگاه دارید و شتر نگاه دارید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود

فرمود که نیکو مالیست گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند نگاه دارید خوابگاه ایشان را پاکیزه
کنید و خاک از بدن ایشان پاک کنید **فصل هشتم** در بیان احوال سایر طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن
ایشان روا است یا روا نیست و در حدیث معتبر منقولست که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام
بود آنحضرت روزی شنیدند که او خواندگی میکرد فرمود که میدانید که چه میگوید گفتند نه فرمود که
میگوید فقدتکم فقدتکم یعنی گم شوید نیست شوید پس فرمود که ما آنها را دفع کنیم پیش از آنکه او
ما را دفع کند پس فرمود که آنرا کشتند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام دید که اسمعیل
فرزند خود در نزد دید که فاخته را در قفس کرده اند و فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه
باعث شده است ترا که این فاخته را نگاه داشته ای مگر نمیدانی که این شوم است مگر نمیدانی که
نفرین میکند صاحب خانه را پس آنرا نیست کنید پیش از آنکه او شما را نیست کند و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودند شخصی گذشت و پرستک
کشته در دست داشت حضرت برجست و آنرا از دست او گرفت بر زمین زدند و فرمودند که
آیا عالم شما امر کرده است که شما این مرغ را بکشید یا فقیه بدرستی که خبر داد مرا پدرم از جدش که
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده است از کشتن شش جانور مکس عسل و مورچه و وزغ
و صرد و هدهد و پرستک اما مکس عسل زیرا که پاکیزه میخورد و پاکیزه از و حاصل میشود و آن است که
چیزی که خدا با و وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس در آنجا که فرموده است و اوحی
ربک الی النحل و اما مورچه زیرا که در زمان سلیمان پیغمبر علیه السلام بهم رسید قحط و تنگی باران
حضرت با اصحاب خود بیرون رفتن ناگاه مورچه دید که بر پا ایستاده دست به آسمان
دراز کرده و میگوید که پروردگارا ما از جمله آفریدهای توایم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی
بده بما از نزد خود و ما را مگیر بگناهان بی خردان از فرزندان آدم پس حضرت سلیمان علیه السلام
گفت برگردید که حق تعالی بدعای دیگری شما را باران داد و اما وزغ زیرا که چون نمرود آتش
برای حضرت ابراهیم علیه السلام افروخت جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش
بریزند حق تعالی هیچیک را رخصت نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث آن از آتش سوخت و یک

ثلث آن باقی ماند و اما هدهد زیرا که آن دلیل حضرت سلیمان علیه السلام بود بسوی ملک بلقیس و اما صرد که مرغیست
که سر بزرگی دارد و گنجشک را شکار میکند زیرا که راهنمای حضرت آدم بود از بلاد سراندیب تا بلاد
جده یکماه و اما پرستک زیرا که گردیدن آن در هوا برای تأسف و اندوهیست که بر مظلومیت اهلبیت رسالت
صلی الله علیه و آله دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی‌بینی که در آخر خواندنش میگوید و لا
الضالین و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی کاظم ع پرسیدند از کشتن مورچه حضرت
فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند از کشتن هدهد فرمودند که آزارش مکن و مکش
که نیکو مرغی است آن و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله نهی فرمود که از کشتن پنج جانور صرد و صوام مرغی است که در نخلستان میباشد و سرش قرمزست و
هدهد و مگس عسل و مورچه و وزغ و امر فرمود بکشتن پنج جانور کلاغ و کورکوره و مار و عقرب
و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص فرمود که هر که ماری را بکشد چنان است که
کافری را کشته و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام موسی کاظم ع پرسیدند از کشتن مار حضرت
فرمود که حضرت رسول ص فرمود که هر که ماری را برای این نکشد که کشتن آن گناهست از من
نیست اما اگر برای این که حیوانیست و بتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه حیوانی را باتش بسوزانند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حق تعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته بود تا آنکه از تشنگی مرده بود و در حدیث معتبر
منقول است که باکی نیست بکشتن مورچه خواه آزارت بکند خواه نکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص
منقول است که پرستک را مکشید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد و در ذکری
که میکند سوره حمد میخوانند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در بال هدهد
بزبان سریانی نوشته است که آل محمد خیر البریة یعنی آل محمد بهترین خلایق اند و در حدیث از امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که مخورید جوجه را و دشنام مدهید هدهد را و باطفال که بازی کنند
که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیحش اینست که لعن الله مبغضی آل محمد صلی الله علیه و آله یعنی
خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از علی بن الحسین علیه السلام منقولست

منقولست که آن کاکلی که بر سر هدهد است از دست مالیدن حضرت سلیمان علیه السلام بهم رسیده
است زیرا که روزی نری با ماده خود خواست که جمع شود ماده مضایقه میکرد نر گفت که تخم را کجا میگذاری
گفت میخواهم که دور از راه بگذارم نر گفت اگر نزدیک راه بگذاری بهتر است که اگر کسی بیاید گمان
کند که برای دانه چیدن باینجا آمده اند چنین کردند چون نزدیک شد که جوجه بر آورند ناگاه دیدند که
حضرت سلیمان با لشکرش می آید و مرغان بر سرش سایه کرده اند ماده گفت اینک سلیمان با لشکرش رسید
میترسم که ما و تخم ما را پامال کنند نر گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم و مهربان است آیا نزد تو چیزی
هست که برای جوجه خود پنهان کرده باشی گفت بلی پای ملخی دارم از تو پنهان کرده ام
برای جوجه خود آیا تو چیزی برای جوجه خود ذخیره کرده نر گفت بلی من خرمائی دارم از تو پنهان کرده
ماده گفت پس تو خرما را و من ملخ را بر میداریم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان میرویم و هدیه خود را
پیشکش او میکنیم و حاجت خود را عرض میکنیم و سلیمان هدیه را دوست میدارد پس نر خرما را در منقار گرفت
و ماده ملخ را بچنگال گرفت و هر دو پرواز کردند و نزد سلیمان علیه السلام آمدند و آنحضرت بر روی
تخت نشسته بود چون ایشان را دید دستها را گشود نر بر دست راست آنحضرت نشست و ماده بر
دست چپ و حضرت از حال ایشان سؤال کرد و قصه خود را نقل کردند حضرت سلیمان ع هدیه
ایشان را قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجای دیگر گردانید و دست بر سر ایشان مالید
و دعا کرد و برای ایشان ببرکت آن کاکلی بر سر ایشان بهم رسید و در چند حدیث دیگر وارد
شده است که جوجه را از آشیانه شکار مکنید بلکه بگذارید که پرواز کند بعد از آن ایشانرا شکار
کنید که در امانند و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که باکی نیست شب
مرغان را از آشیانها گرفتن لیکن علما گفته اند که مکروه است شب مرغ را در آشیان شکار
کردن و جوجه را از ایشان گرفتن و همچنین حیوانات را در شب کشتن مکروه هست و در
حدیث دیگر منقولست که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف طاوس میکردند
حضرت فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید نیست و خروس خوش آوازتر
از آنست و برکتش بیشتر است و ترا آگاه میکند از وقت نمازها و طاوس نفرین و ویل و وای
بر خود میکند بآن گناهیکه کرده و بآن سبب مسخ شده است و در حدیث دیگر منقول است که طاوس

یمانی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از او پرسیدند که توئی طاوس گفت بلی حضرت فرمود
که طاوس مرغ شومی است که بساحت هیچ گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشان را آواره میکند و در حدیث
دیگر منقولست که سالم بخدمت آنحضرت رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت
فرمود که میدانی چه میگویند گفت نه فرمود که میگویند که خداوندا ما آفریدهٔ چندیم از آفریدهای تو
و چاره نیست ما را از روزی تو پس طعام و آب بده ما را و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امام زین العابدین ع در چنین حالی فرمودند که اینها تسبیح پروردگار خود میکنند و طلب روزی از خدا
میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که جغد در زمان سابق
در خانها جا میگرفت و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد و طعام پیش او می ریختند و میخورد
چون حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند از آبادانی بیرون رفت و در خرابها و کوهها
و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید شما فرزند پیغمبر خود را میکشید من ایمن نیستم از شما که
مرا بکشید و در چند حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که تا حضرت امام حسین ع را
شهید کردند جغد در روزها پیدا نمیشود و همچنین در شب ظاهر میشود و از آن روز قسم خورده است که
در آبادانی جا نگیرد و پیوسته روزها روزه میباشد و اندوهناک و چون شب میشود افطار میکند
و پیوسته ناله و گریه میکند بر حضرت امام حسین ع تا صبح و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که اگر نه این بود که مگس در ظرف طعام افتد آنرا غوطه دهید و بیندازید که در یک بالش زهر است و در
بال دیگرش شفا است و آن بال زهرآلوده در آب و طعام فرو میبرد و شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضررش زایل شود
فصل نهم در منع نگاه داشتن سگ در خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که
مکروهست در خانه مرد مسلمان سگ بوده باشد و در حدیث موثق از آنحضرت منقول است که هیچ کس
نیست که سگی در خانه نگاه دارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم میشود و در حدیث صحیح از
حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که خیری نیست در سگها مگر سگ شکاری یا سگ گله و از حضرت امام
صادق ع منقول است و در حدیث موثق که نگاه مدار سگ شکاری را در خانه مگر آنکه میان تو و او دری باشد
که هر روز در او بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهائی که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند

از جن اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سگها از ضعفای جن اند هرگاه طعام خورید
و سگی حاضر باشد یا طعامش بدهید یا او را از خود دور کنید که نفسهای بد دارند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که سگی که سیاه یکرنگ یا سفید یکرنگ باشد یا سرخ یکرنگ باشد اینها از جن اند و سگهای
ابلق مسخ شده اند از جن و انس و در حدیث صحیح از ابوحمزه منقول است که گفت که در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان مکه و مدینه ناگاه آنحضرت ملتفت شدند در جانب چپ سیاه رنگی
دیدند فرمودند که چیست ترا خدا قبیح کند و اند ترا چه بسیار تند میروی ناگاه دیدم شبیه بمرغی شد و بر
وا نگردید پرسیدم که این چه چیز بود فرمود که این عثم نام دارد و پیک جنیان است در این ساعت هشام مرده است
او پرواز میکند بهر شهری خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول الله
رخصت دادن جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ نگاه دارند و در حدیث معتبر دیگر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که از پی شکار بسیار مروید که بیم ضرر است بر شما و چون صدای
سگ و عرعر یا خر بشنوید پناه برید بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که آنها می بینند چیزی چند که شما نمی
بینید و در حدیث موثق منقول است که حیوانات را با یکدیگر بجنگ انداختن خوب نیست مگر سگ را
که بتازند بر حیوانات برای شکار کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر حیوانی
که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد
حلال است اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر شکار کنند
یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی وقتی که جان داشته باشد و آنرا بکشی
حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر پیکاندار یا تیر بی پیکان که در بدن
فرو رود و آنرا بکشد اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد
اگر نام خدا برده در وقت تیر انداختن حلال است و همچنین اگر بشمشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار
کنی این حکم دارد و اگر بسنگ یا تفنگ یا کمان گلوله و سایر چیزها که آهن نداشته باشد
و بسنگینی میکشند شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد و بکشی حلال است و اگر نه حرام است
و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که شکاری که سگ سیاه

یک رنگ بکند حرز بدن زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چنین سگی را بکشند و علما
حمل بر کراهت کرده‌اند و هم چنین نهی وارد شده است از خوردن شکاری که سگ بگیرد که یهودی
یا نصرانی یا مجوسی انرا تعلیم کرده باشد و این حمل بر کراهت کرده‌اند و هم چنین مکروه است
ماهی را شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز و در شکار ماهی شرط است که انرا زنده از آب بدر آورند
و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان بدر آورد اگر کافر بدر آورد
و مسلمان از دست او بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلال است و هم چنین اگر ماهی خود بکنار افتد
و مسلمان آنرا بگیرد و زنده باشد حلال است و اگر ببیند که زنده است و دست نگرفته
بمیرد خلاف است و احوط اجتناب است و شکار ملخ بان میشود که مسلمان آنرا بدست خود یا آلت
شکار بگیرد و ملخی که به پرواز نیامده باشد حلال نیست و بدانکه شکار لهو و لعب کردن که مطلب
از آن سیر کردن باشد و زنند و اند و زنند جایز نیست و نماز را در چنین سفری تمام باید کرد و روزه
میباید گرفت و اگر مطلب روزی حلال از برای عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر
میکنند و روزه میخورند و این رساله گنجایش ذکر مفصل احکام شکار ندارد و از محلش طلب باید کرد

فصل دهم در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که آن فاسقک یعنی موش فتیله را
نکشد که آتش در خانه اندازد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است
که ضایع میشوند و کسی از آنها منتفع نمیشود یکی چراغ در مهتاب روشن کردن و در حدیث دیگر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پنج چیز است که ضایع میشوند چراغی که در آفتاب
روشن کند روغن ضایع میشود و از روشنائی منتفع نمیتوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد
باطل ضایع میشود و از زمین نفعی حاصل نمیشود و طعامی که شخصی در آن تکلیف کند و نزد کسی ببرد که او سیر
باشد و منتفع نشود و زن خوشروئی را که عروس کنند و برای شوهر عنین ببرند و نیکی که بشخصی بکنند
که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که چراغ روشن پیش از غروب
آفتاب پریشانی را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول

که

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کراهت دارد شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه در پیش
روی او چراغی یا آتشی افروخته باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون چراغ
را بر در خانه بیاورید این دعا بخوانید اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس و لا تحرمنا نورك
یوم نلقاك و اجعل لنا نورا انك نور لا اله الا انت چون چراغ را خاموش کند این دعا بخواند الحمد لله
اخرجنا من الظلمات الی النور و در احادیث از حضرت رسول صلی الله منقول است که هر که خانه
بخرد سنت است که ولیمه و مهمانی بکند و در حدیث دیگر معتبر از آن حضرت منقول است که هر که خانه
بسازد پس گوسفند فربهی بکشد و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند پس بگوید اللهم ادحر عنی مردة
الجن و الانس و الشیاطین و بارك لی فی بنائی حق تعالی دفع ضرر متمردان جن و انس و شیاطین
از او بکند و آن خانه ساختن را برای او مبارک گرداند فصل یازدهم در بیان آداب سایه خانه و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که کراهت دارد که آدمی شب را در خانه بسر برد که
که دری و پرده نداشته باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که سه کس اند که
حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان برمیدارد کسی که در خانه شکسته نازل شود و کسی
که در میان راه نماز کند و کسی که چارپای خود را سر دهد و بندی بر آن نگذارد و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ساحتهای خانه خود را جاروب کنید
و شبیه مشوید بیهودان که ایشان جاروب نمی کنند و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و بیرون برید که شیطان در آنجا جا میکند و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف میکند و حضرت رسول
فرمود که خانهای شیطان در خانه شما جائیست که عنکبوت می تند و در حدیث موثق از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که دهان ظرفهای آب و طعام را به بندید که شیطان در بسته و ظرف
سر بسته را نمی گشاید و چراغ را خاموش کنید که موش آتش در خانه شما اندازد و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در تابستان که از خانه بیرون می آمدند برای
خوابیدن در روز جمعه و پنجشنبه بیرون می آمدند و چون هوا سرد می شد داخل خانه می شدند

برای خاییدن در روز پنجشنبه و جمعه داخل میشوند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که هر که در روی قبر بول یا غایط کند یا ایستاده بول کند یا در آب ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد
یا با دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را بگیرد و دیوانه کند دست از او بر نمیدارد در هیچ حالی شیطان
بر آدمی استیلا ندارد مانند احوال بد رستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بجنگی میرفتند بوادی رسیدند
که جن بسیار بود در میان اصحاب ندا کردند که هر دو تا دست یکدیگر را بگیرند داخل این وادی شوند
هیچ کس تنها نرود یک شخص تنها رفت و او را صرع کرد بحضرت خبر دادند چون حضرت انگشت
مهین او را گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله اخرج خبیث انا رسول الله صلی الله علیه و آله بیرون آن
شخص صرعش زایل شد و برخاست و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند
که در کجا فرود آمده این گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا کسی در آنجا هست با تو گفت نه حضرت
فرمود که در خانه تنها مباش و از آنجا بجای دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرأت ندارد
مثل آنکه در خانه تنها او در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که دستمال گوشت را
در بیوت مگذارید که آن خوابگاه شیطان است و خاکروبه را در پشت در جمع مکنید که آن جایگاه شیطان
است و چون بحجره رسید بسم الله بگوئید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام بکنید
که برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که خاک
روبه را در خانهها شب مگذارید و روز بدر برید که آنجای نشستن شیطان است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که پاک کنید خانههای خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث فقر و پریشانی
میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع رسول صلی الله علیه و آله منقول است که شستن ظرفها و جاروب کردن
خانهها ساحت اندرون و بیرون خانهها روزی را زیاد می کند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که تنیدن عنکبوت و خاکروبه را در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول منقول است
که دستمالی که دست را از آن پاک کرده اند و آلوده بطعام بچربیست در بیوت مگذارید که آن خوابگاه
شیطان است و از حضرت صادق ع رسول صلی الله علیه و آله منقول است که ظرفهای خود را بی سرپوش مگذارید
ظرفی که سرپوش نیمه پوشانند شیطان در آن آب دهن می اندازد و آنچه در آن هست آنچه میخواهد

میخواهد برمیدارد و از حضرت رسول ص منقول است که چهارپایان و اطفال و یاران خود را محافظت
نمائید بعد از فرو رفتن آفتاب تا وقت خفتن که در این مابین شیاطین بر ایشان مستولی میشوند
و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه تنها
نقل کند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی شش خصلت را برای من نخواسته است و من نمیخواهم برای
امامان از فرزندان من و شیعیان ایشان با دست و ریش و جامه خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن
در روزه و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجد رفتن و در قبرستان خندیدن و بر خانههای
مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقول است که روزی حضرت رسول ص در حجره بعضی از زنان بودند
شخصی از رخنه درگاه در آن حجره نظر کرد حضرت فرمود که اگر نزدیک می بودم چشمش را کور میکردم فصل
دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که بعد از یک خواب اول شب از خانه بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که در این وقت پهن میشود
در زمین و آنچه میخواهند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون از خانه بیرون روی
بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله این را بگوئی ملائکه
برمیگردند شیاطین میزنند و از تو دور میکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که هر گاه کسی از خانه بیرون آید بگوید بسم الله ملائکه با او میگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید
لا حول و لا قوة الا بالله ملائکه با او میگویند که کارهایت ساخته شده پس چون بگوید توکلت
علی الله ملائکه با او میگویند که از بلاها نگاه داشته شده و در حدیث دیگر صحیح از حضرت امام رضا ع
منقول است که چون پدرم از خانه بیرون می آمد این دعا میخواند بسم الله الرحمن الرحیم خرجت بحول الله
وقوته لا بحولی وقوتی بل بحولک وقوتک یا رب متعرضا لرزقک فأتنی به فی عافیة و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون کسی داخل خانه خود میشود سوره قل هو الله احد بخواند فقر و پریشانی
برطرف میشود و چون کسی خواهد که حاجتی کاری رود بامدادان در روز اول بیرون رود آیات آخر سوره آل عمران که پیش گذشت
ان فی خلق السموات والارض تا انک لا تخلف المیعاد بخوانند و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و سوره حمد بخواند
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون از خانه بیرون روی بگو بسم الله

توکلت علی الله ما شاء الله ولا قوة الا بالله اللهم انی اسئلک خیر ما خرجت له واعوذ بک من شر ما خرجت
الیه اللهم اوسع علی من فضلک واتمم علی نعمتک واستعملنی فی طاعتک واجعلنی واجعل رغبتی راغبا
فیما عندک وتوفنی فی سبیلک وعلی ملتک وملة رسولک صلی الله علیه وآله و در حدیث صحیح دیگر از
حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که در وقت بیرون آمدن از در خانه این دعا بخواند خدا کارهای او را
بیامرزد و توبه اش را قبول کند و کارها با بشارت سازد و او را از بلاها دور نگاه دارد و دعا این است
اعوذ بما عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر
نفسی ومن شر غیری ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء الله ومن شر الجن والانس ومن شر
السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم کلها اجیر نفسی بالله من کل شر و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که در وقت بیرون رفتن از خانه ده مرتبه بگوید
سوره مبارکه قل هو الله احد بخواند در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانه خود برگردد و در حدیث
دیگر منقول است که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند اللهم بک خرجت
ولک اسلمت وبک آمنت وعلیک توکلت اللهم بارک لی فی یومی هذا وارزقنی فوزه وفتحه
ونصره وطهوره وهداه وبرکته واصرف عنی شره وشر ما فیه بسم الله وبالله والله اکبر والحمد لله
رب العالمین اللهم انی خرجت فبارک لی فی خروجی وانفعنی به و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بالله اخرج وبالله ادخل وعلی الله
اتوکل سه مرتبه بگوید اللهم افتح لی فی خرجتی فی وجهی هذا بخیر واختم لی بخیر وقنی شر کل دابة
انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم چون این دعا بخوانند پیوسته در ضمان الهی باشد تا برگردانند
او را بآن مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند حق تعالی کارهای دنیا و آخرت او را برآورد بسم الله
حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلک خیر اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب
الآخرة و در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت از حجره بیرون آمدن این دعا خواندند
بسم الله خرجت وعلی الله توکلت لا حول ولا قوة الا بالله و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است

منقول است که در وقت بیرون آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست بگرداند و در آن نظر کند
و سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید آمنت بالله وآل محمد و علانیتهم و آن روز نبیند چیزی که مکروه
او باشد و در روایت دیگر منقول است که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله وبالله
ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله پس سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و
قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی هر یک را از جانب راست و رو و پشت سر و جانب چپ و بالای
سر و پایین بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله پس سلام بر اهل خانه بکند و اگر کسی در خانه
نباشد بعد از آن بگوید السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة المهدیین السلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون
بطلب حاجتی بیرون روید در روز بیرون روید که در شب حاجت برآورده نمیشود **باب سیزدهم**
در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه
داشتن **فصل اول** در سوار شدن اسب و استر و الاغ و انواع هر یک از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله منقول است که از سعادت آدمی است که چهارپای رهواری داشته باشد و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چهارپا نگاه دارید که زینت شماست و کارهای شما بآن
ساخته میشود و روزیش بر خداست و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که از روزی زندگانی
چهارپای بد نگاه داشتن است و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که هر که چهارپایی بخرد سواریش
از اوست و روزیش بر خداست و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپایی داشته
باشد که برای حوائج خود کار سازی برادران مؤمن بر آن سوار شوند و در حدیث دیگر منقول است
که آنحضرت فرمودند بیونس بن یعقوب که الاغی نگاه دار که بادت وابد دارد و بدرستی که روزی
او بر خداست راوی گفت که الاغی خریدم و چون سه سال شد حساب خرج خود کردم هیچ زیاده
نشده بود و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از ابن یقطین پرسید
که به چه چیز سوار میشوید گفت بر الاغی فرمود که بچند خریدی گفت به سیزده اشرفی خریدم

فرمود که این اسراف است که الاغی بخری باین قیمت مایست تو یابوی بخری گفت خرج یابو بیشتر است فرمود که آن
کسی که خرج آن الاغ دلیل رساند خرج یابو را هم رساند مگر نمیدانی که هر که اسبی نگاه دارد و انتظار
خروج ما اهلبیت بکشد و دشمن ما را بخشم آورده به نگاه داشتن آن اسب حق تعالی روزیش را بر سانالله
وسینه اش را گشاده کرداند و آرزویش را برآورد و یاور اوست بر حوایج و در روایت دیگر منقول است
که روزی حضرت امام موسی علیه السلام با شتری سوار شد شخصی از مخالفان گفت که این چارپائیست که سوار
شده که از پی دشمن نمی توان دوانید و بر آن جنگ نمی توان کرد حضرت فرمود که رفعت و سرفرازی
اسب را ندارد و مذلت الاغ را ندارد و بهترین امور وسط آنها است و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقول است که هر که بر بیند اسب پدر و مادر عربی را هر روز از عمل نامه او سه گناه محو شود
و ده یا ده حسنه نوشته شود هر که اسبی بر بیند که یکی از پدر و مادرش که تیبیح پروردگار می کند
و هر چیز را صرفتی هست و صورت حیوانات در روی ایشان هست و از ابو ذر رضی الله عنه
منقول است که چهارپایان میگویند که خداوندا مالک نیکوئی بما کرامت کن که رفق و مدارا کند
با ما و نیکی کند بما و آب و علف بما بخوراند و عنف و تعدی بما نکنند و بسند معتبر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام و امام موسی علیه السلام منقول است که هر دابه که صاحبش خواهد بر و سوار شود در آن وقت می
گوید اللهم اجعله بی رحیما یعنی خداوندا او را بمن مهربان کردان و در روایت دیگر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که شخصی دید ابو ذر رضی الله عنه را که الاغ خود را آب می داد و پرسیدند
مگر کسی ندا ری که برای تو این الاغ را آب بدهد گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود که هیچ
دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا سؤال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب شایسته نیکو که مرا علف
و آب سیر کرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند باین سبب میخواهم که خود آن را آب دهم و در
حدیث دیگر موثق از صفوان شتردار منقول است که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
خریدم بهشتاد درهم و چون بخدمت آنحضرت بردم فرمود که آیا کجاوه می تواند برداشت پس کجاوه
بر آن بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت فرمود که اگر مردم بدانند که حق تعالی چهارپایان
ضعیف را چگونه توانائی بار برداشتن میدهد هرآینه هرگز چهارپای گران نخرند و در حدیث
دیگر از ابن یعقوب منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند که پیاده به راه میروم فر

فرمودند که چرا سوار نمیشوی گفتم که شترم لاغر و ضعیف است میخواهم که بارش سبک باشد
فرمود که مگر نمیدانی که شتر قوی و ضعیف را توانائی بار برداشتن یکی هست و چنین حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بر کوهان شتر شیطان نشسته است آن را کار فرمائید و نرم
کنید و نام خدا بر آن ببرید و در وقت سوار شدن و بار کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که هر شتری که هفت مرتبه از حج ببرند و در موقف عرفات حاضر شود البته حق تعالی آن را از
چهارپایان بهشت کرداند و در حدیث دیگر پنج مرتبه و در حدیث دیگر سه مرتبه وارد شده است
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بر شتر بار دار سوار شود و خود را از
آن بیندازد در وقت پائین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه چهار
پا در زیر کسی بسر در آید صاحبش با و بکوید نغنت یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تعس
اعصی للرب یعنی هلاک شود هر که نافرمانی خدا بیشتر کرده است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اگر دابه رم کند او را بزنید و در سر آن
مزنید و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهارپا بر دیگر مکنارید یا آنکه بیک جانب میل کنی
و پشتش را مجلس مکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که راه بروید فرود
آمید و چون خواهید راه روید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است
که حیوانات از چهار چیز غافل نمیباشند پروردگار خود را می شناسند و چراگاه خود را میدانند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم برای راه رفتن فرمود که
اگر بان شوق روشی که در وقت جو بطویله خود میرود آن را بزن فصل سیم در آداب زین
زین و لجام بدانکه احوط و اولی آن است که زین و لجام هیچ یک از طلا و نقره نباشند و سنت است
که بالش میان زین و اور تنگ که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند
و سوار شوند حریر نباشد و سرخ نباشد و زنان بر زین سوار شدن کراهت شدید
دارد و در احادیث معتبر دیگر وارد شده است که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان
ظاهر شود آن است که زنان بر زین سوار شوند و بروایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که زین مرکب ملعون نیست برای زنان بلکه بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که جایز نیست
زنرا سوار شدن بر زین مگر برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر ع
از حضرت امام موسی ع پرسیدند که آیا سوار میتوان شد بر اسبی که زین ولجام آن از نقره باشد فرمود که
اگر روکشی باشد که از آن جدا نتوان کرد باکی نیست اورا واگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد ودر
حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که حلقه ناقه پیغمبر رسول خدا از نقره بود ودر احادیث
معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که زینهار
سوار مشو بر میثره سرخ که آن چیزهائیست که شیطان بر آن سوار میشود و میثره بالش زین است و بالشی
است که بر روی جهاز شتر میگذارند و بر رویش سوار میشوند ودر حدیث دیگر منقول است از
حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که از پوست حیوانات درنده مانند پوست شیر و پلنگ حضرت
فرمود که بر روی آن سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمی توان پوشید ودر احادیث معتبره از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود که پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده
واز حضرت امام موسی کاظم ع منقول است که در بینی هر چهارپای شیطانی هست چون خواهید که او را لجام
کنید بسم الله بگوئید ودر حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر چهارپای که چموشی
کند در وقت لجام کردن وغیر آن یا رم کند در گوشش اگر بگذارد واگر نه بر آن او بخوانند این آیه را افغیر
دین الله تبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون **فصل چهارم**
در ادعیه و آداب سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون بر چهارپا
سوار شود بگوید بسم الله ملکی ردیف او میشود و او را نگاه میدارد تا فرود آید واگر در وقت سوار
شدن بسم الله بگوید شیطان ردیف او میشود و باو میگوید خوانندگی کن واگر نمیداند خوانندگی کرد
باو میگوید که آرزوهای باطل محال کن پس او پیوسته در آرزوست تا پائین آید و فرمود که هر که
در وقت سوار شدن بگوید بسم الله لاحول ولا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا
لنهتدی ولولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین البته محفوظ باشد
وخود و چهارپایش تا فرود آید واز حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که سوار
شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب

زین است

الیه اللهم اغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی ملکی را خطاب فرماید که بنده من می
داند که گناهان را بغیر از من نمی آمرزد کسی پس گواه باشید که گناه او را آمرزیدم واز حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که چون سوار شوید بر چهارپایان خدا را یاد کنید و بگوئید سبحان الله الذی سخر لنا
هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون واز علی بن ربیعه منقول است که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام چون پا در رکاب میگذاشت میفرمودند بسم الله چون درست سوار می شدند این
دعا میخواندند الحمد لله الذی کرمنا وحملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات وفضلنا علی کثیر
ممن خلق تفضیلا سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین پس سه مرتبه سبحان الله وسه مرتبه
الحمد لله وسه مرتبه الله اکبر فرمودند پس این دعا خواندند رب اغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت
ودر روایت دیگر منقول است که چون حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پا در رکاب میگذاشتند می
فرمودند سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و هفت مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله
و هفت مرتبه الله اکبر و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند ودر روایت دیگر منقول است که چون آن
حضرت سوار کشتی شدند این دعا میخواندند بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله سبحان الذی سخر
لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون واز حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که بر کوهان شتری شیطانی هست چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده بگوئید سبحان الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین ودر حدیث معتبر منقول است که چون چهارپای حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بسر در آمد یا پایش می لغزید این دعا میخواندند اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک
ومن تحویل عافیتک ومن فجأت نقمتک ودر حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
شکایت کرد که دابه من که کمیر است ودر لجام رفتار بد میکند ایستد حضرت فرمود که این آیه را
در گوشش بخوان اولم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون وذللناها لهم
فمنها رکوبهم ومنها یأکلون ودر حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که سواره خبر کنند پیاده را که اگر با ایشان ضرر شان رسانند چهارپای او فرمود که روزی حضرت امیر
المؤمنین ع سوار شدند جمعی پیاده بان حضرت روان شدند فرمود آیا کاری دارید کنند نه

و لیکن کم میخواهم در رکاب تو پیاده راه روم فرمود که بر کن دیدی که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور و فساد سواره میشود و موجب و خواری پیاده است و در حدیث دیگر از عبد الله بن عطا منقول است که گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم فرمود که دو جهار پا برای ما زین کن رفتم الاغی را اختیار کردم پیش بردم که آنحضرت سوار شوند فرمود که الاغ را پیش بیاور که بهترین چهارپایان الاغ است و استر را خود سوار شد پس الاغ را و رکاب را گرفتم و سوار شدند گفتند الحمد لله الذی هدانا للاسلام و علمنا القرآن و منّ علینا بمحمد صلی الله علیه و آله و الحمد لله الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین پس روانه شدند در اثنای راه دیدم که الاغ شوخی بلند رفتاری میکند حضرت خود را بپیش زین چسبانیدند عرض کردم یا ابن رسول الله صلی الله علیه و آله مکر شما را آزاری هست فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله الاغی داشت که او را عفیر می نامیدند و چون سوار آن میشدند از شادی که آنحضرت بر آن سوار شده است شوخی در رفتار میکرد که دو شیطانی ببادکه آنحضرت را بزمین آورد و آنحضرت خود را بپیش زین می چسبانیدند و میفرمودند اللهم لیس منی و لکن ذا من عفیر یعنی خداوندا این از من نیست و لیکن این خیلا و تکبر از عفیر است من نیز چنین کردم ای عزیزان تفکر کنید آن بزرگواران از خیلا و نخوت رفتار الاغ اندیشه داشتند و به درگاه خدا عذر می طلبیدند پس آنان که بر اسبهای تازی نژاد خود بیش با نخوت و غنج و دلال سوار میشوند و بر اسبان و زمین بر رفتار خود منت می گذارند تهنیات و غیر خود کسی را موجود نمی شمارند چگونه عذر خواهند خواست و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آیا شرم نمیکنید که شما برری چهارپایان خود دخوانند کی می کنید و آن در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود که چهارپای من هرگز به سر در نیامده زیرا که هر کز بر روی زراعت کسی نرا قدم و کشت زار کسی را پا مال نکرده

فصل پنجم

در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که تند راه رفتن حسن مؤمن را میبرد و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که زنان باید که در کنار راه بروند و در میان راه نروند و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پیاده احق است بمیان راه رفتن از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان بهموار راه میرفتند از پیاده و پای برهنه احق است بمیان راه از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث دیگر معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان بهمواری راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آنحضرت نشسته است و میترسد که پرواز کند و دست راست آنحضرت بر دست چپ نمی گذشت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که راه رود بر زمین از روی خیلا و تکبر لعنت کنند او را زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه کوشی کنند امت من از ساقلان در وقتی که از ایشان چیزی طلب کنند و از روی تجبر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده است که ایشان را بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در رفتار تبختر کنند و دستها را گشوده و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان ایشان فتنه و فساد باشد و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود از روی تواضع و شکستگی در هر حلقه بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو شود و هزار درجه از برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که از سنتهای پیغمبران است و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و پیر و جوان ایشان عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلا و تکبر نکنند در راه رفتن و فرمود که بر داشتن عصا پریشانی را برطرف میکند و شیطان نزدیک او نمی آید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که اگر عاقلی باید که بهر جانب که متوجه شوی اول نیت خود را درست کنی و غرض صحیحی برای حرکت خود در راه رفتن داشته باشی و نهی کنی نفس خود را از عجایب صنع الهی عبرت گیری و در رفتار و تجبر نکنی و دیده خود را بپوشی از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست و پیوسته مشغول ذکر باشی بدرستی که مواضعی که در آن ذکر خدا کرده میشود شهادت میدهند برای او در قیامت و استغفار میکنند برای او

تا داخل بهشت شود و در راه بهار دم بسیار سخن مگو که خلاف عادت است و ادب و اکثر گفتن گاه شیطان
است از مکر او غافل مباش و چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشد و رفتار برای
چیزی باشد که موجب خوشنودی خداست بدرستی که جمیع حرکات تو در نامه عملت نوشته خواهد (میشود)
شد در نگاه داشتن شتر و گوسفند و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقول است پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی
بکارد و در وقت درو کردن حق (مال) خدا را بدهد گفتند بعد از زراعت کدام مال بهتر است فرمود
که شخصی که گوسفند چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی یابد آنها را بچراند و نماز را بجا
آورد و زکوة مال (خود را) بدهد گفتند که بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاو که در بامداد
و پسین شیر میدهد گفتند بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمودند که آنها پا در گل فرو
برده اند و درخت خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که فکر مالیت
درخت خرما که او را بفروشد قیمتش از بابت خاکستر ایست که بر سر کوه بلندی باد تند بر او بوزد
کسی مگر آنکه بعوض آن درخت خرمائی دیگر بخرد پرسیدند که بعد از درخت خرما دیگر
کدام بهتر است حضرت جواب نفرمودند شخصی گفت که چرا شتر را نفرمودی فرمود که در
شتر مشقت و تعب و دوری از منزل است و صبح و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر
فرمود که گوسفند وقتی که رو کرده است و وقتی که پشت کرده است رو کرده است میکند و گاو رو کرده است
یعنی که وقتی که مرگ مهمان شان میرسد هم میکشند و میخورند و نقصان نمیکند و گاو وقتی که
رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند پشت کرده است یعنی که وقتی خوب است
هم برای صاحبش ضرر آورد و نفع ندارد و گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از آنچه شما
در باب شتر فرمودید کسی نگاه نخواهد داشت آن را فرمود که همیشه تا جوانان و بدبختان (مردان)
هستند که آنها نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی در تجارت است
و یک عشر آن در گوسفند است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد به نگاه داشتن گوسفندان
که هر که بامداد و پسین نقصان به شما میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که فرمود

باد تنل

که فرمود شتر باعث عزت اهلش است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بصفوان شتردار فرمود که شتری برای من بخر و باید که بد صورت باشد که عمرش درازتر است و
در حدیث منقول است که شتران سیاه بدصورت بخر که عمرشان درازتر میباشد و در حدیث دیگر منقول است
که شتران سرخ مو مخر که عمرشان کوتاه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که از
میان قطار شتر بیرون مروید که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان هر دو شتری شیطانی هست
و در حدیث منقول است که یکی حضرت امام زین العابدین علیه السلام برای اکرام شتری بصد اشرفی میخریدند
و سوار میشدند و در حدیث از حضرت امیر المؤمنین ع که یکی از حاملان عرش بصورت گاو است و گاو
سید و بهترین حیوانات است و در میان حیوانات خوش رو تر و بس اندازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل
گوساله پرستیدند آن ملکی که بصورت گاو است از شرم سر در زیر افکند و بآن سبب هر گاوی چنین شده
از شرم نگاه بجانب نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که مخورید گوشت و شیر شتری که نطفه
آدمی میخورد و سوار مشوید تا آنکه چهل روز او را علف بدهید و علما خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند
و سوار شدن را مکروه میدانند و این حکم دارد در حیوانات دیگر هم و پاک کردن آنها بآن میشود که علف پاک بخورد
بآنها در مدتی چند که برای هر یک مقرر شده است و در کتابهای علما مذکور است فصل هفتم در آداب
خریدن و فروختن و نگاه داشتن حیوانات و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقول است
که هر که چهارپای بخرد بر جانب او بایستد و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره
حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن علی
جبل تا آخر سوره و آخر سوره بنی اسرائیل و قل ادعوا الرحمن تا آخر سوره و آیة الکرسی چون چنین کند آن
چهارپا امان یابد از جمیع آفتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون
کنیزی خواهی بخری بگو اللهم انی استشیرک و استخیرک و چون حیوانی خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطولهن
حیوة و اکثرهن منفعة و خیرهن عاقبة و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع
سؤال کرد که آیا دابه را بر رو و پیشانی داغ میتوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست اما مکروه است چنانچه
در حدیث موثق منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از داغ کردن حیوانات در رو و پیشانی
داغ بکنند یا نه فرمود بر رویشان نزنند زیرا که تسبیح پروردگار میکنند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند

اب داغ کردن روی کوسفند فرمود که داغ را در کوش ایشان بزنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندک شیری در پستان بگذارید تا دوشیر جمع
شود در پستان که اکر تمام را بدوشید شیر دیر تر می آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه کوسفندان را پاک
کنید و آنچه از بینی آنها می آید پاک کنید و نماز در طویله آنها بکنید که کوسفندان حیوانات بهشت است
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقول است که صیفه مکنید برای کوسفندان در وقت رفتن وصدا
بزنید ایشان را برای کشتن و در حدیث معتبر منقول است که از آنحضرت پرسیدند از نخی کردن
حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که از آنحضرت کراهت داشت جمع کردن
حیوانات بجنک انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت امیر المومنین ع
در راهی کذشتند دیدند که حیوانات نری بر ماده می کشیدند در میان راه حضرت رو کردانیدند
و فرمود که سزاوار نیست که چنین کنید که این منکر و قبیح است بلکه باید این را در جائی واقع سازند
که مردم نه بینند و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقول است
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدند که دنبه کوسفند زنده می توان برید فرمودند که
اکر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری باکی نیست اما آن دنبه میته است و از آن منتفع
نمیتوان شد و بدانکه میان علما مشهور موافق احادیث معتبره آنست که اکر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد
آنقدر که کوشت و استخوانش از آن قوت بگیرد کوشت آن حرام است و هرچه از کوسفندان معلوم باشد
که نسل آنند حرام است هرچه معلوم نباشد حلال است و اکر چندی شیری خورده باشد و باین حد
نرسیده باشد کوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین طریق برطرف میشود و اکر هنوز شیر خورده
هفت روز شیر کوسفندی را بخورد و اکر شیر باز کرده باشد آنرا هفت روز علوفه و دانه حلال بخورانند
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی عرض بخدمت امام علی نقی ع نوشت که بزی بزغاله ماده را شیر
داده است تا بحدی که از شیر باز کرفته است آنرا و الحال از آن بزغاله فرزندی بهم رسیده است و شیر
میدهد شیرش را می توان خورد در جواب نوشتند که فعلی مکروه کرده است و باکی نیست شیر آن بخورد
فصل هشتم
در بیان مجمل احوال و اقسام حیوانات در احادیث معتبره از انحضرت امام جعفر صادق ع منقول است

منقول است مرغی وحشی ای در دریا و صحرا شکار کرده است نمیشود مکر آنکه آن تسبیحی که دارد ضایع
کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع وحشیان و مرغان و درندکان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند
آدم برادرش را کشت پس از یکدیگر نفرت کردند و کریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کردند و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت یعقوب بن زید خود کفت که زنا مکن مرغی که زنا میکند پرهایش میریزد
و از حضرت امام حسین علیه السلم منقول است که چون کرکس فریاد میکند میکوید که ای فرزند بنی
آدم هر روز که زندکانی کنی آخرش مرک است و باز که صدا میکند میکوید که ای دانای پنهانها وای
دفع کنند بلاها و طاوس میکوید که بخود ظلم کردم و مغرور بزینت خود شدم پس بیامرز مرا و دراج می
کوید الرحمن علی العرش استوی و خروس میکوید که هرکه خدا را شناخت یاد او را فراموش نمیکند
و مرغ خانکی میکوید ای خداوند حق توئی حق و کفته تو حق است باشه میکوید ایمان آوردم بخدا و روز
قیامت و کور کوره میکوید که توکل کن بر خدا تا ترا روزی دهد و عقاب میکوید هرکه اطاعت خدا کند
بدبخت نمیشود و شاهین میکوید سبحان الله حقا حقا و جغد میکوید که دوری از مردم به
تر است و کلاغ میکوید ای روزی دهنده بفرست روزی حلال و کلنک میکوید که خداوندا نکاه دار
مرا از شر دشمن شیطان و لک لک میکوید که هرکه از مردم تنها باشد از آزار ایشان نجات یافت
و اردک میکوید آمرزش ترا میخواهم ای خداوند و هدهد میکوید که بسیار شقی است کسی که معصیت
کند و قمری میکوید ای دانای پنهانها و ای بسی که زنجیره بتمره و سرخ رنکت میکوید توئی خداوندی خداوندی
بغیر از تو نیست و کنجشک میکوید که طلب آمرزش میکوییم از خدا از شر هر چیزی که خدا بخشم آورد
و بلبل میکوید که لا اله الا الله حقا حقا و کبک میکوید نزدیک است حق و شتر مرغ میکوید ای فرزند
آدم چه غافلی از مرک و فاخته میکوید یا احد یا صمد یا واحد یا فرد و سبزقبا میکوید مولای من
آزاد کن مرا از آتش جهنم و هرچند میکوید مولای من قبول کن توبه کناهان جمیع را و کبوتر خانکی میکوید
که اکر کناه مرا نیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شتر مرغ میکوید که معبودی بغیر از خدا نیست
و پرستک سوره حمد میخوانند و میکوید ای قبول کننده توبه توبه کاران خداوندا ترا است حمد
و دیته میکوید که مرک بس است برای پند کرفتن و بزغاله میکوید مرک زود بمن رسید و کناهم

سنگین و بسیار شد و شیر میگوید که در امری بند کی خدا بسیار اهتمام میباید کرد و کلاغ میگوید
که دنیت از گناه بدار که تو در پیش خداوندی هستی که او را نمی بینی او همرا می بیند و او خداوند عالمیان
است و فیل میگوید که برای دفع مرگ قوت و چاره سود نمیدهد و دیوز میگوید یا عزیز یا جبار
یا متکبر یا الله و شتر میگوید منزه است پروردگاری ما منزه است و کرکس میگوید که جز پدرا
که خدا حفظ کند هرگز ضایع نمیشود و شغال میگوید عذاب و ویل برای گناهکاران است که بر گناه
خود مصر باشد و سگ میگوید بس است معصیتهای خدا برای خواری و خرگوش میگوید هلاک
مکن مرا ای خدا تو راست حمد و روباه میگوید دنیا خانه فریب است و آهو میگوید نجات مرا از
آزار و کرکدن میگوید بغی یا دم برس اگر نه هلاک میشوم و پلنگ میگوید منزه است پروردگار
که بسیار عزیز است بمحض قدرت خود تنزیه میکنم او را و مار میگوید که چه بسیار بدبخت است
کسی که تو را نافرمانی کند ای خداوند بخشنده و عقرب میگوید که بدی پس حضرت فرمود
که هیچ خلقی نیست مگر آنکه او را تسبیحی است چنانچه خدا فرموده است که وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلّا
یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلٰکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میگوید و بحمد
و ثنا او مشغول است و لیکن شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقول است که حیوانی که مسخ شده است دوازده صنف اند اما فیل پس آن پادشاهی بود که
زنا و لواط میکرد و خرس اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و خرگوش زنی بود که با شوهرش
خیانت میکرد و غسل حیض و جنابت نمیکرد و شب پره خرمای مردم را میدزدید و سهیل مردی
بود که در یمن عشاری میکرد و زهره زنی بود که مردم میگویند که هاروت و ماروت از و فریب خوردند
و میمون و خوک جماعتی بودند از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار و جلپاسه
و جلپاسه گروهی بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت عیسی ع چون مائده از آسمان نازل
شد ایمان نیاوردند مسخ شدند پس یک گروه ایشان بدریا رفتند و یک گروه دیگر بصحرا اما
عقرب مرد سخن چینی بود و اما زنبور قصابی بود که ترازو دزدی میکرد و در روایت دیگر منقول است
که خرس مردی بود که با مردم عمل قبیح میکرد و سوسمار اعرابی بود که مال صاحبان را می دزدید

می دزدید و عنکبوت زنی بود که از برای شوهر خود سحر میکرد و عموص مرد سخن چینی بود که در
میان دوستان جدائی می انداخت و مار و ماهی دو دیوث بودند و شب پره خرما از درخت می دزدید
و میمون یهودی مانند که ماهی در شنبه شکار کردند و خوک جماعتی اند که ایمان بمائده آسمان
نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که موش گروهی از یهود بودند که خدا بر
ایشان غضب کرد و لیشه شخصی بود که استهزا به پیغمبران میکرد و بشیش از حسن مسخ شد
و دو زن پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی بفرزندان بنی اسرائیل آمد در برابر او
او استهزا میکرد بصورت شپش مسخ شد و جلپاسه جماعتی از بنی اسرائیل بودند که
فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند و در حدیث دیگر منقول است
که خلد پشت مرد کیج خلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است که زهره و سهیل مسخ
شدند این دو متاع نیستند بلکه دو جانور اند در دریای محیط و در روایات معتبره وارد شده
است که مرد یک از بنی اسرائیل بیک که میمردند بصورت جلپاسه میشوند و فرمود که هر گاه که جلپاسه را
میکشی غسل بکن و در روایت دیگر منقول است که آنها که مسخ شدند زیاده از سه روز نماندند
و مردند و حق تعالی بصورت ایشان حیوانی چند خلق کرد و گوشت آنها را حرام فرمود تا دیگران عبرت
بگیرند از دیدن آنها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که حق تعالی هفتصد امت را مسخ کرد برای آنکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای او نکردند پس
چهارصد از ایشان بصحرا رفتند و سیصد از ایشان بدریا رفتند

فصل نهم

در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقول است که نیکو یاریست بر پرهیزکاری از معاصی خدا توانگری و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است چیزی نیست در کسی که نخواهد مالی از حلال جمع کند که آن
مال روی خود را از سؤال حفظ کند و قرض خود را ادا کند یا خویشان خود احسان کند و در
حدیث دیگر فرمود که استعانت بجوئید بدنیا بر آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول ص
منقول است که ملعون است کسی که بار عیال خود را بر مردم اندازد و در حدیث حسن منقول است

که شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا میکنیم و دوست میداریم
که مال دنیا بسیار کنیم فرمود برای چه میخواهید آنرا گفت برای آنکه خرج خود و عیال خود کنیم و صله
رحم و تصدق و حج و عمره بکنیم فرمود که مال برای اینها کسب کردن طلب دنیا و آخرت است
و در حدیث دیگر فرمود که توانگری که ترا از ظلم منع کند بهتر است از پریشانی که ترا
بر گناه بدارد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از علمای اهل مدینه بخدمت حضرت امام محمد
باقر علیه السلام در روزی بسیار گرم رسید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده و براه میروند گفت
که شما مرد پیر هستید از بزرگان قریش مناسب نیست که در این وقت از برای طلب دنیا بیرون
آیید اگر مرگ در این حال به شما برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اگر مرگ در این حال بر
من رسید در وقتی رسیده خواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال
خود را باز دارم از سؤال کردن از تو و دیگران میترسیدم که مرگ برسد و در معصیت خدا باشم
گفت راست گفتی میخواستم ترا راست بگویم ترا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که حق تعالی خطاب نمود بحضرت داود که نیکو بنده بودی اگر از بیت المال نمیخوردی
و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب رسید حضرت داود چهل روز گریست پس حق
تعالی باهن وحی کرد که نرم شو برای بنده من داود پس در دست داود نرم شد مانند موم پس
هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت
و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق ع احوال عمر بن مسلم
پرسیدند گفتند که ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه فرمود که عمل شیطان است مگر
نمیدانی که رسول خدا تجارت فرمودند حق تعالی مدح فرموده جماعتی را که مردانند چند
که غافل نمیگرداند ایشانرا تجارت و نه فروختن از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند
و چون وقت نماز میشد مشغول میشدند و این بهتر است از کسی که تجارت بکند و نماز را در وقت
خود کند و در حدیث موثق منقول است که باآنحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید
که در خانه مینشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من الله

من الله می آید برای من حضرت فرمود که این مرد یکی از سه کس هست که دعای ایشان مستجاب نیست و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که میخواهم دعا کنی که خدا مرا روزی بدهد با راحت فرمود
که طلب روزی بکن چنانچه خدا ترا امر کرده است من دعا میکنم برای تو و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت
احوال شخصی را پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغول است
گفت در خانه نشسته است و عبادت میکند فرمود که معاشش بچه نحو میکند گفت بعضی از برادران مؤمن
باحوالش میرسند حضرت فرمود که آن کسی که روزی میدهد عبادتش بهتر از عبادت اوست و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که کسی که طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سؤال نکند و روزی عیال
خود را فراخ گرداند و با همسایگان خود احسان کند در روز قیامت روی مانند شب چهارده باشد و از حضرت
رسول ص منقول است که عبادت هفتاد جزو است بهترین آنها طلب روزی حلال است و در حدیث دیگر
فرمود که هر که شب بخوابد وامانده از طلب حلال چون شب به سر آید آمرزیده شده باشد و در حدیث معتبر
منقول است که چون در دکان خود را گشودی و متاع خود را پهن کردی آنچه بر تو بود کردی توکل بر
خدا و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقول است که در حجة الوداع فرمود که بدرستی که جبرئیل در دل من
دمید که هیچ جانی نمیرد مگر آنکه تمام روزی خود را بخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب روزی مکنید
و دیر رسیدن روزی ندارد شما را بر آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت خدا بکنید بدرستی که حق تعالی روزی
خود حلال در میان خلق قسمت کرده است و حرام قسمت نکرده است پس از معصیت خدا پرهیز کنید و
صبر کنید روزی خدا از حلال میرسد و هر که پرده دری کند و تعجیل نماید و از حرام بگیرد از روزی حلال او
همان مقدار کم شود و در قیامت حساب او خواهند کرد بعد آن روزی حرام و از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام منقول است که اگر بنده در سوراخی باشد خدا روزی او را میرساند پس مبالغه در طلب روزی
مکنید و در حدیث معتبره از آنحضرت منقول است که خدا روزی مؤمنان را از جائی چند مقرر فرموده است
که گمان نداشته باشد برای آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجا می آید دعا بسیار میکنند و در احادیث
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که تجارت کردن عقل را زیاد میکند و ترک تجارت
کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بتاجری فرمود که بامداد برو بسوی چیزی که موجب

عزت و حرمت یعنی بازار فردا احادیث دیگر منقول است که بامداد بطلب روزی بروید و تحقیق این مطلب با
احادیث دیگر در کتاب عین الحیوة مذکور است **فصل دهم** در بیان تجارت از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام منقول است که پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمود که ای گروه سوداگران اول یاد گیرید مسایل تجارت را پس بعد از آن مشغول
تجارت شوید والله که ربا در این است مخفی‌تر است از جای پای مور بر روی سنگ سخت و قسم دروغ مخورید
بدرستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر که خرید و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن و عیب متاع را پوشانیدن
کردن
و مدح چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی که خرد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین
هر روز بامداد در دار الاماره کوفه میگشتند و در بازار کوفه میگفتند و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش
میشوید اول خیر خود را از خدا بطلبید و خرید و فروش را سهل بکنید و کار را تنگ مگیرید تا برکت بیابید
و نزدیکی و مهربانی کنید با مشتریها و برد باری را زینت خود کنید و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره کنید
و ستم مکنید و با مظلومان انصاف از خود بدهید نزدیک ربا و سود نروید و کیل و وزن را تمام بدهید
و تراز و درستی مکنید و در حدیث دیگر فرمود که به نشینید در بازار مگر کسی که مسائل خرید و فروش را داند
و هر که بی دانش تجارت کند در ربا خوردن میرود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که
هر که در بامداد و ببین که ببازار رود و چون پا در بازار گذارد بگوید اللّٰهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها
حق تعالی ملکی با وی موکل کند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد و پس ملک با وی میگوید که
امروز از بدی این بازار و اهل این بازار و امروز بدی توشد خیر این بازار و اهل این بازار
با مرخدا بپرچون در دکان بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً
عبده و رسوله اللّٰهم انی اسئلک من فضلک رزقاً حلالاً طیّباً و اعوذ بک من ان اظلم او اُظلم و اعوذ بک
من صفقة خاسرة و یمین کاذبة چون دعا بخواند ملکی که با وی موکل است میگوید بشارت باد ترا که امروز در
این بازار کسی از تو بهره اش فراوان تر نیست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی از خود گناهان را
و بزودی آید بسوی تو آنچه خدا روزی کرده است حلال و طیّب و مبارک و در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است که چون داخل بازار شوی این دعا بخوان اللّٰهم انی اسئلک من
خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرّها و شرّ اهلها اللّٰهم انی اعوذ بک من ان اظلم او اُظلم او ابغی

او یُبغی علیّ او اعتدی او یُعتدی علیّ اللّٰهم انی اعوذ بک من شرّ ابلیس و جنوده و شرّ فسقة العرب و العجم
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو ربّ العرش العظیم و در حدیث دیگر صحیح منقول است که از حضرت
که هر که داخل خانه یا مسجد یا بازار شود یکمرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و الله اکبر
کبیراً و الحمد لله کثیراً و سبحان الله بکرةً و اصیلاً و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی
محمد و آله برابر است با یک حج مقبول و در حدیث دیگر منقول است که هر که در بازار بگوید اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد
و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که داخل بازار شود و نظر کند بتلخ و شور
و بهترین و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله اللّٰهم انی اسئلک
من فضلک و استجیر بک من الظلم و الغرم و المأثم و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که داخل بازار شود و بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله اللّٰهم انی
بک الظلم و المأثم و الغرم حق تعالی بعدد هر که و آنچه در آن بازار است از فصیح و غیر فصیح ثواب برای
او بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که یاد خدا در بازار بسیار بکنید در وقتی
که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره گناهان شما باشد و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از
غافلان ننویسند و چون خواهید محتاج خود را در بازار بخرید و در وقت داخل شدن بازار
بگویید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و صلی الله علی
محمد عبده و رسوله و صلی الله علیه و آله اللّٰهم انی اعوذ بک من صفقة خاسرة و یمین فاجرة و اعوذ
بک من بوار الایّم و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که
در وقت داخل شدن بازار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر بعدد آنچه خدا
خلق کرده است تا روز قیامت ثواب با کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی متاعی بخری سه مرتبه الله اکبر بگوید پس
سه مرتبه این دعا بخواند اللّٰهم انی اشتریته التمس فیه من خیرک فاجعل لی فیه خیراً اللّٰهم

انی اشتریته التمس فیه من فضلک فاجعل لی فیه فضلا اللهم انی اشتریته التمس فیه من رزقک فا
جعل لی فیه رزقا و اسعاد و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام بر روی شاهی که
بخرید ندو می نوشتند برکة لنا و فی فلست که مراد بنوشتن انگشتان باشد و در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی چیزی بخری این دعا بخوان یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم
اسئلک بعزتک و قدرتک و ما احاطه به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا و اوسعها
فضلا و خیرها عاقبة فانه لا خیر فیما لا عاقبة له و فرمود که چون حیوانی یا بنده خواهی بخری بگو اللهم
قدر لی اطولها حیاة و اکثرها منفعة و خیرها عاقبة و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که چون
خواهی که چهارپائی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضل المنفعة میمونة الناصیة
فیسر لی شرائها و ان کان غیر ذالک فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا
اقدر و انت علام الغیوب و در روایت دیگر منقول است که چون خواهی بکاری روی و آفتاب اندکی
بلند شده باشد که سرخی شعاعش برطرف شده باشد دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد
الحمد قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد الحمد قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی
این دعا بخوان اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی من فضلک رزقا واسعا حسنا حلالا
طیبا و اعطنی فیما رزقتنی العافیة غدوت بحول الله و قوته غدوت بغیر حول منی و لا قوة و لکن بحولک
و قوتک و ابرء الیک من الحول و القوة اللهم انی اسئلک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم
الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین و در فقه الرضا مذکور است که چون خواهی متاع را بجائی ببندد
و نگاه داری آیة الکرسی بخوان و بنویس و در میان متاع بگذار و این دعا نیز بخوان و بنویس و در میان
متاع بگذار و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون لا ضیعة علی
ما حفظ الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم چون چنین کنی
آن متاع از هر بلائی محفوظ بماند و فرمود که اگر مالت تلف شود این دعا بخوان اللهم انی عبدک و ابن
عبدک و ابن امتک و فی قبضتک ناصیتی بیدک تحکم فیما تشاء و تفعل ما ترید اللهم فلک الحمد علی حسن
قضائک و بلائک اللهم هو مالک و رزقک و انا عبدک خولتنی حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرک فیه

فیه و الصبر علیه حین اصبت و اخذت اللهم انت اعطیت و انت اخذت اللهم لا تحرمنی ثوابه
و لا تفتنی من خلقه فی دنیای و آخرتی انک علی ذالک قادر اللهم انا لک و بک و الیک و منک لا املک
لنفسی ضرا و لا نفعا و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بدترین
بقعهای زمین بازارها است و آنها میدان شیطانند هر روز با علم خود در بازارها میزند و کرسی
خود را میگذارد و بر آن مینشیند و فرزندان خود را پهن میکند که یکی را فریب میدهند که ترازو کم
میکشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری کذب و دزدی و دیگری را سوال مال و دروغ میگوید بفرزندان
خود که بر شما باد بجماعتی که پدر ایشان مرده است یعنی حضرت آدم و پدر شما زنده است پس اول
کسی که داخل بازار شود شیطان است و بآخر کسی که بیرون میرود شیطان است و بهترین بقعهای
روی زمین نزد خدا مسجدها است و محبوبترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد رود
و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمنترین مردمان نزد خدا کسی است که زودتر
ببازار رود و دیرتر بیرون آید که مگر چیزی از مردمی که کار بر ایشان بستر شده است که سودا با
ایشان برکت ندارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه مکنید که ایشان گروهی اند از
جنیان که حق تعالی پرده از ایشان برداشته است و در احادیث معتبره وارد شده است که معامله
مکنید با جماعتی که مرضهای مسری دارند مانند پیسی و خوره و در احادیث دیگر فرمود که با نو کیسه
سودا مکنید و با کسی سودا کنید که در مال و نعمت نشو و نما کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که با مردم
دون که از دشمنان دارند و شنیدن پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث صحیح دیگر فرمود که از
ما نیست کسی که فریب دهد مؤمنی را و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود
از آب شیر کردن و در حدیث حسن منقول است که حضرت امام موسی ع بهشام فرمود که
در تاریکی و در زیر سقف متاع مفروش که متاع خوش قماش پیدا نیست و غش کردن
حلال نیست و فرمود که کسی که نخورد مگر بقسم دروغ وشد مگر بقسم حق تعالی در قیامت نظر
رحمت بسوی او نمیفرماید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نهی فرمود که قسم
مخورید که اگر چه متاع را رواج میکند اما برکتش را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقول است که کسی که پیش رود و پیش روی متاعی بیاید و کسی که نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعون است
و فرمود که قافله که متاع آورد کسی که آنرا بیرون شهر استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شود
و شهری وکیل نشود و خرید و فروش برای بادیه نشینان نکند بعضی از مسلمانان را سبب بعضی دیگر
روزی میدهد و در حدیث دیگر معتبر منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
با اسحق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصنعتی مده که صرف از او با سالم نمی ماند و بکفن فروش
مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار بردن مردم را خوشش می‌آید و بجو و گندم
فروشی مده که گندم فروش آرزوی مرگ مردم میکند سالم نمی ماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای
گرانی و بسلاخی مده که رحم در دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است
و ببرده فروشی که بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که فرمود که بخاله خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه او را بقصابی یا بحجامت
گذارد یا بزرگری بدهد و در احادیث دیگر منقول است که اگر مزد حجامت را اول شرط نکند و آنچه بعد از
حجامت بدهند قبول کند باکی ندارد و در بعضی اخبار مذمت حمامی وارد شده است و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که از تعلیم کردن اطفال فرمود که
مزد بر آن بگیر گفت که کتابهای شعری در رسالها و مثل اینها میخوانند اول شرط مزد با ایشان
نکند و فرمود که بلی اما بشرطی که اطفال نزد او برابر باشند و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهد و در حدیث
دیگر منقول است که با آنحضرت عرض کردند که سنیان میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ
میگویند این دشمنان خدا نمیخواهند اطفال مردم قرآن را یاد بگیرند اگر کسی دیه فرزند خود را به
معلم بدهد بد و حلال است و بهتر آن است که اول مزد بگیرد شرط نکند و آنچه بدهند بگیرد و در
احادیث معتبر وارد شده است که چون قرآن فرسوده شود کاغذ و جلد را بسوزانید و قصد فروختن
نوشته بکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که
که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد برای کسب کردن و بهره دیده خود را از خواب ندهد

بالسحيق بن

ندهد آن کسبش حرام است و اکثر علما حمل بر کراهت شده‌اند و در چند حدیث دیگر معتبر از
آنحضرت منقول است که هر که خود را بعنوان نوکری بمردم باجاره بدهد روزی بخود حرام کرده
است و خود را از روزی خدا محروم کرده است فصل یازدهم در فضیلت زراعت کردن و
درخت نشاندن از علی بن حمزه منقول است که حضرت امام موسی کاظم را دیدم که زمین خود را کار
میکرد دیدم پاهای مبارک آنحضرت در عرق فرو رفته بود گفتم فدای تو شوم غلامان بکجا
رفته اند که شما خود این کار میکنید فرمود که با بیل در زمین کار کرده است کسی که بهتر از من
و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین ع
و تمام پدران من بدست خود کار کرده اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان است
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی برای پیغمبران
اش شخم و زراعت کردن را اختیار کرده است تا از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در
حدیث دیگر فرمود که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت و شیر پستان حیوانات قرار داده است
تا از قطره باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید
و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال‌تر و پاکیزه‌تر نمیکنند والله که زراعت خواهند
کشت و بعد از بیرون آمدن دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است
که بهترین اعمال زراعت است که از آن نیکوکار و بدکار میخورد اما نیکوکار آنچه میخورد برای تو
استغفار میکند و اما آنچه بدکار میخورد او را لعنت میکند و حیوانات و مرغان از آن میخورند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کیمیای بزرگ زراعت است و در حدیث
دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردمند میکارند روزی نیکو و پاکیزه که خدا بیرون
می‌آورد و ایشان در قیامت جایگاه ایشان از همه نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران
نزدیکتر است و ایشان را در این روز مبارک میخوانند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت
به جماعتی گذشتند که شخم میکردند فرمود که زراعت کنید که حق تعالی بسیار می‌رویاند زراعت را
چنانچه بیابان میرویاند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع

با بیل در زمین کار میکردند و مزرعها آباد را انجیکه دیدند حضرت رسول صلی الله علیه و آله دانه
خرمائی با آب دهان مبارک خود تر میکردند و بزمین فرو می بردند و در ساعت سبز می شد
و حضرت امیر المؤمنین ع هزار غلام از کد یمین خود خرید و آزاد کرد و در حدیث موثق
منقول است که شخصی رسید بحضرت امیر المؤمنین ع دید که زیاده از سی من شاه هسته خرما
بار کرده اند پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرماست انشاء الله پس
آنها را در باغستانهای خود کشتند یکی از آنها خطا نشد و در حدیث معتبر از ابی عمره مرویست
که گفت دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام جامه کنده پوشیده بودند و بیلی در دست
داشتند و در باغ کار میکردند و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم که فدای تو شوم بده بمن
بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب طلب برای معیشت و در حدیث معتبر دیگر
منقول است که شش خصلت است که مؤمن بآنها منتفع میشود بعد از مردن فرزند صالح
که برای او استغفار کند مصحفی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که بکند و درختی که
بکارد و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم گذارد که بعد از او مردم
بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که آدمی بعد از مرگ خود نمیگذارد که بعد از او دشوارتر باشد
از زر راوی گفت که چه کند فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث فرمود که در تورات نوشته است که هر که زمین یا آب
بفروشد و بعوض آن زمین و آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نشود از آن

فصل دوازدهم

در آداب زراعت کردن و درخت کشتن است بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون
حضرت آدم ع بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد بجبرئیل شکایت کرد جبرئیل گفت که زراعت
بکن آدم ع گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل گفت که بگو اللَّهُمَّ اکْفِنِي مَؤُونَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ الْبِسْنِي
الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَنِّئَنِي الْمَعِيشَةَ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون
خواهی زراعت کنی یک کف از تخم را بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ
تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگو بل الله اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَبّاً مُبَارَكاً وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ پس آن دانه
که در کف داری بپاش و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت نشاندن بر هر درختی و هر دانه بخوان

بخوان که سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ انشاء الله تعالی خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت
درخت کشتن و زراعت کردن این آیه را بخوان وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا
فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که یک قبضه از تخم
بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو أَفَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ پس بگو اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثاً
مُبَارَكاً وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَ وَاجْعَلْهُ حَبّاً مُتَرَاكِباً وَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا تَبْتَغِي وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا
مَنَعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ پس آن قبضه را بپاش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که خواهد که درخت خرما خوب بار آورد و خرما ریش نکرد شود دو ماهیهای کوچک
خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شکوفه اش یک دانه از آنکه بپاشد و باقیش را در کیسه یا کیزه کند و
در میان درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که درخت نیکو را مبرید
که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت خرما مکروه است بریدن سدر
که درختهای دیگر را بریدن خوب است فرمود که باکی نیست فرمود که درخت سدر را بریدن خوب است
فرمودند که درخت سدر را که در بادیه باشد خوب نیست زیرا که در آنجا کم است اما در شهر باکی نیست
و از حضرت رضا ع پرسیدند که خوب است بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را
برید و بجای آن درخت انگور کشت و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که باکی نیست که عذره
آدمی را در مزرعها بریزند و از حضرت رسول ص منقول است که حضرت عیسی ع بر شهری گذ
شتند و درمیوهای ایشان کرم بسیار بود و در این باب بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما چون
میکارید اول خاک می ریزید بعد از آن آب میدهید باین سبب کرم در میوه ها بهم میرسد بعد از این
اول آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید چون چنین کردند کرم از میوه هاشان بر طرف شد و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که درخت سدر را آب دهد چنان است که مؤمنی را
در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه
میوه داشت که میتوانستند خورد و چون مردم از برای خدا فرزند قایل شدند میوه نصف درختان
بر طرف شد پس با خدا شریک قرار دادند درختان خار بهم رسانیدند

باب چهاردهم

در آداب سفر **فصل اول** در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم منقول است که در حکمت آل داود نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برای سه چیز سفری
که در آن توشهٔ آخرت حاصل شود یا سفری که در آن مرمّت امور معاش کند یا سفری که از برای سیر و لذتی
باشد که حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای شما صحیح شود و جهاد کنید تا غنیمت دنیا
و آخرت بیابید و حج کنید تا مال وافر شوید و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست از عذاب چون کار
شما در سفر ساخته شود زود باهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقول است که محمد بن مسلم از حضرت امام
جعفر صادق عم پرسید که بزمینی میروم که در آنجا بغیر از برف و یخ چیزی نیست فرمود که چون مضطر شوی
تیمّم کن و دیگر هم چنین زمینی نرو که دینش در آنجا هلاک شود و در حدیث صحیح منقول است که شخصی
بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلم آمد و گفت میخواهم بسفر روم برای من دعا کنید فرمود که
در چه روز میروی گفت روز دوشنبه از برای برکت آن روز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در روز دوشنبه متولد شده است حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در روز جمعه متولد شده و هیچ روزی شامتر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در آن روز وفات کرد و وحی آسمان از ما منقطع شد و در آن روز حق ما را از ما غصب کردند میخواهی خبر
دهم ترا و دلالت کنم بروز سهل و آسانی که خدا در آن روز نرم کرد آهن را از برای حضرت داود عم
گفت بلی فرمود که در آن روز سه شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق عم منقول است
که هر که اراده سفر داشته باشد باید که در روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوه بکند در روز
شنبه البته آن را خدا بجای خود بر میگرداند و هر که کارها بر او دشوار شود در روز سه شنبه
طلب کند که آن روزیست که آهن برای حضرت داود عم نرم شده است و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که حضرت رسول صلعم روز پنجشنبه سفر میکردند و میفرمودند که پنجشنبه را خدا و رسول او
و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق عم منقول است که مکروه است
سفر کردن و سعی در حوایج کردن در روز جمعه از برای آنکه مبادا از برای نماز بماند اما بعد
از نماز از برای تبرک خوب است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از

جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلم منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه سفر کند و برد آن جماعتی
که فال بد میزنند از هر بلائی نگاه داشته شود و حاجتش را خدا بر می آورد و در بعضی روایات وارد
شده است که سفر مکن در روز سیم ماه و در روز چهارشنبه و در روز پنجم و روز سیزدهم و روز نزدهم
و روز بیستم و روز بیست یکم و روز بیست چهارم و روز بیست پنجم و روز بیست ششم و در روایت
دیگر منقول است که روز چهارم و ششم و بیست یکم برای سفر خوب است و در روایت دیگر منقول است
که هشتم ماه و بیست سیم ماه برای سفر خوب نیست و اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود
رعایت روزهای هفته کردن اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت
معتبر منقول است که هر که سفر کند یا تزویج کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند
فصل دویم در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق عم
منقول است که تصدق کن در هر روزی که خواهی بسفر روی و در حدیث صحیح دیگر منقول است که
از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر
آن فرمود که افتتاح سفر خود کن بتصدق و هر وقت که خواهی بدر رو و در حدیث صحیح دیگر منقول است
که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالعها میشناختم و در خاطرم میرسید در بعضی
از ساعات و بعضی از کارها را اختیار کردن و در این باب بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
شکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی بیفتد تصدق کن باول مسکینی که میبینی و برو که
حق تعالی ضرر آن را از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که در اول ماه روز تصدق کند حق تعالی نحوست آن روز را از او دفع میکند
و در حدیث دیگر منقول است که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلم میخواستند بزمینهای
خود بیرون بروند میخریدند سلامتی خود را از خدا بآنچه میسر میشد از تصدق و این
تصدق را در وقتی میکردند که پا در رکاب میگذاشتند و چون خدا بسلامت آنحضرت را بر
میگردانید شکر و حمد الهی را میکردند و تصدق میکردند هر چه میسر میشد و در حدیث حسن
منقول است که عبد الملک بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم عرض کرد که من مبتلا

مبتلا بعلم نجوم شدم وگاه میخواهم پی کاری بروم و بطالع نظر میکنم می بینم که طالع شر است می
نشینم و ترک رفتن میکنم واگر طالع نیکو می بینم میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده میشود
یا حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجوم را بسوزان و سید بن طاوس رحمة الله علیه
روایت کرده است که چون خواهی متوجه سفری بشوی در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات
کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة
الکرسی و سوره انا انزلناه و آخر سوره آل عمران ~~و آیه سوره الم~~ و ان فی خلق السموات والارض
تا آخر سوره بخواند پس بگوید اللهم بک یصول الصائل وبک یطول الطائل ولاحول لکل ذی حول
الا بک ولا قوة یمتارها ذو القوة الا منک اسئلک بصفوتک من خلقک وخیرتک من بریتک
محمد نبیک وعترته وسلالته علیه وعلیهم السلام صل علیه وآله واکفنی شر هذا الیوم وضره وعلیهم
وارزقنی خیره ویمنه واقض لی فی متصرفاتی بحسن العافیة وبلوغ المحبة والظفر بالامنیة
بالامنیة وکفایة الطاغیة الغویة وکل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة و
عصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی فیه من المخاوف امنا ومن العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی
صاد عن المراد ولا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر والامور الیک تصیر
یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم ع
منقول است که هفت چیز است که اگر برابر مسافر ظاهر شود شوم است کلاغی که فریاد کند
از جانب راست او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که بر دم خود نشسته باشد و بر روی
او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوی که از جانب او بیاید و بجانب چپ او راست
رود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید موی که رو برروی او بیاید و ماده الاغی که گوشش
بریده باشد پس کسی که از دیدن اینها ترسی بر خاطرش بیاید بگوید اعتصمت بک یا رب
من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک چون ابن بکیر بن ضریس باو نرسد در روایتی
منقول است که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این دعا بخواند اللهم انی
اشتریت بهذه الصدقة سلامتی وسلامة سفری ومعی فسلمنی وسلم ما معی وبلغنی

ببلاغک الحسن الجمیل و بعد از تصدق بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم
وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین
اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید ومن کل شیطان مرید بسم الله دخلت وبسم الله
خرجت اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی وعجلتی بسم الله وما شاء الله فی سفری هذا ذکرته
او نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها وانت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل اللهم
هون علینا سفرنا واطو لنا الارض وسیرنا فیها بطاعتک وطاعة رسولک اللهم اصلح لنا ظهرنا
وبارک لنا فیما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر وکآبة المنقلب
وسوء المنظر فی الاهل والمال والولد اللهم انت عضدی وناصری اللهم اقطع عنی بعده ومشقته
واصحبنی فیه واخلفنی فی اهلی بخیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم در آداب
غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن سید بن طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که چون اراده
سفر نماید سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بسم الله وبالله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله والصادقین
عن الله صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر قلبی واشرح لی صدری ونور به قبری اللهم
اجعله لی نورا وطهورا وحرزا وشفاء من کل داء وآفة وعاهة وسوء مما اخاف واحذر
وطهر قلبی وجوارحی وعظامی ودمی وشعری وبشری ومخی وعصبی وما اقلت الارض منی اللهم
اجعله لی شاهدا یوم حاجتی وفقری وفاقتی الیک یا رب العالمین انک علی کل شیء قدیر
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که هیچ آدمی در راه اهلش نمیگذارد بهتر
از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد و پس بگوید اللهم انی استودعک استودعک
نفسی واهلی ومالی وذریتی ودنیای وآخرتی وامانتی وخاتمة عملی و ابن طاوس علیه الرحمه
گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد بخواند و در رکعت دویم انا انزلناه بخواند
و در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت امام محمد باقر ع اراده سفری می کردند

عیال خود را در حجره جمع میکردند واین دعا میخواندند اللّهمّ إنّی أستودعک الغداة نفسی ومالی وأهلی وولدی والشاهد منّا والغائب اللّهمّ احفظنا واحفظ علینا اللّهمّ اجعلنا فی جوارک اللّهمّ لا تسلبنا نعمتک ولا تغیّر ما بنا من عافیتک وفضلک وسید ابن طاوس علیه الرحمه روایت نموده که بعد از نماز این دعا بخوانند اللّهمّ إنّی أستودعک الیوم نفسی وأهلی ومالی وولدی ومن کان منّی بسبیل الشاهد منهم والغائب اللّهمّ احفظنا واحفظ علینا اللّهمّ اجعلنا فی رحمتک ولا تسلبنا فضلک إنّا إلیک راغبون اللّهمّ إنّا نعوذ بک من وعثاء السفر وکآبة المنقلب وسوء المنظر فی الأهل والمال والولد فی الدنیا والآخرة اللّهمّ إنّی أتوجّه إلیک هذا التوجّه طلب لمرضاتک وتقرّباً إلیک فبلّغنی ما أؤمّله وأرجوه فیک وفی أولیائک یا أرحم الراحمین واگر خواهی این دعا را بخوان اللّهمّ خرجت فی وجهی هذا بلا ثقة منّی لغیرک ولا رجاء یأوینی إلّا إلیک ولا قوّة أتّکل علیها ولا حیلة ألجأ إلیها إلّا طلب رضاک وابتغاء رحمتک وتعرّضاً لثوابک وسکوناً إلی حسن عائدتک وأنت أعلم بما سبق لی فی علمک فی وجهی ممّا أحبّ وأکره اللّهمّ فاصرف عنّی مقادیر کلّ بلاء ومقضیّ کلّ لأواء وابسط علیّ کنفاً من رحمتک وجماعاً من نعمائک ووسّع لی فیه یا ربّ جمیع قضائک علی موافقة هوای وحقیقة أملی وادفع عنّی ما أحذر وما لا أحذر علی نفسی ممّا أنت أعلم به منّی واجعل ذلک خیراً لآخرتی ودنیای مع ما أسألک أن تخلفنی فیمن خلّفته ورائی من ولدی وولدی وأهلی ومالی وإخوانی وجمیع خزانتی بأفضل ما تخلف فیه غائباً من المؤمنین فی تحصین کلّ عورة وحفظ کلّ مضیعة وتمام کلّ نعمة ودفاع کلّ سیّئة وکفایة کلّ محذور وصرف کلّ مکروه وکمال ما یجمع لی به الرضا اللّهمّ إنّی أستودعک الیوم دینی ونفسی ومالی وأهلی وذرّیّتی وجمیع إخوانی اللّهمّ احفظ الشاهد منّا والغائب اللّهمّ احفظنا واحفظ علینا اللّهمّ اجعلنا فی جوارک ولا تسلبنا نعمتک ولا تغیّر ما بنا من نعمة وعافیة وفضل ودر حدیث معتبر منقولست که چون حضرت امام جعفر صادق علیه السلم اراده سفر میکردند این دعا میخواندند اللّهمّ خلّ سبیلنا وأحسن تسیرنا وأعظم عافیتنا ودر روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول خدا اراده سفری مینمودند این دعا میخواندند ودر وقتیکه بر میخواستند که متوجه شوند اللّهمّ بک انتشرت وإلیک توجّهت وبک اعتصمت أنت ثقتی ورجائی اللّهمّ اکفنی ما أهمّنی وما لا أهتمّ له وما أنت أعلم به منّی اللّهمّ زوّدنی التقوی واغفر لی ووجّهنی إلی الخیر حیثما توجّهت ودر حدیثی معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع

ع منقولست که هر که اراده سفری نماید ودر در خانه خود بایستد رو بجانبی که اراده دارد که متوجه شود پس سوره حمد را از پیش رو وبجانب راست وجانب چپ بخواند وآیت الکرسی را نیز از پیش واز جانب راست واز جانب چپ بخواند پس بگوید اللّهمّ احفظنی واحفظ ما معی وسلّمنی وسلّم ما معی وبلّغنی وبلّغ ما معی وبلّغنا البلاغ الحسن الجمیل حق تعالی حفظ کند او را از آنچه با اوست وبسلامت دارد او را وآنچه با اوست وبرساند آنچه را با اوست وسید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح فاطمه زهرا ع را بخواند وحمد وآیه الکرسی را بخواند وبگوید پس بگوید اللّهمّ إلیک وجّهت وجهی وعلیک خلّفت أهلی ومالی وما خوّلتنی وقد وثقت بک فلا تخیّبنی یا من لا یخیب من أراده ولا یضیع من حفظه اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی إلی نفسی یا أرحم الراحمین بلّغنی ما توجّهت له وسبّب لی المراد وسخّر لی عبادک وبلادک وارزقنی زیارة نبیّک وولیّک أمیر المؤمنین والأئمّة من ولده وجمیع أهل بیته علیه وعلیهم السلام ومُدّنی منک بالمعونة فی جمیع أحوالی ولا تکلنی إلی نفسی ولا إلی غیری فأکلّ وأعطب وزوّدنی التقوی واغفر لی فی الآخرة والأولی اللّهمّ اجعلنی أوجه من توجّه إلیک واین دعا نیز بخواند بسم الله وبالله وتوکّلت علی الله واستعنت بالله وألجأت ظهری إلی الله وفوّضت أمری إلی الله ربّ آمنت بکتابک الذی أنزلت ونبیّک الذی أرسلت لأنّه لا یأتی بالخیر إلهی إلّا أنت ولا یصرف السوء إلّا أنت عزّ جارک وجلّ ثناؤک وتقدّست أسماؤک وعظمت آلاؤک ولا إله غیرک بدرستیکه در روایتی وارد شده است که هر که صبح از خانه بیرون آید این دعا بخواند بلائی باو نرسد تا شام وهر که در شام بخواند وا ز خانه بیرون رود بلائی باو نرسد تا صبح که بخانه برگردد ودر روایتی دیگر وارد شده است که چون حضرت امام جعفر صادق علیه السلم بسفری میرفتند این دعا میخواندند اللّهمّ احفظنی واحفظ ما معی وبلّغنی وبلّغ ما معی ببلاغک الحسن بالله أستفتح وبالله أستنجح وبمحمّد صلّی الله علیه وآله أتوجّه اللّهمّ سهّل لی کلّ حزونة وذلّل لی کلّ صعوبة وأعطنی من الخیر کلّه أکثر ممّا أرجو واصرف عنّی من الشرّ أکثر ممّا أحذر فی عافیة یا أرحم الراحمین واین دعا نیز میخواندند أسأل الله

الذي بيده ما دقّ وجلّ وبيده اقوات الملائكة ان يهب لنا في سفرنا امنا وايمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفيقا وبركة وهدى وشكرا وعافية ومغفرة وعزما لا يغادر ذنبا و

انحضرت امير المؤمنين عليه السلام منقول است که چون کسی بسوی بیرون رود بگوید

اللهم انت الصاحب في السفر والحامل على الظهر والخليفة في الاهل والمال والولد وبیست

چون باید که آن مطالبه از برای خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصلهای سابق گذشت

بخوانند پس چون سوار شود بگوید الحمد لله الذي هدانا للاسلام ومنّ علينا بمحمد وآله

سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون والحمد لله رب

العالمين اللهم انت الحامل على الظهر والمستعان على الامر اللهم بلغنا بلاغا يبلغ

به خير بلاغا يبلغ به الى رحمتك ورضوانك ومغفرتك اللهم لا خير الا خيرك ولا

خير الا خيرك ولا حافظ غيرك فصل چهارم در سایر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند

که باید با خود ببرند در حدیث معتبر دیگر از انحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که

حضرت رسول صلعم فرمودند که هر که بسفری رود با خود ببرد او را عصائی از چوب بادام تلخ

واین آیات را بخواند حقتعالی او را ایمن کند از هر سباع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری

تا باهل خود برگردد و با او همراه باشند و هفت ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد

و عصا را بگذارد و این است آیات ولما توجه تلقاء مدين قال عسى ربي ان يهديني سواء

السبيل ولما ورد ماء مدين وجد عليه امة من الناس يسقون ووجد من دونهم

امرأتين تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وابونا شيخ كبير

فسقى لهما ثم تولى الى الظل فقال رب اني لما انزلت الي من خير فقير فجاءته احديهما

تمشي على استحياء قالت ان ابي يدعوك ليجزيك اجر ما سقيت لنا فلما جاءه وقص عليه

القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين قالت احديهما يا ابت استأجره ان

خير من استأجرت القوي الامين قال اني اريد ان انكحك احدى ابنتي هاتين على

ان تأجرني ثماني حجج فان اتممت عشرا فمن عندك وما اريد ان اشق عليك ستجدني

ستجدني ان شاء الله من الصالحين قال ذلك بيني وبينك ايما الاجلين قضيت فلا عدوان

علي والله على ما نقول وكيل و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که هر که خواهد که زمین

دور برای او پیچیده شود با خود عصائی درخت بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر فرمود که

حضرت آدم مرض شدیدی بهم رسانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل ع فرمود که چوبی از بادام

تلخ جدا کن و بسینه خود بچسبان چنان کرد حق تعالی وحشت را از و رفع کرد بدانکه از

جمله چیزهای که در سفر با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین ع است چنانچه

منقول است که چون حضرت امام جعفر صادق ع بعراق تشریف آوردند مردم نزد آنحضرت گرد آمدند

پرسیدند که میدانیم تربت حضرت امام حسین ع شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از خوف و بیم میشود

فرمود که هر گاه کسی خواهد او را از هر مرضی امان بخشد تسبیح از تربت آن حضرت بگیرد و سه مرتبه این دعا

بخواند اصبحت اللهم معتصما بذمامك وجوارك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول من شر كل طارق

وغاشم من سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق في جنة من كل مخوف بلباس

سابغة حصينة وهي ولاء اهل بيت نبيك محتجبا من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين الا

خلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم جميعا موقنا ان الحق لهم ومعهم ومنهم

وفيهم وبهم اوالي من والوا واعادي من عادوا واجانب من جانبوا فاعذني اللهم بهم من

شر كل ما اتقيه انا جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم

لا يبصرون پس تسبیح را ببوسد و بهر دو چشم بگذارد و بگوید اللهم اني اسألك بحق

هذه التربة المباركة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق ابيه وبحق امه وبحق اخيه وبحق ولده

الطاهرين اجعلها شفاء من كل داء واماناً من كل خوف وحفظا من كل سوء اگر در صبح چنین

کند در امان خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقول است که هر که خواهد از پادشاهی یا غیر او تدبیر

چون از خانه بیرون آید چنین کند ضرری باشد برای او از شر ایشان و در فصول خاتم گذشت انگشتر

که مناسب است که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از انحضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقول است که ضامنم از برای کسی که عمامه بر سر بسته باشد از خانه بیرون آید آنکه سالم باهل خود

بدکی دود در روایت معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقول است که من ضامنم برای
کسی که اراده سفری داشته باشد و عمامه بر سر به بندد آنکه اول دزد و غرق شدن و سوختن بر
نخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که روز شنبه از
خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک بسته باشد اگر بسا ورد
کوهی که از آنجا کند هر آینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمان بر پسر خود
گرامی فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و اسب و موزه و عمامه و رشته‌های که زرد و مشتق
و مشک آب و سوزن و خیاطی با خود بردارد و از دواها آنچه تواند تو و اصحاب تو بان محتاج باشید
بردارد و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول ص سفر میرفتند شیشه روغن
و سرمه‌دان و مقراض و آینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزی که بان
کفش را پینه کنند و نشسته‌های نعل را بر میداشتند و از جمله تعویذاتی که در سفر مناسب است تعویذیست مرویست
که در دسته شمشیر حضرت رسالت پناه ص تعبیه شده بود و آن این تعویذ است بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا الله یا الله اسئلک یا ملک الملوک الاول القدیم الابدی الذی لا یزول ولا یحول
انت الله العظیم الکافی لکل شیء المحیط بکل شیء اللهم اکفنی باسماءک الاعظم الاجل الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد واحجب شر و رهم و شرور
الاعداء کلهم و سیوفهم و باسهم والله من ورائهم محیط اللهم احجب عنی شر من اراد
بی سوءا بحجابک الذی احتجبت به فلم ینظر الیه احد من شر فسقط الجن والانس ومن
شر سلاحهم ومن الحدید ومن کل ما یخوف و یحذر من شر کل شدة و بلیة ومن
شر ما انت به اعلم و علیه اقدر انک علی کل شیء قدیر وصل الله علی نبیه محمد و آله
وسلم تسلیما عوذه که میان جامه گذارند اقبل ولا تخف انک من الامنین لا تخف
نجوت من القوم الظالمین لا تخف انک انت الاعلی لا تخافی عنه اننی معکما
واری لا تخاف درکا ولا تخشی الذی اطعمهم من جوع وآمنهم من خوف فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه

فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین عوذه که بچهار دیوار خانه بندند
اللهم احفظ علی ما لو حفظه غیرک لضاع واستره غیرک لذاع واجعل علی ظلا ظلیلا اتوقی به کل من یرمینی
بسوء وانصب لی ملکا او هیا لی مکروها حتی یعود وهو غیر ظافر بی ولا قادر علی اللهم احفظنی
کما حفظت به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک قلت وقولک الحق انا نحن نزلنا الذکر
وانا له لحافظون و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره قدر
در کاغذی سفید بنویسد و بهر راهی که رود با خود نگاه دارد در آن راه بغیر از نیکی نبیند و از مفاسد آن راه ایمن و محفوظ باشد فصل
در آداب توشه برداشتن در سفر و آداب صرف کردن آن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون
سفر رود سفره با خود بردارد و طعامهای نفیس در آن سفره نگاه دارید و از حضرت رسول ص منقول است که از شرف
آدمی آن است که توشه خود را نیکو داند هر گاه بسفری رود و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام
زین العابدین ع بسفر حج یا عمره می رفتند از بهترین توشه‌ها بر میداشتند مانند لوز و شکر و قاووت و ترشی
و شیرینی و از حضرت صادق ع منقول است که نان در میان توشه خود بردار که باعث برکت می شود و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت امام موسی ع نظر کردند بسفره که در آن حلقه‌های برنج بود فرمودند که این حلقه‌ها را بکنید و
حلقه‌های آهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر
صادق ع از بعضی اصحاب خود پرسید که بزیارت قبر حضرت امام حسین ع میروید گفتند بلی فرمود که سفره با خود
بر میگیرید گفتند بلی فرمود که اگر بزیارت قبر پدران و مادران خود خواهید چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز
بخوریم فرمود نان با شیر یا ماست و در حدیث دیگر فرمود که شنیدم جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت
امام حسین ع میروند با خود سفره بر میدارند که در میان آن بزغاله بریان که حلواهاست اگر بزیارت قبر دوستان
خود بروند چنین نخواهند کرد و از حضرت رسول ص منقول است که بهترین خرج کردنها زاد سفر است مگر در نیت
و هذا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره و در حدیث حسن منقول است که صفوان از حضرت امام
جعفر صادق ع پرسید که من اهل خود دارم با گوسفند که حج میبرم خرجی خود و هم خرج خود میدهم حضرت فرمود که بلی
پدرم میگفت که از قوت همسفران مساوات آن است که نفقه خود را حفظ کند و در حدیث دیگر منقول است
که دیگری بآن حضرت عرض کرد که در راهی که صورتها در آن نقش کرده از باخود دارم و آنها را در این

در همیانی مکنیم و بر کمر می بندیم در حالت احرام فرمود باکی نیست خرجی توست و اعتماد تو بعد از خدا بر آن است که رفیق
و رفیق با خود بسفر بردن و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبره منقولست که کسی تنها بسفر رود ملعون است فصل ششم
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع وصیت نمود که یا علی هرگز تنها بسفر مرو که شیطان
با یک کس است و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها بسفر میرود گمراه است و دو کس که میروند دو گمراه اند و سه کس
مسافرانند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد حضرت پرسیدند که در راه که مصاحب تو
بود گفت تنها بودم فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم نیکو تادیب میکردم که چگونه باید بسفر رفت پس فرمود که
یک کس شیطانست و دو تا دو شیطانند و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند و بسند معتبر
از حضرت موسی بن جعفر علیه السلم منقولست که هر که تنها بسفر رود بگو ما شاء الله لا حول و لا قوة
الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و ادّ غیبتی و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص
منقول است که اول رفیق بهم رسان پس سفر برو و فرمود که دو کس رفیق نمی شوند مگر آنکه محبوب ترین
ایشان نزد خدا آنکه ثوابش بیشتر است آنست که مدارا با رفیقش بیشتر میکند و در حدیث دیگر فرمود
که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی زیاده از هفت کس نمی شوند مگر آنکه صداها
ایشان بسیار میباشد پس از این احادیث معلوم شد که اقل رفیقان سه نفر اند و اکثر ایشان هفت
و آنکه زیاده از هفت خوب نیست و رفیقان هم توشه و سفر اند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که سنت است که رفیقان هم توشه باشند اول چیزهای خود را بیاورند و بر روی یکدیگر
گذارند که این بیشتر باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا بر خود نداند چنانچه تو فضیلت او را بر خود
میدانی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت کن با کسی که تو باو
زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم و کمالات از او توانی نمود
و در حدیث دیگر از شهاب منقول است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
عرض کردم که شما میدانید حال و توانگری مرا و احسانی که ببرادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان
رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین مکن که اگر
تو دست بخرج کردن بگشائی و ایشان هم بگشایند با ایشان ضرر میرسد و بر ایشان میشوند و اگر تو بکنی

و اگر تو بکنی و ایشان نکنند باعث مذلت ایشان است پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند در توانگری
و توانائی و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقول است که اگر مصاحبت کنی با مثل خود
رفاقت کن و با کسی رفیق مشو که خرج ترا کند که این موجب خواری مؤمن است و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث
دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق میشوند و در میان
ایشان مالدار و پریشان هست آیا آن مالدار خرج اینها را میتواند کشید فرمود که اگر اینها بطیب خاطر
راضی شوند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که
رفیق میشود با جماعتی مالدار و او مالش از آنها کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او مثل
آنها نمی تواند خرج کرد فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند و با کسی رفیق شود که مثل
او باشد و در احادیث معتبره منقولست که از ما نیست کسیکه با مصاحبانش نیکو نکند و با رفیقانش
نکند و با کسیکه نمک خورده نمک را رعایت کند فصل هفتم در بیان آداب سایر سفر و در حدیث معتبر
منقولست از حضرت امام جعفر صادق ع که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی
با گروهی مشورت با ایشان بسیار بکن در کارهای خود و کارهای ایشان و بر روی ایشان تبسم بسیار
بکن و در توشه خود صاحب کرم باش در میان ایشان و چون ترا بضیافت طلبند قبول کن
و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان بکن و بسه چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و
بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه و اگر گواهی
از تو طلبند بامر حقی خواهند ترا گواه کنند بکن و چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن
که تا رای نیکو برای ایشان اختیار کنی و عزم مکن و رای خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر
کنی و جواب ایشان مگو در مشورت ایشان تا آنکه در آن فکر بجنبی و بنشینی و بخوابی و چیزی
بخوری و نماز کنی و در اثنای ایشان این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورت ایشان بکار
بری زیرا که هر که خیر خواهی خود را برای کسیکه برای او مشورت کند خالص نگرداند خدای
و عقل او را از او سلب میگرداند و امانت از وی برمیدارد و هر گاه بینی که رفیقان تو پیاده میروند

با ایشان پیاده برو و هرگاه که کاری میکنند با ایشان بکن و هرگاه تصدق کنند یا قرض دهند تو نیز با ایشان
بده و بشنو سخن را که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی
و نه مگو که نه گفتن علامت عجز و ملامت است و چون راه گم کنید و حیران بمانید فرود آئید و اگر در راه مقصود
شک کنید بایستید و با یکدیگر مشورت کنید و مصلحت ببینید و اگر یک کس را ببینید خبر راه را از او مپرسید
و مصلحت او مبینید که یک شخص در بیابان ایکس را بشک بیاندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطان
باشد که خواهد شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها دریابید که
که من نمی بینم زیرا که عاقل بدیده نظر بسوی چیزی آنچه حق است از او میشناسد و حاضر چیزی چند می بیند که
غایب نمی بیند ای فرزند چون وقت نماز در آید از برای امری آنرا بتاخیر مینداز و نماز را بجا آور و راحت
بیاب که نماز قرض است هرچند پیشتر ادا میکنی سبکبارتر میشوی و نماز را با جماعت بکن هرچند بر سر نیزه
باشی و بر دو بر چهارپا بی خواب که زود باعث زخم پشت آن میشود و این از کردار دانایان نیست مگر آنکه در
میان کجاوه باشی که ممکن باشد بخوابی برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی بمنزل از چهارپای خود
فرود آی که آن چهارپا یاور تو است و ابتدا کن بعلف دادن آن پیش از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهید که فرود
آئید پس اختیار کنید از بقعه های زمین مکانی که خوش رنگ تر و خاکش نرم تر و پر گیاه تر باشد و چون
فرود آئید پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز کن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو و چون
خواهی که بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که هر بقعه
از زمین را اهل چند از ملائکه است و اگر توانی هیچ طعامی مخور مگر آنکه قدری از آن را تصدق کن و بر تو باد
بخواندن قرآن مادام که سوار باشی و بر تو باد به تسبیح و یاد خدا کردن تا مشغول کاری باشی و بر تو باد بدعا کردن
در وقتی که بیکار و تنها باشی و زینهار که در اول شب راه مرو بلکه در اول شب فرود آئی و در نصف آخر شب براه
برو و زینهار که در راه رفتن صدا بلند مکن و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم منقول است که مروت در
حضر خواندن قرآن است و همنشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت
کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را بذل کردن و مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در هر بلندی
و پستی و فرود آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقول است که مروت سفر توشه بسیار برداشتن و پاکیزه گردانیدن توشه است و عطا کردن از آن بجمعی که
رفیق تو اند و آنکه بعد از مفارقت رفیقان رازهای ایشان را که بر آنها مطلع شده بپوشانی و مزاح
و خوش طبعی بکنی در چیزی که خدا را بخشم نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که نقل کند

که نقل کند آدمی چیزی چند را که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
توشه مسافر چه خوبست و خوبی آن بشرطیست که در آن حلوا جاتی و ما طلی نباشد و از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که چون با جماعتی رفیق شوی مگو اینجا فرود آئید یا آنجا فرود
آئید که در میان کسی هست که این کار را بکند که تو با ایشان بگذرانی و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که اطاعت کند مؤمن مسافری را حق تعالی
از او هفتاد و سه شدت از شدتهای دنیا را بردارد و او را امان دهد از غم و اندوه
و هفتاد غم و شدت در آخرت از او بر دارد در وقتیکه از شدت اهوال قیامت نفسهای
مردم گرفته باشد **فصل هشتم** در آداب راه رفتن و فرود آمدن در احادیث معتبره از حضرت رسول ص
منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت جوئید به تند رفتن که ماندگی را بر طرف میکند و در حدیث
دیگر فرمود که کمر را محکم بر بندید تا آنکه رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از
حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در طرف بامداد و پسین راه روید و در روایات
معتبره از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که بر شما باد به راه رفتن در شب که زمین
در شب پیچیده میشود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که زمین در آخر شب پیچیده
میشود و فرمود که چون حضرت امیرالمؤمنین ع سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند
و از حضرت رسول ص منقولست که چون در شب راه آئید در سر راه فرود نیائید و در
شکم رودخانه فرود نیائید که محل درندگان و ماران است و در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که در میان رودخانه فرود نیائید که مبادا سیلابی
بشما ضرری رساند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که حق تعالی مدارا
کردن را دوست میدارد و یاری میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر سوار باشید در منزلها
فرود آئید پس اگر زمین خشک باشد و گیاه نداشته باشد تند بروید و اگر پر گیاه باشد
منزل بمنزل بروید و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که اگر زمین بی گیاه شود تند کنید
تند بروید و اگر در زمین پر آب و علف باشد و بروید بر تأنی و مدارا بروید و حضرت

رسول ص منقولست که چون راه را غلط کنید وبجانب راست میل کنید واز حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که

راه گم کند بگوید که یا صالح اغثنی بدرستیکه از برادران مؤمن شما از جنیان شخصی هست صالح نام دارد

واین برای خدا در شهرها میگردد چون صدای شما بشنود جواب میگوید وراه نمائی میکند ودر حدیث معتبر از

حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق

رحمکم الله راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی را گفتیم که از ما دور رو وفریاد کن یا بنی نحو که

مذکور شد پس برگشت وگفت که صدای آهسته شنیدم که گفت راه از جانب راست است نزدیک شتر

کرد رفتیم وراه را یافتیم واز عمر بن یزید که از ثقات اصحاب ائمه روایت کرده الله که گفت ما در یک سالی در سفر

مکه معظمه راه را گم کردیم پس روز بیابانی ماندیم در راه را طلبیدیم نیافتیم پس چون روز سیم شد آب که بر داشته

بودیم آخر شد پس جامهای احرام را پوشیدیم بعنوان کفن وحنوط کردیم در آنحال شخصی از رفیقان ما

برخاست وفریاد کرد یا صالح یا ابا الحسین پس کسی از دور جواب گفت پرسیدیم که کیستی خدا ترا رحمت

کند گفت من از آن گروهم از جن که بحضرت رسول ص ایمان آوردیم وکسی غیر از من از ایشان

نمانده است وکار من این است که گم شده را براه میرسانم ما همه جا از پی صدای او رفتیم تا براه رسیدیم

فصل نهم در بیان دعاهای که در راه ومنازل باید خواند در حدیث صحیح از حضرت

امام جعفر صادق ع منقولست که چون حضرت رسول ص در سفرها بسر اشیب میرفتند سبحان الله

میگفتند وچون بسر بالا میرفتند والله اکبر میگفتند ودر حدیث صحیح دیگر فرمود که چون در سفری

باشی بگو اللهم اجعل مسیری عبراً وصمتی تفکراً وکلامی ذکراً ودر حدیث معتبر از حضرت

رسول ص منقولست که هر که بر رودخانه بگذرد پس بگوید لا اله الا الله والله اکبر حق تعالی

بر کند آن رودخانه را از برای او از حسنات ودر حدیث دیگر فرمود که هر گاه

لا اله الا الله بگوید والله اکبر بگوید در بلندی از بلندیهای آنچه در پیش روی او هست

تا منتهای زمین لا اله الا الله والله اکبر بگویید وهر چند حدیث معتبر منقولست که دو کس

آمدند بخدمت حضرت رسول ص وگفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم چیزی تعلیم

ما فرمای که در راه بخوانیم فرمود که چون بمنزل فرود آئید ونماز خفتن بکنید بعد از

بعد از نماز پهلو را بر رخت خواب بگذارید وتسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بخوانید پس

آیة الکرسی بخوانید چون چنین کنید تا صبح محفوظ میباشید چون ایشان روانه شدند جمعی از

دزدان از عقب ایشان رفتند وچون فرود آمدند ونماز خفتن کردند نخوابیدند تا تسبیح فاطمه ع وآیة

الکرسی را خواندند دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرند وچون نزد ایشان آمد دیوار دید

واز ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند وهمین حال را مشاهده کردند چون صبح شد

نزد ایشان آمدند وپرسیدند که شما دیشب در کجا بسر بردید گفتند در همین موضع گفتند ما آمدیم در

تفحص شما وبغیر از دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را بما نقل کنید ایشان گفتند که ما در وقت خوابیدن

بتعلیم حضرت پیغمبر ص تسبیح حضرت فاطمه ع وآیة الکرسی خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی بر شما

دست نخواهد داشت ودر حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که هر که در منزلی فرود آید واز

گزنده کان بترسد این دعا بخواند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع چون این دعا بخواند ایمن گردد

واز شر گزنده کان تا از منزل بار کند ودر حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست

که کسی خواهد داخل شود بموضعی که خوفی داشته باشد این دعا را بخواند ادخلنی مدخل صدق واخرجنی

مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً پس چون بر سی آن شخص را به بیند اگر از او بیم دارد

آیة الکرسی بخواند ودر حدیث دیگر فرمود که هر گاه در سفری یا بیابانی باشی واز جنیان وغیر ایشان

ترسی پس دست راست خود را بر سر بگذار وبآواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من

فی السموات والارض طوعاً وکرهاً والیه ترجعون بسند روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله

علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی در منزلی فرود آئی بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا

وانت خیر المنزلین تا آنکه نیکی آن منزل ترا روزی شود وشر آن از تو دفع شود ودر حدیث معتبر

منقول است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که چون اراده داخل شدن شهری یا دهی

یا دهی داشته باشی چون نظرت بر آن افتد بگو اللهم انی اسئلک خیرها واعوذ بک من شرها

اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا ودو

روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون بر شهری مشرف شوی
و نظرت بر آن بیفتد بگو اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وما اظللن وربّ الارضین السّبع
وما اقللن وربّ الرّیاح وما ذرین وربّ الشّیاطین وما اضللن اسئلک ان تصلّی علی محمّد
وآل محمّد واسئلک من خیر هذه القریة وما فیها واعوذ بک من شرّها وشرّ ما فیها و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام منقول است که شیاطین در میان محملها وکجاوها بند
می آیند و شتران را رم میدهند پس از برای دفع ایشان آیة الکرسی بخوانید واز حضرت امام موسی
کاظم ع منقول است که هر که در سفری باشد واز دزدان یا درندگان ترسد بر بالای اسبش بنویسد
لا تخاف درکا ولا تخشی ضرره انشاء باذن الله اند بر طرف شود راوی گفت که من بینبوع میرفتم
و در میان بیابان جمعی از دزدان عربان آمدند وقافله را زدند ومن در میان ایشان بودم این آیه را بر بالای
اسب نوشتم پس بحق آن خداوندی که حضرت رسول ص را برسالت فرستاده وحضرت امیر المؤمنین ع را
برسالت وصی مشرف کرده است که حق تعالی ایشان را از من کور کردانید وضرری از ایشان بمن نرسید
و در روایت دیگر مرویست که حضرت رسول ص بسفری میرفتند وشب می شد واین دعا میخواندند
یا ارض ربّی وربّک الله واعوذ بالله من شرّک ومن شرّ ما فیک ومن سوء ما خلق فیک ومن سوء
ما یدبّ علیک واعوذ بالله من اسد واسود ومن شرّ الحیّة والعقرب ومن شرّ ساکن
البلد ومن والد وما ولد اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وما اظللن وربّ الارضین السّبع وما اقللن وربّ
الرّیاح وما ذرین وربّ الشّیاطین وما اضللن اسئلک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد واسئلک خیر هذه اللّیلة
وخیر هذا الیوم وخیر هذا الشّهر وخیر هذه السّنة وخیر هذا البلد واهله وخیر هذه القریة واهلها
وخیر ما فیها واعوذ بالله من شرّها وشرّ ما فیها ومن شرّ کلّ دابّة ربّی آخذ بناصیتها انّ ربّی
علی صراط مستقیم و سید بن طاوس علیه الرحمة روایت کرده که هر گاه کسی بر تلی یا بلندی بالا
رود بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الّا الله والله اکبر والحمد لله ربّ العالمین اللّهمّ لک
الشّرف علی کلّ شرف و در دعوات منقول است که هر که در راه از دزدان و دشمنان ترسد این دعا
بخواند یا آخذا بنواصی خلقه والسّابق بها الی قدرته والمنفذ فیها حکمه وخالقها وجاعل قضائه

فیها غالباً انّی مکیدک ولعزّتک علی من کادنی تعرّضت بما تحلّت بینی وبینهم فذلک ما ارجو
وان اسلمتنی الیهم غیّروا ما بی من نعمتک یا خیر المنعمین لا تجعل احداً مغیّراً نعمک الّتی انعمت بها علیّ
سواک ولا تغیّرها انت ربّی وقد تری الّذی نزل بی فحل بینی وبین شرّهم بحقّ ما به تستجیب الدّعاء
یا الله ربّ العالمین واز برای دشمنان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که این دعا بخوانند
اللّهمّ انّی اعوذ بک ان اضام فی سلطانک اللّهمّ انّی اعوذ بک ان اضیع فی سلامتک اللّهمّ اعوذ
بک ان اغلب والامر لک واز حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون غولان بشما بر خورند
در راه اذان نماز بگوئید و سید بن طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که چون در منزل فرود آئید
بگوئید اللّهمّ انزلنی منزلاً مبارکاً وانت خیر المنزلین و دو رکعت نماز بکن اول در سوره حمد و هر سوره که
خواهد بخواند از سورهای کوچک پس بگوید اللّهمّ ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا من شرّها
اللّهمّ اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحبّبنا الی اهلها وحبّب صالحی اهلها الینا
پس بگوید اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریک له وانّ محمّداً عبده ورسوله وانّ علیّاً امیر
المؤمنین والائمّة من ولده ائمّة اتولّاهم وابرء من اعدائهم اللّهمّ انّی اسئلک خیر هذه البقعة
واعوذ بک من شرّها اللّهمّ اجعل اوّل دخولنا هذا صلاحاً واوسطه فلاحاً وآخره نجاحاً
و گفته است که هر گاه در منزل خود از جانوران میترسی این دعا بخوان که از جمله دعاهای سرّ است یا ذارئ
من فی الارض کلّها بعلمک بما یکون ممّا ذرأت لک السّلطان علی کلّ من دونک انّی اعوذ
بقدرتک علی کلّ شیء من الضرّ فی بدنی من سبع او هامة او عارض من سائر الدّوابّ یا خالقها
بفطرته ادرأها عنّی واحجزها ولا تسلّطها علیّ وعافنی من شرّها وبأسها بالله العلیّ العظیم
احفظنی بحفظک وجنّبنی بسترک الواقی فی مخاوفی یا رحیم و شیخ طبرسی ره ذکر کرده است که چون
خواهی بار کنی دو رکعت نماز بکذار واز خدا بطلب حفظ وحمایت الهی را ان موضع واهل آن موضع را وداع
کن که هر موضعی را اهلی هست از ملائکه پس بگو السّلام علی ملائکة الله الحافظین السّلام علینا
وعلی عباد الله الصّالحین ورحمة الله وبرکاته فصل ۴ در آداب سفر دریا و گذشتن از نهرها و جسرها
در حدیث صحیح از حضرت امام محمّد باقر ع و امام جعفر صادق ع منقول است که هر که سوار کشتی

برای تجارت و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که بنیکو طلب روزی نکرده است کسی که بدریا سوار شود از برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که کسی بکشتی سوار میشود برای تجارت دین خود را در معرض تلف در آورده است و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول ص نهی فرموده از سوار شدن در دریا در وقت تلاطم دریا آن و در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٰیهٰا وَ مُرْسٰاهٰا اِنَّ رَبّی لَغَفُورٌ رَحیمٌ و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست بسوی موج اشاره کن و بگو قِرّی بِقَرارِ اللّٰهِ وَ اسْکُنی بِسَکینَةِ اللّٰهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بگوید بسم الله اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله واهدا باذن الله ولا حول ولا قوة الا بالله راوی گفت که من مکرر سوار شدم و در وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بود خواندم پس در ساعت ساکت شد چنانکه هرگز نبود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که از غرق شدن ترسد بگوید بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم بسم الله الملک الحق وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون از غرق شدن ترسد بگوید اللّٰهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتٰابَ بِالْحَقِّ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصّٰالِحینَ وَ مٰا قَدَرُوا اللّٰهَ تا آخر آیه و در روایت دیگر منقول است که چون خواهد کسی بکشتی سوار شود صد مرتبه بگوید اللّٰهُ اَکْبَرُ و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند باین نحو اللهم العن من ظلم آل محمد پس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ الصَّلٰوةُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَ عَلَی الصّٰادِقینَ مِنْ آلِهِ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ مَسیرَنٰا وَ اَعْظِمْ اُجُورَنٰا اَللّٰهُمَّ بِکَ انْتَشَرْنٰا وَ اِلَیْکَ تَوَجَّهْنٰا وَ بِکَ آمَنّٰا وَ بِحَبْلِکَ اعْتَصَمْنٰا وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْنٰا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتُنٰا وَ رَجٰاؤُنٰا وَ نٰاصِرُنٰا لٰا تُحِلَّ بِنٰا مٰا تُحِبُّ اَللّٰهُمَّ بِکَ نَحُلُّ وَ بِکَ نَسیرُ اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبیلَنٰا وَ اَعْظِمْ عٰافِیَتَنٰا اَنْتَ الْخَلیفَةُ فِی الْاَهْلِ وَ الْمٰالِ وَ اَنْتَ الْحٰامِلُ فِی الْمٰاءِ وَ عَلَی الظَّهْرِ وَ قٰالَ ارْکَبُوا فیهٰا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٰیهٰا وَ مُرْسٰاهٰا اِنَّ رَبّی لَغَفُورٌ رَحیمٌ وَ مٰا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْاَرْضُ جَمیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَ السَّمٰوٰاتُ مَطْوِیّٰاتٌ بِیَمینِهِ سُبْحٰانَهُ وَ تَعٰالیٰ عَمّٰا یُشْرِکُونَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَیْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَیْهِ الرِّجٰالُ فَاَنْتَ سَیِّدی اَکْرَمُ مَزُورٍ وَ اَکْرَمُ مَقْصُودٍ وَ قَدْ جَعَلْتَ لِکُلِّ زٰائِرٍ کَرٰامَةً وَ لِکُلِّ وٰافِدٍ تُحْفَةً فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ اِیّٰایَ فَکٰاکَ رَقَبَتی مِنَ النّٰارِ وَ اشْکُرْ سَعْیی وَ ارْحَمْ مَسیری مِنْ اَهْلی بِغَیْرِ مَنٍّ مِنّی عَلَیْکَ بَلْ لَکَ الْمِنَّةُ عَلَیَّ اِذْ جَعَلْتَ لی سَبیلاً اِلیٰ زِیٰارَتِکَ

زِیٰارَتِ وَلِیِّکَ وَ عَرَّفْتَنی فَضْلَهُ وَ حَفِظْتَنی فی لَیْلی وَ نَهٰاری حَتّیٰ بَلَّغْتَنی هٰذَا الْمَکٰانَ وَ قَدْ رَجَوْتُکَ فَلٰا تَقْطَعْ رَجٰائی وَ اَمَّلْتُکَ فَلٰا تُخَیِّبْ اَمَلی وَ اجْعَلْ مَسیری هٰذٰا کَفّٰارَةً لِذُنُوبی یٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمینَ سید بن طاوس علیه الرحمه گفته است که اگر مطلبش از کشتی نشستن غیر زیارت باشد عبادات تغییر دهد بنحوی که مناسب مقصود باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون تند شود دابه بر جسر یا پل نخید بگو بسم الله اللهم ادرء عنی الشیطان الرجیم

فصل یازدهم

در آداب مشایعت و استقبال مسافرت و آداب برگشتن او و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مؤمنی را وداع میکردند میفرمودند که رَحِمَکُمُ اللّٰهُ وَ زَوَّدَکُمُ التَّقْویٰ وَ وَجَّهَکُمْ اِلیٰ کُلِّ خَیْرٍ وَ قَضیٰ لَکُمْ کُلَّ حٰاجَةٍ وَ سَلَّمَ لَکُمْ دینَکُمْ وَ دُنْیٰاکُمْ وَ رَدَّکُمْ سٰالِمینَ اِلیٰ سٰالِمینَ یعنی خدا شما را رحمت کند و پرهیزکاری توشه شما کند و شما را بسوی هر چیزی متوجه گرداند و جمیع حاجات شما را برآورد و دین و دنیای شما را سالم دارد و شما را بسلامت برگرداند بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسافری را وداع میکرد دست او را میگرفت و میفرمود که اَحْسَنَ اللّٰهُ لَکَ الصَّحٰابَةَ وَ اَکْمَلَ لَکَ الْمَعُونَةَ وَ سَهَّلَ لَکَ الْحُزُونَةَ وَ قَرَّبَ لَکَ الْبَعیدَ وَ کَفٰاکَ الْمُهِمَّ وَ حَفِظَ لَکَ دینَکَ وَ اَمٰانَتَکَ وَ خَوٰاتیمَ عَمَلِکَ وَ وَجَّهَکَ لِکُلِّ خَیْرٍ عَلَیْکَ بِتَقْوَی اللّٰهِ اَسْتَوْدِعُکَ اللّٰهَ سِرْ عَلیٰ بَرَکَةِ اللّٰهِ و در روایت دیگر منقول است که در این وقت میفرمود که اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دینَکَ وَ اَمٰانَتَکَ وَ خَوٰاتیمَ عَمَلِکَ وَ وَجَّهَکَ لِلْخَیْرِ اَیْنَمٰا تَوَجَّهْتَ وَ زَوَّدَکَ التَّقْویٰ وَ غَفَرَ لَکَ الذُّنُوبَ و در روایت منقول است که جمعی از اصحاب نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمود که اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنٰا ما اَسْلَفْنٰا وَ مٰا نَحْنُ مُذْنِبُونَ وَ ثَبِّتْنٰا وَ اِیّٰاهُمْ بِالْقَوْلِ الثّٰابِتِ فِی الْآخِرَةِ وَ الدُّنْیٰا وَ عٰافِنٰا وَ اِیّٰاهُمْ مِنْ شَرِّ مٰا قَضَیْتَ فی عِبٰادِکَ وَ بِلٰادِکَ فی سَنَتِنٰا هٰذِهِ الْمُسْتَقْبِلَةِ وَ عَجِّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَلِیِّهِمْ وَ اَخْزِ عَدُوَّهُمْ عٰاجِلاً و در حدیث معتبر دیگر منقول است که مسافر را سنت است که چون از سفر برگردد که برادران مؤمن خود را ضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است

چون کسی از سفر آید برای اهل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود کسی که از مکه می آید تَقَبَّلَ اللهُ مِنْکَ وَأَخْلَفَ
عَلَیْکَ نَفَقَتَکَ وَغَفَرَ ذَنْبَکَ و در حدیث دیگر منقول است که هر که دست در کردن حاجی کند وقتی
که پاک از گناه بر سد چنان است که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقول است که
چون کسی از سفر بیاید و سزاوار آن است که مشغول کاری نشود تا غسل کند و دو رکعت نماز
کند و به سجده رود و صد مرتبه شکر الهی بگوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول صلی الله
علیه و آله اول به سینه خود چسبانید و میان دو چشمان او را بوسید و اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله
چون بیکدیگر میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می آمد دیگران دست
در کردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال مؤمنان
مستحب است و از برای مشایعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر میتوان کرد و روزه ماه مبارک
رمضان را نمی توان خورد **فصل دوازدهم** در آداب اسب تاختن و تیر انداختن و در احادیث وارد
شده است که مسابقت کردن و بندی جایز نیست مگر در اسب و الاغ و شتر و فیل در احادیث معتبره
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اسب را بکرد تاختن و کرد انجیند او قیه
نقره بستند که هر اوقیه تخمینا بیست مثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که سواری بکنید و تیر اندازی بکنید و تیر اندازی را دوست میدارم از سواری کردن
و فرمود که هر لهوی و بازی که مؤمن کند باطل است مگر در سه چیز در تأدیب و تعلیم اسب کردن
و تیر انداختن و بازن خود بازی کردن که اینها حق است و بدرستی که یک تیر که در راه خدا بیندازی
حق تعالی سه کس را می آمرزد آن کسی که آن تیر را ساخته است و آن کسی که آن تیر را جهاد کننده
بخشیده است و آن کسی که آن تیر را جهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقول است که ملائکه
میگریزند در هنگام گرو بندی و لعنت میکنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل و الاغ
با اسب و استر و الاغ و شتر و فیل جایز است و گرو بستن بکبوتر پرانی که کدام یک دورتر میرود
یا بر کشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا اینکه دو کس گرو ببندند و بدوند

و بدوند که کدام یک پیشتر برود یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بزمین بزند یا در برداشتن
چیزهای گران جایز نیست اما آنکه بی گرو بندی خلافست و جایز بودن اینها قوی تر است خصوصا
در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بجواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقولست که شبی
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بخانه حضرت فاطمه ع آمدند و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما
با عفریت بودند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله با آن دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید
پس ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه ع بی کاری بیرون رفتن چون برگشتن شنیدند
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمایند که ای حسن ع یکبر حسین ع را و بر زمین انداز حضرت فاطمه ع فرمود که ای پدر
چرا حسین ع را امر نمیفرمائید در گرفتن حسن ع حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ای دختر اینک جبرئیل ع
میگوید که ای حسین حسن ع را بگیر و بزمین انداز و بابا چنین میگویم و در فقه الرضا ع منقولست که زنهار
چوگان بازی مکن که در آن حال شیطان با تو میتازد و فرشتگان از تو نفرت میکنند و اگر کسی
در آن حال بچهار پا نشیند بسر در آید او همیشه در جهنم میرود و بدانکه در گرو بستن مطلقا شرط است که آن مال را
که قرار میکنند برای کسی قرار کنند که پیشی گیرد و پس اگر از برای آن کسی قرار کنند که پس مانده
جایز نیست چنانچه متعارف است که دو کس با یکدیگر گرو می بندند و دو کس تیر می اندازند
یا اسب می تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان قرار کنند که هر که بیشتر ببرد یا بیشتر میزند
این قدر میدهم جایز است و همچنین اگر کسی مالی بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که
بیشتر ببرد و از این دو کس که می تازند جایز است و همچنین جایز است که آن دو کس که می تازند جایز است
و همچنین جایز است که این دو کس که می تازند هر یک مالی بدر آورند و بگویند که این هر دو مال از
آن است که پیشتر برود و دو شرط است در گرو دوانیدن موافق میان علما چند شرط است اول
آنکه تعیین کنند ابتدای او و انتهای مسافتی را که در آن می تازند که اسب هر یک که در این
مسافت پیشی گیرد او برده است دویم آنکه مالی را که گرو بر آن مال می بندند مقدار و جنس
آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلا است یا غیر آن سیم آنکه
حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند معین کنند بدیدن و بعضی را اعتقاد آن است که اگر تعیین

آن با دطاف بکنند جایز است چهارم آنکه هر یک از آنها محتمل باشد بحسب عادت که بر دیگری پیشی
گیرد پس اگر حیوان بسیار کم باشند که ماده برآن پیشی نمی تواند گرفت جایز نیست پنجم آنکه آن دو حیوان
که میتازند از یک جنس باشند که هر دو اسب باشند یا هر دو استر مثلا پس اگر اسب را با استر یا
الاغ یا شتر یا فیل بتازند جایز نیست و در این شرط خلافست در نزد فقیر ثابت نیست ششم
آنکه هر دو را یکمرتبه بتازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از یکی دیگر بتازد جایز نیست موافق
مشهور میان علما هفتم آنکه سوار بتازند و بدوانند اگر اسبها را بی آنکه سوار شوند بدوانند
جایز نیست بنابر این که دربستن هشتم مسافتی یقین کنند که پیشی از رسیدن بمنتهای آن مسافت
آن چهارپایان مانده نشوند نهم آنکه آنها که با هم میتازند مردان باشند نه زنان دهم
آنکه هر دو در وقت تاختن برابر یکدیگر ایستاده باشند و در این شرط خلافست و اظهر آن
است که اگر یکی پیشتر از یکی ایستاده باشد جایز است و ده اسب را که با یکدیگر بتازند در
میان عرب هر یک نامی دارد آنکه از همه پیشتر رود آنرا مجلی گویند و آنکه از آن پس مانده و سبقت
بر دیگران پیش گرفته است آنرا مصلی میگویند و بعد از آن را تالی میگویند و بعد از آنرا
بارع میگویند و بعد از آن مرتاح میگویند و بعد از آن را حظی میگویند و بعد از آن را عاطف
و بعد از آن را مؤمل و بعد از آن را لطیم و بعد از آن را که دهم است فسکل میگویند که از همه
پس مانده است و از برای همه جایز است چیزی قرار دهند بغیر از آخر پس اگر این ده سبب
همه یکمرتبه با ضعیدان برسند از برای هیچیک چیزی نخواهد بود و بدانکه گرو بر شمشیر
و نیزه و تیر جایز است و در تیر انداختن چند شرط است بحسب مشهور میان علما اول
آنکه تعیین کند که چند تیر که بزند برده است دویم آنکه تعیین کند که این چند تیر را در میان
چند تیر بزند سیم آنکه تعیین کند که این چند تیر را در میان چند تیر بزند سیم آنکه تعیین
کند که بچه نحو بخورد بر نشانه یکی آنها بعد از این بیان خواهیم کرد چهارم آنکه تعیین
کند که از نشانه چه مقدار دور باشد پنجم آنکه تعیین کند بزرگی نشانه را و موضع آنرا
از آماج خانه ششم آنکه کمان و تیر هر دو از یک جنس باشند و در این شرط خلافست که بعضی گفته اند
واقوا آن است که شرط نیست اما اولی است که در کمان نیست که کمان و تیر معین اشرط بلکه

شاه لاغری ... نند با حیوانی که بسیار تند روی فربه که معلوم ۲

بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین بکنند باطل است هفتم آنکه یا مبادره باشد یا محاطه و مبادرت آن است
که شرط کنند که هر که در عرض بیست تیر پنج تیر را پیشتر بزند برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی از
ده تا پنج تا زیاده بر نشانه زد و دیگری چهار تا را زد آنکه پنج زده است برده است و اگر هر یک پنج تیر را زدند هیچ یک
از دیگری نبرده است و محاطه آن است که شرط کنند که در عرض بیست تیر مثلا آنچه زده اند هیچ یک از دیگری
نبرده است و محاطه آنست که شرط کنند که در عرض بیست تیر مثلا آنچه زده اند از هم بدر برند اگر یکی پنج
تیر مثلا از دیگری بیشتر زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بیندازند و یکی پانزده تیر را بر نشانه
زده باشد و یکی ده تیر بر نشانه زده آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر از دو دیگری ده تیر
هیچ یک نبرده اند و احوط آن است که در اول یکی از این دو صورت را تعیین کنند تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست
که زدن نشانه بچند قسم میباشد اول خاسق یعنی اول بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه بخورد دویم خاصر
یعنی بر یکی از دو جانب نشانه متصل شود سیم خازق که نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود چهارم خاسق که نشانه
سوراخ کند و بند شود پنجم سارق که بر نشانه خورد و از طرف دیگر بدر رود ششم خاذم که بولهای نشانه
بدرد و در میان نشانه فرو نرود و پس باید که در اول شرط کند که بکدام نحو بزند برده است و اگر شرط
کند که بمیان نشانه فرو رود و چنان بزند که از جانب دیگر بجهد برده است و همچنین هر که بیست تیر شرط کند
و بیست تیر بزند برده است و باید دانست که در تیر اندازی و گرو دوانی محلل میباشد یعنی کسی که با ایشان
شریک میشود و اگر غیر دخصه ببرد و اگر ببازد چیزی ندهد و بهتر آن است که اگر هر دو مال بیرون
آورند برای گرو بندی چنین کسی را با خود شریک کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی
از آنها این عقد را با این شرطها که مذکور شد بلفظ در آورد و دیگری قبول کند و سنت آن است که
در هنگام تیر انداختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در
راه خدا و تقویت دین و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند
و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله اصحاب خود را امر نمودند که
اسب تاختن را گرو بسته می شد از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقول است که بر صد و
بیست و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برمی گشتند با اسامه بن زید شتر بگرو

دوانیدند وجناب مقدس نبوی صلی الله علیه وآله از لعب وبازی منزه ومبرا بودند بلکه از برای تقویت
دین اسلام وتحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله بود که ازان بر مسلمانان ومخالفان بر شیعیان مستولی
نشوند وجان ومال وعرض مردم از شر اشرار محفوظ باشد وجهادی که در زمان غیبت امام علیه السلم
میباشد آن است که رفع شر کافران ومخالفان از شیعیان بکنند واگر جمعی از مخالفان یا کافران
بر سر کروهی از شیعیان بیایند بر آن جماعت واجب است که جهاد کنند در دفع آنها واگر کشته بشوند
شهید اند واگر عاجز باشند بر جمیع مؤمنان واجب است که مدد ایشان بکنند ودر دفع آن کافران
بکوشند ودر احادیث معتبره وارد شده است که کسی که برای دفع ظلم از خود یا مال خود کشته شود
شهید است ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که تمام خیرات در
شمشیر وزیر سایه شمشیر است وشمشیر اهل حق کلید بهشت است وشمشیر اهل باطل کلید
جهنم است ودر حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که بهشت دری هست که آن در را باب المجاهدین
میگویند آنها که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی آن در میروند ومی بینند که برای ایشان
گشوده اند وملائکه ایشان را مرحبا میگویند وفرمود که حق تعالی مرا عزیز کردانیده است بسم اسبان
ایشان وسنان ونیزه های ایشان وفرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت تو در راه خدا جهاد
کند ویک قطره باران یا درد سر بیابد هر سبب ثواب شهادت در نامه عملش نوشته شود ودر حدیث
معتبر منقول است که لشکر معاویه علیه اللعنة والعذاب الشدید در زمان حضرت امیر المؤمنین ع
بر انبار که محلیست در حوالی کوفه غارت کردند آنحضرت خطبه خواندند که بعضی از فقرات خطبه
ترجمه میشود بدرستی که جهاد کردن برای خدا دریست از درهای بهشت که حقتعالی برای مخصوصان
دوستانش گشوده است ونعمتی است که برای ایشان ذخیره کردانیده است وجهاد زره حفظ نماینده
حق تعالی وسپر محکم الهی است پس هر که ترک کند جهاد را با قدرت بر آن حق تعالی بر او جامه مذلت
وخواری بدو بپوشاند وبلائی او را فرو گیرد وحق شنودی از او دوری کند ودر دیده ها حقیر وبیمقدار
کردد ودر راه اندیشه بر دلش بسته شود ومغلوب حق کردد وباو با انصاف وعدالت سلوک نکنند وبدرستی
که من شما را مکرر خواندم بجهاد ای کروه در شب ودر روز وآشکار وپنهان وگفتم که با ایشان جهاد
کنید پیش از آنکه بجنگ شما آیند قبول نکردید والله که هر کروهی که در میان دیار وملکت ایشان با

با ایشان جنگ کنند البته ایشان ذلیل وبیقدر میشوند در دنظرها پس سستی ورزیدید وبا یکدیگر حواله کردید
تا آنکه غارتها بر شما آوردند ووطنهای شما را مالک شدند اینک سردار معاویه بلشکرش با نبار آمده وحسان
کشته ولشکر شما را کوفته وشنیده ام که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی یا کافری که جزیه میدهد آمده
ودست ورنج وخلخال وزینت او را میکنده است واو چاره بجز تضرع وعجز کردن نداشت انا لله وانا
الیه راجعون کفتن نداشته است پس اکر برکشته اند آن طاغیان با مال فراوان وهیچیک از ایشان جراحتی
برنداشته وخونی از ایشان بر زمین نریخته است پس اکر مرد مسلمان بعد از چنین مصیبتی بمیرد واز حزن
وتأسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم تعجبی که دل را می
میراند وغمها را جمع میکند از جمعیت این جماعت در دین باطل خود وپراکندگی شما از دین حق پس بدا
حال شما که گردیده اید مهیا از برای شما که نشان تیر دشمنان کردیده اید بر شما غارت میکنند وشما
بر ایشان غارت نمی برید وبجنگ شما می آیند وشما بجنگ ایشان نمی روید واین قسم نافرمانی خدا
میکنید وشما راضی میشوید اکر در تابستان بجنگ میگویم بروید میگوئید این شدت گرما است واکر
در زمستان میگویم بروید میگوئید که این شدت سرما است ما را مهلت ده که سرما برطرف شود
هرگاه شما از گرما وسرما میگریزید پس از شمشیر بیشتر خواهید گریخت ای مردمان چند که مثل مردان نمی
طفلها وزنان دارید کاش هرگز شما را ندیده بودم وشما را نمی شناختم دلم را از حیرت ریش کردید وسینه ام را از خشم
کردید وبسکه مرا نافرمانی کردید رای مرا ضایع کردید تا قریش میگویند که پسر ابو طالب شجاع است اما علم بجنگ
نمید اند کو از من دانا تر است بجنگ وکی از من بیشتر جنگ کرده است هنوز بیست سال نداشتم که
شروع بجهاد کردم واکنون از شصت سال گذشته ام اما کسی را که فرمان نبرند چه رای بکار
برد ودر حدیث دیگر فرمود که حق تعالی جهاد را واجب ساخته وعظیم شمرده وآنرا موجب نصرت
یاری خود کردانیده والله که دین ودنیا باصلاح نیاید مگر بجهاد واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است
که هر که بغلام جهاد کننده کارش را باهلش برساند چنان است که بنده آزاد کرده باشد ودر ثواب
جهاد او شریک باشد ودر حدیث دیگر فرمود که جهاد کنید که باعث عزت ونیکوکاری
فرزندان شما میشود خاتمه در بیان بعضی آداب متفرقه وفواید نافعه از حضرت امام جعفر

صادق منقولست که بسیار است که بعضی از شیعیان ما در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند
بسم الله الرحمن الرحیم را پس حق تعالی ایشان را امتحان مینماید به بلائی که متنبّه شوند و بیاد آورند
و شکر الهی را و ثنا بر او را و حقتعالی بسبب آن بلا محو می‌نماید از ایشان منقصت آن تقصیری که از ایشان
صادر شده است پس باید که آدمی در ابتدای هر کاری افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حق تعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن میوهٔ آن درخت
بهشت گفت بلی پروردگارا و نگفت ان شاء الله پس الآن درخت خورد و بیرون از بهشت بیرون آمد
پس حق تعالی فرمود که پیغمبر شرا که وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ
رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ پس فرمود که یعنی مگو هر چیزی که این را میکنم فردا تا آنکه مقیّد بمشیّت الهی کرده‌ای
که بگوئی که مگر آنکه خدا خواهد که نکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه که فراموش کنی او را یعنی هرگاه
که گفتن ان شاء الله را فراموش کنی هر وقت که بخاطرت بیاید بگو اگرچه بعد از یک سال باشد و در حدیث
معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که نه چیز است که کردن آنها موجب غلبهٔ
فراموشی است خوردن سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیم خوردهٔ موش و بول کردن در آب ایستاده
و خواندن نوشتن قبرها و راه رفتن در میان دو زن و شپش را انداختن و حجامت کردن در گودی پشت
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که سه چیز است حافظه را زیاد میکند مسواک کردن
و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث معتبر از آن حضرت منقول است که روزی آن حضرت غمگین
شدند و فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین شده‌ام بر عتبهٔ در نشستم و در میان گله گوسفندان نگذشتم
و زیر جامه را ایستاده نپوشیده‌ام و دست و رو را بدامن جامه پاک نکرده‌ام و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که ده چیز است که اندوه را برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن
و سبزه را نظر کردن و مسواک کردن و سر شستن با خطمی و نظر بروی زن مقبول کردن و خوردن
و آشامیدن و جماع کردن و با مردان سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که چند چیز است که باعث پریشانی میشود و چند چیز است که باعث توانگری میشود اما آنها که موجب فقر
و پریشانی میشود تار عنکبوت در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حال جنابت نان خوردن

خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه را در خانه گذاشتن و قسم دروغ خوردن
و زنا کردن و از طعام حرص کردن و خواب کردن در میان نماز شام و خفتن و خواب کردن بعد از صبح و پیش از طلوع
آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا و خوانندگی شنیدن و مردی که در شب سؤال کند و چیزی بدهد و خرج را
زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی کردن و اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال میشود
نماز پیشین و پسین و نماز شام و خفتن را یکدیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد نماز عصر
تعقیب خواندن و با خویشان نیکی و احسان کردن و پشت خانه را جاروب کردن و مال خود را
با برادران مؤمن قسمت کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و استغفار بسیار کردن
و خیانت در مال مردم نکردن و سخن و حق گفتن و آنچه مؤذن در اذان گوید از پی او گفتن و در بیت الخلا
سخن نگفتن و حرص در طلب دنیا نداشتن و شکر کسی که نعمتی بر این کس داشته باشد کردن و از قسم دروغ
اجتناب کردن و پیش از طعام دست شستن و ریزهٔ سفره که از آن ریزد خوردن و هر که هر روز سی مرتبه سبحان
الله بگوید حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دور کند که کمتر آنها پریشانی باشد و در حدیث دیگر معتبر از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در مدح ما اهلبیت شعری بگوید حق تعالی برای او خانه
در بهشت بنا کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که در مدح ما بیتی یا شعری بگوید مؤید بروح القدس
گردد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر مؤمن که یک بیت شعر بگوید در
مدح اهل بیت حق تعالی برای او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از برابر هفت دنیا باشد و چون
در آن شهر درآید هر ملکی مقرّبی و هر پیغمبر مرسلی بدیدن او بیایند و در حدیث معتبر دیگر منقول است
از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله که شکم کسی پر از چرک و ریم باشد بهتر از آنکه پر از شعر باشد
و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود که انچه ریزی خوردن در
حال جنابت و فرمود که موجب پریشانی است و نهی فرمود که از گرفتن ناخن بدندان و مسواک
کردن در حمام و آب بینی انداختن در مسجد و نیم خوردهٔ موش و فرمود که مسجدها در راه میکنید
که از ایشان میکشیدی بروی آید و از در دیگر بیرون روید مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید و نهی کرد که بول
کنند در زیر درختان میوه‌دار و یا در میان راه و نهی کرد از اینکه بدست چپ یا پهلو تکیه کرده چیزی بخورند و نهی فرمود

دیگر مالیدن قبرها و نماز کردن در قبرستانها و فرمود که هر که در فضای غسل کند با حذر باشد که عورتش ننماید و نهی نمود از آب خوردن در شکستگی
دستهٔ کوزه که در آنجا چرک جمع میشود و نهی فرمودن از بول کردن در آب ایستاده که باعث بر طرف شدن عقل است و نهی فرمود از آنکه
کسی با یکتای نعل راه رود و یا ایستاده نعل بپوشد و نهی فرمود آنکه کسی بول کند در حیض محاذی آفتاب یا ماه و فرمود که چون داخل بیت الخلا شود
اجتناب کنید از نشستن رو بقبله و پشت بقبله و نهی فرمود از تربه بلند و نوحه کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان از پی جنازه و نهی
فرمود از آنکه محو کنند چیزی از قرآن با آب دهان یا آنکه چیزی از قرآن با آب دهان بنویسد و نهی کرد از خواب
دروغ بستن و فرمود که هر که چنین کند حق تعالی او را تکلیف میکنند که بر جو گره بزند و نتواند
و باین سبب معذب باشد و نهی فرمود از ساختن صورتها و فرمود که هر که صورتی
سازد حق تعالی او را در قیامت حکم کند که جان در آن صورت بدمد و نتواند و نهی فرمود
از آنکه حیوانی را بآتش بسوزانند و نهی فرمود از دشنام دادن خروس زیرا که از برای نماز بیدار کند
و نهی فرمود از آنکه مؤمنی خواهد که چیزی بفروشد و یا بخرد دیگری بیاید و بگوید من متاع بهتر دارم از من بخر یا این متاع بیشتر
میخرد و نهی فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که از این میباشد لال بودن فرزند
و فرمود که خاکروبه شب در خانه مگذارید و زود بیرون برید که شیطان در آنجاها
میکند و نهی فرمود از آنکه در شب کسی بخوابد با دست طعام آلوده پس اگر چنین کند شیطان او را
دیوانه کند و نهی کرد از آنکه کسی استنجا کند یا سرگین یا استخوان و نهی فرمود از آنکه زن بی رخصت
شوهر از خانه بیرون رود پس اگر بیرون رود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها و هر که
بر او بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از آنکه زن برای غیر شوهر
محرمان خود زینت کند یا در آن هیچ کلمه ضروری سخن نگوید و نهی فرمود که از آنکه زنی در پهلوی زن دیگر
بخوابد و جامه در میان ایشان حایل نباشد و نهی فرمود که از آنکه زنی نقل کند آنچه خلوت میان
او و شوهرش کذشته است و فرمود که آنکه کسی با زن خود در برابر قبله جماع کند و نهی فرمود از
آنکه در میان راه جماع با زن خود کند پس اگر چنین کند خدا و ملائکه و همه مردمان او را لعنت کنند
و نهی کرد از آن که بنزد جماعتی که خبرهای آینده می دهند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان
کذاب و هر که بنزد ایشان رود و تصدیق کند ایشان را پس از دین بیزار شده است از چیزهائی

انچیزهای که بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله نازل شده است و نهی فرمود که
از بازی کردن نرد و شطرنج و طبل و تنبک و طنبور و عود و نهی فرمود کم از غیبت کردن
و گوش دادن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود که سخن چین به بهشت نمی رود
و نهی فرمود از رفتن بضیافت فاسقان و نهی فرمود از قسم دروغ و فرمود که اهل خانه‌ها را
از خانه‌ها بدر می اندازد و فرمود که هر که قسم دروغ بخورد برای آنکه مال مسلمانان ببرد
در قیامت خدا با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را واپس بدهد و نهی
فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و فرمود از آنکه کسی زن خود را بحمام فرستد
یعنی در بلادی که احتیاج بحمام نداشته باشد و نهی فرمود از داخل شدن حمام بی لنگ و نهی
فرمود از طپانچه زدن در وقت مصیبت و نهی فرمود از سخن گفتن که آدمی را از یاد خدا غافل
کند و نهی فرمود از آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نهی فرمود از فروختن درخت
پیش از آنکه زرد یا سرخ شود و نهی فرمود از آنکه رطب را در درخت بخرما بفروشند
و انگور را در درخت بمویز بفروشند و نهی فرمود از فروختن آلت شطرنج و نهی فرمود از
خریدن و خورانیدن شراب و فرمود که حق تعالی لعنت کرده است شراب را و آنکه درخت
انگور را بقصد شراب میکارد و آنکه انگور را برای شراب میفشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی
میشود و آنکه می فروشد و آنکه میخرد و آنکه قیمتش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه از برای او
می برد همه ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر
بمیرد و در شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند باو از آنچه از فرج زناکار
از چرک و ریم بیرون آمده و سالها در دیگ جهنم جوشیده پس چون بخورند بگدازد احشا
و امعا و پوست ایشان را و نهی فرمود از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از نوشتن
کاغذ سود و لعنت کرده است خدا که خورنده سود را و دهنده و نویسنده سود و گواه سود را و نهی
فرمود از مسافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی فرمود از خواندن در مسجد و برای گم شده فریاد
کردن در مسجد شمشیر برهنه کنند و از آنکه چیزها بر دیوارها نویسند و نهی فرمود از آنکه

کسی بصورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دانسته نظر بصورت مسلمانی کند هفتاد هزار ملک
او را لعنت کنند و نهی فرمود از آنکه زنی بصورت زنی نظر کند و نهی فرمود از آنکه بد مند در طعام
یا در موضع سجده و فرمود از نماز کردن در قبرستان و در میان راه و در آسیاها و در وادخانها و
در جاها که شتران را بندند و بر بام کعبه معظمه و نهی فرمود از کشتن مگس عسل و از داغ کردن بروی
چهارپایان و نهی فرمود از آنکه قسم بغیر خدا بخورد و فرمود که هر که بغیر خدا قسم بدروغ بخورد از رحمت
خدا دور باشد و نهی فرمود از قسم یاد کردن بسوره قرآن و فرمود که هر که بسوره از قرآن قسم یاد
کند بهر آیه یک کفاره لازم است خواه راست قسم خورده باشد خواه دروغ علما باستحباب حمل کرده اند
کفاره را و نهی فرمود از آنکه کسی قسم بخورد بجان تو و بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در مسجد
بنشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در شب و روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه
و روز جمعه و نهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند تا اگر چنین کند
او را ثواب جمعه کامل نیست و نهی از انگشتری بیخ و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه صورت
حیوان در نگین نقش کنند و نهی فرمود از نماز نافله کردن نزد بیرون آمدن آفتاب و فرو رفتن آفتاب
و نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه یوم بعد از عید
قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بدوش چهارپایان دهن بآب گذارند
و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود بردارید و بیاشامید که بهترین ظرفهای شماست و نهی
فرمود از آنکه از آب دهان انداختن در چاهی که آب از آن خورند و نهی فرمود از آنکه مرد در ری لکاد
فرمایند بیش از آنکه مزد بقرار کنند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یکدیگر بآرزوی دوری کنند و اگر
ناچار باشد زیاده از سه روز نکشد که هر که چنین کند آتش جهنم با و اولی است و نهی فرمود از آنکه طلا را
بطلا و نقره را بنقره بفروشند یا زیادتی بلکه می باید برابر یکدیگر بفروشند و نهی کرد از نهی کردن
مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک میپاشید بروی مدح کنندگان و فرمود که هر که فرد یکی مزدوری
ظلم کند در مزد او خدای تعالی ثواب اعمالش را ضبط کند و بوی بهشت را برای او حرام کرده اند و فرمود
که هر که قرآن را یاد گیرد و از روی بی اعتبار فراموش کند در قیامت دستها بریده در گردنش بسته
باشند و حق تعالی بهر آیه ماری بر او مسلط کند مگر آنکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هر که

یا علی مدد کن

که هر که قرآن را بیاموزد و پس بعد از آن حرامی را بخورد یا محبت دنیا و زینت دنیا بر عمل کردن بقرآن
اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد روز قیامت با او خصمی کند و
هر که زنا کند با زن مسلمانی یا زن ترسا یا جهودی یا گبری خواه آزاد باشد آن زن خواه بنده و بی
توبه بمیرد حق تعالی در قبرش سیصد در از جهنم بگشاید که از آن ها مار و عقرب و اژدها
از جهنم بقبرش درآیند و او را آتش سوزد تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود
مردم از گند او متاذی باشند و همه کس او را باین عمل قبیح بشناسند تا بجهنم رود و فرمود که هر که در
خانه مؤمنی نظر کند که عورات مستور او مطلع شود خدا محشور گرداند با منافقان که عیبهای مسلمانان را
تفحص میکردند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که
راضی باشد بآنچه خدا روزی او کرده است و شکایت کند و از خلط بر تنگی روزی نکند
هیچ حسنه از آن بالاتر ندارد در قیامت خدا از او در خشم باشد مگر آنکه توبه کند و فرمود که
هر که ظلم کند بر زنی که مهر او را ندهد او نزد خدا زناکار است و حق تعالی در قیامت با و عذاب
میفرماید که من کنیز خود را بعقد تو درآوردم به مهر و پیمانی تو وفا به پیمان نکردی و بر کنیز
من ستم کردی پس از حسنات او بگیرند و در عوض مهر بآن زن بدهند و اگر حسنه اش تمام شود
او را امر کنند که بجهنم برند و نهی فرمود از پوشیدن گواهی و فرمود که هر که گواهی نزد او باشد و بپوشاند
حق تعالی در قیامت در حضور خلایق گوشت بدن او را بخورد او دهند و فرمود که جبرئیل پیوسته
مرا وصیت میکرد در باب حق همسایگان که من گمان کردم که حق ای مقرر خواهد کرد که چون آن قدر خدمت
کنند آزاد کنند و وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت
میکرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در اصل شب نخواهند خوابید و فرمود
که هر که سبک شمارد مسلمان فقیر را حق خدا را سبک شمرده است و حق تعالی در قیامت
او را سبک شمارد مگر آنکه توبه کند و هر که مسلمانی پی چیز را گرامی دارد در قیامت خدا از او راضی
و خوشنود باشد و هر گناهی که خواهش حرامی او را پیش آید و از ترس خدا آنرا ترک کند حق تعالی
جهنم را برو حرام کرده اند و او را از ترس بزرگ قیامت ایمن کرده اند و در بهشت که در

سیاهیهای او قرار گرفتند و ادراد و در صف عیسی
در باب علمان و کسیزان که مرسی کاری

قرآن ادبا را و علما را فرموده باد عطا فرماید و هر که در دنیا و آخرت متردد شود پس دنیا را بر آخرت
اختیار کنند او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت را بر دنیا اختیار کند
خدا از او خوشنود شود و گناهانش را بیامرزد و هر که چشمش را پر کند از نظر بسوی کسی که بر او
حرام باشد دیدن او حق تعالی در قیامت دیدهٔ او را از آتش پر کند مگر آنکه توبه کند و هر که معانقه
کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هر که زنی را بحرام در بر گیرد او را با شیطان در
یک زنجیر کند با آتش در جهنم و هر که فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروخت از ما نیست و در قیامت با
یهودان محشور شود و فرمود که هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نکند
تا او را از خود راضی نکرد اگر چه هر روزها روزه و شبها بنماز ایستاده و بندهها آزاد کرده و مردان
را بر اسبان سوار کرده بجهاد فرستاده همچنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که خشمی
کسی فرو خورد که تواند از او انتقام بکشد حق تعالی باو ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی فرموده خیانت
کردن در اموال مردم و فرمود هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و باهلش نرساند تا مرگش
در یابد بر غیر ملت من مرده است حق تعالی در قیامت از او در خشم باشد و هر که شهادت ناحقی
بر احدی از مردم بدهد حق تعالی او را بزبانش در آویزد و در درک اسفل جهنم با منافقان
باشد و هر که مالی خیانتی و ابسته چنان است که خود خیانت کرده باشد و هر که مال مسلمانی
را حبس کند حق تعالی برکت روزی را بر او حرام کرده مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی بشنود
و آنرا فاش کند چنان است که خود کرده است و هر که برادر مسلمانش با و محتاج باشد در قرض و قادر
باشد و ندهد حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام کند و هر که صبر کند از برای خدا بر بدی خلق زن خود
حق تعالی ثواب شکر کنندهگان او را کرامت کند فرماید و هر زنی که بسازگاری و مدارا نکند و او را بیازارد و بر چیزی باشوهر خود
چند که بر آن قادر نباشد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نکند و در قیامت از او در خشم باشد
و هر که گرامی دارد برادر مسلمانی خود را چنان است که خدا را گرامی داشته و نهی فرمود از آنکه
کسی پیشنمازی کند و هی کند که ایشان با و راضی باشند و هر که پیشنمازی کند و بی برضای ایشان بکند
و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه انکه داخل داشته باشد بی آنکه

بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود به نزدیکی از خویشان خود بدیدن او یا برای مالی از برای او ببرد حق تعالی
ثواب صد شهید او را کرامت کند و بهر گامی چهل هزار حسنه برای او نوشته شود و چهل هزار گناه از او
محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد و
هر که از برای کوری از حوایج دنیای او بر آورد از برای او در آن حاجت را رود تا آن حاجت بر آورده شود حق تعالی
بیزاری از نفاق و بیزاری از آتش جهنم با و عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجتهای دنیای او را بر آورد
و پیوسته در رحمت الهی باشد تا بر گردد و هر که یکشب و یکروز بیماری بکشد و بعیادت کنندهگان خود شکایت
نکند حق تعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام مبعوث گرداند تا آنکه از صراط بگذرد مانند برق لامع
و هر که سعی نماید از بیماری در حاجتی خواه بر آورده شود خواه نشود از گناهان بیرون آید مانند کسی که از مادر
متولد شده باشد پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل خانه او باشد آیا ثوابش بیشتر هست
فرمود که بلی و فرمود که هر که از مومنی شدتی و غمی از غمهای دنیا بردارد حق تعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را
از او بردارد و هفتاد بلا از بلاهای دنیا را از او دفع کند که آسان ترا آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی
از او حقی طلبد و قادر باشد ادای آن نباشد و تاخیر کند هر روز گناه تمغاچی برای او نوشته شود و اگر احسانی بر برادر مومن
خود بکند و بر او منت گذارد حق تعالی عملش را ضبط کند و او را ثواب ندهد و حق تعالی میفرماید که من بهشت را حرام
کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و بر سخن چینی و هر که تصدق کند بوزن هر درهمی برای او مثل کوه احد باشد
از نعیم بهشت و هر که تصدق ببرد بنزد محتاجی مثل ثواب آنکس داشته باشد که آن تصدق را داده باشد بی آنکه
از ثواب او چیزی کم شود و هر کسی که آب از دیدههای او جاری شود از ترس خدا بهر قطره که از دیدهٔ او بیرون آید حق تعالی
قصری در بهشت با و عطا فرماید که مزین باشد بمروارید و سایر جواهر و در آن قصر باشد آنچه چشمی ندیده و گوشی
نشنیده و بر خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجدی برود برای نماز جماعت بهر گامی که بر دارد
هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر باین حال او را مرگ برسد
حق تعالی هفتاد هزار ملک برای او موکل گرداند که در قبر او عبادت کنند و مونس او باشند در تنهائی و از
برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای خدا حق تعالی ثواب چهل شهید
و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت او چهل هزار گناهکار داخل بهشت شوند و بدرستی که چون

شود ان اشهد ان لا اله الا الله بکوید بر دهقتاد ملک صلوات می فرستند و از برای او استغفار میکنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و ثواب گفتن
اد اشهد ان محمد رسول الله چهل هزار ملک باشد واگر در نماز جماعت محافظت نماید بر صف اول
و تکبیر اول و آزار مسلمانی نکند حق تعالی مثل ثواب مؤذنان در دنیا و آخرت او را کرامت کند فرماید و فرمود
که هیچ بدی را حقیر مشمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید و هیچکدام نیکی یا بزرگ مشمارید هر چند در
نظر شما بزرگ نماید بدرستی که گناه کبیره نمیماند با استغفار و گناه صغیره نمیباشد با اصرار بلکه چون
بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کبیره میشود و در حدیث دیگر منقول است که نهی فرمود از
کشتن مارها که در خانها می باشد و نهی فرمود از آنکه کسی گوش دهد بسخن جماعتی که نخواهد که او
سخن ایشانرا بشنود اگر چنین کند در قیامت در گوششس سرب خواهند ریخت و نهی فرمود از خندیدن
در قبرستان و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه
کسند که حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمیکند و اعمال ایشانرا قبول نمی نماید
و بعقاب دردناک ایشانرا معذب میکرداند مرد دیوث باشد و کسی که فحش گوید و شنود
و پروا نکند و اگر کسی که چنین را غیبت باشد و از مردم سؤال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیائی که پروا نکند از آنچه میگوید و از آنچه باو
بگویند و چنین کسی را اگر تفتیش کنی از احوال او یا ولد الزناست یا شیطان در نطفه او شریک است
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از پانصد سال میرسد و عاق پدر و مادر شنو
و دیوث آنرا نمی شنوند پرسیدند که دیوث کیست فرمود مردیست که زنش زنا کند و او داند
و تغافل کند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که زنانی که بیکدیگر
مساحقه می کنند در قیامت ایشانرا می آورند و جامها از آتش و مقنعها و زیر جامهای
آتش بر ایشان می پوشانند و عمودی از آتش در شکمش می کنند و در جهنم می اندازند ایشانرا
اول کسی که این عمل کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کافر است بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جادوگر و دیوث و کسیکه با زن حرام

دو فتنه و فساد

بحرام جماع کند و کسی که با حیوانی جماع کند و کسیکه با محرمان خود مانند مادر و خواهر جماع کند و کسیکه سعی کند
و کسیکه حربه بکافران بفروشد و کسیکه زکوة مال خود را ندهد که تنوانائی بر نتیجه داشته باشد و بر او واجب
باشد و نهد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که مست شود از شراب و بعد از آن
تا چهل روز نمیرد و نماز خدا مانند بت پرست باشد و در حدیث دیگر منقول است که در خانه که طنبور
یا عود یا غیر آن از آلتهای ساز یا شطرنج چهل روز بماند مستوجب غضب الهی گردد و اگر در این
چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جای او در جهنم باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که کبوتر که خوانند کی میکند نفرین میکند بر آنها که سازها مینوازند و کنیزان خوانندگان نگاه
میدارند و نی و عود می نوازند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که هر که در خانه او چهل روز طنبور نواخته شود حق تعالی بر او مسلط کرداند شیطانی را که او را قفندر می
گویند پس هیچ عضوی از اعضای او نماند مگر آنکه آن شیطان بر آن بنشیند پس چون چنین شود حیا از او
برطرف شود و پروا نکند از آنکه گوید و شنود و غیرت از او زایل شود تا آنکه اگر داند که با زنانش زنا
میکنند غیرت نورزد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند از تفسیر این آیه کریمه فاجتنبوا
فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ که ترجمه لفظش اینست که اجتناب کنید از نجس و بدکاری
بتهاست و اجتناب کنید از گفتار باطل و فرمود که آن بتها شطرنج است و گفتار باطل غنا است
و خواننده کیست و نرد بدتر از شطرنج است پس نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن
بآن شرک است و یاد دادنش بکسی گناه کبیره است و هلاک کننده است و سلام کردن بکسی
که بازی کند گناه است و کسیکه دست بر میان آن کرد اند چنانست که دست بر میان گوشت
خوک کردانیده است و کسیکه دست بر میان آن کرداند چنانست که دست در میان

کوشت خوک کرداینده است

و کسیکه نظر بسوی او کند چنانست که نظر بفرج مادر خود کرده است و کسیکه نرد بازی کند
بمنزله کسی است که گوشت خوک خورد و کسیکه بی قمار گو و بندی بازی کند چنانست
که دست در میان گوشت و خون خوک گذاشته باشد و حاجت نیست انگشتر بازی
و نحش کریمه و بیش و یکها میچیند و بازی میکنند و اینها و امثال اینها تمام قمار است

یعنی بازی کردن اطفال یک دکان و فرنیطار رضی من نکه شیطان با تو میدود و ملایکه از تو میگریزد
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که با پسری لواطه کند حدش آن است که او را بآتش
بسوزانند یا دیواری بر سرش خراب کنند یا شمشیری بر او بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر
بر آن مرد حرام میشوند و در قیامت او را بحلق بکشند در کنار جهنم تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ
شود پس او را در آتش اندازند پس در هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا باخر طبقات جهنم
برسد و لواطه بدتر از زنا است زیرا که حق تعالی امتی را بزنا هلاک نکرد و بلواطه شهری چند را
هلاک کرده و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که لواطه آن است که در غیر دبر باشد
با پسری عملی بکند و اگر در دبر کند پس آن کفر است بخدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر که باشد بر وطی دبر پسران نمیرد تا آنکه مبتلا شود با آنکه مردم را تکلیف کند
که با او فعل قبیح بکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حق تعالی میفرماید که بعزت و
جلال خود سوگند میخورم که بر استبرق و حریر بهشت نه نشیند کسی که در دبر او وطی کنند و در حدیث
موثق منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت مرا موعظه
بکو فرمود که حق تعالی متکفل روزی همه مردم شده است پس غم خوردن تو برای چیست و اگر روزی
از جانب خدا قسمت شده است پس حرص از برای چیست اگر حساب قیامت حق است جمع
کردن مال برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدهی عوض هست پس بخل ورزیدن برای چیست
و اگر عقوبت خدا آتش جهنم است پس نافرمانی خدا برای چیست اگر همه چیز بر خدا عرض میشود
پس مکر برای چیست و اگر شیطان دشمن تو است پس غافل شدن از برای چیست پس اگر همه کس
بر صراط میباید گذشت پس عجب از برای چیست پس اگر همه چیز بقدر و قضای الهی است پس اندوه دخوشنامی
از برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عابد
ترین مردم کسی است که آنچه خدا بر او واجب کرده است بجا آورد و سخی ترین مردم کسی است
که زکوة مال خود را بدهد و زاهد ترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است ترک
نماید و پرهیزکار ترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه برای و نفع داشته باشد

باشد خواه ضرر و عادل ترین مردم کسی است که از برای مردم بپسندد و آنچه برای خود می پسندد و
از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نمیخواهد و بزرگ ترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند
و محبوب ترین مردم کسی است که بزیر خاک رفته باشد و از عقاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب داشته
باشد و غافل ترین مردم کسی است که از گردیدن احوال دنیا که از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدر ترین مردم
کسی است که دنیا نزد او قدری نداشته باشد و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع
ترین مردم کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب گردد و گرانبهاترین مردم کسی است که علمش زیادتر
تر باشد و کم بهاترین مردم کسی است که رشک مردم برد و کم راحت ترین مردم کسی است که بخیل باشد
و بخیل ترین مردم کسی است که بخل ورزد در چیزی که خدا بر او واجب گردانیده است و اولای مردم
بحق کسی است که عمل بحق کسی است که عمل بحق بیشتر بکند و بیحرمت ترین مردم کسی است که فاسق است
و بی وفاترین مردم پادشاهست و کم دوست ترین مردم پادشاهست و فقیر ترین مردم صاحب طمع است
و بی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی که ایمانش بهتر است خلقش نیکو باشد و
گرامی ترین مردم پرهیزکار ترین مردم کسی که مجادله و منازعه نکند هر چند حق با او باشد و بی
مروت ترین مردم دروغ گویانند و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین مردم نزد خلق
خدا متکبرانند و کسی در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان کرده است و دانا
ترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمند ترین مردم کسی است که با نیکان خلطه
کند و عاقل ترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم کسی است که
بکشند کسی را که قصد کشتن او نداشته و بکشند کسی را که او را نزند و سزاوارترین بعفو کردن
کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر باشد و سزاوارترین مردم بگناه کار کسی است که
در حضور مردم سفاهت کند و غایبانه غیبت کند و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را
خوار کند و کم اندیش ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم
کسی است که مردم از او منتفع شوند باینجا ختم گردانیدیم این رساله را که جمیع شیعیان
حیدر کرار از این نفع یابند و امید که هر کس از شیعیان ناشایق کوثر مطالعه نماید
کاتب را بدعای خیر یاد نماید کتبه العاصی المذنب سید محمد علی حسنی الشهیر ببابای تجلی [illegible]

۱۸۳

لا حول ولا قوة الا بالله تحریراً فی یوم چهارشنبه بیست سیم محرم الحرام قلمی کردید تحریر ا سنه ۱۲۳۳

بازبین شد ۱۳۷۱ ش

غریق رحمت یزدان کسی باد که کاتب را بالحمدی کند یاد

دستم بنویسد خاک که خواهد شدن تباه

باری بیادگار بماند خط سیاه

هر که خواند دعا طمع دارم

زانکه من بنده گنه کارم

غرض نقشیست کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقائی مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در حق این مسکین دعائی

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وآله الطاهرین اما بعد چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرایمهما که این رساله ایست در بیان آنچه از احادیث معتبره اهلبیت رسالت پناه صلوات الله علیهم اجمعین معلوم شود از سعادت و نحوست ایام هفته و ماه جهة ارتکاب و اشتغال باعمال بر وجه اختصار مرقوم میگردد تا آنکه جمعی از خاص شیعیان که در جمیع امور متابعت پیشوایان دین ذلالت میمایند باین رساله رجوع نموده محتاج باختیارات ساعات نجومیه که بحسب شرع مذموم مست نباشد و علی الله المتوکل و هو حسبی الله و نعم الوکیل فصل اول در ایام ماه و اول ماه است علی بن طاوس علیه الرحمه از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیه و علیهما روایت نموده که روز اول حضرت آدم علیه السلام مخلوق گردیده و روز مبارکی است از برای طلب حوایج و از برای رفتن بنزد پادشاهان و طلب علم و زن خواستن و سفر کردن و خرید و فروخت کردن و چهارپایان کرفتن و اگر بنده یا حیوانی در این روز گم شود تا هشت روز بدست می آید و هر که در این روز بیمار شود شفا می یابد و فرزندی که در این روز متولد شود بخشنده و روزی فراخ و بابرکت باشد روز دویم در این روز حوا مخلوق شده است و شایسته است برای زن خواستن و خانه بنا کردن و تمسکات و قبالجات نوشتن و حاجات خواستن و اختیار کارها نمودن و هر که در اول روز بیمار شود بیمار پیش نباشد بخلاف آخر روز و فرزندی که در این روز متولد شود در این روز نیکو تربیت بیابد روز سیم نحس است حضرت آدم و حوا علیه السلام در این روز از بهشت بیرون کردند پس بهترین کارها در این روز آن است که مشغول اصلاح امور خانه خود گردی و تا ممکن باشد برای کاری بیرون نروی و به پرهیز در این روز بنزد پادشاهان رفتن و خرید و فروخت کردن و سایر کارها و هر بنده که در این روز بگریزد بدست آید و هر که در این روز بیمار شود بمشقت افتد و فرزندی که در این روز متولد شود در روزیش تنگی و عمرش دراز باشد و در حدیث سلمان فارسی وارد شده است که روز کل نحس است از برای هیچ کار شایسته نیست روز چهارم روز نیکیست برای زراعت کردن و شکار کردن و عمارت کردن و چهارپایان

یا علی مدد کن

و چهارپایان خریدن و مکروه است سفر کردن پس هر که در این روز سفر کند بیم آنست که کشته شود یا مالش ببرند یا بلائی او را عارض شود و در این روز هابیل متولد شده است و فرزندی که در این روز متولد شود شایسته و مبارک باشد نانده است و هر که در این روز بگریزد یا گم شود یافت او مشکل باشد و پیدا نگردد که او را بدست نتوان آوردن روز پنجم روز نحسیست که در این روز قابیل متولد شده است و در همین روز برادر خود را کشت پس هیچ کار اختیار مکن و از خانه بیرون مرو که هر که در این روز سو کند دروغ خورد جزای خود را بیابد و فرزندی که در این روز متولد شود حالش نیکو باشد و در حدیث سلمان فارسی وارد شده است که در این روز اختیار کاری مکن و بنظر پادشاهان مرو روز ششم روز شایسته ایست برای برآوردن حاجت و زن خواستن و هر که سفر کند در این روز و در دریا و در صحرا برگردد بسوی اهلش با آنچه خواهد و دوست دارد و نیک است از برای خریدن چهارپایان و هر حیوانی و هر بنده که در این روز گم شود و بگریزد پیدا شود و هر طفلی که در این روز متولد شود نیکو تربیت یابد و از آفتها بسلامت باشد و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که شایسته است برای شکار کردن و طلب معاش و هر حاجتی و در روایت سلمان فارسی رحمه وارد شده است که خوابی که در این روز دیده شود بعد از یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود روز هفتم برای همه کار شایسته است و هر که در این روز مشقتی یا کتابت نماید به نیکی بکمال برسد و هر که در این روز بعمارت یا غرس مشغول گردد عاقبتش نیکو باشد و هر طفلی که در این روز متولد شود تربیت نیکو یابد و روزیش فراخ شود و در حدیث دیگر شایسته است برای شکار و طلب روزی روز هشتم شایسته است برای هر حاجتی از خریدن و فروختن و هر که در این روز نزد پادشاهی رود حاجتش برآورده شود و نکرده است در این روز بدریا نشستن و سفر خشکی کردن و بجنگ رفتن و هر طفلی که متولد شود و لادتش شایسته باشد و هر که بگریزد بر آن ظفر نتوان یافت مگر بتعب بسیار و هر که راه گم کند در این روز راه نیابد بمشقت و هر که در این روز بیمار شود تعب بسیار بکشد و در روایت دیگر آنکه شایسته است ... هر کاری مگر سفر کردن و سلمان رضی الله روایت کرده

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب رساله در سعد و نحس ایام
مؤلف متن محمد باقر بن محمد تقی مجلسی محشی
شارح مترجم
تاریخ تحریر ۱۳ ق نوع خط نسخ تعداد سطر ۲۴
موضوع اخبار زبان فارسی عدد اوراق ۱۰
طول ۳۴ عرض ۲۱٫۵ شمارهٔ عمومی ۲۸۷۸۸
وقفی / خریداری محمد ایرانی مجرد
تاریخ وقف ۱۳۵۰ ش نام کاتب
ملاحظات

بازبین شد
۹۰ـ۱۳۷۱ش

۱۱

بازبین شد
۱۳۷۱ش

۱۸۴

لا حول و لا قوة الا بالله ... نحجرا فی یوم چهار شنبه ...

عریق رحمت یزدان کسی باد که کاتب را ...

عرض نقشیست کز ما باز ماند
که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحب دلی روزی برحمت
کند در حق این مسکین دعائی

بسم الله الرحمن ...

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام ع...

الله محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمه ...

رسالت پناه صلوات الله علیهم اجمعین ...

و اشتغال و اعمال بر وجه اختصار مر قوم ...

دین داران میل نمایند باین رساله رجوع ...

نمایند و علی الله المتوکل و هو حسبی الله ...

علیه الرحمه از حضرت امام بحق ناطق جعفر ...

از هر ماه فیک است

روز اول حضرت آدم علیه السلام مخلوق ...

رفتن بنزد پادشاهان و طلب علم و زن خواستن و سفر کردن و خریدن و فروخت کردن و چهار پایان

گرفتن و اگر بنده یا حیوانی در این روز گم شود تا هشت روز بدست می آید و هر که در این روز بیمار

شود شفا می یابد و فرزندی که در این روز متولد شود بخشنده و روزی فراخ و با برکت باشد روز دویم

در این روز حوا مخلوق شده است و شایسته است برای زن خواستن و خانه بنا کردن و تمسکات و

قبالجات نوشتن و حاجات خواستن و اختیار کارها نمودن و هر که در اول روز بیمار شود بیمار بیش سبک

باشد بخلاف آخر روز و فرزندی که درین روز متولد شود در این روز نیکو تربیت بیابد روز سیم روزی

نکبت حضرت آدم و حوا علیه السلام در این روز از بهشت بیرون کردند پس بهترین کار تو در این

روز آن است که مشغول اصلاح امور خانه خود کردی و تا ممکن باشد برای کاری بیرون نروی و به پرهیز در

این روز بنزد پادشاهان رفتن و خریدن و فروختن کردن و سایر کارها و هر بنده که در این روز بگریزد بدست

آید و هر که در این روز بیمار شود بمشقت افتد و فرزندی که در این روز متولد شود در دنیا نیز ... و

بی رنج و ناز باشد و در حدیث سلمان فارسی وارد شده است که روز گل نیست از برای هیچ کار

شایسته نیست روز چهارم روز نیکیست برای زراعت کردن و شکار کردن و عمارت کردن و چهارپایان

باعلم بد کن

و چهار پایان خریدن و مکروه است سفر کردن پس هر که در این روز سفر کند بیم آنست که کشته شود یا مالش را

ببرند یا بلائی او را عارض شود و در این روز هابیل متولد شده است و فرزندی که در این روز متولد

شود شایسته و مبارک باشد ناندده است و هر که در این روز بگریزد یا فقد او مشکل باشد و بنا بجائی

بد که او را بدست نتوان آوردن روز پنجم روز نحسیست که در این روز قابیل متولد شده است

و در همین روز برادر خود را کشت پس هیچ کار اختیار مکن و از خانه بیرون مرو که هر که در این

روز سوکند دروغ خورد جزای خود را بیابد و فرزندی که در این روز متولد شود حالش نیکو باشد

و در حدیث سلمان فارسی وارد شده است که در این روز اختیار کاری مکن و بنظر پادشاهان مرو

روز ششم روز شایسته ایست برای بر آوردن حاجت و زن خواستن و هر که سفر کند در این

روز رود در دریا و یا در صحرا بر گردد بسوی اهلش با آنچه خواهد و دوست دارد و نیک است از برای

خریدن چهار پایان و هر حیوانی و هر بنده که در این روز گم شود و بگریزد پیدا شود و هر طفلی که در این

روز متولد شود نیکو تربیت یابد و از آفتها بسلامت باشد و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است

که شایسته است برای شکار کردن و طلب معاش و هر حاجتی و در روایت سلمان فارسی رحمة

وارد شده است که خوابی که در این روز دیده شود بعد از یکروز یا دو روز تعبیرش ظاهر

شود روز هفتم برای همه کار شایسته است و هر که در این روز مشقی یا کتابت نماید به

نیکی بکمال برسد و هر که در این روز بعمارت یا عروسی مشغول کرد دعا تبش نیکو باشد و هر

طفلی که در این روز متولد شود تربیت نیکو یابد و روزیش فراخ شود و در حدیث دیگر شایسته است

برای شکار و طلب روزی روز هشتم شایسته است برای هر حاجتی از خریدن و فروختن و هر که

در این روز نزد پادشاهی رود حاجتش بر آورده شود و نیک است در این روز بدریا

نشستن و سفر خشکی کردن و بجنگ رفتن و هر طفلی که متولد شود و لادتش شایسته باشد

و هر که بگریزد بر آن ظفر نتوان یافت مگر بتعب بسیار و هر که راه گم کند در این روز راه بیابد

بمشقت و هر که در این روز بیمار شود تعب بسیار بکشد و در روایت دیگر آنکه شایسته

... کارها ... مکه سفر کردن و سلمان رضی الله روایت کرده ...